





في المتن

ر

طور غيرة

ابن طلحة بن  
بالتركي

سورة ابن طلحة







باسط  
 ۷۲۰  
 ۲  
 ۳  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

۷۰  
 ۷۲  
 ۷۴  
 ۷۶  
 ۷۸  
 ۸۰  
 ۸۲  
 ۸۴  
 ۸۶  
 ۸۸  
 ۹۰  
 ۹۲  
 ۹۴  
 ۹۶  
 ۹۸  
 ۱۰۰  
 ۱۰۲  
 ۱۰۴  
 ۱۰۶  
 ۱۰۸  
 ۱۱۰  
 ۱۱۲  
 ۱۱۴  
 ۱۱۶  
 ۱۱۸  
 ۱۲۰  
 ۱۲۲  
 ۱۲۴  
 ۱۲۶  
 ۱۲۸  
 ۱۳۰  
 ۱۳۲  
 ۱۳۴  
 ۱۳۶  
 ۱۳۸  
 ۱۴۰  
 ۱۴۲  
 ۱۴۴  
 ۱۴۶  
 ۱۴۸  
 ۱۵۰  
 ۱۵۲  
 ۱۵۴  
 ۱۵۶  
 ۱۵۸  
 ۱۶۰  
 ۱۶۲  
 ۱۶۴  
 ۱۶۶  
 ۱۶۸  
 ۱۷۰  
 ۱۷۲  
 ۱۷۴  
 ۱۷۶  
 ۱۷۸  
 ۱۸۰  
 ۱۸۲  
 ۱۸۴  
 ۱۸۶  
 ۱۸۸  
 ۱۹۰  
 ۱۹۲  
 ۱۹۴  
 ۱۹۶  
 ۱۹۸  
 ۲۰۰  
 ۲۰۲  
 ۲۰۴  
 ۲۰۶  
 ۲۰۸  
 ۲۱۰  
 ۲۱۲  
 ۲۱۴  
 ۲۱۶  
 ۲۱۸  
 ۲۲۰  
 ۲۲۲  
 ۲۲۴  
 ۲۲۶  
 ۲۲۸  
 ۲۳۰  
 ۲۳۲  
 ۲۳۴  
 ۲۳۶  
 ۲۳۸  
 ۲۴۰  
 ۲۴۲  
 ۲۴۴  
 ۲۴۶  
 ۲۴۸  
 ۲۵۰  
 ۲۵۲  
 ۲۵۴  
 ۲۵۶  
 ۲۵۸  
 ۲۶۰  
 ۲۶۲  
 ۲۶۴  
 ۲۶۶  
 ۲۶۸  
 ۲۷۰  
 ۲۷۲  
 ۲۷۴  
 ۲۷۶  
 ۲۷۸  
 ۲۸۰  
 ۲۸۲  
 ۲۸۴  
 ۲۸۶  
 ۲۸۸  
 ۲۹۰  
 ۲۹۲  
 ۲۹۴  
 ۲۹۶  
 ۲۹۸  
 ۳۰۰  
 ۳۰۲  
 ۳۰۴  
 ۳۰۶  
 ۳۰۸  
 ۳۱۰  
 ۳۱۲  
 ۳۱۴  
 ۳۱۶  
 ۳۱۸  
 ۳۲۰  
 ۳۲۲  
 ۳۲۴  
 ۳۲۶  
 ۳۲۸  
 ۳۳۰  
 ۳۳۲  
 ۳۳۴  
 ۳۳۶  
 ۳۳۸  
 ۳۴۰  
 ۳۴۲  
 ۳۴۴  
 ۳۴۶  
 ۳۴۸  
 ۳۵۰  
 ۳۵۲  
 ۳۵۴  
 ۳۵۶  
 ۳۵۸  
 ۳۶۰  
 ۳۶۲  
 ۳۶۴  
 ۳۶۶  
 ۳۶۸  
 ۳۷۰  
 ۳۷۲  
 ۳۷۴  
 ۳۷۶  
 ۳۷۸  
 ۳۸۰  
 ۳۸۲  
 ۳۸۴  
 ۳۸۶  
 ۳۸۸  
 ۳۹۰  
 ۳۹۲  
 ۳۹۴  
 ۳۹۶  
 ۳۹۸  
 ۴۰۰  
 ۴۰۲  
 ۴۰۴  
 ۴۰۶  
 ۴۰۸  
 ۴۱۰  
 ۴۱۲  
 ۴۱۴  
 ۴۱۶  
 ۴۱۸  
 ۴۲۰  
 ۴۲۲  
 ۴۲۴  
 ۴۲۶  
 ۴۲۸  
 ۴۳۰  
 ۴۳۲  
 ۴۳۴  
 ۴۳۶  
 ۴۳۸  
 ۴۴۰  
 ۴۴۲  
 ۴۴۴  
 ۴۴۶  
 ۴۴۸  
 ۴۵۰  
 ۴۵۲  
 ۴۵۴  
 ۴۵۶  
 ۴۵۸  
 ۴۶۰  
 ۴۶۲  
 ۴۶۴  
 ۴۶۶  
 ۴۶۸  
 ۴۷۰  
 ۴۷۲  
 ۴۷۴  
 ۴۷۶  
 ۴۷۸  
 ۴۸۰  
 ۴۸۲  
 ۴۸۴  
 ۴۸۶  
 ۴۸۸  
 ۴۹۰  
 ۴۹۲  
 ۴۹۴  
 ۴۹۶  
 ۴۹۸  
 ۵۰۰  
 ۵۰۲  
 ۵۰۴  
 ۵۰۶  
 ۵۰۸  
 ۵۱۰  
 ۵۱۲  
 ۵۱۴  
 ۵۱۶  
 ۵۱۸  
 ۵۲۰  
 ۵۲۲  
 ۵۲۴  
 ۵۲۶  
 ۵۲۸  
 ۵۳۰  
 ۵۳۲  
 ۵۳۴  
 ۵۳۶  
 ۵۳۸  
 ۵۴۰  
 ۵۴۲  
 ۵۴۴  
 ۵۴۶  
 ۵۴۸  
 ۵۵۰  
 ۵۵۲  
 ۵۵۴  
 ۵۵۶  
 ۵۵۸  
 ۵۶۰  
 ۵۶۲  
 ۵۶۴  
 ۵۶۶  
 ۵۶۸  
 ۵۷۰  
 ۵۷۲  
 ۵۷۴  
 ۵۷۶  
 ۵۷۸  
 ۵۸۰  
 ۵۸۲  
 ۵۸۴  
 ۵۸۶  
 ۵۸۸  
 ۵۹۰  
 ۵۹۲  
 ۵۹۴  
 ۵۹۶  
 ۵۹۸  
 ۶۰۰  
 ۶۰۲  
 ۶۰۴  
 ۶۰۶  
 ۶۰۸  
 ۶۱۰  
 ۶۱۲  
 ۶۱۴  
 ۶۱۶  
 ۶۱۸  
 ۶۲۰  
 ۶۲۲  
 ۶۲۴  
 ۶۲۶  
 ۶۲۸  
 ۶۳۰  
 ۶۳۲  
 ۶۳۴  
 ۶۳۶  
 ۶۳۸  
 ۶۴۰  
 ۶۴۲  
 ۶۴۴  
 ۶۴۶  
 ۶۴۸  
 ۶۵۰  
 ۶۵۲  
 ۶۵۴  
 ۶۵۶  
 ۶۵۸  
 ۶۶۰  
 ۶۶۲  
 ۶۶۴  
 ۶۶۶  
 ۶۶۸  
 ۶۷۰  
 ۶۷۲  
 ۶۷۴  
 ۶۷۶  
 ۶۷۸  
 ۶۸۰  
 ۶۸۲  
 ۶۸۴  
 ۶۸۶  
 ۶۸۸  
 ۶۹۰  
 ۶۹۲  
 ۶۹۴  
 ۶۹۶  
 ۶۹۸  
 ۷۰۰  
 ۷۰۲  
 ۷۰۴  
 ۷۰۶  
 ۷۰۸  
 ۷۱۰  
 ۷۱۲  
 ۷۱۴  
 ۷۱۶  
 ۷۱۸  
 ۷۲۰  
 ۷۲۲  
 ۷۲۴  
 ۷۲۶  
 ۷۲۸  
 ۷۳۰  
 ۷۳۲  
 ۷۳۴  
 ۷۳۶  
 ۷۳۸  
 ۷۴۰  
 ۷۴۲  
 ۷۴۴  
 ۷۴۶  
 ۷۴۸  
 ۷۵۰  
 ۷۵۲  
 ۷۵۴  
 ۷۵۶  
 ۷۵۸  
 ۷۶۰  
 ۷۶۲  
 ۷۶۴  
 ۷۶۶  
 ۷۶۸  
 ۷۷۰  
 ۷۷۲  
 ۷۷۴  
 ۷۷۶  
 ۷۷۸  
 ۷۸۰  
 ۷۸۲  
 ۷۸۴  
 ۷۸۶  
 ۷۸۸  
 ۷۹۰  
 ۷۹۲  
 ۷۹۴  
 ۷۹۶  
 ۷۹۸  
 ۸۰۰  
 ۸۰۲  
 ۸۰۴  
 ۸۰۶  
 ۸۰۸  
 ۸۱۰  
 ۸۱۲  
 ۸۱۴  
 ۸۱۶  
 ۸۱۸

بعد از آنکه مکافه وانکه مایکوه  
جمله پیراشند ز حرف کاف دون  
خفته ایام از کن فار  
کاف دوه نور نور ز تاب  
کن زامر و امور نور روز  
امور قراقرز نور دل نور  
قراة نور نور و کن حرف جهت  
۶۲ روز زامر کن دانه مکافه یکا  
کن دو حرف مفرد است اما یکا نیست  
سر کن چوه بود در خانه کس یک حرف بس

١٨٠ مائه وثمانه سنة فقهية مباركة  
وفي تاريخ تمامية دفع الشريعة  
وفي عام ثلث يفتح باب الحجاب ١٠٠٣  
وفي سنة ثلث يظهر الحجاب  
الغلط  
اما عام تسعينك سر خطيب  
واشارية قبيلة  
نه سنة بنو الامم نزل الابرار  
فعله الدم يسيل  
دم قري

ملائیاتی	صف	صفر	۷	ط	م	ف	ش	د	حل اسدوس
کلمہ	ربیع	مر	۱۲	۱۲	۱۰۷	۹۶	۴۰۲	۱۰۲	جوز امیزان کو
بدر کھڑ	شعب	نجم	۱۹	۱۰۲	۶۶	۱۸۱	۵۰۲	۹۶۱	مرکان غریب صورت
ماہنامہ	خريف	سمو	۱۰	۷۲	۱۳۱	۲۰۲	۶۰۲	۱۰۶۱	تور سبلہ جی



د	ل	ق	ج	ر	ز
س	ا	و	و	و	و
ر	و	و	و	و	و
ه	و	و	و	و	و
د	و	و	و	و	و
ح	و	و	و	و	و
ل	و	و	و	و	و
ی	و	و	و	و	و

هجو تکبر و سرکشی  
سال دوازدهم  
۱۲۰۲

۲  
دن اهل حساب و لوری  
ده بعض اسرار خفته  
عشر در آینه  
ه منازل  
و مهمات اعداد اصغر  
احاد عشرت مان

طردہ خروعدہ اولہ و غیر  
طردارک - محمد بن افرات  
طایفه طافین اولاد افرات  
و تقریظده بعد اوله

حروف ع ۲۸ حرف واون ایله بره ودر  
قسمت اولقدر حرات رطوبت برودت یسوز  
طعوز وهاوزره در

توافق أبعاد  
كلام فرائض  
استنباط  
والقرقرة  
بب  
٩٠

تكرير هو التضعيف  
ضعف مثل  
ضعفان مثلاً  
اضعاف أسان  
وبه جاء القراء العظيم  
ضرب مفرد في مفرد من كل نوع  
وهو ذلك النوع  
ضرب ٣ في ٣  
مفرد في مفرد  
وغيره من مركب  
وغيره من مركب

عشر  
٥

و هذا هو

د	ل	ق	ج	ر	ز
س	ا	ب	ب	ب	ب
ر	ب	ب	ب	ب	ب
هـ	ب	ب	ب	ب	ب
د	ب	ب	ب	ب	ب
ح	ب	ب	ب	ب	ب
ل	ب	ب	ب	ب	ب
ي	ب	ب	ب	ب	ب

هذا هو القدر والحدود في علم الحساب  
في كتابها علم الاعداد قد افاض الله به على من يشاء  
فقد ظلم

طوكي  
١٣٥٠







۷۸۶

نفسه و سحرخانه صعود این نیک مقدار یومی الی یک سینه اولوز  
و نفسی سحر دنیا واقف اولوز و قیاد صعود آتینانک قدر یومی یک سینه اولوز  
و سوال که یک که واقف اولوز صعود آتینانک مغیوردر یومی شمسدر

۶۶۵  
 ۳۶۶  
 ۱۰۳۱

ارضك اخليها عني وارخي يدي  
ايام دنيادة الي بيك يليلي نولده

حمید فایض انعم عالم  
۶۲ ۸۹۱ ۵۱

$$\begin{array}{r} 191 \\ \cdot 42 \\ \cdot 01 \\ \hline 3 \cdot 1 \end{array}$$

Handwritten text in Devanagari script, likely a continuation of the previous page, containing several lines of prose.

عمل قلب  
ورعزت و حصنت  
۷  
۸  
قلب کل وضع اول  
تغییر اولها من مشعر برف  
قلب کشته بکیر

قدمت	واخرت	وقربت	وبعدت	وكذبت	وطعت
١	٢	٣	٤	٥	٦
برمرت	وحصنت	واشرت	وصرحت	وكنيت	ولوحثت
٧	٨	٩	١٠	١١	١٢

قلب کل وضع اول که کلیه تک علی الترتیب  
تغییر اولی از مشعر بلفظ کله دور علی  
قلب کشته بک

تلمیح بر حرفه مادی زیاں الیه اشارت امکان عبارت در سبعة و سیات اخر حرفه لکه اکتفا اولی

قمر	عطار	د	ر	ه	س	خ	ی	ر
شرف	هبوط	ط	ر	م	ل	ل	ل	ل

یکشنبه دومشنبه سهشنبه چهارشنبه پنجشنبه جمعه و شنبه

عمل نور جوڑا اسد سنبه نزاره عقوب قوس حیدر دلو حوت  
 آفتاب انڈن تراندہ عین شمس انڈہ تلچلہ عین عین سین اولور  
 نیم ۴ در ۵۰ کندی ۴۴ دال اولور ۴۴ قمر مراد را تلچلہ

تصحیف بر حروف یا زبانه نکت یا زبانه حرف اراده اولیاق قابل اولاده  
تغییر ده عبارت در نحو یا اثبات نقطه

فوق  
بجانب  
فوق خطية  
عليه  
التي  
مسألة  
حلها  
م

۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴۸۰  
 ۴۸۱  
 ۴۸۲  
 ۴۸۳  
 ۴۸۴  
 ۴۸۵  
 ۴۸۶  
 ۴۸۷  
 ۴۸۸  
 ۴۸۹  
 ۴۹۰  
 ۴۹۱  
 ۴۹۲  
 ۴۹۳  
 ۴۹۴  
 ۴۹۵  
 ۴۹۶  
 ۴۹۷  
 ۴۹۸  
 ۴۹۹

۱۰۰  
 کد و ملطه  
 اسقاط اولی  
 باقی  
 ۱۶۰  
 قاف نوه یا  
 ۱۵۰  
 کد و ملطه  
 اسقاط اولی  
 باقی











بسم الله الرحمن الرحيم  
 اولوب علم شهریه اربابنه فتح ایدیکیدر بونا هیچ عالم لا هو تن خبردار اولمیاه ظفر بولماز بوبولم  
 اول شکر قیوسی حضرت علی در اهل طالع بر علم حوادث کونک سرنده عبارتدر  
 تکمیل الیه مقتدا امام جعفر صادق کتابک ایکه جاننده باب کبیر و باب صغیر یا زوب  
 باب کبیر یزدنی جاننده حروف هجایه ا ب ت ث ج د و ی ت ی ب ا د ز ه ا خ و ن و ا ر ک ب ی ز م د و غ ی  
 باب صغیر یزدنی طریقه ا ب ج د ه و ز ک ل ی ر ی و ش ت ک ل م ن و ا ر ک ب ی ز م د و غ ی  
 بوجعفر خطا اتمز مجربدر و جعفر کیردن بیک مصدر و جعفر صغیردن الیوز مصدر استخراج اولمدر  
 جمیع اقلام ا ب ج ه و ز ترتیبی اوزره مرتبه ا ل ا ق م ح ی و ک ل ح و ف هجایه ا ب ج د و ی اوزره ترتیب ا ب ج د  
 ا ب ت ث ج ترتیبی اوزره اتمز لکدر و بوعلم جفک بعضی علامه دخی حروف جوی کبیر متوسط طایفه  
 وضع اتمز لکدر بوزر اولمده کبیر کبیر و کبیر صغیر کبیر اکیمنده دخی کبیر متوسط اولی و اخر در و حایفه کبیر و حایفه کبیر  
 مداری داخی کبیر متوسط اوزره در اوقات خفیه بونکیده قولدر بونکیده وجه کبیر و ابرار عظیمه داردر  
 تکمیل کبیرده جمیع لغات و اسماء استخراج اولمدر بعضی ترکیب عدوی طریقه سخی وضع اتمز اختیار اتمز لکدر  
 بر برینی مطلوبه حاصلدر و تنقیص اختیار اولمدر مقصود حاصلدر من فهم الیه که بونکیده بر علم دخول برادینه قیوسی بن اخیویم  
 والله بقول الحق و هو یحیی و یمیت ای طالب غفاه هر ملک بر مفضل بانی و هر بانی بولایه و هر لایه بونوع  
 عبارت و هر عبارت بر طریقه و هر بر طریقه بیک بر اهل و اورد و علم اخی اغوب اشیاء علوم اولمدر که هیچ غیر بیک  
 علم اتمز لکدر هر حق اتمز بیک قیاس تام و وقت طلب الیه ایلنده اخذ و استقاف الیه دخی کاتوت اصابت ایدیکه کلمندن  
 و حقه عبادت اتمزده حایه اولمده قال الامام جعفر الصادق منا احوال الیض و منا احوال الاخر و منا احوال الحاضر  
 اقام جوفه ایدیکه لایه اشارتدر جمیع تعلیم اذه و بر سبب الی بعضی اسرار اول اسرار بعضی ترکیب خاصه در  
 قیاس استخراج اولوب اول ترکیب استقال اولمده و هو واسیل دخول و نصب و امامت و احیایه انواع سحریه و اتمز لکدر  
 مفسر بولمدر و بونکیده اشارتدر بونا خواهر فرایح و اهل اولمدر اسم اعظم و تاج آدم و خاتم سلیمان و حجاب آصف بوعلمده در  
 و هر بر لایه اولمدر اهل تحقیق اولمده غارینده عبد الرحمن سلم و جلیل ابن عبد الله السمری و هجاب توفیق اولمده سلف صالحین دن  
 ابو محمد بن البصر و سفیاء الثوری که کبرای امت بوعلم کماله عظیم و وزیر رخت اتمز لکدر و فهم اسرارده و وقت قلیاروی  
 سطلک باب تحصیل و طلبنده راخوذه علما و حادقون حکما تراجم ایدیکه کلمدر بونکیده بر لایه اسرارده سری اتمز لکدر  
 و اتمز لکدر اتمز اولمده قدری اختیار ایدوب سفر آدمی و سفیث و سحر نوح و سحر ابراهیم علیهم السلام اذ قد غده صکره  
 اول قدر بیرونه یزدن و بونکیده شریفه جالیسوب حضرت آصف بن برخیا بن سولیک یفوع اتمز لکدر نام کتاب مطالعه ایدوب  
 و بونکیده اولمده کتب معبرده ستر السمر نام کتابی و کتاب اجمهر فی المصنف اخی و العهد الکبیر و الاضراس و کتاب اللوح و کتاب  
 نام کتاب مطالعه قلم و بونکیده صکره حایفه قمری و حایفه سحره کت رموز حل قلم بونکیده بر لایه اسرارده سحره حایفه  
 سحر الفیه کونیه صبا و بونکیده قلم اسرار و قیاس الیه طوری فصلیه حضرت رجال طوبی اوزره شکر رجال اولمده و ایدیکه حادقون  
 پس لایه حادقون سولیکه قضا ایدوب ترجمه عوارفی استنطاق ایدیم دخی بر مفاهیغ غیبیه و مصابیح قدسیه ایدیکه اکاد اهل اولمدر

تراب هوا - کاه ناز

اذا عرفت الولادة على امرأة او غلام في من الدواب فبینه من في فطوره  
 واحد واحد  
 ثلث ثلث  
 سبعة سبعة  
 اثنى عشر اثنى عشر

اذا عرفت الولادة على امرأة او غلام في من الدواب فبینه من في فطوره  
 واحد واحد  
 ثلث ثلث  
 سبعة سبعة  
 اثنى عشر اثنى عشر

اذا عرفت الولادة على امرأة او غلام في من الدواب فبینه من في فطوره  
 واحد واحد  
 ثلث ثلث  
 سبعة سبعة  
 اثنى عشر اثنى عشر

دفع زحل طبیعه ۸ واسقاطه ۱۲ ولا جبریه  
 ۲ ۹ ۲  
 ۳ ۸ ۷  
 ۸ ۱ ۶

مربع وهو لبرجیس وهو المشترى طبیعه ۳۲ واسقاطه ۳۰  
 ۸ ۱۱ ۱۴ ۱  
 ۱۳ ۲ ۷ ۱۲  
 ۳ ۱۶ ۹ ۶  
 ۱۰ ۵ ۴ ۱۵  
 ۲۴ ۲۴ ۲۴ ۲۴

ا ب ت ث ج د ه و ز ح ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه  
 ا ب ت ث ج د ه و ز ح ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه  
 ا ب ت ث ج د ه و ز ح ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه  
 ا ب ت ث ج د ه و ز ح ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه



اعمال حسابیه بشی قسم در کتب عربیه بر حرفه یازدهیه اشارت اولوب اکثر عددی اراجه اولنه انچه  
بر فوعله تصرف اچکن **مثلاً** **سبع سبع**

اسلوب احصای بر عدد کن احوال و اوصاف ذکر الیوب اول عددی اراده ای که در عبارت در کوزه و وسیله تشبیه الیه حرف صاد انده ذخی اسلوب حرفی الیه نمود آراجه اولی که در کوزه و لفظنده قسم ثانی کنایت الیه حرف صاد اراده اولی نمود لفظنده اولی تصود اولی و آخر حرفی دالر عددی ۴۴ در ضعف بولیجی درت کنز ۴۴ دال حا اولی و تصوع اولی و

اسلوب انحصار بر حصری مورد و مشهور اوله معهودی ایراد الی یوب اول عدوی ایراد الیکده عبارتدر لام ۳۰ در ماه اولوز لوندز لام دیکو لوه اولیجی را اولوز زیر احرف راده ناهندر تلمیح الیه جمع حاصل اولوز نقطه الیه جمع اولوز

۱ سلوب بر خیر ارقام هند سید بن بعضه اشارت ده عبارت که برعه دده دلالت قصیده اوله و ایچره موضوع اوله  
مثلا زلف زار خنایی ۷ در کشته اولیجی ۸ ها اولور نقطه دیرر خلف اولور

استقاط بر لفظ ده بر حرف یا زایان فی استقاط ایضا استقاط یعنی منقوض منقوض منه فمستند تعیین اولوب بر تفرقه  
اولانه مثلا دله ترا دقله بال وسینه صدر و جید قاف باقی ادله

اعمال تدبیر امور محسوسه و غیر محسوسه  
معروف مجهول تعریف تعجیم  
ایک کلمه عبارت از  
اظهار و اسرار حروف اسمی لفظی لفظ و اسقاط  
پانچا زاغیر

انقاد تحلیل ترکیب تبدیل  
بر افضل و بجزئی  
اشارت بجزئی  
معنی ب  
متجزی الکر  
معنی بکلمه  
در بنف لفظ مراد اول  
مشکل  
کلزار کلزار  
قاف اراج او نیست  
کاف مقصود

شمس دره لم یحکله  
معارف لم یحکله  
دل دره قلب مراد  
جهت دره جانه

ان التاريخ المحسوب المقبول المكتوب في التقويمات هو التاريخ الرومي  
الذي وضع في زمن الكندي بن فيلقوس وذلك انهم وضعوا الشهور اثنا عشر بضبط السنة التي هي  
التي هي ثمانمائة واثنتون يوما وربع يوم وكحصل في هذه الكسرية يوم واحد من يوم اربعه فمضى شهرهم  
اعني تسريخ آخي وعزيران والبول بعد اثنا عشرين يوما **ول** بعد اربعين يوما من غير حساب بقية الشهر فمضى  
يوما والماثني عشر يوما فمضى ثلثة اشهر على التقويم غايته وربع يوم ثم في ثمانية ايام فمضى ثمانية اشهر  
بعد تسعة وعشرين يوما فمضى ثلثة اشهر الرابعة ثمانين يوما وستين يوما

میزان	نور	جوز	میزان	نور	جوز
۳۱	۳۱	۳۱	۳۰	۳۰	۲۹
۹۴	۹۴	۹۴	۱۹	۱۹	۱۹

نوروزده شش عمل بر خسته کور  
اولیه نوروزده نوروزده تمام ۱۱  
خسته اولور ۲۹  
چهارتنس ایستقلون التمس سل  
یدی بیکل آدم حکم ابر  
دین بیکل ایست سی ایکیز اوده بیکل اولور  
سند سی محمد بن محمد  
انجیر محمد نه قیبه کاه یاره کلور

عربیة  
۲۹ ۳۰  
۱۷۴ ۱۸۰  
۳۵۴ ۱۷۴

عربیة  
۲۹ ۳۰  
۱۷۴ ۱۸۰  
۳۵۴ ۱۷۴

۴۴  
۹۳  
۸۹  
۸۹  
۳۶۰  
۳۶۰  
۳۶۰  
۳۶۰  
۱۶۱  
۱۶۱  
۳۶۶







اسرار اصناف الحروف والاعداد حل التركيب والافراد

ن	ا	ه	ط	م	ف	ش	ز
ماييه	ب	و	ي	ن	س	ت	ض
ترابيته	ج	ز	ك	س	ق	ث	ظ
هواييه	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

ا ب ج د ه و ز ح ط ي ك ل م ن ص ض ع غ ف ق س ش ه و خ  
ا ب ج د ه و ز ح ط ي ك ل م ن ص ض ع غ ف ق س ش ه و خ

[illegible]

اھ ط م ف ش ذ ن ا ر ا ی ہ ب و ی ن ص ت ض ق ر ا ی ہ  
ج ز ک س ق ٹ ظ ہ و ا ی ہ د ح ل ع ر خ غ م ا ی ہ

من جاء بالحسنة فله عشر مثا لها

**بسط** سه قسم در اول بسط علی الجملة **ماله** م هم د  
**سبط مرکب** هـ و  
 هم ها م ن س  
 می م ه ا ی م ر ل  
 مضبوطات  
 محراب عده  
 معظومه در که بنابر  
 تکمیل آنرا  
 اربعی می باشد  
 اربعین ثمانية  
 اربع عشر  
 اربع و بیست  
 اربعون  
 اربعون  
 اربعون  
 اربعون

Handwritten notes and calculations:

۱۰  
۲  
۵  
۱۱  
۱۱  
۱۱  
۲۸  

---

۱۰  
۱۰۷

داده ام  
برداشت کرده اند  
۱۲

بازمانده  
۹



۳	۲	۱	۴	۰	۲	۳	۱	۷	۴	۰	۳	۲	۱
۷	۰	۲	۲	۲	۷	۴	۰	۲	۲	۱	۷	۴	۲

V	7	P	P	V	P	0	1
---	---	---	---	---	---	---	---

۱	قطب الدین محمد بن علی	۲۱	رہبرم قاف
۲	علی المرتضیٰ بن علی	۲۲	حاج علی الدین
۳	حسن بصری	۲۳	صدیق الدین قزوینی
۴	حبیب الرحمن	۲۴	سید محمد
۵	داود طبرستانی	۲۵	پیر عمر نوب
۶	معروف کرمانی	۲۶	محمد علی تبریزی
۷	سر سقّی خا	۲۷	شیخ ادیس کرمانی
۸	حبیب بغدادی	۲۸	احمد رومی
۹	ذی النور ذال	۲۹	حمید ہند
۱۰	محمد ر	۳۰	محمد مہدی بجای
۱۱	محمد بکر ز		مہدی بن صاحب قاف والی
۱۲	قاسم الدین		قاسم مقام محمد علی
۱۳	کلی وحی الدین		دور خورہ شیخ
۱۴	قطب الدین احمد		حاکم دھام
۱۵	رکن الدین محمد		علی غلام
۱۶	شہاب الدین		احمد خاتم
۱۷	جمال الدین		محمد علی
۱۸	ابو نعیم		ولید علی
۱۹	افضل احمد		بکرم علی
۲۰	پیر عمر		دور خورہ

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

من احمد  
 ف محمد  
 ط عثمان  
 ي مراد

---

حروف ملاوا و اخاي بعد احكام  
 ٧٨  
 ١٧  
 ٥٥  
 ٧٢

---

كماله  
 اقا كليم

---

٦  
 ١١  
 ١٩

$$\begin{array}{r}
 280 \\
 280 \\
 280 \\
 280 \\
 \hline
 910 \\
 000 \\
 \hline
 1010
 \end{array}$$

للعثماني دولته مترتبة شاملة تلك عشرة كاملة سعين مع لام  
 يعلا ولا يعلا وكلمة الله هي العليا لا تقوم الساعة في أرض الله  
 حتى يدخل الخلق في صبغة الله خراب بنان الاسلام في الراحض  
 بحكم الله القابض تمام الشريعة آخر الزمان  
 تمام الشريعة آخر الزمان يا منظر الوقت المنتظر خروج المهدي  
 لكل بناء مستبقر ياسائل الحال بعد الف ظهور المهدي  
 فحلف من بعدهم خلف ظهور العلامات واوقاتها بعد اول الحروف

و شكل الشكل

بعد اواخر السنو

مرا مراتب

ب اکروف  
بعددله

۲ م ۳ ر ق ر ط ن

1000

مفت واه وکرمه الی الزم

درج کن

...

م ع

د کونړ

— 12 —

1. *Phragmites australis* (Cav.) Trin. ex Steud.

رژس ص ط ع ف ل م ن ی

100

327/2 17.8

1871

VI.  
222

1032

٥٩٦

11

و من مخ اجمال علماء انما

عاش من الزمان

ح  
ارخان

20

22

م ر ا د  
م م م

۱۸۲۸

م م م  
س ل ک

سید کی مہ

عرش م ان

دینا / ۱۸۵۴ م

۱۰۰ / ۱۰۰ / ۱۰۰

ختم

17

1877

110



اللهم لا سهل الا ما جعلته سهلا

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم رب تم بالحيز

احمد الله الذي بصر للعالمين حلا الاطلاع والوقوف على انوار سبيل الاعداد والاسماء  
واسرار الحروف والصلوات على سيدنا محمد وآله وسلم وحسن الخلق والخلق والخلق والخلق  
ونكتة سر الله في كل موجود الذي خلق من نوره اللوح والعلم وجمع لاجله الكاف والتوفيق في انشاء  
نسخة العالم وعلى آله وصحبه امة الدين ونبأ ببع الفضل واليقين رضوان الله عليهم اجمعين  
اما بعد بوعبد فقير ناتوان وبنده قليل البضاعة وكثير النقصان شريف بن سيد محمد ابن  
سيد برهان غفر الله لهم مع سائر الاخوة ايدركم هج بنو نكت بكت التحي سال فرخند فالتح  
سلطان القاطنين وحاقان الكواقين سرور دودمان آل عثمان وسرور سراز خاندان عدل وامن  
عدالت پناه وسعادت دستگاه مجاهد في الله وغاري في سبيل الله سعادت لوايد شاه سلطان محمد خان  
ان سلطان مراد خان ان سلطان علم شاه عدل الله سلسله سلطنته الى افراغ الزمان هو ملك عصر شرفاين  
دار سلطنت ظاهر ومقام خلافت باهر لوى ادله محمد واسماولى انواع قصور وعجز ايله زمر وانشاف  
وفحول ملك عجزت منظم اولوب خدمت تدريس مشغول وملازم ودعاى بقاى دولت ظل آله ونبأى  
ثبات خست با د شاه عالم پناه مدرام ايدم حق سبحانه وتعالى اول مار شاه كريم الله وشنشاه علم الاصل  
تاريخ جلوس سلطنت ظل جميل قلدروغ كچه عمر طويل وذكورن جميل ايدوب سال اقبالن زاداه ويا  
حمايت وظل سعادت كاف ايل ايمان ادره محمد ويا پايه ايلوب اجداد ايجاد واباى قدسي  
نژاد لرند قدس آئينه مرحوم سلطه سلطه شاه عليه الرحمه والرضوانه عمر سلطنته كچه عمر مقدر وبابيد  
رباني وعده سبحاني ايله اول جمعيه ثانيه فايز اولدوغن فتوحات وجهان بناده زباين فتح وغزاله سيد  
الميسود ديومردم دعاى بلكه خدا مكنان اولاه طول عمر وامتداد دولت وقوت خست وشوكت  
سلطنته جناب مانر اثر لرنه مقدر وسبح انك ايوه اول پاشا پادشاهي اوده كز بكت عالمك پناهي  
سلطه بيه وزير وديا بيه نظير رب عزت عزت اسماء وجلت حقنك جناب كبريا ونيارگاه  
معلانه روي تذلل واعوازم نهاده دست تضرع ونيازم دايم كن ايدى كاه هنگام ناه  
حصول مأمولدن مقصد اقصى ايدوب بيت كاه كاه دين ودولت دوش دشوار ايشن  
صوت خفته لطفه اساه الميسون ديور دوش محدي ونور اقدس احمدي بيه شفيع كدور وب  
قلب كسور ايله توجه وتوسل وكاه امتداد عمر وازدياد قدر كريني مطلب اعلا قلوب بيت

۹۳۰ ظل  
۱۰۱۳ جمیل

Table with 2 columns: Date/Time and Content. Includes entries like ۱۸۰۰, ۱۸۰۱, ۱۸۰۲, ۱۸۰۳, ۱۸۰۴, ۱۸۰۵, ۱۸۰۶, ۱۸۰۷, ۱۸۰۸, ۱۸۰۹, ۱۸۱۰, ۱۸۱۱, ۱۸۱۲, ۱۸۱۳, ۱۸۱۴, ۱۸۱۵, ۱۸۱۶, ۱۸۱۷, ۱۸۱۸, ۱۸۱۹, ۱۸۲۰, ۱۸۲۱, ۱۸۲۲, ۱۸۲۳, ۱۸۲۴, ۱۸۲۵, ۱۸۲۶, ۱۸۲۷, ۱۸۲۸, ۱۸۲۹, ۱۸۳۰, ۱۸۳۱, ۱۸۳۲, ۱۸۳۳, ۱۸۳۴, ۱۸۳۵, ۱۸۳۶, ۱۸۳۷, ۱۸۳۸, ۱۸۳۹, ۱۸۴۰, ۱۸۴۱, ۱۸۴۲, ۱۸۴۳, ۱۸۴۴, ۱۸۴۵, ۱۸۴۶, ۱۸۴۷, ۱۸۴۸, ۱۸۴۹, ۱۸۵۰, ۱۸۵۱, ۱۸۵۲, ۱۸۵۳, ۱۸۵۴, ۱۸۵۵, ۱۸۵۶, ۱۸۵۷, ۱۸۵۸, ۱۸۵۹, ۱۸۶۰, ۱۸۶۱, ۱۸۶۲, ۱۸۶۳, ۱۸۶۴, ۱۸۶۵, ۱۸۶۶, ۱۸۶۷, ۱۸۶۸, ۱۸۶۹, ۱۸۷۰, ۱۸۷۱, ۱۸۷۲, ۱۸۷۳, ۱۸۷۴, ۱۸۷۵, ۱۸۷۶, ۱۸۷۷, ۱۸۷۸, ۱۸۷۹, ۱۸۸۰, ۱۸۸۱, ۱۸۸۲, ۱۸۸۳, ۱۸۸۴, ۱۸۸۵, ۱۸۸۶, ۱۸۸۷, ۱۸۸۸, ۱۸۸۹, ۱۸۹۰, ۱۸۹۱, ۱۸۹۲, ۱۸۹۳, ۱۸۹۴, ۱۸۹۵, ۱۸۹۶, ۱۸۹۷, ۱۸۹۸, ۱۸۹۹, ۱۹۰۰, ۱۹۰۱, ۱۹۰۲, ۱۹۰۳, ۱۹۰۴, ۱۹۰۵, ۱۹۰۶, ۱۹۰۷, ۱۹۰۸, ۱۹۰۹, ۱۹۱۰, ۱۹۱۱, ۱۹۱۲, ۱۹۱۳, ۱۹۱۴, ۱۹۱۵, ۱۹۱۶, ۱۹۱۷, ۱۹۱۸, ۱۹۱۹, ۱۹۲۰, ۱۹۲۱, ۱۹۲۲, ۱۹۲۳, ۱۹۲۴, ۱۹۲۵, ۱۹۲۶, ۱۹۲۷, ۱۹۲۸, ۱۹۲۹, ۱۹۳۰, ۱۹۳۱, ۱۹۳۲, ۱۹۳۳, ۱۹۳۴, ۱۹۳۵, ۱۹۳۶, ۱۹۳۷, ۱۹۳۸, ۱۹۳۹, ۱۹۴۰, ۱۹۴۱, ۱۹۴۲, ۱۹۴۳, ۱۹۴۴, ۱۹۴۵, ۱۹۴۶, ۱۹۴۷, ۱۹۴۸, ۱۹۴۹, ۱۹۵۰, ۱۹۵۱, ۱۹۵۲, ۱۹۵۳, ۱۹۵۴, ۱۹۵۵, ۱۹۵۶, ۱۹۵۷, ۱۹۵۸, ۱۹۵۹, ۱۹۶۰, ۱۹۶۱, ۱۹۶۲, ۱۹۶۳, ۱۹۶۴, ۱۹۶۵, ۱۹۶۶, ۱۹۶۷, ۱۹۶۸, ۱۹۶۹, ۱۹۷۰, ۱۹۷۱, ۱۹۷۲, ۱۹۷۳, ۱۹۷۴, ۱۹۷۵, ۱۹۷۶, ۱۹۷۷, ۱۹۷۸, ۱۹۷۹, ۱۹۸۰, ۱۹۸۱, ۱۹۸۲, ۱۹۸۳, ۱۹۸۴, ۱۹۸۵, ۱۹۸۶, ۱۹۸۷, ۱۹۸۸, ۱۹۸۹, ۱۹۹۰, ۱۹۹۱, ۱۹۹۲, ۱۹۹۳, ۱۹۹۴, ۱۹۹۵, ۱۹۹۶, ۱۹۹۷, ۱۹۹۸, ۱۹۹۹, ۲۰۰۰, ۲۰۰۱, ۲۰۰۲, ۲۰۰۳, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵, ۲۰۰۶, ۲۰۰۷, ۲۰۰۸, ۲۰۰۹, ۲۰۱۰, ۲۰۱۱, ۲۰۱۲, ۲۰۱۳, ۲۰۱۴, ۲۰۱۵, ۲۰۱۶, ۲۰۱۷, ۲۰۱۸, ۲۰۱۹, ۲۰۲۰, ۲۰۲۱, ۲۰۲۲, ۲۰۲۳, ۲۰۲۴, ۲۰۲۵, ۲۰۲۶, ۲۰۲۷, ۲۰۲۸, ۲۰۲۹, ۲۰۳۰, ۲۰۳۱, ۲۰۳۲, ۲۰۳۳, ۲۰۳۴, ۲۰۳۵, ۲۰۳۶, ۲۰۳۷, ۲۰۳۸, ۲۰۳۹, ۲۰۴۰, ۲۰۴۱, ۲۰۴۲, ۲۰۴۳, ۲۰۴۴, ۲۰۴۵, ۲۰۴۶, ۲۰۴۷, ۲۰۴۸, ۲۰۴۹, ۲۰۵۰, ۲۰۵۱, ۲۰۵۲, ۲۰۵۳, ۲۰۵۴, ۲۰۵۵, ۲۰۵۶, ۲۰۵۷, ۲۰۵۸, ۲۰۵۹, ۲۰۶۰, ۲۰۶۱, ۲۰۶۲, ۲۰۶۳, ۲۰۶۴, ۲۰۶۵, ۲۰۶۶, ۲۰۶۷, ۲۰۶۸, ۲۰۶۹, ۲۰۷۰, ۲۰۷۱, ۲۰۷۲, ۲۰۷۳, ۲۰۷۴, ۲۰۷۵, ۲۰۷۶, ۲۰۷۷, ۲۰۷۸, ۲۰۷۹, ۲۰۸۰, ۲۰۸۱, ۲۰۸۲, ۲۰۸۳, ۲۰۸۴, ۲۰۸۵, ۲۰۸۶, ۲۰۸۷, ۲۰۸۸, ۲۰۸۹, ۲۰۹۰, ۲۰۹۱, ۲۰۹۲, ۲۰۹۳, ۲۰۹۴, ۲۰۹۵, ۲۰۹۶, ۲۰۹۷, ۲۰۹۸, ۲۰۹۹, ۲۱۰۰, ۲۱۰۱, ۲۱۰۲, ۲۱۰۳, ۲۱۰۴, ۲۱۰۵, ۲۱۰۶, ۲۱۰۷, ۲۱۰۸, ۲۱۰۹, ۲۱۱۰, ۲۱۱۱, ۲۱۱۲, ۲۱۱۳, ۲۱۱۴, ۲۱۱۵, ۲۱۱۶, ۲۱۱۷, ۲۱۱۸, ۲۱۱۹, ۲۱۲۰, ۲۱۲۱, ۲۱۲۲, ۲۱۲۳, ۲۱۲۴, ۲۱۲۵, ۲۱۲۶, ۲۱۲۷, ۲۱۲۸, ۲۱۲۹, ۲۱۳۰, ۲۱۳۱, ۲۱۳۲, ۲۱۳۳, ۲۱۳۴, ۲۱۳۵, ۲۱۳۶, ۲۱۳۷, ۲۱۳۸, ۲۱۳۹, ۲۱۴۰, ۲۱۴۱, ۲۱۴۲, ۲۱۴۳, ۲۱۴۴, ۲۱۴۵, ۲۱۴۶, ۲۱۴۷, ۲۱۴۸, ۲۱۴۹, ۲۱۵۰, ۲۱۵۱, ۲۱۵۲, ۲۱۵۳, ۲۱۵۴, ۲۱۵۵, ۲۱۵۶, ۲۱۵۷, ۲۱۵۸, ۲۱۵۹, ۲۱۶۰, ۲۱۶۱, ۲۱۶۲, ۲۱۶۳, ۲۱۶۴, ۲۱۶۵, ۲۱۶۶, ۲۱۶۷, ۲۱۶۸, ۲۱۶۹, ۲۱۷۰, ۲۱۷۱, ۲۱۷۲, ۲۱۷۳, ۲۱۷۴, ۲۱۷۵, ۲۱۷۶, ۲۱۷۷, ۲۱۷۸, ۲۱۷۹, ۲۱۸۰, ۲۱۸۱, ۲۱۸۲, ۲۱۸۳, ۲۱۸۴, ۲۱۸۵, ۲۱۸۶, ۲۱۸۷, ۲۱۸۸, ۲۱۸۹, ۲۱۹۰, ۲۱۹۱, ۲۱۹۲, ۲۱۹۳, ۲۱۹۴, ۲۱۹۵, ۲۱۹۶, ۲۱۹۷, ۲۱۹۸, ۲۱۹۹, ۲۲۰۰, ۲۲۰۱, ۲۲۰۲, ۲۲۰۳, ۲۲۰۴, ۲۲۰۵, ۲۲۰۶, ۲۲۰۷, ۲۲۰۸, ۲۲۰۹, ۲۲۱۰, ۲۲۱۱, ۲۲۱۲, ۲۲۱۳, ۲۲۱۴, ۲۲۱۵, ۲۲۱۶, ۲۲۱۷, ۲۲۱۸, ۲۲۱۹, ۲۲۲۰, ۲۲۲۱, ۲۲۲۲, ۲۲۲۳, ۲۲۲۴, ۲۲۲۵, ۲۲۲۶, ۲۲۲۷, ۲۲۲۸, ۲۲۲۹, ۲۲۳۰, ۲۲۳۱, ۲۲۳۲, ۲۲۳۳, ۲۲۳۴, ۲۲۳۵, ۲۲۳۶, ۲۲۳۷, ۲۲۳۸, ۲۲۳۹, ۲۲۴۰, ۲۲۴۱, ۲۲۴۲, ۲۲۴۳, ۲۲۴۴, ۲۲۴۵, ۲۲۴۶, ۲۲۴۷, ۲۲۴۸, ۲۲۴۹, ۲۲۵۰, ۲۲۵۱, ۲۲۵۲, ۲۲۵۳, ۲۲۵۴, ۲۲۵۵, ۲۲۵۶, ۲۲۵۷, ۲۲۵۸, ۲۲۵۹, ۲۲۶۰, ۲۲۶۱, ۲۲۶۲, ۲۲۶۳, ۲۲۶۴, ۲۲۶۵, ۲۲۶۶, ۲۲۶۷, ۲۲۶۸, ۲۲۶۹, ۲۲۷۰, ۲۲۷۱, ۲۲۷۲, ۲۲۷۳, ۲۲۷۴, ۲۲۷۵, ۲۲۷۶, ۲۲۷۷, ۲۲۷۸, ۲۲۷۹, ۲۲۸۰, ۲۲۸۱, ۲۲۸۲, ۲۲۸۳, ۲۲۸۴, ۲۲۸۵, ۲۲۸۶, ۲۲۸۷, ۲۲۸۸, ۲۲۸۹, ۲۲۹۰, ۲۲۹۱, ۲۲۹۲, ۲۲۹۳, ۲۲۹۴, ۲۲۹۵, ۲۲۹۶, ۲۲۹۷, ۲۲۹۸, ۲۲۹۹, ۲۳۰۰, ۲۳۰۱, ۲۳۰۲, ۲۳۰۳, ۲۳۰۴, ۲۳۰۵, ۲۳۰۶, ۲۳۰۷, ۲۳۰۸, ۲۳۰۹, ۲۳۱۰, ۲۳۱۱, ۲۳۱۲, ۲۳۱۳, ۲۳۱۴, ۲۳۱۵, ۲۳۱۶, ۲۳۱۷, ۲۳۱۸, ۲۳۱۹, ۲۳۲۰, ۲۳۲۱, ۲۳۲۲, ۲۳۲۳, ۲۳۲۴, ۲۳۲۵, ۲۳۲۶, ۲۳۲۷, ۲۳۲۸, ۲۳۲۹, ۲۳۳۰, ۲۳۳۱, ۲۳۳۲, ۲۳۳۳, ۲۳۳۴, ۲۳۳۵, ۲۳۳۶, ۲۳۳۷, ۲۳۳۸, ۲۳۳۹, ۲۳۴۰, ۲۳۴۱, ۲۳۴۲, ۲۳۴۳, ۲۳۴۴, ۲۳۴۵, ۲۳۴۶, ۲۳۴۷, ۲۳۴۸, ۲۳۴۹, ۲۳۵۰, ۲۳۵۱, ۲۳۵۲, ۲۳۵۳, ۲۳۵۴, ۲۳۵۵, ۲۳۵۶, ۲۳۵۷, ۲۳۵۸, ۲۳۵۹, ۲۳۶۰, ۲۳۶۱, ۲۳۶۲, ۲۳۶۳, ۲۳۶۴, ۲۳۶۵, ۲۳۶۶, ۲۳۶۷, ۲۳۶۸, ۲۳۶۹, ۲۳۷۰, ۲۳۷۱, ۲۳۷۲, ۲۳۷۳, ۲۳۷۴, ۲۳۷۵, ۲۳۷۶, ۲۳۷۷, ۲۳۷۸, ۲۳۷۹, ۲۳۸۰, ۲۳۸۱, ۲۳۸۲, ۲۳۸۳, ۲۳۸۴, ۲۳۸۵, ۲۳۸۶, ۲۳۸۷, ۲۳۸۸, ۲۳۸۹, ۲۳۹۰, ۲۳۹۱, ۲۳۹۲, ۲۳۹۳, ۲۳۹۴, ۲۳۹۵, ۲۳۹۶, ۲۳۹۷, ۲۳۹۸, ۲۳۹۹, ۲۴۰۰, ۲۴۰۱, ۲۴۰۲, ۲۴۰۳, ۲۴۰۴, ۲۴۰۵, ۲۴۰۶, ۲۴۰۷, ۲۴۰۸, ۲۴۰۹, ۲۴۱۰, ۲۴۱۱, ۲۴۱۲, ۲۴۱۳, ۲۴۱۴, ۲۴۱۵, ۲۴۱۶, ۲۴۱۷, ۲۴۱۸, ۲۴۱۹, ۲۴۲۰, ۲۴۲۱, ۲۴۲۲, ۲۴۲۳, ۲۴۲۴, ۲۴۲۵, ۲۴۲۶, ۲۴۲۷, ۲۴۲۸, ۲۴۲۹, ۲۴۳۰, ۲۴۳۱, ۲۴۳۲, ۲۴۳۳, ۲۴۳۴, ۲۴۳۵, ۲۴۳۶, ۲۴۳۷, ۲۴۳۸, ۲۴۳۹, ۲۴۴۰, ۲۴۴۱, ۲۴۴۲, ۲۴۴۳, ۲۴۴۴, ۲۴۴۵, ۲۴۴۶, ۲۴۴۷, ۲۴۴۸, ۲۴۴۹, ۲۴۵۰, ۲۴۵۱, ۲۴۵۲, ۲۴۵۳, ۲۴۵۴, ۲۴۵۵, ۲۴۵۶, ۲۴۵۷, ۲۴۵۸, ۲۴۵۹, ۲۴۶۰, ۲۴۶۱, ۲۴۶۲, ۲۴۶۳, ۲۴۶۴, ۲۴۶۵, ۲۴۶۶, ۲۴۶۷, ۲۴۶۸, ۲۴۶۹, ۲۴۷۰, ۲۴۷۱, ۲۴۷۲, ۲۴۷۳, ۲۴۷۴, ۲۴۷۵, ۲۴۷۶, ۲۴۷۷, ۲۴۷۸, ۲۴۷۹, ۲۴۸۰, ۲۴۸۱, ۲۴۸۲, ۲۴۸۳, ۲۴۸۴, ۲۴۸۵, ۲۴۸۶, ۲۴۸۷, ۲۴۸۸, ۲۴۸۹, ۲۴۹۰, ۲۴۹۱, ۲۴۹۲, ۲۴۹۳, ۲۴۹۴, ۲۴۹۵, ۲۴۹۶, ۲۴۹۷, ۲۴۹۸, ۲۴۹۹, ۲۵۰۰, ۲۵۰۱, ۲۵۰۲, ۲۵۰۳, ۲۵۰۴, ۲۵۰۵, ۲۵۰۶, ۲۵۰۷, ۲۵۰۸, ۲۵۰۹, ۲۵۱۰, ۲۵۱۱, ۲۵۱۲, ۲۵۱۳, ۲۵۱۴, ۲۵۱۵, ۲۵۱۶, ۲۵۱۷, ۲۵۱۸, ۲۵۱۹, ۲۵۲۰, ۲۵۲۱, ۲۵۲۲, ۲۵۲۳, ۲۵۲۴, ۲۵۲۵, ۲۵۲۶, ۲۵۲۷, ۲۵۲۸, ۲۵۲۹, ۲۵۳۰, ۲۵۳۱, ۲۵۳۲, ۲۵۳۳, ۲۵۳۴, ۲۵۳۵, ۲۵۳۶, ۲۵۳۷, ۲۵۳۸, ۲۵۳۹, ۲۵۴۰, ۲۵۴۱, ۲۵۴۲, ۲۵۴۳, ۲۵۴۴, ۲۵۴۵, ۲۵۴۶, ۲۵۴۷, ۲۵۴۸, ۲۵۴۹, ۲۵۵۰, ۲۵۵۱, ۲۵۵۲, ۲۵۵۳, ۲۵۵۴, ۲۵۵۵, ۲۵۵۶, ۲۵۵۷, ۲۵۵۸, ۲۵۵۹, ۲۵۶۰, ۲۵۶۱, ۲۵۶۲, ۲۵۶۳, ۲۵۶۴, ۲۵۶۵, ۲۵۶۶, ۲۵۶۷, ۲۵۶۸, ۲۵۶۹, ۲۵۷۰, ۲۵۷۱, ۲۵۷۲, ۲۵۷۳, ۲۵۷۴, ۲۵۷۵, ۲۵۷۶, ۲۵۷۷, ۲۵۷۸, ۲۵۷۹, ۲۵۸۰, ۲۵۸۱, ۲۵۸۲, ۲۵۸۳, ۲۵۸۴, ۲۵۸۵, ۲۵۸۶, ۲۵۸۷, ۲۵۸۸, ۲۵۸۹, ۲۵۹۰, ۲۵۹۱, ۲۵۹۲, ۲۵۹۳, ۲۵۹۴, ۲۵۹۵, ۲۵۹۶, ۲۵۹۷, ۲۵۹۸, ۲۵۹۹, ۲۶۰۰, ۲۶۰۱, ۲۶۰۲, ۲۶۰۳, ۲۶۰۴, ۲۶۰۵, ۲۶۰۶, ۲۶۰۷, ۲۶۰۸, ۲۶۰۹, ۲۶۱۰, ۲۶۱۱, ۲۶۱۲, ۲۶۱۳, ۲۶۱۴, ۲۶۱۵, ۲۶۱۶, ۲۶۱۷, ۲۶۱۸, ۲۶۱۹, ۲۶۲۰, ۲۶۲۱, ۲۶۲۲, ۲۶۲۳, ۲۶۲۴, ۲۶۲۵, ۲۶۲۶, ۲۶۲۷, ۲۶۲۸, ۲۶۲۹, ۲۶۳۰, ۲۶۳۱, ۲۶۳۲, ۲۶۳۳, ۲۶۳۴, ۲۶۳۵, ۲۶۳۶, ۲۶۳۷, ۲۶۳۸, ۲۶۳۹, ۲۶۴۰, ۲۶۴۱, ۲۶۴۲, ۲۶۴۳, ۲۶۴۴, ۲۶۴۵, ۲۶۴۶, ۲۶۴۷, ۲۶۴۸, ۲۶۴۹, ۲۶۵۰, ۲۶۵۱, ۲۶۵۲, ۲۶۵۳, ۲۶۵۴, ۲۶۵۵, ۲۶۵۶, ۲۶۵۷, ۲۶۵۸, ۲۶۵۹, ۲۶۶۰, ۲۶۶۱, ۲۶۶۲, ۲۶۶۳, ۲۶۶۴, ۲۶۶۵, ۲۶۶۶, ۲۶۶۷, ۲۶۶۸, ۲۶۶۹, ۲۶۷۰, ۲۶۷۱, ۲۶۷۲, ۲۶۷۳, ۲۶۷۴, ۲۶۷۵, ۲۶۷۶, ۲۶۷۷, ۲۶۷۸, ۲۶۷۹, ۲۶۸۰, ۲۶۸۱, ۲۶۸۲, ۲۶۸۳, ۲۶۸۴, ۲۶۸۵, ۲۶۸۶, ۲۶۸۷, ۲۶۸۸, ۲۶۸۹, ۲۶۹۰, ۲۶۹۱, ۲۶۹۲, ۲۶۹۳, ۲۶۹۴, ۲۶۹۵, ۲۶۹۶, ۲۶۹۷, ۲۶۹۸, ۲۶۹۹, ۲۷۰۰, ۲۷۰۱, ۲۷۰۲, ۲۷۰۳, ۲۷۰۴, ۲۷۰۵, ۲۷۰۶, ۲۷۰۷, ۲۷۰۸, ۲۷۰۹, ۲۷۱۰, ۲۷۱۱, ۲۷۱۲, ۲۷۱۳, ۲۷۱۴, ۲۷۱۵, ۲۷۱۶, ۲۷۱۷, ۲۷۱۸, ۲۷۱۹, ۲۷۲۰, ۲۷۲۱, ۲۷۲۲, ۲۷۲۳, ۲۷۲۴, ۲۷۲۵, ۲۷۲۶, ۲۷۲۷, ۲۷۲۸, ۲۷۲۹, ۲۷۳۰, ۲۷۳۱, ۲۷۳۲, ۲۷۳۳, ۲۷۳۴, ۲۷۳۵, ۲۷۳۶, ۲۷۳۷, ۲۷۳۸, ۲۷۳۹, ۲۷۴۰, ۲۷۴۱, ۲۷۴۲, ۲۷۴۳, ۲۷۴۴, ۲۷۴۵, ۲۷۴۶, ۲۷۴۷, ۲۷۴۸, ۲۷۴۹, ۲۷۵۰, ۲۷۵۱, ۲۷۵۲, ۲۷۵۳, ۲۷۵۴, ۲۷۵۵, ۲۷۵۶, ۲۷۵۷, ۲۷۵۸, ۲۷۵۹, ۲۷۶۰, ۲۷۶۱, ۲۷۶۲, ۲۷۶۳, ۲۷۶۴, ۲۷۶۵, ۲۷۶۶, ۲۷۶۷, ۲۷۶۸, ۲۷۶۹, ۲۷۷۰, ۲۷۷۱, ۲۷۷۲, ۲۷۷۳, ۲۷۷۴, ۲۷۷۵, ۲۷۷۶, ۲۷۷۷, ۲۷۷۸, ۲۷۷۹, ۲۷۸۰, ۲۷۸۱, ۲۷۸۲, ۲۷۸۳, ۲۷۸۴, ۲۷۸۵, ۲۷۸۶, ۲۷۸۷, ۲۷۸۸, ۲۷۸۹, ۲۷۹۰, ۲۷۹۱, ۲۷۹۲, ۲۷۹۳, ۲۷۹۴, ۲۷۹۵, ۲۷۹۶, ۲۷۹۷, ۲۷۹۸, ۲۷۹۹, ۲۸۰۰, ۲۸۰۱, ۲۸۰۲, ۲۸۰۳, ۲۸۰۴, ۲۸۰۵, ۲۸۰۶, ۲۸۰۷, ۲۸۰۸, ۲۸۰۹, ۲۸۱۰, ۲۸۱۱, ۲۸۱۲, ۲۸۱۳, ۲۸۱۴, ۲۸۱۵, ۲۸۱۶, ۲۸۱۷, ۲۸۱۸, ۲۸۱۹, ۲۸۲۰, ۲۸۲۱, ۲۸۲۲, ۲۸۲۳, ۲۸۲۴, ۲۸۲۵, ۲۸۲۶, ۲۸۲۷, ۲۸۲۸, ۲۸۲۹, ۲۸۳۰, ۲۸۳۱, ۲۸۳۲, ۲۸۳۳, ۲۸۳۴, ۲۸۳۵, ۲۸۳۶, ۲۸۳۷, ۲۸۳۸, ۲۸۳۹, ۲۸۴۰, ۲۸۴۱, ۲۸۴۲, ۲۸۴۳, ۲۸۴۴, ۲۸۴۵, ۲۸۴۶, ۲۸۴۷, ۲۸۴۸, ۲۸۴۹, ۲۸۵۰, ۲۸۵۱, ۲۸۵۲, ۲۸۵۳, ۲۸۵۴, ۲۸۵۵, ۲۸۵۶, ۲۸۵۷, ۲۸۵۸, ۲۸۵۹, ۲۸۶۰, ۲۸۶۱, ۲۸۶۲, ۲۸۶۳, ۲۸۶۴, ۲۸۶۵, ۲۸۶۶, ۲۸۶۷, ۲۸۶۸, ۲۸۶۹, ۲۸۷۰, ۲۸۷۱, ۲۸۷۲, ۲۸۷۳, ۲۸۷۴, ۲۸۷۵, ۲۸۷۶, ۲۸۷۷, ۲۸۷۸, ۲۸۷۹, ۲۸۸۰, ۲۸۸۱, ۲۸۸۲, ۲۸۸۳, ۲۸۸۴, ۲۸۸۵, ۲۸۸۶, ۲۸۸۷, ۲۸۸۸, ۲۸۸۹, ۲۸۹۰, ۲۸۹۱, ۲۸۹۲, ۲۸۹۳, ۲۸۹۴, ۲۸۹۵, ۲۸۹۶, ۲۸۹۷, ۲۸۹۸, ۲۸۹۹, ۲۹۰۰, ۲۹۰۱, ۲۹۰۲, ۲۹۰۳, ۲۹۰۴, ۲۹۰۵, ۲۹۰۶, ۲۹۰۷, ۲۹۰۸, ۲۹۰۹, ۲۹۱۰, ۲۹۱۱, ۲۹۱۲, ۲۹۱۳, ۲۹۱۴, ۲۹۱۵, ۲۹۱۶, ۲۹۱۷, ۲۹۱۸, ۲۹۱۹, ۲۹۲۰, ۲۹۲۱, ۲۹۲۲, ۲۹۲۳, ۲۹۲۴, ۲۹۲۵, ۲۹۲۶, ۲۹۲۷, ۲۹۲۸, ۲۹۲۹, ۲۹۳۰, ۲۹۳۱, ۲۹۳۲, ۲۹۳۳, ۲۹۳۴, ۲۹۳۵,



کریم الله جل

کتاب الحلیل  
سوا

い

طابق

1.27

۳  
۲  
۱



سنة ١٢٠٠ هـ ١٨٠٠ م

بعض ما ورد في حقه وهو سر من أسرار الاسم الأعظم



الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

صورت دایره عجیبه بود در **ب**و شکل بدیعک ملاحتنه الباب ادلیه النور حیرة فالو **ب**و بر سر منور  
و در منظوم در **ن**وزن مقاتل و متفکر اولاه طالب صادق صاحب نظم اسم اعظم و نور از قوت  
فوز و ظفر میراد نور و بلکه که **ب**و منبر غریب و منبر عجیبک ابتدا می مبعث نبی غریب  
از خانه و قیام قیامت و از بنه استخراج اول نور پس شرح دایره **ب**باشیوب بن ایدر بن آینه علم  
**بالصواب** و **الیه المرجع** و **المانب** **دایره ده حروف رموز که علامت عشر در**  
۱۳۲ ۲ ۳۵۶ ۷۲ ۸۰

راد من المبادي الفرو والفرق  
 من بينها وبين واجبه من ذلك  
 من ان لا يتركه ولا يتركه  
 من ان لا يتركه ولا يتركه

ملح  
 ٧٢

موند وموز  
 ايج دم وزح طيبي

بوعلامات  
 ايج دم  
 موزح

[illegible]



**حرف جيم** حرف جيم كه مفتاح حمادي در يوم الثلاثاء شادتره **حفت** ايكه اوله كوه سيعت اوله  
 عاتر صواب اتباع اتكلو دره و هجرت نبوتك اذن برنجي لبنة برقع الاول ايند واقع اوله كوه  
 اسماء و حرف اسم مقدس عدد كنه در اسم مقدسك و فونك اسماء بر الف ايكه لاه و بر حادي  
 الف ادع حرف ايكه لام الية حرف وها ايكه حرفه وجمعها اون بر حرف اوله و معلوم  
 اوله كوه بون اصحاب كاه حرف مشدده به اعتبار اليوب و كاهي انزل و لام الية حرفه  
 مركب طور كوه و حضرت ايكه برضاهه عنده سده ثلث عشر حمادي الاخر سندن سكر كون  
 قاله اشين كونك اخذ منه وفات ايدوب مدت خلافتك ايكه ميل دوت آيدن اوده كون  
 ايكه اوله حرف يا و او عمر فاروق مدت خلافتك اشارت كره اوده ميل الية آي  
 اوله و آيت كريمه **تلك عشرة كاملة** حوفي مدت خلافت عثمان اشارت و حضرت  
 عثمان هجرت نبوتك اوتور بنفرتك ذي الحجة سده اوده سكر بخ كونه يوم معدده واقع  
 اوده ايكه ميل اوله ايتك دافني حوفي اوده ايكه و ظاهر حروف اسم مقدس مدت خلافت  
 لام عليه دال كره در ميل اوله **حرف الحميم** رموز دائر دني حوفي ميم وفاتك اشارت  
 كره وفات حفت لام عليه سده اربعين رمضان حجه كوه واقع اوله مدت خلافتك در ميل  
 و طقوز ابي و بر قاج كون اوله ثم اذا ضربت المبادي في المرتفع من ضرب حروف الاسم  
 المقدس في طرفيه يكون اشين وسبعين بون صكره حوفي حروف اسم مقدس طرفينه ضرب  
 مرتفع اوله ضرب اليك يمتش ايكه عدد حاصل اوله بوعده هجرت نبوتك يمتش ايكه ساله  
 اشارت در كره اول سده فته ابن زبير واقع اوله حجاج كعبه منجنيق و نار اليه طاش  
 آتدي و كركب كعبه يهيم آتدي و ابن زبير مكره مسجد حرام قتل اليوب صلب الية  
 بو واقع عام زور كره حمادي الاخر سده اذن ادع كوه قالمدين صالي كوه اوله ابن زبير  
 مدت ولايت طقوز ميل و ايكه حجي آي ايدوب ثم ضرب المبادي في حروف الاسم المقدس ثم  
 المرتفع في مواد اصل الاسم المقدس يكون مائة و اشين و ثلثين سده و دفي مبادي في اسم  
 مقدسك حروفه ضرب ايدوب اوده صكره مرتفع اسم مقدسك اصل موادنه ضرب اتمك يوز اوتور  
 ايكه ميل اوله بويل نيمه نيك دولتك انتهايه و ايام دولتك انقاضي خلاوت و ملكك  
 زواليد ثم اذا ضربت حروف الرموز في الثاني من مواد حروف الاسم المقدس دفي حوفي حروف  
 رموز مقدسك مواد حروفك ثابته سده ضرب اوله و اضيف المرتفع الالم المبادي من  
 في علم حوفي من العدد كوه مائة و سبعة و ثمانين دافني حوفي عدد حروفه مرتفع اوله مبادي الحوي

الحق اوله  
 عدده اضافت  
 والحق اوله  
 يوزكن يدي  
 عدد اوله  
 اشوعده

۲۴۸  
 ۱۲۲  
 ۹۱

الحق اوله  
 عدده اضافت  
 والحق اوله  
 يوزكن يدي  
 عدد اوله  
 اشوعده

علم حروفه

الحق اوله  
 عدده اضافت  
 والحق اوله  
 يوزكن يدي  
 عدد اوله  
 اشوعده

۱۸۷

علم حروفه حاصل اوله عدده اضافت والحق اوله يوزكن يدي عدد اوله اشوعده  
 دولت براكنه نكت زواله يلبدر بكمير هجرتك بوسه سده منقوض اولوب دنيا مشهور اولان  
 ايام دولتك بون شهادت اوله و اذا جمع المبادي و حروف المقدس و رتقا و ضرب المرتفع  
 في بواق مواد اصول المبادي بعد حذف المكر يكون مائة و خمسة و اربعين و دفي مبادي في  
 حروف اسم مقدس جمع اولوب تربيع اوله سده يغير درت بولك قلوب ربعي اخذ اوله و دفي مرتفع  
 اصول مباديك مكر في حذوه صكره مواد باق سده ضرب اوله سكره ايكه يوز قرق بش عدد اوله  
 بوايكه يوز قرق بش سال بر سده در كره انهم عالم مضطرب اولوب شرقا و غربا ارض منزل اوله  
 ديار مغرب و مصر شام و مدائن نجر حصار استوار يعلوب نجر حصار استوار يعلوب نجر حصار  
 و منازل خراب اوله حية الية ترك فرار ايدوب حوالج حقي كره در انطاليه ده جبل اقرع  
 منزل اولوب بر قطعه سيمه دوشدي و حجر هجاء اليوب در كره سياه و بذر ايكه بردخان  
 جيقوب ادع سمانه پوسته اوله و اول سده بر نهر عظيم صولوب قند كوه معلوم اوله  
 ولاد قنده بر طاع يره كجوب نابير اولوب اول ديارده خراب اوله قند قالمدين بوز لاه  
 عظيم و بوعلات و خيمه و خلفاده متوكل في سده ايدوب عظيم حوفي آتدي و اذا ضربت حروف  
 الرموز و الاسماء الشريفة المرفوعة داخلا و خارجا و طقا الاسم المقدس و دفي حوفي حروف  
 دائر نيك داخلة و خارجة مكنوب اوله اسماء شريفة نيك حوفي و اسم مقدسك طرفين  
 ضرب اوله و ضرب المجموع في اصول حروف الاسم المقدس ثم المرتفع في المبادي كوه ثمانية  
 و اغني عشر و دفي مجموع معهود اسم مقدس حروفك اصوله ضرب اوله مرتفع مبادي في ضرب  
 اوله و جهور اوده ايكه اوله بونا نجر بر ميل اوله كره انهم امردن و حال ملين مضطرب  
 و مختل اولوب قرامطه طائفه سيمه جيقوب بلاد مسلمة هجوم ايدوب مكره مكره في حرمها الله نخت  
 وفات و حجاج قتل و دما مسلمة اباحت ايدوب ركنه خراب ايدوب حرم الاسود ايدوب  
 كند لير بولك قبايح و فضايح كتب سيرة مشهور در بر قدرت بوجال ستر اوله و اذا ضربت  
 المبادي في اصولها و المرتفع في حروف الاسم الاربعة المقدسة و الثلثة المضافة اليه داخلا كوه  
 اربعماية و اشين و ثلثين و دفي مبادي اصوله ضرب اولوب و دفي مرتفع اسماء اربعة مقدسك  
 حروفه و دفي داخلا كتابت اولوب اسماء مقدس يه مضاف اولان ادع اسمك حروفه ضرب  
 اوله در رموز اوتور ايكه اوله بوسه شول سده در كره بون ملك نيمه ثوبه اوله اهاهم و دلي  
 دولتي انقراض و اختتام بولوب ابتداء دولتي سلجوقية ظهور ايدوب و اذا اجتمعت المبادي  
 و حروف الاسماء الاربعة المقدسة و الثلثة المضافة اليه الاسم المقدس و دفي مبادي دائر  
 اوله درت اسم مقدسك حوفي و اسم جلاليه مضاف اولان ادع اسم شريفك حوفي جمع اوله

۲۴۸

۲۴۸  
 ۱۲۲  
 ۹۱

الحق اوله  
 عدده اضافت  
 والحق اوله  
 يوزكن يدي  
 عدد اوله  
 اشوعده

بیش  
 ۳۱۲

۴۳۲







21. 11. 1911

وَرَفَعَ أَعْلَامُنْ مَرَادُهَا بِحُكْمِ بَوَسْمِ مَلِكْتُمْ وَعِلْمِ مَصْنُوكِ عَالَمٍ وَمَكَاشِفِي أَوْلَانِ عَارِفِي سُوْلَمِدْ بُوْذْكَرْ أَيْدِ كَرْ  
بَلَدِ بَسِيْرَةٍ وَعِبَارَتِ قَصِيْرَةٍ شَفَائِيْ هَدُوْرٍ وَرَحْمَتِ دُفَادِلِيْ بِمُؤْمِنِيْنَ أَوْلَاجِيْ قَدَرِ وَكُفَايَةِ وَارْدِ  
وَحَالًا ذَكَرْ أَيْدِ جَمَكْزِ تَفْصِيْلِ أَفْرَدَتِ أَوْلَانِ زَانِكِ حِسَابِ وَقَدْتَنِ أَشَارَتِ دَرْ مَوْزِ دَرْ دَلَالَتِ  
هَرِ جَوْفِيْ دَلَالَاتِ نَذَكْرٍ وَأَشَارَاتِ مَعْيِيْنَةٍ كَافِيَةٍ **ا** اِذَا أَصِيفَ مَوَادِ أَصُولِ الْأَسْمِ الْمَقْدَسِ إِلَى الْأَسْمَاءِ  
الْمَدْلُولِ عَلَيْهَا بِالرَّمُوزِ وَالْحُرُوفِ وَضَرْبُ الْجَمْعِ فِي مَوَادِّ الْمَبَادِيْ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ وَهُوَ الْجَمْعُ الْمُنْتَزِعُ عَنْ مَوَادِّ الْأَصُولِ  
لِأَسْمِ مَقْدَسٍ رَمُوزٍ وَحُرُوفٍ الْمَدْلُولِ عَلَيْهَا أَدَلَّةً أَسْمَاءً حَسَنِيَّةً يَرْفَعُ أَوَّلُهَا وَمَجْمُوعُ مَوَادِّ مَبَادِيْ بِضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ  
حَاصِلٌ أَوَّلُورْ كَهَجْلَةٍ مَسْتَأْذِنَةٍ **ب** وَإِذَا أَصِيفَ مَا فِي الْأَسْمِ الْمَقْدَسِ بَعْدَ التَّكْرَرِ إِلَى أَحَدِ الْمَثَلَيْنِ  
مَنْ فِي عِلْمِ الْحُرُوفِ وَضَرْبِ الْجَمْعِ فِي عِدَّةِ الْمَثَلِ الثَّانِيَةِ مِنْهُ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ فِي أَهْلِ الْأَسْمِ مَقْدَسِكْ مَكْرَزْ حَوْفِ حَذْفِ هَذِهِ هَكَه  
حَاصِلٌ أَوْلَانِ عِدَدٍ عِلْمٍ حَوْفٍ وَفَرَسَ أَنْتَ أَيْكَ مِثْلَتِكَ بِرِيْنِهِ أَضَافَتْ وَالْحَاقِ أَوَّلِنِهَا وَمَجْمُوعُ أَدَلَّةٍ عِدَّةٍ مِثْلِ  
ثَانِيَةٍ بِضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ بُولُورْ **ج** إِذَا ضُرِبَ حُرُوفُ الرَّمُوزِ فِي الْأَسْمَاءِ أَحَدِ الْمَذْكُورَةِ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ  
فِي حُرُوفِ الرَّمُوزِ أَسْمَاءً حَسَنِيَّةً وَفَرَسَ كَيَوْمِ ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ حَاصِلٌ أَوَّلُورْ **د** إِذَا جُمِعَتْ مَوَادُّ أَصُولِ الْمَبَادِيْ  
وَمَوَادُّ أَصُولِ الْأَسْمِ الْمَقْدَسِ وَضُرِبَ فِي حُرُوفِ الْآيَاتَيْنِ الْخَارِجَتَيْنِ مِنَ الدَّائِيَةِ ثُمَّ جُمِعَتْ أَصُولُ الْأَسْمِ وَالْأَدَلَّةُ  
مَنْ الْعِدَّةُ فِي عِلْمِ الْحُرُوفِ وَضَرْبُ ذَلِكَ فِي الْمَبَادِيْ وَجَمِيعُ الْمُرْتَفَعَاتِ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ فِي أَهْلِ الْأَسْمِ مَقْدَسِكْ  
مَوَادِّهِ أَسْمِ مَقْدَسِكْ مَوَادِّ أَصُولِيْ جَمْعِ أَوَّلِنِهَا خَارِجَ دَائِرَةِ أَوْلَانِ أَيْكَ آيَتِكَ حَوْفٍ وَفَرَسَ ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا  
وَبُؤْنَةٍ هَكَه أَصُولِ أَسْمِ شَرِيفٍ وَعِلْمٍ حَوْفٍ وَفَرَسَ مَعْلُومَ أَدَلَّةٍ عِدَّةٍ جَمْعِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ حَاصِلٌ أَوَّلُورْ **هـ** إِذَا ضُرِبَ الْبَاقِي مَوَادِّ أَصُولِ الْمَبَادِيْ بَعْدَ التَّكْرَرِ وَضُرِبَ  
جَمِيعُ ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ بِوُجُودِ أَوَّلُورْ **و** إِذَا ضُرِبَ الْبَاقِي مَوَادِّ أَصُولِ الْمَبَادِيْ بَعْدَ التَّكْرَرِ وَضُرِبَ  
الْمُرْتَفِعُ فِيمَا لِلْأَسْمِ الْمَقْدَسِ مِنَ الْعِدَّةِ فِي عِلْمِ الْحُرُوفِ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ فِي أَهْلِ الْأَسْمِ مَقْدَسِكْ عِدَّةً مِنْهُ ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ  
مَكْرَزْ حَذْفِ هَذِهِ هَكَه ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا دَافِي مَرْتَفِعٌ مَعْرُودٌ أَسْمِ مَقْدَسِكْ عِدَّةً مِنْهُ ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ فِي دَائِرَةِ  
بُولُورْ إِذَا ضُرِبَ الْأَسْمَاءُ الْمَصْرُوحُ بِهَا فِي الدَّائِرَةِ وَعَلَيْهَا فِي الْأَسْمَاءِ أَحَدِ الْيَوْمِ الْمَطْلُوبِ فِي أَهْلِ الْأَسْمِ مَقْدَسِكْ  
أَيْكَ مَقْرَعٍ وَادْرَزْ مَكْتُوبَ أَدَلَّةٍ أَسْمَاءً شَرِيفَةً وَأَسْمَاءً حَسَنَةً بِضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ حَاصِلٌ أَوَّلُورْ  
ز **ا** إِذَا ضُرِبَ الْمَبَادِيْ فِيمَا لِلْأَسْمِ الْمَقْدَسِ مِنَ الْعِدَّةِ فِي عِلْمِ الْحُرُوفِ ثُمَّ ضُرِبَ الْمُرْتَفِعُ فِي الْبَاقِي مَوَادِّ أَصُولِ  
الْمَبَادِيْ بَعْدَ حَذْفِ التَّكْرَرِ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ فِي أَهْلِ الْأَسْمِ مَقْدَسِكْ عِدَّةً مِنْهُ ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ بِوُجُودِ أَوَّلُورْ **ح**  
مَعْرُودٌ مَوَادِّ أَصُولِ الْمَبَادِيْ فِي حُرُوفِ الرَّمُوزِ ثُمَّ ضُرِبَ الْمُرْتَفِعُ فِي مَوَادِّ أَصُولِ الْأَسْمِ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ  
إِذَا ضُرِبَ مَوَادِّ أَصُولِ الْمَبَادِيْ فِي حُرُوفِ الرَّمُوزِ ثُمَّ ضُرِبَ الْمُرْتَفِعُ فِي مَوَادِّ أَصُولِ الْأَسْمِ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ  
فِي أَهْلِ الْأَسْمِ مَقْدَسِكْ عِدَّةً مِنْهُ ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ بِوُجُودِ أَوَّلُورْ **ط** إِذَا أَصِيفَ أَصُولُ الْأَسْمِ الْمَقْدَسِ إِلَى الْأَسْمَاءِ  
مَطْلُوبٌ حَاصِلٌ أَوَّلُورْ **ي** إِذَا أَصِيفَ أَصُولُ الْأَسْمِ الْمَقْدَسِ إِلَى الْأَسْمَاءِ أَحَدِ الْمَذْكُورَةِ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ  
مَنْ الْعِدَّةُ فِي عِلْمِ الْحُرُوفِ كَيَوْمِ الْمَطْلُوبِ فِي أَهْلِ الْأَسْمِ مَقْدَسِكْ عِدَّةً مِنْهُ ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ  
أَسْمِ مَقْدَسٍ عِدَّةً مِنْهُ ضَرْبِ أَوَّلِنِهَا مَطْلُوبٌ بِوُجُودِ أَوَّلُورْ **ا** إِذَا جُمِعَتْ حُرُوفُ الرَّمُوزِ

وہ

و اعلم المحيط من المبادئ وحروف الاسماء السبعة الداخلة وحروف الالفين المتقابلين خارج الدائرة  
و ضرب المجموع في حروف الرموز كموة المطلوب و في حروف رموز اليه محيط دايره او زرع اولان حروف  
مبادي داخل دائره اوله التي اسم شريفه حروفه و خارجيه متقابل بازلان الكليات كرميكه  
حروف جمع اوله و مجموع حروف رموز ضرب اوله مطلوب مثل اوله **عشر** و نحوه من الدلائل  
و الرموز و الاشارات و اللغوز بذكر اوله اوله وجه در جنس دلائل و رموز و انواع اشارات و لغوز  
هر برسيم رموز دلائل متقل و وضع و اشارت من مستحكم در حضرت امير المؤمنين عليك رضى الله عنه  
بود آيه شرحه اشارتي اولوب بعد صحابه و صالحين بر جمع كثير اخبر حفت نبوت و صلوات عليه و سلم  
شرحته تقاضى اوله سابقا لم اتقدم و شرحته مظهر همت اولوب روع محمدية فايز فيض و امداد اوله ششم و مرتبه  
قطعا امكانه اوله زدي دبع و بصيرت و عين ضمير فهم معانيه حاتم و حيرة و دست تمتع و يد تفرق  
ادراك ثمرات مقاصد و مبانيه كونه **ال** و قصير اولوب قايده توفيق اوله حل رموز من فكر قاصد  
بر معين و نصير بولنا زدي **ال** قان نسائم توفيق محبت سلوك طريقك روضه و باطن و جنان جنبانه هبوب  
انديشه صدرني مشدوع و بصير بصيرتني مفتوح ايدوب مطلع انوار اسرار اعظمه آنه سلكت طالبيين اخبار  
و عقد كملين اجارده نظم ايد و اميد در كه بوقلب دانا و چشم بينا سبيله جوهر غافه و كلابي معرفت  
و ايقاني تميز و تنقيده ظفر نصير اوله فافهم ذلك و الله يقول الحق و هو يهدي البيل و الحمد لله  
**بسم الله الرحمن الرحيم** الحمد لله الذي اهدانا لهذا العلم و علمنا في العلوم ما لم نعلم  
جنس حمد شول الله فحسده علومه بزم بليد و كبري بزه الهام و انهم انبي و صلى الله عليه سيدنا  
محمد الاكرم و صحبه اولي القدر الطلح و المجد و الكرم و في الله تعالى بزم سيد من اولوب جميع خلقه  
اكرم اوله حفت محمد و قدر عالي و شرف راسخ و مجد شاخ و كرم و اذ اصحابه اولان صحبه و اخي  
صلوات و يرسوه و بعد **هذه** لغت الاوان من روع سيد الاواة الله حمد و بغير صلوة صلاه  
لنبي كتابيه ملحقه اولوب **ذهبت** استحضار اوله معانيك الفاظ مخصوصه برفع محمد  
قلبه بر وقت مخصوص لغت و القا اولان در **يتفرغ منه** يابيع الكشف و البياض بونفت  
اوله كلام من كشف و بياض الهي اير مقاري آقا ر **في** معرفة حوادث الزمان اليه يابيع كشف  
و بياض كه ناله مستقبلت حوادثه موقته متعلق در **اقتضى** وارد الوقت بحكمة احسن و قضايه  
اجرم و وارد وقت اقتضا انبي حكم واجب و قضايه بزم و بدم اليه ايراده بني بوطريقه  
غريب و ملكك عجيب اقتضى فعلك فاعلم و وارد و قدر مفعولي ايراده در و وارد اصطلاح  
صوفيون در تفسير كيا بلرزه عبارات مخلفه اليه مغرور اولور خلاصه و تفسير لري صفاي  
ذهب و زبان توبه ده قبل حقن و نفعه شيوخ ايده الهام معانيه اطلاق اوله در

فشار



اول بر حاله که قلب سالک نازل اولوب خطرات انحراف و وساوس شیطانیه اولوب جانب  
 رحمانه اوله و غن سالک فهم و تمیز ایدر یتلقاه القلب من جهة الالهام و یقوم اللسان خطیباً علی  
 منبر الالهام فی الخاص و العام بو ذکر اولینجا بر شی در که انی قلب الهام کفشدن تلقین ایدر دخی  
 لسان منبر انهمام خطیب اوله و غن حاله خاص و عام ایح بیا ایدر و بیا دی علیه رجاء  
 النفل عند رب العقل و بوی تر جاده نقل اصحاب عقل یاننده نزال ایدر یعنی بوی سولر لیکه  
 دلیل للملوك و الامراء و خلیلا لاولی الملوك و الکبر یعنی بونک بین انی و العام بیان  
 اولنسخ بادشایره و بکله قابل و دلیلدر و اصحاب سلوک اولوب طالع کشف اولاه اولوره دست  
 و خلیل اولوه اچوندر و هدى القانون العوم و الصراط المستقیم الذی کوث فی کوا الصواب  
 و جعلته عمده لاولی الالباب بو ذکر ایدر حکم شول طوعی قانون و راست یولدر که بن اندر صواب  
 سمته کسرم و عاقلده انی اعتماد ایدر کث دستور العمل قلم قد سیرت فی الاقالیم السبع و احوالها  
 و اختلافها و افعالها و الملوك و سلوکها تحقیق بن بونق تقدیر و بیا ایدم بیدر اقلیم و احوالین  
 و خلفایه و افعالیه و ملوک و سلوکینیه افعالیه و سلوکهم کر که احوالها ضمیرنه ایزد و آج قصد  
 اولنم کیم و اهل الملازم و ملوکها و حادثه عظمی صاحب اولوب جنگ و قتاله سبب ادلا جباریکر  
 و ادل عسکرک بادشایرینیه و امراء البلاد و اتباعها و ملاک الحیون و اتباعها و افرط الملاح  
 مستوی اولاجق امرایه و اتباعلرینیه و قلاعه مالک ادلا جباریکر و انلره تابع اولاه ملوک کر  
 و قواد العاکر و اشرار و وزراء السلاطین و اسرار فاه و عاکرک رؤیاسنه و اشرارینیه و سلاطین  
 آینه نک و زراسنه و اشرارینیه و المهدی و ناسنه و الدجال و دانه و دخی مهدنیک شانیه  
 و جفاکان زانیه و دجالی و دقت فوجیه و السفیانیه و فوجیه و الکمانیه و دلوچه و سفیانیه  
 و فوجیه و کرمانیه و بلادیه و دخول و دلوچه و الحارث و شرم و الکردیه و امریه و دخی حارثیه  
 و شریه و کردیه و شانیه و امرینیه و الرومی و خیره و الزبحر و اشرار و دخی رومی  
 و خبریه و زبحریه و اشراریه و الاعرجه و خرابیه و الاحول و خرابیه و دخی اقسناغی و انک عالمی  
 خراب اتمس و شانیه و انک حکمرینیه بر شمع و الاحوال و خرابیه و دشمن بوقدره جباریکر  
 زانیه اولان احوالیه و جباریه دیک اولوره بو ذکر اولناه کلمات حوادثه اشارتیه که لابد ظهوریکر  
 مقرر در حالکی واقع اولوب و کیم ماضیه اولندر اکثری دخی واقع اولن مستقبله اعرصه  
 مرادی الله اعلم تصور لنک فتی سیه اولندر و التبری و شرم و المهری و مکره دخی تار دن

اقالیم ۷

برکنه

۱۰۳۱  
۶۰۳۸

برکنه نک ظهوریه و مکرر و غدریه و العواقب و جوره و الفارسیه و موره و دافیر عاده برکنه  
 و جوری و فارسیه برکنه نک موری یعنی انک سبیل خلقه حاصل اولان اضطراب و تحولات  
 و تموجی باخود انک وجه ارضیه جریانیه و العتانی و آیاه و النصاری و اعلا نه دخی عثمانیه  
 و مدت سلطنتیه و نصاریه و علمگریه عثمانیه مرادی آل عثمانیه نصرانیه مرادی الله اعلم  
 بنو الاصف و ملقره فقیر و اولیه فقر و ثانیه بی قرینه قلمه ایام دولت آل عثمانیه خلد الله سلکته  
 الی انقراض الزمانه ده کین محمد اولمنه قرینه در بنو الاصف و هرج و مرج اولوب خروج دجانه  
 و البغاری و شانیه و الاصفهانیه و امکانه دخی بلغارده برکنه بویاندر شانیه و اصفهانیه  
 برکنه نک خروجیه و امکانه و نزول عیس و ظهور یسعی و حضرت عیسی نک نزدلینه و دجالک ظهوریکر  
 و حال وجه ارضی جمیعاً سعی ایدوب کزوب حرمین شریفین ده غیری بلاده و ادسه کر که انک  
 حد و موصوف ایدوب سعی دیو تغییراتیش کیم و الله اعلم و قتال العلیج الاشقر و ظهوریه الاصف  
 دخی قتال علی اشقوی و ظهور بنی الاصفوی بویانکه فقیر بر برین مفسد و دشمن قهر اولوره  
 علی فرنگ طایفه سیدر اشقر و مرتضی صفت اید موصوف اولوب غایت صاد و شین اولاندر که قهریه  
 مایل اوله اول طایفه نک اکثری بوضعت اولمغین بودجه تغییر اولننده لک کتب لغتیه علی عریه غیر کر  
 اولاه کفار در مطلقاً فرنگ و اچو کیم کفر اچیند بر طایفه اختصامیه بوقدر کرنگ فرنگ و کرنگ  
 بدم و کرنگ عی اولسوه عرب ادل جنس کافر مطلقاً علی دیر و معلوم اولاکه بو ذکر اولناه ترتیب اذره  
 ظهور انک لازم دکلدر و و اوله مجرد عصف و جمع اچوندر ترتیبه دلالتیه بوقدر بوقرات کیف ما اتفق  
 مؤلف صاحب کشفه صادر اولندر ذکرین ترتیب ملاحظه اولننده زیرا بعضی احادیث شریفیه  
 و انار لطیفه ده معهود که حوادث فرنگ بعضی هکله مذکور اولان اول مذکور اولانده اول ظهور  
 نس کر که تقدم ذکره اعتبار اولنا مقدم مزید استنباط اچوندر تنبیه اختیار اولنری و اچو و اچو  
 و سده و خراب البلاد و هکله دخی یا جوج و سده و بلادک خراب اولنری و دقت و حدی  
 و طلوع الشمس من مغربها و الدانه من شرقها و شمس مغربیه لملو غنی و دانه الارض شک شمس افسود  
 کعبه نک مشرقده فوجیه و انقطاع الجهاد و انقراض العباد و دخی غزاله برکنه قالمغله جهاد  
 فی سبیل الله منقطع اولوب مؤمن و مسلم عباد الله منقوض اولنری و نزول الروم علی حلب و قتال  
 السفیان فی رجب و دخی کفره و رومک حلب شهرنه نزولیه و سفیانینک شهر حبله قاتله و قتال حوز  
 انوار و الا تراک الهوارج و دخی طایفه و خوارک دولتم و اترک قاتله نول خروجیه و قتال حوز  
 و کرمان و اشرار یهودی و فتح رومیه الکبری و واحد قسطنطیه العظمی دخی رومیه کبری نک فتح قسطنطیه  
 عظمی نک کافرانده اخذیه و نزول العادیات السوابی بمرج دابق و دخی عادیات سوابک یعنی برار  
 یوکرکه انلوت دابق اوه سینه نزولیه مراده بر قوتلوز برار انلوت عسکرک عسکرک عسکرک عسکرک عسکرک

و کثرت نشانه

فقرات عظمی

داز عظمی

بجبر











لام جعفر کتابت ایک جانبہ باب کبیر و باب صغیر یازدہ باب کبیر یازدہ جہان حروف و حجاب  
 اب ت ت ج دیو ترتیب اوزر آخر و وارجه یازدہ و باب صغیر یازدہ حروف و حجاب  
 انکسور کلرن قرینت کلمہ و وارجه یازدہ و بعضی علمائے مشہور باب کبیر جعفر کبیر و باب صغیر  
 جعفر صغیر یو تعبیرات یازدہ و جعفر خطائے مجربہ و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و التیوت  
 مصدر استخارج اول و دوم و معلوم اول و دوم و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 دکل عرب حروف و حجاب و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 و بر علم جعفر کتابت علامت کبیر و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 و کبیر صغیر کتابت علامت کبیر و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 داف کبیر و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 عظیم و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 اندہ استخارج اول و دوم و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 بر سبب مطلوبہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 مراد ایدہ قایم بن اجور و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 طریقت کبیر و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 اندک طلبند و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 آخر و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 اصطلاحی اقسام جعفر یا خود کتابت اشارت و مؤلف جلیل القدر ایدہ لام و نور و جعفر  
 اولاد کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 خلفادہ بعضی علمائے مشہور و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 بل و کبیر و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 ثنا ایدہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 ربانیتہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 اکابر علمائے کبیر و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 بعض ترکیب خاصہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر

مصدر قرآن

الآخر  
ماہ

و غزل

و غزل و نصب کبیر و امامت و احباب کبیر انواع سخرات و تاثیراتہ ظفر مبر او و و نکره کبیر  
 دخی نخبه قوانین و بونکت اشارتہ جوامع فراہ و اصل اول و نور و واسم اعظم و تاج آدم و خاتم سلیمان  
 و حجاب آصف و بوعلم شریفہ و دھبی بر زبان اولی کہ اہل تحقیق اول و عارفین و عابدین و علمائے  
 و تحصیل ابن عبداللہ السمری و اصحاب توفیق اولان سلف صالحین و ابو محمد حسن البہری و سفیان  
 الثوری کبیر برای امت بوعلم کمالہ تعظیم و مزید رغبت امتش اولمیلرد و دھبی اسرارہ حق و وقت  
 قلیلرد بوعلمک باب تحصیل و طلبندہ را سخن علما و حاذقہ حکماء تراجم و تراکم ایدہ کلمہ و جعفر  
 ایدہ اولہ و بند اخ و بونکت اسرارند و سری اتمل و آنکہ عمل اہل اولان قدری اختیار ایدہ و جعفر  
 آدمی و سفیر شیت و سفر نوح و سفر ابراہیم علیہم السلام افود و غزن صاحب اول قدری سیرت  
 یزد م و بونکت شریفہ عظیم جالب و حضرت آصف بن برخیا بن شونکت یبوع احکام نام کتاب مطاع  
 ایدہ و بونکت اولاد کتب معتبرہ و ستر ستر نام کتاب و کتاب کبیر و کتاب المصنف الحنفی و العبد الکبیر  
 و الاجناس و کتاب التوح و القلم نام کتابہ مطالعہ قلم و بونکت خافہ و بونکت قرین و خافہ  
 شمشیت کبیر و رموز حل قلم بونکت بر مرتبہ خدمت قلم کہ سماء و حانیتہ معارف الحقیقہ کونہ ضیا  
 و یردی مخزن قلم اسرار ذوقیہ ایدہ طویدی تحصیل کبیر خدمت رجال قلم و اعزازہ شدہ حال  
 اولادہ فواید عظیمہ داف حل اولدی پس لسانہ معارفی سولیمک قصہ ایدہ و ترجمانہ عوارفی  
 استتقاق ایدہ و دخی بر مفاہیج غیبیہ و مباحی قدرتیہ کہ اکا و اصل اولادہ و الا افراد عارفین  
 و احاد را سخن و اصل اول و لول و لول و تحریر ایدہ بواختیار ایدہ و مکن ماعدانکت میدادہ بیانند  
 کمیت اقلامہ ارخای عنادہ اتمیوب امساک ایدہ و معلوم اولادہ علمائے طریقت و مشایخ اہل حقیقت  
 یا نور و نقل صحیح و کشف صریح الی ثبات و تحقق اولادہ و بکوفہ حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام و جعفر  
 کوفہ جامعند منبر اوزر و خطبہ او قورکن و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 خطبہ البیان عالم استغراق و باده اللہ تعالیٰ سولیمک و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 و امیر عجیبہ و متلمس در دیو و عمارت و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 بدیع السموات و الارض و قاطرها جنس و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 ذات واجب الوجود ثابت و مختصہ کہ اول اللہ کو کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 و مبدع و خالق و موجد مفسرہ و مبدع و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر و جعفر کلمہ و جعفر صغیر  
 خلق و ایجاد و اخضر و بوسنعتہ بر استاد من غیر مثال یکتبہ و قانون ینتخبہ  
 یعنی اورنگ و نمونہ سزا خدای و ایجاد الیہ عرب و عبا اکا ایدہ و فطرہ و خلق

نار و ماد ترب



بواجاد عامد و ساطع المدهیات و دوازدها بمسوطانی یعنی با دیکه دو شمشیر  
ارضی دوشینجی و سزا اید یکجید مدهیات صیغه مفعول اوزره در فضاء عرب دها الله  
الارض دیر بسط الله معانیه قراه عظیمه داخل و الارض بعد ذلک دجهها بیدر  
موطد اجبال و قافرها و معجز العیون و ما قوام طاعلی برین ثابت و منفرد قلیح و ارضی دلب  
بار مغله ارمایه اید یکجید و مرسل الریاح و زاجرها ناهل العواصف و امهها استودیه وقت یلایر  
ارسال ایدوب اشدریجی و استودیه وقت زجر اید یکجید و ریج شدیده عاصف دیر لر جمع عواصف  
کلوز ریاح رحمت ریج و عواصف و صهر عذاب استعال اولوز محفل مفهوم فقرتین نسایم رحمت  
وریج عذاب هر برین استور سیر و امر ایدوب ارسال اید استرسه منع دهنی اید و یکجید  
و مزین السماء زاهرها و مدبر الافلاک و مسیرها سماء دنیایه مزین و منور در و افلاک  
دور و سیر اید یکجی در یا خود امر افلاک بدیده و تسبیح اید یکجید و یکجید و نحمد مدبره دوشینجی  
تأسیس تاکیده اولی اولعین برید در مدبر اطاق اداره ده مدبر اولدن انجدر قرینه  
اولی ایازینا السماء الذی یزینها الکواکب و لقد زینا السماء الذی بمصابیح آیت کریمه  
اشارت واردره و مقسم المنازل و مقدرها و منشی السحاب و سحرها منازل تقسیم و تقدیر اید یکجید  
و سحاب تقالی خلق و انشا ایدوب فرایله هبوب ایدوب سابق اولاه ریاحه و مسخر قلیح در  
والقمره زناه مازل آیت کریمه اشارت در و موج الخنادس و منورها و محدث الاجسام  
و مقررها غایت قره کو کجلیس نهار اینه الیاج ایدوب عالمی بر ظلمت اکین بر نور قلیح در و احسان  
اجسام احدث الیوب بقاء مقدر ابقا قلیح در قرینه اولی یوئج اللیل فی النهار آیت کریمه  
اشارت در و صامن الارزاق و مقدرها و مکرر الدهور و مکررها و ارزاق اکره خلقه کفیل  
اولوب تقدیر ایدوب در و ازمان و دهوری مکرر بعد آفری اعاد ایدوب در و دوزخی در  
و مورد الامور و مصدرها و محیی الرقات و ناشرها جمع لهورن متورر و مقدر ریزه  
یعنی جمیع اشیا انک ارادت علیه صادر و وارد اولوز و جویش که کلری کرواحیا ایدوب  
یوم حشره نشر ایدوب در احمد علی الایه و اواخرها حد ایدرن اشبوصفات کماله الی  
موصوف اولاه اول اللهد بکا انعام استودیه تغیرینه و اوزر مع اولاه منسلرینه و استکوره  
علی نعامه و قوا ترها و دخی شکر ایدره حقک نعم متعده سنه و بربری از دجه نعمت متعاقب  
اولسنه و استهد ان لا اله الا الله و صر لا شریک له شهادة تودی الی السلام ذکرها

در شهادت ایدوب برین کفایت الله غیره آله اولوز و غنه واحد در شریک بود و بر شهادت الیه شهادت برره که  
ذاکرن دوزخ جمیع من ساعته و عذاب الیه خلاصه مؤدی اولوز و تو من فی العذاب ذاکرها  
دخول شهادت ذاکره و حاتره اولاه کینه عذابیه ایدوب و استهداه محمد اصلیه علیه و علی آله  
انجام مکسب من الرسله و قافرها و در شهادت ایدوب که محمد صلی الله علیه و سلم تامه رسالت  
خاتم و عنوانه فخریدر و رسول الفایح لما استقبل من الدعوه و ناشرها و دخی الی یوم القیام  
زاده مستقبل دعوت عامتک فاتی و بین الناس ناشریدر ارسال الی امة قد شرف عبادة الاصنام  
شاعرها و هو تها اول رسولی بر امة یعنی بر قوم بر طایفه ارسال الیه که اول طایفه تک شاعری یعنی  
ضلالت و عداوه الیه موصوف اولاه عباد اصنام الیه ضلال اولی لوبیدی و اغلنطس بطلالة عباد  
الاصنام ماهرها ماهر ساج معانیه در عبادة اصنام ضلالتک و کزید ساجی یوزیجی اولوز و غی  
حالد ارسال ایدی جمله موقع حال در مرسل الیه اولاه طایفه تک حالیه مبتین هیئت مفعول  
اولاه احوال منتقله دند مراد حوت رسالت پناهیک بغنیه خلق کمال مرتبه غوایت ضلالت  
اولوز و غین نهج بلاغت اوزره افاده در اغلنطس کلمه طایفه و یوزدی معانیه استعمال اولوز  
لغات غریبه ده در و تفهیم غنی اجهاله سادرها سادرتحیه اولاه و قلیل المبالاة اولاه  
اطلاق اولوز جهالت از غولفتک لجهلینه افتحالم امتدی امر شد و باب دیانت مبالاة تمیز  
یا خود مبادیت الیه ضلالتی تمیز ایدوب امر من تحیه اولوز و یکجید فقر و اولی یک مضمونه قرینیدر بر عمل  
دخی موقع حال در و عمل متقدیه حالیه معطوفه و ملقین و تجر لغواء الشبهات فخر فاجرها  
نعماء الحقیقه اول طایفه تک فاجرتک فخری یعنی فسق و عصیاء و کفر و عدد اندر رخص  
وافساد امتدیکه کبرانه اقتدا عملیه کفر اقرار ایدوب شکر نفعیه کفر تبدیل قلمشردیر  
برج شکر نه نعامی شبهات مضاف قلمش و چه محور اوزره کور شد شبهات شبهتک جوهر لغت  
امر لمبیس معانیه در و امر معطویه متشبهات دخی دینور لکن بوقامه نسخ لر صیح اولوز و غی  
تقدیر چه معنای اضافت فهم اولوزیب مراد شرفیبری نه ایدوب درک اولیها معاین بومرته الیه  
اکتفا اولوزی و هدر علی لاله الشیطانه بقبول العصیاء طایرها و دخی نول زانغ مبعوث  
اولوزیکه اول طایفه تک قلبلرین بقول کفر و عصیاء مرکوز و مقبول اولوز لاله شیطانه الیه قبول  
عصیاء تک طایرنا مبارک و امتدی سجع طایر قلبلر مؤثر اولعین مزید قبوله کنایت در  
محصل کلام قلبلرین عبادة لاصنام و رجس فسق و ازلام بر مرتبه یا قشیدیکه نوزایما



و آب رشد له قلب ناپاک لر بر نور و پاک اتمک مثل ایدی دیگر طایر فال معنیه دخی کلون  
فال نامبارک لر قبول عصیاه اوزده اولمیدی غیره توجیه و اقبال امر محال مرتبه سنه ایدی  
دیگر نه طاهلیت عرب طایفه سی فال ایله مقید ایدیلر جمله ده بر سف توجیه و عزم اتسه لک  
صاغ ط فده بر طایفه یعنی بر قوش اوچسه تیامن ایدوب فال مبارک عده ایدر لر طایر میوه  
دیر لر صول ط فده قالسه نامبارک طو قوتی نظیر یلرک بلکه ینه کرونه دونوب اول سفون  
فراغت قلور لر دی طایرک اقبل معنایه بودر صکره توسع اولونوب بر تفعاله طایر اطلاق اولون  
نظیر فال نامبارک که مختص اولمدر تفصیل بوقامه ناکجا در شرع بو اعتبار جاهلی بیه لاطیر  
و خیرها الفال و لا عدوی و لا طیر و لا عول حدیث شریف لرله محو و نسخ ایدوب امر منکر ایدوب  
افاده اتمدر و نسیم اکام الاحکام بر خوف الشقاق ماکرها و اول طایفه نک ماکر و حیلکاری  
ز خوف شقاق ایله یعنی قول باطله فصاحت و بلاغت ایله زینت و بر مکله اکام احکام تعلی و تفویض  
اتمدری اکام الکه نک جمع جمعی دره نو کسک یرله دیر لر نه طاهلیت صنادید قرئیده حب  
و نسب ایله موصوف و بلاغت و فصاحت معروف اولنلرک بر سیع هاکم اولوب شریعت سز  
حکومت ایدر لریدی و حوادث و وقایع خلقه مقتضای رای فاسد و عقل قاصر لر اوزر  
کیدر لر دی احکام لر نه منی ناحق و ناصواب نمنه بلاغت و فصاحت اوزده خطب انشا اتمکله  
خالق صورت حق کو ستر لر دی حسن بیا و نهج بلا غتک بو بابی دخل عظیم واردر نیجه  
ناحق سوز ادا یبارد و سوء تعبیر ایله القا اولمفل قبول قلوب حق باطل و باطل حق کو رغزدر  
تکم بو معنای فصحاء شعرا ابو اسحق فیروز آبادی نظم ایدوب دیمدر  
فی زخرف القول تزیین لباطله و الحق قد تغیریه سوء تعبیر تقول هذا نجاج النخل تمده  
وان تعب قلت ذاتی الزنا بیز مدحا و ذکا و جاوزت وصفها حسن البیاء یرى الظلم  
کالنور فالبلغ صلی الله علیه وسلم فی النصیحه و اونها پس خلق صلاحه اکبر ارسال اولنه اول  
رسول علیه السلام تبلیغ رسالت ایدوب خلقه زجر و نصیحه مبالغه قلدی و نصیح و بندک  
وافر و مؤثر و سولیدی و اغراض لبحجار الضلال و غامرها بحار ضلال لک که کرینه و غامز  
اولوب صوی و افر اوله مواضعه شیخ ایدوب صوغندی که معظم بحره و بنور لجه و غامری  
صوغلیجی سائری اولوتیت ایله محو اولماق لازم کلور و انار منار اعلام الهدایه و منابر  
دخی هدایت طالع نیک و منبر لرنیک یول لرین منور ایدوب اظهار ایدی منابر اولما یوب

منابر اولماق

منابر اولمقد جائزدره اما یب بر دره منابر نک هم اولور منبره منابر ارتفاع همنده اعلامه منابر  
طریق واضح معنیه اولان منابر فضیله داخر تناسب بولور نسخ لری اعتماد اولمغین احتمالین  
معاشع اولدیز و محامعج القراه دعوة البیاطه و منابر هاه و دفر قراه معجزه سید شیطانت  
دعوتی و اول دعوتی منابر و منابر اولان محو ایدی و ارغم معاطس غواة العوب و کافرها  
دفر عرب مشرک لرنیک غایت از غول لرنیک و زبای کافر لرنیک بولور لرن ارغام ایدی ارغام تراب  
دیر لر بورن طیرانه سور دی دیک معنیه دره ارغام انک حقیقه مراد کلدره لازمی اولان  
ذل واهانت و الزام مراد دره لیر الزام و طول النجاد بیه کنایتیه رغم انف عرب بجه مذلل و ملزم  
اولماق کثیر الاستعمال اوله دغنده غیر دیر و در داخر شایع دره ارغام انف ترکیبیه دونوب  
بورن یره سوردم بورن یره دکدم داخر دنیور حتی اصبح دعوتی بالحق باؤل زائر هاه یعنی ابر تبلیغ  
شویه اهتمام ایدیکه دعوت بالحق اتسمه عبتک کذولر اول زیارت ایدنه واقع اولوب امر دعوتی  
تاخیری جایز کوریدی و محبة بالصدق بقول شاعها و بنطق ناصرها و اول حضرت کبرای عریه  
بعد البعثة اول زیارت ایدوب دعوة و احابت واقع اولوب شرف السلام ایله اول مشرف اولنک  
اول حضرت مزید محبة شایع و متواتر اولوب شاع عرب انی شعور کورمدر و ناصر نا طوت  
اولمفل ثابت اولمدر بونده مراد شریف لر کده و اولماق وار صدیق اکبر اولماق داخر هایددر  
و محطدر زیرا کتب سیده اتفاق بو یک اوزر نه درکه اول اسلام کلر نسا ده حلیله و حلیله کر  
ام المؤمنین حدیث انا مر دره دوه البلوغ اولانلر ده امیر المؤمنین ابوبکر صدیق رضی الله تعالی  
عنهم و عن سائر الاصحاب اول امت حدیث یکدی که یونان علی مرتضی ثالث صدیق با وفادار و شریعت  
المطهره الی المعاد یفر فاخرها و شرع مطهر قیامت کربا دره انکه اصحاب شریعت اولان  
علامه هر فاخر خرا ایدر صلی الله علیه وسلم و علی آله الدوحة العلویا و طیب عناصرها حق تعالی اوله  
رسول ماکرم و الله صلوات و سلام و یرسوه ایله آل که باغ سعادت و کلن عزتک دوده و علیا سی  
و دنیا نک طیب عناصره ایتها الناس سائر المثل و حق العمل حضرت امیر المؤمنین و یحیی  
المعقین علی المرتضی طیب سنه تحمید و تفسیده صکره مقصود شروع و حقنا رحلیه خطاب  
ایدوب ایدر که ای شرف سلام ایله مشرف اولوب حاضر اوله ناس مثل سائر و عمل محقق اولدیر  
واقدم الوهل واقتراب لاجل خوف و اقدام ایدوب اجل قریب اولدیر اهله مراد مقام قرینه سیده  
یوم قیامت اولوب اقتراب الساعه معنایه و خوفن مراد علایم قیامتک ظهور یدر



و صحت الناطق و بصق الراحق ناطق اوله اسكات اولدي و غایت اریق اولوب کتبی اولیان  
صاغلی خلقک قلت انصاف الیه انصافه کنایت بصق و زایق کلمه لریک معنای تبیع  
اولدقق بومقام بونده مناسب معنای بولمیشد و حق الحقایق و الحق اللامح حقایق امور معلوم  
تحقیق و تصدیق اولدقق بومقوله بر لرد معنای عهد الف لام دن مستفادد و فقرات شریفه  
و بونده صکره کلن بعض فقره کرک انجی لغت معنای معلوم اولوب مراد شریفی ایل کشف و حجاب  
فته مفهومده و ثقلت الظهور و ثقافت الامور ارقه کر تحمل بار دن ثقیل اولدی و امور معظه  
و خطوب هایلده عالم محله اولوب توارد و تراجم ایته معلوم اولدق بومقوله اور آیت و حوادث  
مستقبله اشارت اولان اشجاع بلیغه صیغه یا فیه الیه ایراد اولغان محقق و وقوع غنیه  
اولایوب و قوت قرینه اولدوغی احوال سائر دینی بوکافیس اولوب بوقاعده و بلاغت نمایه  
ارجاع اولد و حجب السرور و اجماع المغرور کو کلامده سرور منع و حجب اولوز مغرور اقام  
اتر اولدی و ارغم المالك و منعت المسالك مالک مطلقا صاحب معنای در ملک معنای غیر  
اولان احتمالده از غایت معنی بوقایده کلمه مسالک مسلک جمعید بول معنای و فیه معنای  
دخیر کلوز مسالک منع اولدقق بویملرنیک انجی معنای غیر تحمل و اردر و مسالک الحاکم و هاکم  
المحاکم هاکم غایت سیاه اوله نندیه دیر لرد شذیر الظلم معنای در و سلوک معنای ظاهر در  
مالک هاکم اولجی دیکدر و غمرت الفوات و کثرت الحشرات فوات غامر اولوب صوبه لندی  
یا خود تغییر اولوب فوات اولدقق دیک اولوب بویملر قلمده کنایت اوله و حشرات و زهرات  
چو غلی و دیکدر مراد شریفی فرائد طائفه و غیر یا خود قیام اسلک و قیام اشراط عتد  
و علامات قیامده بر حادثه نکت قرب ظهوره اشارتد الله اعلم و اکدت العزات و لغت العزات  
شدت و مزاحمه لرب بربری اردنجه تعاقب امکله تاکید اولوب خلقه خطا و سورجه لرب غلی  
خلق ناهق و ناصواب اولان اموره حریص و غله فعل لعل که حرص و شرم معنای و عزاته  
اسناد اولوب کثرت و شدت مراد اولمیش کیم و الله علم لغت العزات اولدوغی تقدیر حبه  
لغوزده اولور چو ملاحظه اولوب چنداه معنای ملایم سنجو اتحد کلمه و اجمال  
احتمال دفع احوال بر اولدقق و فوق کل ذی علم علیم خلقک جمله عزاته بری عصر شریف  
لام حق بعد خلفای النبی کذلک اولوب مستحق خلافت انده منحصر اولغله امر و مومنین

و خلافت

و خلافت خلیفه حقیر علیک معاویه احق ایدو کیم کالمش فی کبد التمام واضح و روشن  
اولمایه محقق اکیز بعضی ناسه خلیفه اولوب خلیفه معویه اتباعی غنیه سید ک ظهور  
ایتمدی و قصر الامد و تاود الاود مدت و ناله قصید اولدی و اود تقویم ایته اکر لریک  
اود ختم هنر ایلد اود اولوب مصدر اراج اولغان قدح محمله قادت بر معنای دغیر ثقله  
اغزلدی معنای و بر امره بذل مجهود اولسه آلامر اودا دینور و دهش العدد و اوجش  
الفند عدد محکم اولدی فند موش اولدی عدد بر جمع کیز اولوب بر طایفه نک دهشت و فند  
بر جبل یا بر موضع معروف اولوب مسکور و ماهول اکیز فقر و حال و موش المنة اشارت مقصود  
اولمقد و هیبت الوساد و ذهبت الهواجر و سادش و شوش نک جمعید و موسیطانک قلبه القا  
ایته و کیم افکار فاسد و خطرات باطله و هواجر مضل در و هاجس هر جا سک جمع اولغان فیم اولوز  
هر جاس رجل حیم معنای حجاج جوهرین مصر حیدر بوقایده حیات اعلم اولور کندی دیکر اولوز  
و عطل العساعس و خذل الناس عساعس قنقد جمع اوله قناده معنای کلوز قنقد کر بی دیکر  
حاجوز و اکثر کیم ایلد کر دیکون قناده عساعس دینور عساعس مراد شریفی استراش سمع ایدوب  
کیم ایلد مرجم اوله جن طایفه اولمقد که بعثت نبوت دن صکره ملایکه خبر استماع ایدوب کهنه خبر و بر لریک  
بازل و عاقل اولدی انا کنا نقعد منها مقاعد للسمع فن یسمع الان بخیده نه با رصدا مقصود دیوب  
عاجز قالدیر و نافس دین قدام میسره سهم خاص در ذکر جزو اراده یکل اولوب خذله نافسه  
تقارن حرام اولمیدر و لجت الامواج و خیففت النجاج اوج فتنه قالفوب بر برینه تداخل اولدق  
و دین بخاجده قور قلدی بخاج یوم حوب و فرعد جوله ایدوب خصم مقاومت انمقد مراد کثرت  
حوب اولغله استغاثه حق واقع اولمیش اولی و دیمت اولماق دار خوف بر ایل معنای برینه صرف اولماق  
ایدوب استغاثه کلوز کمنه قالماز اولدی دیمت اولماق دار خوف بر ایل معنای برینه صرف اولماق  
قالدیر و ضعف النجاج و اهرع المنهاج حجاج ضعیف اولدی یول کسلب کد لمر اولدی دیکدر بوجع  
خلفا نندن مصر بونده کلن حجاج قتل اولوب بعد اول یول قیامد غنیه اشارت اولماق محمله  
تفصیل قصه کتب توارخین مطور در و اشتد الغرام و انفع الاوام شش مشد اولدی و عطل  
حراری یا خود صداع و دوا ربانی مفتوح اولدی و دلف التقام و از دلف الخصام غبار فتن  
قالعزین تقدم ایته و دغیر خصام قریب اولوب یا قلدی خصام حصوت معنای مضمود  
اکد الخصام کیم ایت کریمه واقع اولمده و خصم جمع اولماق جایز در لافصح لغات



خضم واحد وجمیته اطلاق اولوب جمع قلنا ز قراءه عظیمه بل ایتک بنو الخضم اذ تصور الحرب  
آت کریمه سنه واقع اولدوغی کیم واختلف العرب واشتد الطلب عرب اختلاف ایلوب طلب  
مشتد اولدی وصحب الوصب ونكس الحوب زحمت مفارقت اولایوب خلقه غزم ملازم اولدی  
وهرب یعنی خایف اولوب قاجق ناکص اولدی اردنه دونوب قاجدی هر بدن مراد هار بدر  
وطلب الیون وکلت العیون دینار مطالبه اولدی وکوزر اغلی وفتح المعنوه وکلت  
المعینون مفتون الیاندی ومعینون ساکت اولدی معنوه خاصه بازارنغ الیاندی مفتون  
عامر وشاط الشطاط وشط الشطاط بعد وهجاه عجله وسرعت الله وسرور وشاط  
بعید اولوب کتدی هطاط الهطاط ومط العباط غلبه وصیاح وشر تذیر وقایب اولدی  
وبغیر جرم حق قتلار محمد ومتواتر اولدی عباط عبطک جمیع بغیر علی ذبح اولناه دود  
عبیط دیر علم اشتقاق وصرن بغیر قاعده حذف اولمن حرکت حذفه اعتبار دیر کلمی  
دخی بونده مأجود در وعجز المطاع وصلت الوقاع مطاع ویتبع اولاه عاجز اولدی  
وقاع وقرابه منتج و مفید اولماز اولدی وقاع جماعت معنونه در صلت عدم اقبال  
کتابت اولماق واردر یاغیر از و صوی جوق شوربا و سود کتور غیب جاء بحرق  
بصلت ولین بصلت دیر وقاعده غرض ایل اولاه تاسل و توالد میسر اولایوب آفرین  
نسایه عظم طاری اولمه اشارت اولما قدره والله اعلم واطلم الشجاع ونصاحت الانجاع  
ضیا ظلمه متبدل اولوب قولقاری اشتمده صاغر اولدی اشتد لندی وذهب العفاف  
ورغب اختلاف خلقة عفت کتدی و خلاف دشقاق مرغوب اولدی وسمى الانصاف  
واخرج الثقاف عین اعیانه انصاف و عدل قیم کورندی وسوکیله اخراج و حضار  
اولوب حوب کجه اصلاح اولدیر مراد حد بک کثرت وقوع در بعض نسخ امرج الثقاف  
دوشمن بوتقدیرجه ثقاف غایت ضارب نیکه لر دیر خلقک عیشنه تلخ نذر فارشدیر  
حضور و سرور قالمی دیلمه کنایت اولور والله اعلم و استخوذ الشیطانه و عظم العصا  
شیطانه و سوسه شیخ و ضلال غلبه ایتدی وکنایه خلق عظیم اولور اولدی و قد حلت الحوادث  
ونفت النافث نار هودا و شرار شر اشتغال ایتدی قدح و انداج اصلنه جاقق جاققه  
دیر نافث نفث ایتدی نفث مع الریق افوریکه دیر سمار و سمار بعضی و نفثه ایتدی  
اولور و دیر دوکر لوز قراءه عظیمه و شر التفات فی العفده بولرک بیان نازل  
اولدیر

اولدیر معوذتین کریمتین لیلید بن الاعظم نام یهودی خوفت رسول سحر ایدوب مبارک فراج نعلنه  
محکم ثقلت و تغیر کلدک نازل اولوب الاست سحر برقیوده جیقاردیلوب اون بر دوکم اوزر  
اون بر آت اولان سورتین فرورتین اوقد قدح بر بر دو کلمه حوزیلوب بده سحر نعلنه  
خفت کلمه تفصیل کتب احاد شیع مسطور در لام علیک بولکلامه مراد شریفیه حقیقت جمال  
اولمقدح محمدر یا سحر ظهور ایتدی دیک اوله یا خود سحر علی کیم مؤثر اقبال باطله رکع باطله  
بولدی دیک اوله وهم الرابت و عبت العابت مقصود در منع ایدیکر هجوم ایتدی لایع  
لعبه مشغول اولدی وهدت الاحراز وحافت الاعجاز حراز و حصار لر یقلدیر و اعجاز خوف  
ایتدی اصول ناسده مجاز اطلاق طع اولور وظهر لا حجاز وهر الرجاز احجاز و اختصار  
ظاهر اولدی وهودج نسیا اوزر اور بلاه صوف و کسا ظاهر اولدی واختلفت الاله  
وعطمت البلور و اشتد الشکون هوی نفس وارردی حاطر اولان شرو شور یا خود را ایدر  
مختلف و متعذر اولدی ولوی عظیم اولدی و شکوی تذیر اولدی واستمرت الدعوی دعوی و غوغا  
دخی کیلوب ستم اولدی وفرض الفارض و رفض الراض و رفض قطع معنونه در قاطع  
قطع ایتدی و راض رفض ایتدی احکام شرعی دن برن قالدوروب عمل ایتلر رفض ایتدی و دیر  
روافض دخی بوندند فقرع اولی قرض الفارض اولوب قاف ایل اولماقدح محمدر وقعد  
الفاهض و سعد الفارض کاسر بقود ایتدی فارض سعید اولدی رهالده بنیم و حیم اولانه  
فارض دیر مراد شریفیه هودا آتیه ده بر معهود اولمقدح بقود ایل ترک و فراغدن  
دیر کنایت اولور ولخط اللاحق و لمظ اللامض کوشه رجیم باقیه یا خود مطلقا ناظر  
یا قدی دیلمدر لامض بقیه طعامی که لحاظ دیر لر انیله اغرنه متبع ایدیکر مفایر  
ترکیبیه ظاهر در کین معنای مقصود فقرات سابقه کیم متور و محفید دعش انشاط  
برننه کوج اولوب مکل اوله شط الامر دیر لر شاظظ فک ادغام ایل یا خود باب  
تفعیلدن صیغه فاعلیه و کذلک بر قوی متفرق ایتلر وباظر ایتلر شظهم  
و شظظهم دیر لر فرهم معنونه معنونه و عض امرق معنونه سندره و جوبک و زناک  
شدنه عض امرق و عض الزمان اطلاق اولور و کلمه فرهم غین معنونه الفاظظ  
کوز یا بقدر مق و بر امریکه و هر تحمل ایتک معنونه اولماقدح محمدر ورفض الفاظظ  
رفض معنونه اوفتم و دق ایدوب دو کلمه و خطک معنایه علیه الطبع و سنی الخلق  
و فاسی القلب و حسن الکلام در ولما هم الذاذ قبیلله منزل ساکن اولایوب



وکیل  
نکته  
نکته  
نکته

متفوق اولاد جمع اولدیر یا خود قلال جمال متقارب اولوب بر برینه ملحق و ملتقص اولغور قریب  
اولدیر و ثقل الحاذی یونک چکدن ظهر ثقیل اولدیر و عز النفاذ دفع اولورده امر و حکامه  
حق سوز کجک عزیز اولوب آرزو واقع اولور اولور معانی نفاذ متعدد اولوب آرزو واقع اولور  
اولدیر یونفوقه دافی نی مناسب معنایه محله و وکل الرذاذ مطر خفیف و قلیل و بل انفور  
شدید و کثیر نه دیر لکن ترکر اکا او قلعوی یغور دیر و عجت الغلاة فلان فالینک جمع اولوق  
و اید طفل ارضاعدن کیه اطلاق اولور صیاحه فلوته عن ایه و اقلیته اذا فطمه دیومر  
ایدر و قن انسیه او غلابخه سوداچر عجت الام ولد لها دیر و وقت زفطام جوع اولوب  
یا خود اولادک ان لری اولکله سوداچر مک لازم کلمه حوق واقع اولاجعنه اشارت و تحت  
المقلات مقلات برکز کوروب ارتق طوغرین یا خود طوغان ولدی طور میاه عورت معنایه در  
تحت و خلعت معنایه در و شنشت الغلاة طغاة او غلابخه طغاة غارة و کلوب هم  
ایدر و جمع الولایه حکام اضطراب اوزده قعود ایدوب مطمین الخاطر اولدیر  
و تضال البادع و هم الناسخ متکبر آزدی و ناسخ و هم خطا ایدیر و رزکت الارض  
و صیغت الفرض ارضه زلزله اولدیر و فرض اضاعه اولدیر و حکم الرقن رقص شایع  
اولوب احکام اولدیر و نجم القرض دین و ریز اولوب بوایر و میلم کلک ایدیر و  
دیومر کله قیلندر اولدیر مؤجل دیونه منجم دینور یا خود دین ظهور ایدیر و میک اولوب  
خلق اکثر مدیه و فقه الحال اولمیه مراد اوله و کنت الامانة و بدت الخیانه لانت  
خفی اولدیر خیانت ظاهر اولدیر و خیفه الضیانه و عرت الدهانه صیانت خوف  
اولدیر رعایت اولمغه امکان اولدن و دانات عاری اولدیر دهانده بر صیرنجی  
موضع معلوم مراد اولوق یا خود اوزرنه نعمت اولان قومدن نعمت سلب اولدیر  
دیک مقصود اولوق محمله و والله علم و اتخذ الغیض غیض اتحاد اولدیر شجر  
کیر معنایه و دیار سلیم بر معاین صواب اطراف مدینه و متوجه بر موضع در  
مراد معنای اخیر اولمغه و ازاع القبیض تراب مجموع و حصاة جموع یا خود چاکر  
حرکت کلوب منتشر اولدیر دیکر یا خود قبیضه مراد موصلک جانب شرقین  
اولاه و سر مرز رای نام شجر قریب اولان ایدر قریب نیک بری اولمغه فقات سابقه  
کیم مرهاده و واقعیه اشارت ایدر و کرم القیض و کنت المحیض قیض  
واسع

واسع اولدیر و شدید خلوق و قوی البطش اولانک کمال غیظ و قوت غضبده کوکسی کورلدیر  
یا خود جیغوب نغم و صیحه ایدیر دیکر و قام الادعیاء و مال الاشقیاء ادعیاء قالدیر  
و اشقیاء مراد نایل اولدیر ادعیاء دین نیک چمن در غیرت و لدی او غول ایدر یونک بندیر  
دیر اکا دین اطلاق اولور و آة عظیمه و جعل ادعیاء کم ابناء کم آیت کریمه سند ادعیاده  
مراد بمعنایه بو محله مراد شریف اسیل و حسیب اولمیانک کله و اشقیاء نیک سعدایه غلبه دیر  
فی زنا ننا به حالت غایت شاید و محسوس در و تقدمت السهارة و تأخرت الصلابة خفیف  
الاحلام اولوب یعنی عقلی از اولدیر مباشرت امور و تقدم ایدوب صلاح و کامل اولدیر تأخر  
ایدر بو صفت دین حال قیه شایع ظاهر در و مادت اجمال و اشکل الاشکال طاعه و کت  
کلیه و امور مختلفه و صور متعدده بر برینه ملتصق اولوب تمیزی شکل اولدیر و شبع لکمال  
ابنیه رفیع جوغلدیر یا خود ذوق عظیم کجسته لوبدیر بو تقدیر صبر استعاره اولوب بر امر دن  
کنایت و بر علامته اشارت اولور و شتت الوبال شدت و عرت منتشر و متفوق اولدیر  
یا خود شرف و سعادت ضدی اولاه احتراق و وبال کواکب جوغلدیر دیک مراد اولوب علما  
و اشرافک انقراض بولسده کنایت و سرعت انتقال لینه اشارت اوله و ساهم الشیخ  
نخیل و اسخیا به شریک و مساهم اولدیر و امض الفصیح فصیح اولدیر لایه قلبیه  
اولانک خلافت اظهار ایدر اولدیر و فقهر الجرج مراد مجروح و دلوب نه آردنه کندی  
و اخر نظم الفحیح افی لربورن قالدیر فحیح اغزنده صوت و صدا حقوب قر غرن افی در و کلف  
البر و اغ اشراق شمید دفع و صرف اولدیر و حد البلوغ بلوغ السلب ناقص اولدیر یعنی هر شیک  
کمال و صوره نقضه اوزر اولوب ناقص اولور اولدیر و تفتق المروع یلتک سولید مرتوغ  
الشف معنایه در الشف لسانند ثقلت اولوب و حرف سینیه یا مخربند و رای عین اوقوب  
یا خود مطلقا بر حرفی بر حرف مقاضه اوقوب لایه دو غیب ثقلت و کنت اوزر اولان دیر  
فصیح اولمیان دعوی فصاحت و کمال انکه دهرت ماعده یه اولمغه کنایت و کنت المولوع  
مولوع با صوبه اوفاندی مراد ادا ینده اولوب یغرض اولانک کسر غرض ایدوب اشرافه مسلط  
اولمیه اولوق و ایدر قن کوپک بر قایده صوابه و لغ الکلب لانا دیر لزا دایه و آرازله  
علا طر الاستعاره خصوصاً اشرافه اولوب اشراق و یرین نسوانه مولوع و مولوعه اطلاق اولدیر



افرنه اند آید که تغلب و تسلط و نبات اثر آنکه کفر نبه ترویج اولیای بصلح  
قرشینه بود جمله اشارت اولیای کیه الله اعلم وقد قد الموعود دوز اولیای بولسک و صابر اولیای  
مواضع سهل اولیای دوز اولیای مقصود بعض مواضع بر حاله تحول و تبدلید  
وقد قد الیجور و قرا کوچه باریلوب غشوق اولیای بعض امور خفیه نکت انکشاف فذه کنایه اولیای فهم  
اولیای که طلوع فجر ایله دیکورک طولاً انشقاقه تشبیه و نمون اولیای و افروز الما تور انکشاف نور  
معانی و مقصدیه جو قدر جمله ده بری بر مقامه مائور سیف صادم معنای اولیای کس قلیج تجرید  
و افراز اولیای یعنی جنگ ایچه قیننده جهدی دنگت مقصود اولیای فهم اولیای و نکت  
المبتور مقطوع طرح اولیای قفح و اولیای قرشیه سله قتال عظیم اولیای جنس مقبول بر طرف قلندی  
طرح اولیای دیکت مراد اولیای فهم اولیای و غلغل العیوس و کس المهور عبوس یوزن  
بوز ترانه دیرلر و هموس کلانده جهاتید یاب یاب سولینه دیرلر و عبوس و هموس دیرلر  
اسد معنای دیر کلور معنای غلغل آفولیلد آلاجه قرا کوچه کتکدر کس کنگ معنای دیر  
دقی شدید ایله دوکوب اوفا غقدر بوقفیلده معنای استقامت دیرلر معلوم اولیای مراد دیرلر  
بر علامته اشارت در العلم عند الله و ناقص المعکوس معکوس کرمه بحث و مبارزه استی  
و اجلب الناموس خازن راز اولیای محرم اسرار اولیای کشف راز اولیای چغری چغری  
رازخانه سولیدی و دغذغ الشقیق یا تصدیق استی بلکه آف شقیق یعنی آنه بابا بر قنداش  
ترخفی و خیر مکتب فاش استی یا خود لایحه خیانت اولیای مالیه طاعتی و جریمه لایق  
نظم مرغوب اولیای حسن اولان اسمردن دوشدی ساقط اولیای و حجب الطریق طریق  
منع اولیای و نور الفیق بر قوم و بر طایفه حرکت اولیای و هیجده استی دیکدر شورش  
مبکدر عبارته و داد الذایده و زاد الزایده و ایچر یا خود زیاده ایچر زالی اولیای  
و ماد المایده خروج اولیای حرکت ایچر حرکت استی و قاد القایده قاید دوه یا خود مرکوب  
یولارنده یرو بکیندنه دیرلر قاد القایده مراد شریفلر برکنه نکت خلق بر امر  
اولیای و یرو بکیندنه بوقرا نکت هر بری برکنه و قعی و اولیای حادثیه و مراد  
تحقق صدور و قرب و قوعیه صیغه ماضیه ایله کتور مشرور و جهه اجد و کد الکد

برکنه کد

کتاب  
تفسیر

برکنه نکت طالع مساعد اولیای جهه اجد دینور کد لکت طالع یاری قلیایب هبه و جهه مساعد  
کد الکد دینور و جهه اجد هدمع اولیای هدمه مراد حدود الله اجر ایله اولیای امر سرخ  
جاری اولیای اولیای دیکت مراد اولیای فهم اولیای ابتدا ی ذره یخ و دیر ماده ده خفت  
معویه نکت ندع واقع اولیای مرویدر زیرا بو مراد شرعا قتل و طاق لازم کلیمت تکدم ایدوب  
عفو ایلمری منقولدر بوقفیم اولیای ماده یه اشارت اولیای انلری تحطه مراد اولیای تحمله  
آنلره صکره کلن خلقات و سلاطین نکت نلرین خود حدود الککات حق یرد محافظه به احوال اولیای  
عموم مراد اولیای احتمالدر اشرط ساعت و علما قیامده بری دافیر حدود الله اجر ایله  
اولیای اعتنا اولیای و سد السد سد اولیای قیامدی و عرض الفارض عارضک  
و عرض کلمه نکت معانی مقصدیه و اردو جمله ده بری مکه و مدینه یه عرض دینکلین مکه  
و مدینه یه کلمه عرض دینور آتی العروض معنای و عارض بولت معنای در و ظاهر اولان  
نکتیه و طاری اولان و دخی اطلاق اولیای و فرض الفارض قطع ایچر یا خود ضرب مهلت  
و تعیین وقت ایچر اولیای فعلی استی و سارا رایض هنوز بنمایه طایریر اوکروب بنکله  
قابل ایدنه رایض دیرلر ظاهر معنای رایض سیر ایدوب یوردی دیکدر بوقفیم لر بر امر آیه  
رمر و ایمادر و وقف الراکض رکض ایدوب میدان آت قوشاه طور دیر و کضک اصله را کبک  
آت یورسیون دیو ایا قلن حرکت ایدوب قارنده دیکدر بعد توسع اولیای آت قوشانه را کض  
اطلاق اولیای وصال الصل وصل جمله و هجوم استی وصل دیو شول یانه در کرکه زهناک اولیای  
صوغد و غیر کنیه علاج میسر اولیای ملک اولیای و عال العقل عقل ناقص اولیای یا خود جهاتید  
یا خود حقه رجوع استی دیکدر عل دیو نسایه کثیر الزایده و شدید الطواف اولیای کنیه دیرلر  
و بر بری اردجه ایچلر شرایده ایکفر شرایه دیرلر و دافیر معانی مقصدیه و اردو و فضل الفضل  
فضل فضله نکت جمعی اولیای معنای فضله اولیای امور آرندی دیک اولیای مراد یا بدعتلر  
ظهوریه یا خود بر امر آخر اشارت الله اعلم و نال المثل مثل سیر استی مراد امور عجبه ظهور  
ایدوب اطراف عالمه منتشر اولیای نال کبک مهور العین اولیای منشی و سیر معنای در  
عب ایچ سار المثل و مثل سائر و آشیر من المثل ادا لریر روز مره و شایع ادا لر المعین  
کلامی منشی و سیر لک تغییر استی و خشت التات امور مقصدیه و مختلفه جو غله کد



و نصوح النبات اوله قوت رتبه بوقوع لرايه علم قط و غلايه ظهور ايدوب بعض ديارده  
 بلوك بلوك خلق طاعلوب آخر مكنله كيدوب جلالي وطن اتملرنيه اشارت در و شمت الثبات  
 مبالغه ايله شامت اوليجي شمانت استي بركنه دشمنك بر طايه مبتلا اولدوغنه سونوب  
 اظهار فرج و سرور اتمك ديرلر اخلاق ذيمه دنر و اخوت الديات ديات ديتك جمعير تاخير  
 اولنسه موجب شرعه علمه خلل ظاهر اولدوغندره حكام و دلائك شرع شريف احكامن اجوده  
 مسامحه و اجمالدين سانه مراد در و كد اهوم هم برلكه ديرلر هم شدت و تعبه دوشد ير ياخود هرل  
 سعي جانب اولوب مفيد اولدي ديكدر و وقصم الوصم و صم قطع اولنير بر ننه حكيم باغلنسه اول  
 باغه و صم ديرلر مراد عقود عهدك اغلال و اختلا ليدره اخوانه عهد و پناه قالمايوب خلقك  
 خلاف دعل و درونف كوي اولملرنيه اشارت اولماق دارد الله اعلم و آب الذاهبت  
 و ذاب الذائب و كيدو كيدي و اريك شاننده اولاه اريدي ياخود اريدن مراد هلاكت  
 اولوب بر معهودك هلاكي مقصود اولوب وقايع آتيدو بر سرحتو ايام و غزاوله و حكم النافق  
 مشرق منور اولاه يلز طوغدي ياخود بر صاحب ظهور كننه ظاهر اولدي و و صب الواصب  
 بوامرك قيامه مداوم و مواظب اولانه و صب و زحمت عارض اولوب مبتلا اولدي قيام  
 امر دن قالدي و از و القرآن قراة مرتفع اولوب بعيد اولدي اخوانه رفع قرآن اشارت  
 اولوب ياخود احكامي جاري اولماز اولوب عمل اولنماز اولدي ديك مراد در و احر الدبران  
 دبراه منازل قمر بر منزل كه بشي كوكبه شملدر دبران قردي ديكله اول منزلت  
 ياخود كواكب اخواني قيام قيامته بر علامت اولننه دلالت ايدر و سدس السرطان  
 و ربع الزبرقان سرطانه سدس واقع اولدي و قمر تربيع ايتدي ديكدر زبرقان كسره  
 رايه قمر ديرلر بو تربيع و سدس داخر بر علامته و ثلث الحمل و ساهم زحل علمه  
 ثلث واقع اولدي و زحل مشاركت اولدي و ثلثه النول و غيب الغيب ثلث متنبه  
 اولدي و هود جه و ثلث ستر صار قدي ظهور ايتدي ثلث تحريك و او ايله قيونك جهه كيه  
 بر مرضله مريندر كه عارض اوليجي سوريه اويغوب خلاف سمت كيد مراد شريف ايلي علامت  
 قيامته ظاهر اولدي و مقوله قيونك بزيوب اهل سنت و جماعت و اصحاب شريعت و طريقت  
 اتباع اتموب ضال و گمراه اولاه طاعيلر و ظالم و فاسق متنبه اولوب نيه اوغري احقارن  
 طوبار ديكدر لا اولر مانع انتباه و توبه نك چو خلق فائز به يوقدر بايعه مدد اولوب

ثلث ۱۰۳

قراة رفع اولنن توبه و استغفار اتمك و طريق ظلم و فساد ي قيوب سمت صلاح و هرامت  
 شرع و فلاحه كتمك كركدر كه مفيد و مقبول اوله فقع بر نانه داخر عورتلك ظهورنده و خلقه  
 كذرت ايتلا ظهورنده عبارته الله اعلم مراد وليه و مقصود و صي نيكه و اقل الغراب  
 غراب غايب اولدي فتح عينله بر موضع مخصوصك و ضم ايله تهاوده بر جبلك اميد ديو  
 قاموسه نصيح ايدر مقصود اول موضع و يا جبلك يره كجه اشارت اولماق وارد بوزانه  
 كلمه بر قاي طاعلرك و مواضعك خسيق واقع اولوب اشراط ساعدن نيه برنك كيه علام ظهور اتمد  
 و تصيب الجبار جبار دوكلدي يعني ناحق قانرا اولوب قاتل قصص و ديت شر قوتلوب مقولك  
 دمي جبار اولماق چوق اولدي ديكدر بر كننه قل اولنوب دم و ديت النيه ذهب دمه جبار ادير  
 حديث شريفه دني المعدن جبار بر كننه يعني بر كننه معدن قيوننه ايشلكن دوشوب اولسه اول كننه  
 ننه لازم كلمه ديكدر تصيب حقيقت بر ننه نك كذرت اوزره دوكلننه اما بوقايدو چو قلقدن  
 مجاز در و منع الوجاء كسر و ضم ايله و جاز سرلان ديكدر جانورك مجري يعني اينه اولاه دكيدر  
 كمال كملت الغرة و سدس الحج فترت كمالن بولدي و هجرت سادسه واردي مراد شريف ايلي اول  
 تاريخه كلمه اولان هجرت و سفر لري اولماقده ياخود هجرت نبويه نك التيز سنده صدر اولاه وقايع عظيمه  
 رمز اولماقده بر ننه بن ايك بر دني قاتلوب اليه اولسه سدس الشء ديور عدد مائة ايله اليه  
 اولسه مراد اولنغله سدس الحج دنيل اولور امر محقق الوقوع واقع منزله تنزل قيسلننر  
 نيكم بونك امثالنه سابقا بر معنيه اشارت ايتشوزدر و غوت الكثرة كذرت مغرور فليكر و غمرت  
 الغمره شدت عظيم يور يدي قاييوس ايله ايتدي و ظهرت الافاضل افطسك جمع افاضل كلور  
 و افطس اولانه تركه بوج بون ديرلر مراد باجوج و اجوج فروجه اشارته  
 فحسبت الملابس ملابس قطع اولدي ملابسك لباس مخافه جمع ملابس كلور يوشمهم الكساك  
 اول افاطسه قصير القامة اولانلر اولنلر قصد و توبه ايدوب تابع اولورلر و تقدمهم العباس  
 اول طايغه او كجه عبوس الوجه و بدخلق و قبيح الخلق اولنلر تقدم ايدر مراد شريف لري الله علم  
 باجوج و اجوج طايغه سنك اوج قسمنه اشارت اتمك كيه زيراك بر قسمي غايت عظيم اجنه قبيح المنظر  
 و قوي الهيكل و بدخلق اولوب بر قسمي وسط حال و بر نوعي غايت قصير اولوب قدر كير ايله قاريلننن  
 اولور عيش خلق اجنه بر قسمي مشهور اولنلر اولنلر باجوج و اجوج ديكدر بده علم ايج مخ در

جبار  
 ۲۰۵  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰



اکثر تاس اول طایفه نک مجلس بوقسم صورت اول مکروه مکروه قیام بعد اولوب اکثر بذر عیال و المیه  
مروی اولغین عالمی بوا و سلوب ایله قابل یوب ملتس آدم از کور نمکله ملاسین منقطع اولدی بویوسلر  
کیه مراد شریفی بومعنا اولماق فهم اولوب تقفانلر بجلدی بمعنا سب کورلر و العلم عن الله  
محصل کلام بوقرآنه مراد اول طایفه نک بیا حاله لری ایدوکنه اشتباه یوقدره فیکد خون احرار  
جزایری یقوب یقارلر و یقده خون العتایر غیر تکره و قبیله لرح نصابت و نوابت اولورلر و یقارلر  
السرائر سرائر مالک اولورلر سرائر سرب نک جمعیه سرب نک مغالری حوقدر جمله ده بریز بریز نک  
مقبول و مرغوب کزید برلر شیه اطلاق اولور بومعنی مقام انسب و محله اقرب و یقارلر  
احرار کشته عیالیه قرع الاصل جاتونلر ک برلر حرمت و نافعوس عصمتی هتک و خرق ایدرلر  
کشتون کیسان و کجوتون خراسان کبشاه و فانک ضدی اولاه غدرک اسیر در معنای کلام  
اول طایفه جور و غدر جده وسیع ایدوب و بریز نک کویس و کویک ایدرلر و ملک خراسان کجوتون  
یقارلر دیکدر حدیث شریفه وارد اولمه ک اول کرده مکروه و قوم شوم باذه الله تعالی سقلوب  
ممالک و بلاد بر مرتبه مستوی اولار که خلق عالمی قیده کرکنه مقاومت ایدیه بیت مقدس قریش  
اولاه طاعه کلد کلرنه بریزلر اولاه خلق قدق کوک اولانلر داخی قیلم دیو هوا یا و قار  
آله لرحن تعالی اقلین قانه بولشش کورنور دوش اولقارن بر خوه کویک کور خلقن داخی قدق  
اعتقادن اولوب مسدود و مغرور اولار و بولر سؤل دکلر حوق اولاکه اوکجه کلایه طبری دکرلر  
ایکوب قروجه صله کلنلر بریزلر نیله بونر صودارمیش دیه اول زلزله حضرت عیسی علیه السلام  
بانده بولناه امت محمدن علیه الصلو و السلام بر طایفه و قلیله ایله بویوسلر طاعه امر حقله  
بولر کلرنه مقدم کتصیه ایدوب جناب حقه بوشندک فرجه منتظر اوله سلمالر بومعنی  
زلزلن بر مرتبه محظ و غلایه مبتلا اولار که ایچلرنه بر صغریایه یوز قزمی ده مقبول  
و معتبر اوله بوشندک بریزلر نه چلد کرده صله قیام مضطر اولوب حضرت عیسی علیه السلام  
بولرک هلاکته دعا ایله حق تعالی حاجت قبول ایدوب بولره نغف ارسال الیوب بر او غره  
هلاک الیوب بر کجه صباحه میت حقه لر دفعه واحد بر کجه هلاک اولار نغف نونک  
دغین معجز نک فتحیله بر دود یعنی بر قور بکر حیوانانک بوزنه کروب ایدر بولرک هلاکته  
حق جل جلاله حضرت عیسی علیه و موسلر ایله اول طاعده کور و جوارحه ایدر اشاعه ایدر بولرک

چینه لرن

۲۱  
۳۱۶

فرج الله منتظر

جینه لرن عالم طولش روی زمینده لاشه ده برقرش بر حاله قالمش بر یوزنر رایج کورده  
طور مغه مجال محال اولش بولمیه حضرت عیسی علیه السلام کور دعا ایدر حق تعالی قبول الیوب بونی دوه  
بونیه قدر عظیم قوشلر کور بولر جیفن از نل نل قالدروب ارادت الله متعلق اولدو غیر لکن بعیده  
طرح و القاعه کله رایج کور کیده ده خلاص ورها بولورلر و اول طایفه نک او قدر و یا لیلندک سلمالر  
بیدی اوده کسمکه محتاج اولما یوب آینه یا قعله اکتفا ایدرلر بولاده خلاصه صله حق تعالی بر مطر عظیم و غیث نافع  
و بروب بر یوزنر تمام بیقیوب بک ایدر و حق جل و علا یرک برکت کور و رادیر عالم قیام اولور  
بوقدره یا جوج حضرت عیسا نک دجایه قتل ایدو کیمیه واقع اولوب اول طایفه نک قتل الیوب شنده  
سلمالر خلاص اولدیر بریزلر یا جوج و جوجک خودی خبری کلور بوقعه ذکر اولن اولور واقع اولور  
بومقام ذکر ایتدکیز حدیث شریفه مضمونیه صلیح سلم و بخاریه و سایر کتب احادیثه و صحیح اوزن  
مرقم و مسطر در حضرت امیر المؤمنین کلک بلاغت قرینند مذکور اولاه بوقضیه اشارت  
زبان تفصیل مراد ایدر کتب احادیثه و شرحه مطالعه قلسون و یقون اچکسان جلیانیه توفیق  
ایدرلر کشتیک جمعی کشیاه کلد و کیمیه جلیسک جمعی جلیسان کلد و کیمیه جلیسک جمعی جلیسان کلد و کیمیه جلیسک  
تفریق ایدرلر دیک اولور اما صریح بوجده ظفر بولنمده جلیسان لامک تشدید و قیامه اولوب  
کلک نک مغزی اولماق احتماله باغ و باغ لری و کلش و کلته نه خواب ایدرلر معنایه ابراده اولش اوله  
بول استعمال فصاحده اعشیه کلامه واقع اولدر قال الاعشی لنا جلیسان عندها و یقین  
ویکون الدویان و دخی دویان کیمیه کتب لغت تتبع اولدق ظفر بولایوب دویان  
بر موضع اولوب یا خود نسخه لر عجزده صحت اولماق ظن اولدر فیه دون احوص و نظیره المصون  
قلعه لری یقارلر و محفوظ و مصوده احوال و جزایری اظهار ایدرلر و یقبضون العصون اشجارک  
بول قارین قبض ایدوب قورلر و یقردون المصون مصوده و محروس اولانه خدعه ایله ظفر بولورلر  
کلر یقردون قاف ایله اولایوب قالیله اولاه اولدرسه افرادده اولوب مخفونه خاصنندن ایدوب  
آیروب یا لکوز قورلر دیک اولور ملک عراق فیه ایدرلر و یقین الشقاق شقاق و مخالفت  
وصف اولور و یقین العراق ملک عراق فیه ایدرلر و یقین الشقاق شقاق و مخالفت  
ایچلر جفر لر صی ایدرلر یا خود شقاقی طلب و دعوت ایدرلر مقصود کمال شقاق و خلافت  
بیاندر و یقین النفاق نفاق تخن صیارلر بدم بران بواعمال قیام لری بخارقه الماش ناحق قانه  
ملا بیدر بوفاد لری بخه مظلومک قتلن متضد فاه آه غم آه آه لعین الافواه و ذبول  
الشفاه حضرت لایم کرم الله وجهه خطبه و شریفلرنه اوقیوب بومقامه کلد کلرنه بر قیام آه ایدر

شوق

فیه  
۱۱۳  
حافظ  
بدم  
دم



بوطا فغیر آفتل اول قومک اغز لر غریض اولوب طوطا قلری یا بس یا خود صار قوا اولغله  
وصف آفتل در **ثم التف يميناً وشمالاً وتنفس الصعداء** املا لا تواتر و آه اردن صبح  
صاغه وصوله ملتفت ومتوجه اولوب کویک کجوب حزن ايله تنفس طول آفتل و طول خطبه ايله  
خلق اطالده خوف الیملر **بواشاه بر مقدار آه و این ایدوب کسب و حزن** آفتل اضطراب  
و حزن و اسف و خضوع و خضوع اظهار آفتل که استوفی آنک محفل معنایه **و تاق اینا و تاق**  
حزینا و عمل دنفا و توجه اسفا و تنفس خضوعا و تغیر خضوعا بونده صکر بنی ملا قبیله سندن  
سویدین نوفل نام کنه فالقوب ایمن که یا امیر المؤمنین پس بوزکر ایل و ککن اشیا یه بلورسین و خبر و رد و ککن  
می سولرس یوخه سکا بر حال می عارض اولدی بوزکر ایل و ککن اشیا یه بلورسین و خبر و رد و ککن  
احادیثک تاویلنه قادر میش خفوت علی داغ بوطا می کشیدوب عین غضب ایل باقوب بودجه جواب  
و بر دی اهل سالیه بکار ذکر اولوز **و یوفیر ایدر که بوجملک الفالنه غرض متعلق اولغین قاعد فراد**  
معنایه ترجمه اولدی لکن بو کتاب مستطاب خطبه البیانی جمله الفالنه غرض متعلق اولغین قاعد فراد  
استمر سبیله حاکم محفل معنایه و بر و ککن ترکیب لر داغی مولکات عین عبارتله تحریر و ایراد ایدر  
نقام الیه سویدین نوفل الهلای **فقال یا امیر المؤمنین انت حاضر ما ذكرت وعالم به و بتاویل** آفتل  
فالتفت عن کتب و رمة بعین الغضب و اول جواب منوعود البیان بودر که سائل منور بر شاد  
ثم قال **تکلمتک التواکل و نزلت بک التوازل** سکا صاغو صاغو ابوی اوزرینه آغلان  
نواج نوحه المسون و نوازل باشک نازل اولسون عرب عن با اچند مقام توینج **تکلمتک**  
**انک و تکلمتک التواکل و امثاله** شایدر اکثر برده بو مقوله دعاده غرض توینج **حقیقه** مراد  
اولوب کر چکده بد دعا انک قصد زاید و نماز ترک دله جور باشک و یازق سکا دلمک شایدر  
و ارشدر **یا ابن ارجان الحناث حباه سحاب و شداد کیم خفف و شدد قورقادر که ترک ایدر**  
مخت **دیو تعبیر اولوز که مختدن غلط در خناث منعم و خاین اولان کندر بو فقره** مقت  
جوابدن و تمه توینج در و **المکذب الناکث مکذب ایدر که ناکث یا مکذب اولوب**  
هیچ بر سوزنه انا لیلین دیکدر **ناکث نقض عهد ایدر** سیکصر بک الطول عن قرب **ناکث**  
ید قدر بک قاصر و کوتاه اولسر در **و یغلبک الغول و غیر سکا مشقت غالب اولسر** **انا شرا**  
**انا شجرة الانوار بن ترسارن بن شجر انوار** انا دلیل السموات انا انیس المسجات بن سوات  
بو قدر بک دلیل و راه نمایه **و مستحاکم انیس بن سجاته مراد مطلقا ملایکه اولوب**  
یا خود غرب مخصوص اوله **انا خلیل جبرائیل** انصف می کایل بن جبرائیلک دوست و یکانیک  
صفی سی

التفت  
سویدین نوفل  
تاویل  
غلب  
غول  
نکته  
مخت  
صفی سی

مستحاکم

ان اخراج برای ل  
ان اخراج برای ل  
خیر  
ج ب ر ای ک صفی ملک  
صفی سی

ان می ای قی ال سرع د  
ان می ای قی ال سرع د  
ان می ای قی ال سرع د

صفی سی بغیر منتخب دوستین انا قاید الاملاک **انا سمدل الافلاک** بن ملکک رهبر و افلاک  
طایری بن **انا سابق الرعد** انا شاهد العهد بن سابق رعد بن شایدر عهدن عهدده مراد مضاف  
اوله **انا سریر الصراع** بن خالصک خالصین سریر مطلقا بر شیکت خالصه و خاصه نسبت خاص  
اعلایه دینور صراج داغی خالصه دیرلر **انا حفیظ الانوار** بن الواحک حافظین انا قیظ لیکور  
بن ارضک قطبین **و یحور تراب معانیه کلور** انچه قطب قرینه سیله ارضدن مجاز اطلاق اوزر  
تفسیر تیک **انا البیت المعمور** بن بیت معمور **قبله و ارباب دل و قدوس** اصیب حال اولوب ملاذ کلر  
رجال اولد قلر کن ذات شریفه بیت معمور **دیکر اوله** یا خود کتب شریفه معنیه الله ایل مملو اولوب  
انوار و اسرار ایل طو کو اولغین بیت معمور **دوب بیت معمور** مشهور ایهام نقش اولر **انا زاهر القواصف**  
بن رعد لور زجر دسوق ایدر **ببین انا محمک العواصف** بن رباح شدید یه تحریک ایدر **ببین انا محمک**  
بن بونرک بغورین **انا نور الفیاض** بن فراکو کچر لک نورین **انا شرف الدوار** بن دایر لک شرفین  
مراد دوار افلاک اولمق در **انا موثر الما ترین** و محاسبه باقی و ملش کسین **انا کواکب الکواکب** انا شان الامت  
کواکب زهلیک اسیدر که سعه سیه نکت یوک کیه و محفل کلام شریفه لک بن عالم غیبک کیوانی بن اسرار  
مطلع اوله اولیانک ارفع و اعلا سین **باده الله** عالم غیبده خبر و برده و بن امر امتحان اچو بن عبده  
صدور جفکر صدورک دیک مراد اولمق در **بو مقوله** امر غیبده اخبار بعض اولیان اخیار **مترخص و لا ذون**  
**بلکه ملهم و لا نور اولد قلری** امر مقرر در **نکتم** جدمز قطب الاولیا و ذکر الاقباس **یج** جدمز حلیه سلطان  
دیوایه شریفه قی حوق اسرار اظهار ایدوب کشف راز اندوکنه اعتذار ایدر  
قدرت الله دن خبر در هب سوزم عالم غیبه **نظر قیور کوزم** بعض غیبی حق بکا غیب ایدر **ایمانه اخبار**  
من غیب ایدر **اندر هج نبویه** سکر یوزر سکان تارخینک کلوب **اقتباس انوار** ایتلر سکره نبویه  
و طریق و مرقنویه دن و سابط متعده ایل **ایکین** بود کلوا اظهار کرامت و دعوی ولایت ایدر **حکایت**  
سرچشمه بر اولیا اولوب **حضرت رسالت** پناهن بالذات تلقی اسرار و انوار ایدوب صاحب طریقه اولان  
حضرت علی مرتضی کرم الله بههم **قدر اظهار کرامت ایدر** سزاوار ایدر و کندن لثبه بو قدر بعض  
اصحاب طو اکرت تعصب ایدوب **تاویل** مقالدرده محروم اولمور لیه انکار لرینه اعتبار و تمنی کرکدر  
اولیان کر امک خصصا حضرت علینک قدر عالیلر و مرتبه تقریرلر ادر اکرم عقول ارباب  
طوا هر عاجز و قاصر در **بو تفصیلدن** مقصود یوقارده کجوب و اشاعه کک کلک کلامونه ناظر اولان  
کنه لر **عین انکار ایل** نظرده صیانت ایدوب مقتضای شرع شریفه ظاهر افخالف کورن برده مطلقا  
اولیانک کلامدن کند و مراد لرینه و ارباب تاویل و ایل حاله حواله ایدوب قدح و انکار بر متضن سوزن

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی

الاولی







مراد لری بلاغت و فصاحت لری افاد در الله اعلم انا قوس العواک بن معرکه و فاکلث قوسی  
و براغین انا فرد الساک فرقد بن یولوه کید لک دلایل اولاه هر لیزه فرقد و بنور و ایکم مخصوص  
لیزر که داخر اسمید فرقدان در لری نیم روشن بلو لیزه لرد و وساکت اعزل و ساکت راجح داخر  
ایک لیزه در اهل رصد بویک نیم اسکت ایا قوریدر دیشلورده انا مرجع الراه بن فرانک مرجع  
مرجع سبعة سیاره ده سما و خانده اولان کواکب خنسک بریدر جلادت و شجاعت  
و قتل و سفک اکا غنوبدر جلاد فلک در در لری مرجع مهادر معنای ده کلور که خصم مقابل اولاه  
قران مراد فیدر انا عیون المیزان بن میزانت عیونین مران برج مود و قدر عیون بر قمری  
مشرق لیزه در مجرة نک طرف بمنند واقع اولوب ثریایه تابع اولور انده مقدم طلوع انحر  
انا هارس الاستراق بن شیاطین جنک استراقة مانع و سمانک حارسین باذه الله و یکم  
انا جناح البراق بن جناح براق اشتدن کویچک و عمارده بویک بردا به در که حفت  
رسول لیلید معواجه اکا بنشلورده انا جامع الایام بن ایات و علامتک جامعین انا سریع  
اخفیات بن امور خفیه نک محرمی و راز دارین انا ساجر الجوه بن بحری امداد ایدوب طولر بحین  
انا قسطان القطر بن یغورک میزانی یعنی ملک مطهر حاکم و موکل اولوب قدر کفایت و وفق تقدیر  
امطان باذن الله امایدن فقره و مبرور نک و استیلا لک مال معنایه بونا و لیه راجع و لای کرکر  
انا صاحب الجدید بن انامیزان النیرین جدیداه صباح و اخلاص مد و نیرین شمن و قدر مصاب  
و امیر اولدن مراد لری شام و سحر و شمس و قمر باذن الله تقر لری اوله و غیر بیاندر  
انا محط القصاص بن نوادر غریبه و حکایت عجیبه ایدیکلرک منزل و مرجعین یعنی منبع نابع  
قصص و اخبار انا خلاصة الاخلاص بن سور و اخلاصک یا خود معنای اخلاصک  
زبد سینه انا شمال الجبال بن جبالک ریح شمالین انا مقدم الامال بن مراد لری تقدیم  
حاصل ایدیکلر انا معجراتها بن ارمالری اقدیکلر انا معذب النار بن ثماره نضج و رید  
بشلی طلقو ایدیکلر باذن الله متصرفین انا مفيض الفوات بن فوات فیض ایدیکلر  
فیض موت معنایه دیر کلور و فوات اکثردن اوکلور موت الفوات دیر لره انا معوب التوراة  
بن تورانت معوب و مبتنی انا ملک بن ملک بن شریف بن شریف شرافت  
و کرده ملک الیه تغییر شایع و ذاب در قرآن عظیم هواج زلی ناک ما ید ابشر الاملک  
کریم و فی بو قیلندر انا هدیة الملک بن حفت ملک قدوسک یعنی اللهک قولدر  
بر فضل و احایه و هدیه سین انا مبین الصحف بن صحف منزله مبین و مفسرین

انا یافت الکشف

۳۰۰  
۳۰۰  
۶۰۰

انا یافت الکشف بن برجامتک اصلین انا ذخيرة الکون بن حفت حفتک عباده حفت و المعین  
صافله و غیر یا خود خلفاء راشدین ده مکره کلن و ختم خلافت اچوز مدخر اولانین بنده قدر  
کلن ملک جایز و سلطانه قاسط دره انا مفتح التوراة بن زبورت مبین مصفین انا مول التاویل  
علم تا و لیک مرجعین انا مفسر الکلیل بن اخیلک مفسرین انا ام الکتاب بن کتابک اصلین  
انا فصل الخطاب بن حق الیه باطل ار اسن قطع و فصل ایدیکلر انا صراط الحق بن صراطین  
انا اساس المجز بن مجد و سعادتک تعلیمین انا منجد البرج بن ابورک معینین انا سورق البقر بن  
سورق بقر نک اسرارنه مظهر انا منقل المیزان بن میزانی آغرایدیکلر بنم اتم الیه جنک و زید  
ثقیل اولوب صاحب و اصل جنات عالیات ایدرن انا صقوة آل عمران بن آل عمرانک کریم منتخبین  
انا علم الاعلام بن عالم معنی و جهاه کرامت اولاه طاغیرک اولوسیه و عمد سین انا جملة الاعلام  
بن سورق کریم انعامک جمیع سیرین انا خاسر الکسای بن آل عباتک بشخصه بن یونس اصلین  
برکوه حفت رسول خلوتنغ حقدی اوزر لرن بر مرط مرقل و ارایدیر داخر زوایت اولنن  
بو تقدیر چه منتقش بر دیانی و ارایدیر دیک اولور و منقصیه ایدر حسن بن علی کلرک اولوب  
کانتک اچنه قودی بعد حفت حین کلرک انید قودی بعد حفت فاطمه کلرک اینه داخر قودی  
بعد حفت علی کلرک انید اوجال ایدیر حجابن کشته اوله لیزه صکره دعا ایدوب انا  
یرید الله لیزه هب عظم الرحمن اهل البیت و بطرکم تطهر بیور دیر نوبت کریم اوقودی بعد  
حفت علی کلرک انا خاسر الکسای بیور دیر بوقضیه و شرف نمایه اشارت و امداد نصاری طایفه شرف  
اخبار اهل کتابده و قد خراة قصه سن داخر مباحله احتمالی اولوت فن حاکم فی نه بعد حاجت  
من العلم فقل تعالوا ندع اباؤنا و ابناءکم و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبهل فنجعل  
لعنة الله علی الکاذبین آیت کریمه نازل اولیج حفت رسول حفت حنک الله یا یسوب حفت حین  
قولتو غنة الوب و حضرت فاطمه الیه حفت علی ارد لرنج یوریوب بن دعا ایدیکلر سر آمین دیو  
بیور مشی اول قوم حفتک بو وجهله جعوب مباحله ی مورا ایدیکلر کوریکک صیغیر ایدیکلر  
اکلیوب و بیغیر کرده بر لیه اتم ماضیه ده مباحله ایدوب و بد صاخ اولن قالد و غیر بلجک بر نوزن  
نصاری کوک کسایور جو جزیه راخه اولوب عناد دینلرک ترک امتدب یلیع الیه بیک حله و اوتوز  
ذرع و بریک اوزره صلح اتمشلور دیر و غیر حفت علی ایل بیک خامسیدر اندرده غیر کینه  
داخل اولما دره صاحب کشف ایدر اصحاب کانتک فقلنه بوذن اقوی شاهد و دلیل اولما

بعضی حیل و صور  
اولنن برک  
اوله لیزه  
مرقل

۳۰۲  
۳۰۲  
۳۰۲

الکشف  
۱۰







حیدر بن انا فرستاده حضرت علی ثالث صدیق اکبر در نهایت خوفت علی دول البلوغ ایستاد انا زکرم العیال  
بن غیلان بکینک تکم سین زر فقتان و کیمیه کیم استین معنند در غیلان غولک جمع در هلاک سعاد  
ود اهییه معنار نه کلور بومعنا لودن بر شقای صدر کلک مفهوم ملاحظه اولیا یوب لکن غیلان بر فقتان  
اسم اولوب اکاکیم وزن اثبات اولوب محافظه و حراست کفایت اولوب جمله ده فی اجمله اولوب اولوب  
والعلم عند الله انا برستم الرؤس بن رستم اولوب فهم اولوب رستم بن رستم رستم بن  
دینک معنایه اول طایفه رستم کیم قلیج قورن دیکر کرک ظاهر و کرک باطن اولوب کرک نسل ندره  
بر کلوا هلاک اولوب انا لویس الشدوس بوفق تک معنایه کتب لغته فهم اولوب ندره  
صیحیح اولوب غی ترجمه قرینه اولوب سبیل اسم مضاف بر کلوا انک آدی اولوب مضاف الیه بر  
طایفه اولوب معنایه فخر و ادب تغییر کیم اولوب ظن اولوب انا سلمه المطا سلمه کسر الیه لغت  
ظیمه ندره باه معنایه در مطا مطوک جمیع غرق نخله معنایه خوانک بشی قیه یکسک اولوب  
نزد بانله بشکله محتاج اولوب مراد شرفی اولوب بر امر عالینک وصوله و سبیل اولوب ندره بوضوح  
تغیر کلور بن الراجی شویب وصوله عالی اولوب ثمرات لذت و اسرارک و سبیل سین دیکر  
انا ذود بن الحظا ذود منع و دفع و طرد معنایه کلور خطا ضم الیه آدم معنایه اولوب خطوه تک معنایه  
اولوب منع و دفع اکثره یوریک لازم اولوب مرید سقن ندره ولایت و کرامت الیه طی مکاه ایرد  
نچا مورک منع و دفعه مباشرت ندره تغییر اولوب بن ذود بن خطا بن دیکر اولوب یا خود خطا  
فتح الیه اولوب ابن خطا تک مانع بن دیکر اولوب هر کس ده برشی جوق صادر اولوب عا اکا ابن الفلان  
وابوالفلان در مثلاً غرابه دده تک یا غاوله جواسته قورن و جواسته یکم انچه جوق قورن و جواسته  
ابن دایه در لره و مسافره ابن سبیل در لره و محب هند و اهل کماله ابوالعالیه و ابوالمفاخر در لره  
معنایه اقرب کورینور لکن لفظ ابن الف سز کتا بتا و لکن بولعین معنای اول تقدیم اولوب کیم  
والعلم عند الله انا بدر البروج بن بروج فلکیه تک برین یا خود عالم ولایت و مقامات کرامت  
طوغش آیه و کامل اولوب بن سیر اولوب الیه بنیم بنیم الیه بر نسبه کیم در انا شش الکروج  
بن ماهیلر آغی و شبکه سین انا حاتم الاعجم بن اعجام حاکم و قاضی بن انا دوشان  
الترجمه بن اهل تراجم مرضی بن یعقوب هند اسلام کلوب لسان عربی فهم ترجمه محتاج اولوب  
طوائف مختلفه سبب مرض و هلاک لری اولوب خوفه کورینه عالم قراکول اولوب باصره کرینه  
فساد طاری اولوب باغن و الله علم براده و احکم انا اوربا الزبور بن زبورک اوربا سین  
اوربا زبوری انقاله موقوفه انا حجاب الغفور بن رب غفورک مجنون حجاب انا صغره الخلیل  
بن خلیلک

بن خلیلک منتخب و مختار بن انا الیاء الانجیل بودنی اوربا الزبور کیم اولوب اسم رجل اولوب  
منا سدره اما لغته الیاء الیاء مدینه و قد سکت اسید در بر بوقدره دانی ذکر محل را در حال  
مقصود اولوب انا علمای انجیل برین ندره کثرت اوزره اولوب انا حنة الغزاة انا کاسح العزاة  
بن غز انک فلکان بن و عیال لری کید رجیب انا موافی یوشع و موسی بن عالم اواحد یوشع و موسی بن  
مواخت ایردب قرناش اولوب انا میمون رضی عیسی بن حضرت عیسان میمون مرضی عدالیه و کین  
عیسی قسند مبارکت و مرضی بن انا ز رطاح الفرس بن فرس ملا خنک یغی عجم کوزرینک زرین زر  
قلبک اتند اولوب لکوه دیر مراد مجتار ندره کفایت اولوب یا خود زر قوام معنایه اولوب انا لرز اربن  
دیر لر قوام الدین فخر اسنه ملاحدن مراد عالم معین کوزل اولوب دیکر اولوب عجم اولوب سکت  
قوامی دایر لریک مدبرین دیکر اولوب وانه لریک من از رها ای حسن الرعیه لکها دیر لریک  
بومعنی دانی اراده اولوب مکندر و الله علم براده الشریف انا عا دالاس بن عالم انک عادی و در کیم  
انا شدید القوی انا حامل اللوا بن قناری شدید اولوب بن حال اللوا اولوب شدید القوی دلت  
مراد جبریل امین اولوب متحمله انک ستره مظهر اولوب اراده ایرد و مطلقا شدید القوی بن دیکر  
جایز در مرید که قوروب قلکان کیم الترنه طو بد قناری خیرک قابوس صکره قورن کینه کلوب  
یا شوب حقه کینه و کربله طو بد قناری قالد رقی میتر اولوب بن بونی قوت بشریه الیه قالد رقی قوت  
ملکیه الیه قالد رقی سوری کلور اولوب ندره یا قوت جبریل یا خود بر افق شدید معنایه مظهر اولوب لریک  
مقرر و اکثر حبیب و سرایاده حضرت رسول علم الیاء الیه دیر لریک اید بن جمله دوارخ معنایه  
مستور در کیم قلعه خیر حضرت خیر البشر زمره ای الیه فی صحرایه کیم انا مع حقه بر مقدار  
در در عارض اولوب خیمه دن معرکه کینه و در حبیب جادر اید تریب کارزار و تعبیه دار کیم  
مباشرت و تدبیر اید لریک اولوب انا یاده صکره حضرت فاروق اعظم علم اسلام امر شرف الیه حکم  
اولوب بی حجه و جهد ایرد اولوب کوه فتح میتر اولوب ایرتیه لوی اسلام صدیق اکبر و بر لوب  
اندره صاعی شکور و مجاهدات موفور کوروب ایرتیه کیم و فاروقه و بر لوب اولوب کورن  
فتح و طفر میتر اولوب احام عکرا سلام و صحابه کرم الیه و نوب خیمه رسول کلور تفصیل  
حنک خبر و بر دوسعی و کوشش تقصیر اولوب فتح قلعه مقدرا اولوب غنای عرض ایرتیه  
نور کیم لا عظیم الرأیه غذا رجا کور از غیر فار کیم الله و رسول و حجت الله و رسول تحقیقا  
بن و برین سنجی غیبارن بر کینه کیم اولوب کرار در جمله ایرتیه مجاهد در فرار کلور الله و رسول  
کما حب الیه سور و الله و رسول الله دانی سور بوحث حجت اثر و بوحث سادات خیمه مع



اصحاب علی سید جوده گز اولی که اصحاب بجنه بر غلغله دوشی ایا حضرت رسول یارن  
سجای کیم و یروب بفتح عظیم کیمک البت اولی دیکفت دکیه و ایا بکره اوله سرور انواع رجا و آرزو  
دوشیله بعضی استیکه باوصاف حضرت اقامنده اولانک بری اولمعه یا خود هجت و اسلام  
مقدم اولمعه مقبول و منظورین اوله دلاورک بری اولمعه دیدیلر حضرت علی اول غایه صکرده  
کله چشم مبارک بر حکم اغرمغین بعضی مهاجرین هله علی احقالی دکلر زینا زحمت رمدده یولن  
کورمه مجای یوق هنوز خیمده چقدین دیوها جرنک اولور بری و انصارک سرور بری بوسعاده وصول  
مست اوله دیو عظیم جایه دوشوب متبادر حضرت علی اولمغین انلرک رمدده مانع ظن استیلر  
صباحه دک احتمال اوله اصحاب کبار دعایه و تمیخ واستغایه باشیلر بو خبر اول کیم حضرت علی  
داخر سمع شریفلر نه و اصل اولوب حکم وجع چشمه مبتلا اکی داخری جایه دوشوب اللهم لا تعطل  
لما منعت و لا مانع لما اعطیت دیوب یارب سن مراد ایدیکک بورمده بکانه مانع اولور و یرمک نکلر  
دیو بوسعاده طالب اولر بری صباح اولمعه جمیع اصحاب خیمه و مبارکده قایم جمع اولر بری  
ایه دقا ص حضرت ایدر علیک کوزلری آغرمغین بر قه رجا به دوشوب حضرت کوزلری قار شونه  
مقدح و اروب علم بکادیریک امیدیه خلاف عقاد قه اوکلر نه طودرم حضرت خیمده جقد  
نظرهایونلر یله تتبع ایدوب اسد اللهی کورمیک علی بن ای طالب قندم در برور و ایا اصحاب بر بر  
کوزلری اعز یار سوار الله بر مرتبه و درک یولن کورمز دیو خیر و یروب بوسعاده کند و نظر  
اولان استیلر عربی الخطابه و فی الله عن منقولدر که هیچ بر نمانع ایدو حکم اولمغی استدم  
اول زمانه ارماتدن افضل ایلنج بر نه اولمغی بر شکر حضرت رسول و ارک کورک برور  
حضرت علی کور داروب الله یا بنوب کوزلر سر مبارک زانوی معاد عند لرنیه الوب دهان لرن  
سوروب اللهم اذهب عنه اخر و القوه و بر و ایتد اللهم کف اخر و البر و یور و دعا ایدر  
فی الحال صحت کلوب رایته الترنه و یروب عکرام الله کوزلر اول کوه فتح مینر اولر تفصیل  
کتب یور و مطور در و مرودیر که حضرت علیک بودعادن صخر قطع کوزلر بر آغرمغین  
وصوق و اسیم تاثیر اتمده انا امام المحشر انا ساقی الکونین بر محشر مقتدا سین  
بن حوض کورک ساقین بن انا قسیم اجاده بر جملک مقاسم بن انا مشاطر البیره  
بن جمیمک مشاطرین بولک بولک طبقات جمیم کفار یقین و باغ نعیم کور کور ابراهیم  
ایروب باذن الله فریقین سوق ایدره انا یعسوب الدین بن دینک رئیس کبیرین

یعسوب

الحمینه  
۱۰۳۱

یعسوب ارنیک بکنه در لور آر لوردن متفاوت و مختار و انا امام المتقین بن متقین انا  
مقتدا سین انا وارث المختار بن احمد مختارک وارثین انا ظهیر الاطهار بن طریق بر و المورک  
یوللورینه کیدلرک یا خود بر ایل سفر بر نی جماعتک معین و ظهیر و فرایدش و دستگیر  
انا بید الکفر بن کافر لری ملک ایدر یقین انا نور الایمه البرق ابرارده اوله امامک نورین  
انا منق الاحزاب بن حبل بر و لکوری طایفه یقین انا صاحب البیعتین بن بیعتین صاحبین  
حضرة اوله ایدر بیعت بیلر بولمندر انا رب بدر و حنین بن غزوه بدر و غزوه حنین  
بیلر بولمندر بو ایدر فضیلتک صاحب اولمندر انا حافظ الکلمات بن کلمات معهود و اسرارک حفظ  
و حاملین انا مخاطب الاموات بن اموات ایل مخاطبه ایدر یقین انا مکمل النعمان بن نعمان سولین کند  
انا الاء الرحمن بن خفت رحمتک عبادنه نعمتی بن انا الضارب السیفین انا الطامع بالرحمات  
بر ایدر سولیه ایل صاحبی حنین معهود قصه اشارت اولوب یا خود باطن و ظاهر قلیجید دیمک اوله  
انا لیت الزحام بن کثرت عدوتک ارسلانین انا انس الهوم بن هوامک انیس و خوش بنده قاهر لر  
انا جوهرة النیس بن غایت قیمتو و کراه بها اوله بر جوهان انا باب المدینه بن مدینه رعلک قیوس  
انا مدینه العلم و علی بابها خبر مشهوره اشارتدر انا وارث العلوم بن علومت وارثه اوله حضرت  
خاتم الانبیانک وارث علومین انا هیولی التیوم بن نجومت جبین و کاشفین انا اول المصدقین  
بن تصدیق ایدر جیلرک اولین مراد تقدم اسلام بر سر سابقا فی بیا اولمغی انا امام المتقین  
بن ازکیانک امامین انا محکم الطواسین بن طسیرک محکم حکم تشابه مقابله مراد و اصم اولوب  
ما سوب له اچوه دلیل اتحاد اولوب باب تا و اولمغی اولوب احتمال نسخ اولمیان آیات کریمه حکم  
در لور اقسام نصیدر اة الله کل شیء علم کیم تفصیل کتب اصوله بیا اولمغی انا امانه یس  
بن یس سوب سنک لایحیه مراد ستره فطر اولر قلدیر انا هاء الحوامیم انا آل میم بن هم کورک  
حاییم بن میمک آل بن یم و حاده حضرت محمد و سر سوریه اشارت اولمغی و ایل کشف و رموز  
بن حابه متعلق ر مزخرف اولمغی و از الله علم مراد ولیه انا سابق الزمر بن زمر بن یغیر بولک  
سور ایدوب بر لور لرنه مقابلو مقام لرنه سور یقین مراد یوقارده کیم کیم ایل حبت و ایل نار  
تعبین و تمیز ایدر یقین دیکر یا خود بعض طایفه بعض عظیم الیوب و بعض اخر حب مفظ اظهار  
الیوب مرتبه بر غلوه و ارمغله ضلالت دوشوب اندر سبیل ایل نار اولوب و بعض طایفه ناجیه  
و اصحاب جن اتباع و حبت امکله نماند و بعض مستحق شفاعت و هستلری اولمغی ایل حبت اولوب  
ذات شرفایر بر زمر منک دخول نار و بر زمر نک دخول جنه باعث اولد و غنه اشارتدر

یعسوب  
۱۰۳۲

سجای

الاحزاب

الطه



انا آية القرم من آيات الله معني دكاي برا وضع دروش آيتن يا خود بن شق القمر معني كيه  
بر واضح و عظيم آيتن آيات الله ديكه مراد اوله انا صاحب التمجيد من ثريا به مصاحب علوش نذرت  
كنايتد يا خود تحت عاي و طالع قوي صاحبين ديكه انا رصند الرجم من رجم شياطينه راضين  
استرااق سمعه باذه الله مانع و قاهر انا جانبا طول جانب طور و تخلي اولمغين بن جانب طور  
ديكده اسرار تجلي به مظهرن ديكه مراد اوله انا باطن الصور من صورت ستره واقف و عالمين  
انا عتيد قاف بن جبل قافك حاضر بن كوه قاف بحر محيط دن طشر در دنيا به احاطه اتمدر  
يشل رمزدند در دير لفظا برده اكا انساندن بر فرد واروق ميتر دكله ككن محل اولياده اهل طي  
اولنره قرب و بعد اولايوب استدكوي به باراده الله وارر حضرت امامك كلامي داخي قوت  
قد سيله جبل قاف و ارد قلريه اشارتد در جبل قاف و ارض حقيقته بعض اولياي كبار واروق ملستر  
اوله و نغين بين الرجال امر مقرر در حتمه جديزك جدي شيخ محمد طه كه حضرت حفيظ عليه السلام  
مصاحبه اولوب قوق سيل قطب اولنرد در هواه شرفايرن قافه و ارد قلرينه و اندر كور دكله  
بعض عجايب و غرايب و وصف الميوب عقله حيراه اوله حكم و انار الهيته بياذ الير و فواج  
مكيه مصاحبه داخي ارض حقيقته كير دوكين اشعارايدوب اولياده بايزيد بسطام خورشيد  
و بعض كلاميك دافركير و دكلونه نصيح و نصيحتن ايرد ابن عباس حديثن يا زوب ارض حقيقته  
بر مرتبه و وصف و مدح ايرد كيه جنت اولمق فهم اولنور بعد بو وصف ايتكم جنت دكله دنيا الاله  
ارض حقيقته نه مقدار تقاديه و ارايس ارض حقيقته نسبت دافركير جنت اولمق متفاديه جنت  
بيك مرتبه اعلى اولوب قطعا ارض حقيقته مناسبتيه يوقدر دير انا و ازرع الاحقاف جنت  
حقيقك جميعه قومه دير لمعنه و قوم عادك اولد و نغين دياره احقاف دير لفظا عظيمه  
و اذكر انا عاد اذ انذر قومه بالاحقاف ايت كرميند احقافه مراد بر قوم و ازرع  
كف و دفع ايديجي در و بعضله دنياي طولاش طاعه احقاف دير لفظا احقاف جبل قافه  
مراد ف طوقنرد و اگر چه صاحب قاموس بو معني رد ايردوب دنيا به محيط اولاه جبل  
قاف و احقاف دكله دير لفظا مقام بو معني انشبه رحوقل معني كلام بن دنيا به طوترن  
اول جبل يقيدن منع كف ايردن ديكه اولوب مقام قطبيته اشارت اولور اگر صاحب  
قاموسه اتباع اولنور به مطلق دير لفظا طوترن ديكه اولوب نيه دنيا دن كنايتد و لفظه  
قال مقال معني اوله راجع اولور بوفقه طاهر كيه لما لير دفع ايديجي ديكه  
اراده اولنور احقاف بلياست نازله اچون استعاره اولنمقده حمله انا منار الالهات

بعض كلياتك

بن ضاكت

بن صافاتك منازل بن صافات ملايكه دن جناب دت العزة مقام عبوديت صفا خليوب  
مرتبه لومرتبه سخي طورن بر كوده در كه مرات و مقام لري اعتبارنجه اوزر كونه انوار الهيته  
فيضا ايدير قراه عظيمه مقسم به واقع اولنرد معني فقر بونكرت منازل و مراتبه شهر  
و قوفدن و بونكرت اشفاق دن كنايتد انا سهام الذاريات بن ذارياتك تحت و ستاره  
ذاريات قراه عظيمه رباح الاله و نساء و لود ايله و خلقك ملايكه ده تلقى ايتكدر اسباب ايله  
تفسير اولنمقده معني كلام اقبالنمقده كمن فقر لودن معلوم و مفهوم اولور انا فاطر النافقه  
بن امورنا فقه ابداع ايديجي انا تلو سبأ و الواقعة بن سور به سبأ و واقعه نك سترن  
انا امانه الاحزاب بن احزابك امانين بوفقه نك معني مرادند نيه افعال و ارد در جمله  
بري بو معني اولمق محمله كيه سور به احزاب سور به نسا مقداري و ارايدري بر كيه كلام مصاحف  
بودر كه قراه عظيمه سور به احزاب سور به نسا مقداري و ارايدري بر كيه كلام مصاحف  
شريفه باق اولان آيات كرميه ده ماعداسيه رفع اولنمقده و صدور افعال بدن نزع اولنور افسا  
قلندر بو سورة واقف و آيات مرفوعه صدر من امانته ديكه مراد ايدريوب صدور الاحزاب  
قبور الاسرار فواس اشعارايدوب بعض آيات نسخ و انسا اولنمقده نغان و نغين و عصر بونتم  
شايع و واقع ايدري ما نسخ من آية او نسخها نيات بخير منها او قبلها بونا اشارتد انكيجون در  
مجموع آيات قرآنيه درت قسم اوزره در بر قسمي منسوخ احكم ثابت التلاوه در سور به احزاب كيه  
يا ايها الكافرون كيه و بر قسمي منسوخ احكم و التلاوه در رفع اولناه آيات سور به احزاب كيه  
و بر قسمي ثابت احكم منسوخ التلاوه در الشيخ و الشيخه اذا زنيا فارجهما البته بما قضيا من اللذ  
نكالا من الله و الله عزيز حكيم كيه ايت رعدر تلاوتيه منسوخ حكم يا قديره شرع مصاحف  
عمر بن الخطاب به رضى الله عنه نقل ايدري سور زرين بن ايت رعي سابقا ساير آيات كيه قرآنم  
قرآنم تلاوت ايدرك صلا تلاوتيه نسخ اولنوب حكم ابقا قلندي و بر قسمي داخي ثابت احكم  
و التلاوه در ساير آيات كرميه كيه انا ملنوه احجاب بن حجابك مستورين انا وعد الوعيد  
بن وعيدك و وعدين اكثر يا وعيد شرده وعد خيره مستغله معني كلام شري  
خير و دندر بچين ديكه راجع اولور انا مثال الحديد بن حديدك مثليين جلالات و مجاعت  
ديك اوله انا وفاق الافات بن افاقك وفاقين بن عالمك سبب نظامين ديكه مراد  
اولوب مقام قطبيه اشارتد كنك تقريظه عالم نظام و قيام بولور انا علامه الطلاق  
الام حكومتلرنمقده مسئله خلافته متعلق بر محله اظهار مهارت ايتكدر نيه اشارتد اولمق  
فهم اولنور نكاه حكومتلرنمقده و كند و لوده مقدم اولان محله شريف غرايه نيه مسائل



نادیم مشکل کنایه اولش در کمال عقل فحول حیرانه قائمه تفصیل کتب سیره مسطور در  
 انا التوب والقلوب مع توبه و قلین بکلام ستر لوح و قلم مظهر دیکت کتب بر معنای اشارت  
 تفسیر شریف معنای توب حرف معین اولوب و حوت معنای اولوب یا حسی یا خود پیری  
 کنون بالیج مقصود اولوب و دوات معنای اولوب و تحریر اولوب هر برلیه تفسیر که جواز یک  
 سطر اولوب و قلم تفسیر در دایره لوح محفوظ یا زین قلم اولوب و یا خود کثرت فواید یک  
 اولوب پنج مصالح و حکمی متضمن اولوب و غیره مطلق قلم مراد اولوب مقسم به واقع و الحسین  
 تفسیر اتمش در انا مصباح الظلم مع ضلالت قراکله نیک چراغی انا سوال می باشد  
 بر امرت زاده و قوعده سوال اولوب مع کوه الاثر الفلانی در کوه یعنی بن آیات الله مع کوه  
 و معنی نظر دیو سوال اولوب بر آیت ظاهر و قدرت با هم مع انا مدد و هل الیه مع مدد  
 سوریه هل الیه مع یعنی اول سوریه و کریمه ابرار و صفیه یوفوه بالنذر و بخافه یوفوه  
 کان شتم مطیبا و یطعمون الطعام علی حبه مسکنا و یتیمنا و اسیرا آیت در نذر و فنا  
 اتمکله آخرت سوریه و کریمه ذکر و تفصیل اولوب نغم جنبه تمکله مدح و تشر اولوب  
 بنی و اهل بنیم در سوریه بوقضیت ایل بود که بر کوه حضرت حق و حضرت حسین  
 خسته اولوب امام علی فاطمه زهرا کرم الله وجهها بشارت اوجین خورده او نور رکیز حضرت  
 رسول بعض اصحاب کریم ایل عیادت کله یز اول افق بعضی در یک یا بالکون بونیک  
 شفا حجه بر نذر ایست مناسب ایدی حضرت لام علی و حضرت فاطمه رضیه الله عنهما یارب سن  
 بونله شفا و بر سرک اوج صوم نذر مراد لوه و بیلر فضا نام خادنه لوی و در نذر  
 بونله موافقت و متابعت ایدی بعد بواکبه اوج سعادت هانسه رضیه الله عنهما شفا  
 کلیمک بونله صایم اولوب حضرت علی شمعون انجیری نام نهوده بش صاع شعیر استقراض  
 ایدی بر صاعن ابتدا صایم اولوب قلمی کوند حضرت فاطمه ال در مذهب حکوب اوده ایدی  
 بش دانه خیز بشوردی افطار و قسند آدم باشد بر خیزی او کله نیه قودیکر که افطار ایدی  
 قویه بر مسکین کله السلام علیکم یا اهل بیت رسول الله دیو خور ایدی جمله انبار ایدوب خیز لوز  
 تصدیق ایدی اول کبی صوابه افطار ایدوب یا بیلر ایدی سه بیل و واقع اولوب افطار  
 محلتی بر یتیم کله جرایم ایدی نه تصدیق ایدی اوج کوه و اوج بیل بر خیز بیل  
 افطار محلتی بر اسیر کله جرایم ایدی نه کند نفالتی انبار ایدوب بوش نفی  
 سعادت اوج کبی صوده غیری نه ایل افطار اتمدی در دیگر کوه حضرت حق و حسین

اول انا  
 ساه

الله

اللزیه یا یثوب حضرت رسول قاتنه کله یز بکر لوز جوع اناری تمام مشاهد ایدی و حضرت علی  
 حضرت حسین زین جوعه برکت حرا که لوز اولوب کل رخسار لری صولت بر حضرت  
 واقف اولوب قالمق فاطمه زهرا قاتنه کله یز مبارک کوز لوز اجلقه جود اولوب و بطن لری  
 ظهر نه یا یثوب قیه یز حال اولوب کور دی بونلر اطعامه مقصدی ایدی جبر علی الدام کله  
 طوت بوسور یز کریمه یز یا محمد و اهل بیتک مرده ایدوب مشتبه که بوعمل مقابله سینه حوت تالامه  
 بوسعدیه ارزانی قلدی دیدی حضرت سوریه کریمه یز اوقیدی اول سرور نهایتی حدود  
 اولوب حضرت رسول دخی غایتی فرخناک و دلشاد اولوب تفصیل قصیه کشف قاضیه و  
 کتب تفاسیر مسطور انا النبأ العظیم مع خبر عظیم عم سیالوه عن النبأ العظیم  
 آیت کریمه اشارت ایدوب علوشاه و کمال سعادت لوز کنایت ایدوب انا الصراط المستقیم  
 مع جنبه حق موصول اولوب طریق حقیق متیقین انا زمام الطول مع طولک زمانه یعنی یولاری طول  
 فضل و قدرت و عناد سعت معالونه کله انا حکم الفضل مع اساس فضلی حکم اولوب انا غدوبه  
 القطن مع بارانک سبب غدو بنی انا هلال التهر مع آیت هلالین یعنی اصل نوری و سبب  
 ظهوری انا لوه الاصداف مع اصدا فک در دانه سین انا جبل قاف مع جبل قاف دنیا  
 احاطه ایدی جهته یا خود دنیا نیک اساس و ادنای اولوب و غیر هجده کدوره جبل قاف  
 تشبیه اتمش در انا سرخوف مع خردنک سرین انا نور الطرف مع ازکیانک یا خود کوزل  
 یوزلو و طلول و لود اولوب فضا فقای نشانک نورین انا اجل الراشح انا العلم الشاخی  
 علم و جبل طاغ معنای در راسخ حکم و ثابت و شاخی بویست و فرقع دیکر مع عالم علم و کرامت  
 محکم و یوکک طاعین دیک مراد در انا مصباح القیوب انا مصباح الکروب مع غیبارک  
 مفتاحین و قلیارک مقبلا حین مصباح چراغ معنای در انا نور الارواح مع روحانک نورین  
 انا نور الارواح مع روح اولوب شکرک روحین انا الفارس الکوار مع جمله ایدی الکوارین شکر  
 فارس انا معنای در فرس ده مستقر اسم فاعل بونم نسبت معنای اولوب لایق و نامر کبی  
 دوز فرس معنای در تنگ سودی و غرامی اولوب یا خود بیغنه مباحثه لب و تمدن مشق  
 قیلوب لایق و نامر دیر لری بونده صفا فارسی دخی اختلاف و ارد در ابن سکیت و اتباع  
 دوحافر اولوبک راکنه مطلقا فارس دیکه جایز در کور کو خیل اولوبه و کور سمر  
 مار کوی اولوب لوت اوزره بنسوه و کورک اشتر و حار اولوب دیوب یا یا مقابله  
 تفسیر اتمش مثلاً مری بنا فارس علی بغل و علی بردون و علی حار دیر بود عاقل شاعر

انا مصباح القلوب







انا سيد الامم رومك معانيه ظاهره واثموم اشرف ناس مراد اولوب جانب مصره بعض  
اولمقدد احواله هر چند بود ايم فخر تك معانيه بن رومك و اشرفك اولوب و سیدی بن  
دیکم اولوب انا صالح المؤمنین انا امام المفلحین بن مؤمنك صالح بن مؤمنك و متقیك مقتدایك  
انا غاب الكفر انا مشكوك النور معاني كلام بن اهل كورك صغیر بنی بن دیکم راجع اولوب غایت  
میثه زار و اجام معانیه كورك كورك جمع كورك معانیه در كورك كورك جمع در كورك معانیه  
عوبستانه اولوب كورك كورك و كورك تعقاب دیکم بنی بن دیکم و قره یقلا معانیه  
و حدیث شریفه قرائی شام حقیقه یحیى حكم الروم منها كورك كورك بورد و غی و غی كورك معانیه اولوب  
كورك فخر و ثانیه تك معانیه بن نور بن چوانغ دیکم او ك و اوردن اولوب منفذی و لیكن  
یره كه عرب كورك دیر روم و عجم درجه و درجه دیر اینه چراغ قونلوب روشن اولوب شكوك دیر  
تفسیر شریفه الله نور السموات و الارض آیت كرمیه تفسیر در شكوك بود اوردن بیاه اتمكرد  
اهلند مكوه ایل مصباح باشقه باشقه در شكوك فيها مصباح كلام بلاغت نظامند  
د افر معنیه بعد كذت استقال ایل توسع اولوب مطلع چراغ مصباح معانیه استقال و اطلاق  
واقع اولوب انا امام الرب القیوم بن قیومك اربابك امامین بن قیومك معانیه در انا كرم  
اسرار النبیین بن اسرار نبوتك كرم بن كرم و دینه معانیه در انا كرم  
انا المخبر عن وقایع الاخرین بن امم مضیده اخبار اولوب مطلق بن كرم و قایع اخرین  
مخبر بن انا حامل الراية انا صاحب الراية بن حامل رایت و رافع لوازم دین بن صاحب آیت  
راية مراد سابق بیاه اولوب اوردن اسلام بنی اولوب یا خود حقه بن آیت كرم نازل  
اخر فخر اولوب اولوب اینه در افر علامت دیکم اولوب یا خود حقه بن آیت كرم نازل  
اولوب دیکم مراد اولوب انا قطب الاقطاب بن اقطابك قطبیین انا حبيب الاقطاب  
بن احبابك محبیین انا مهدی الاوان بن عهدة خدیجی مصلی بن انا علیه السلام بن عهدة  
عیسای بن دجال خوار بن قردن و فتنه و فساد قلع و اقمع ایدره بكا اویانك و دیکم  
سالم اولوب دیکم مراد در انا والله و جه الله محصل فحای كلام بن صوحی بن و قایعیه و اصل  
اولوب طریق و جه الله بر جهة بن قیلدن ذات باری به و درگاه اهدیه معرفت و وصول حاصل  
و اسباب عوفان و اشغال کامل اولوب دیکم بن معانی قسم الیه تا كید اتمكرد اولوب كلیند  
مرشد کامل اولوب بن معوله كلمات حكم سمانه حق متكلم و قایل اولوب و مال بقالیدن ارباب  
كشف و حال مرشد کامل اولوب بیا به ارجاع ایلشك دیکم مرشد کامل آدمی جام جهانیا ایدر  
جام جهانیا صدر آینه ی خدا ایدر انشاء کامل بر مرتبه و اصل اولوب فخر حق اولوب جمع  
تقریبات صفات الحقیقه مرصد اولوب بن معانیه حدیث قدسیه اشارت و شعار وار در كرم

حرفه

حرفه رسول صلی الله علیه و سلم جناب رب العزت جل ذكره نقل ایوب یوررله ما زال عبیدی تقریب  
الی بالنوافل حق احببته فكنت سمعه الذي یسمع به و یبصر الذي یبصر به و یم اليه یطس بها و رحله  
التي تمشی بها المساء ایل تقودن بمرتبه به اتحاد دیر كرم كرم اولوب سلطان العشق مشهور الفان  
عمر ابن الفارض حرفه كرم قدس تره الفریه نظم السلوك اولوب تائنه و فارضه و بطله مشهور اولوب قدس  
بلینفد حدیث شریفه اشارت ایوب بیاه مقام اتحاد ایوب یوررله در سحر  
و جاء حدیث فی اتحادی ثابت روايته فی النقل غیر ضعیفه یشیرك بنی بعد تقریب  
الیه بنقل اودا آ فریقه و موضع تنبیه الاشارة ظاهره بكنك له سمعا كنور الظهيرة  
مثنای طریقت و اهل ملوك اتحادیه مراد بریر سالك وجود سطلی حق شهودید بوردیم محض اولوب  
كه اول حاله جمیع اشیا تك موجود اولوب وجود حقه كورك معدوم اولوب كند و حد نفسه  
حبیله كرم و بالجملة بومعانیك كاینبی تغییر و تفهیمده لسانه تقریر قادر بومقام و اصل اولوب  
بوحاله منظر اولوب بنك سترن كاینبی شاهد اتمز و كتب معتبره و صوفیه دن اتحادی تعریف  
ایده كرمی كلامه انجی بر مرتبه فهم اولوب و خاطر ناظر خور اتمیه اتحادیه مراد بریر سالك وجود  
مستقبل خاضی اولوب اول وجود وجود باری تعا الیه اتحاد اولوب حاشا و كلاً حاشای  
حاشای من اثبات انبیاء بومعنی جمیع اظا هر اصحاب باطن قلم طریق امر محال در حق حق بومعانی  
اتحادیه منزه و مقدسده تعالی شانه عایقوله كرم بومعنی شریفه ایل شرح و شراح حدیك و بر دكلم  
معنی اصحاب كشفك و بر دكلم معانی خد كوردن حد حلق و دور و تفضیل طالب اولوب كتب  
احادیثه مراجعه فهم ایدر نهایت منكر كرامت اولیا اولوباه مهر ایل سنت و اجماع تقریر اولوب  
معانی دخی سلب اتمز كرم كرم بومعنی مقبول طوتر كرم و كاینبی بسط كلام مساعد و مقام اولوب معانی  
تلقی بالقول ایدر كرمی كرم بومعنی مقبول طوتر كرم و كاینبی بسط كلام مساعد و مقام اولوب معانی  
بمرتبه الیه اكتفا قلندی قصه العشاق لا انفصام لها فضمت هنال ان مقال  
انا والله اسد الله بن الله حقیقون نكرینك ارسلانین انا سيد العرب بن عربك اولوب سین  
انا كاشف الكرم بن حزن و غم و شدتك كاشفین انا الذي قیل فی حقه لا فنی الا علی  
بن سول كمنه بن كه حقیقه لافه الاعلی دیو مدح اولوبه شجاعت و سخاوت و شباب و قوتك  
حد كماله اولوب معانی سایر فقیان سلب اولوب انوره قصر و قصر اولوبه عادت عوب بودر  
بر شی و بر شخصی كمال مرتبه وصف اتمك استه سایرین عدم مذكسه تنزل ایوب سلب الیه كرم  
اداة استئنا الیه اول جنس و نوعی مدوحه قصر ایدر مثلاً لافه الاعلی كاشف الاذو الفقار  
دیر شكیم بر جنسك افراد بنی بر شخص جمع ایدر كرم كرم مثلاً بر آدمه الرجل كل الرجل

جنسك

X



در صفات کماله سو فواز اولد و غیره نه کلو افراد رجل و ارایه بود و یعنی بون مکارم اخلاق  
جمع رجال موجود در دیک معانی نراد ایوب بود کلو الفاظ کثیره ایله تعبیر و اینجا بولیم کلام  
موجود و لفظ مختصر ایله افاده ایدر ایکنی در که لسانه عربی و اولاه بلاغت و فصاحت و اینجا  
کلام حسن تعبیر و لطف ادا و مرام سایر لسانه در کلام و انا الذی قبل فی شان است  
منی بمنزله هرون من موسی بنی بن سول کند که حقیقت حقوت رسول من بنم اهل بینه موسی بن  
هرون منزله سند من یور شد و انا لیت بنی غالب انا علی بن ابی طالب بن اولاد غالب است  
برای طالب اولی علی بن غالب حقوت رسولک و لام علیک اذینم انا یه اولور بنی یور و جمله در علی بن  
ای طالب بنی عبد المطلب بن فاطمه بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب  
بن لوی غالب بن فهر قال فصاح السائل صیحه عظیمه و غیره متین راوی ایدر حقوت  
امام کلام بلاغت انجام لای نظام من بومقامه کور یک اول سوال و اعتراض آید سائل که سید  
بن نوفل الهلالی اندی و صیحه عظیمه ایدر بن حایق و در ذافر و شوب میت اولور تسلیم دفع ایدر  
فعلقب امیر المؤمنین کلامه کرم الله وجهه بان قال سید بنه صریح حفته لام کلام بقن بوحطه الیه  
تعقب سولیکه باشلیق احمد الله الذی باری الله بنم جنس هدا خود جمع افراد عمد شول واجب الوجود  
و مستجمع جمیع صفات بر وجود اولاه ذات واحد محققه که اول الله خالق النسم نسم تحریک بن الیه  
فتح نون الیه و بعد نسم اولوب لسمتک جمعی و لفظ جائز در نسم انساة معنیه در و قاری الامم در فی  
اول الله جامع الامم در امم امتک جمعیه امت فم هنر الیه و تشدید مایه رسول ارسال و نسم  
بر جامعه و مطلقا ناسده بر طایفه بکله جنس و هر نوعه بر فرقه امت اطلاق اولور حدیث  
شریف کلاب حقیقت و لولا الکتاب الله من الامم لا حوت بقولها سور دقلیر دافی معنای اخیر  
شاهد در و الصلوة علی الاسم العظم بر نه مراد بنی علیه السلام در اسم اعظمه فطر اولور اعتبار الیه  
یا خود بنی الانبیاء و ملاء الاعلی اسمایر سایر انبیاءک اسماء شریفه اعظم و اکرم المستملحه  
و الصلوة علی محمد مؤدی سنده بوجهه تعبیر سور و کمال و تعظیم باد بیور مشهور  
و النور الاقدم مخدر فرودت اوزده معطوف معطوف اولوب ایکنی بذات مکارم صفات که  
بر صفت ماده کرده دافی ابراد قصد تشار در نور محمد جمیع مخلوقات مقدم خلق اولور غیره  
وار داد اولوب مشهور و متواتر و لغین تفصیل حاجت یوقدر ثم قال سلونی عن طرق السماء  
فانه اعلم بها من طرق الارض بونده صخر خلقه توجه ایدر یک بیور دیگره بکاسوکت  
یولورین صور یکیز که بن اسمانک یولورینه زمینک یولورن زلیح عالمین سلوی قبل ان یفقد و ی

یولورینه بنی  
بکا

بکا فرضت الله ایکن صور جعفر صورک بنی یزید زده اذل فان بنی جنبتی عار  
کالبهار الروافد زیر اینم ایک جنبیم ارانده عظیم علم و معرفت دار در حدیث و خروشه کلن  
بحر کریمه در بنی جنبتی سور دقلیر قلب شریف و خاطر لطیفاندر کنایت در عرب عریا  
ایجنه بر کونه ادا رشایعه اکدم بین بر ذیه و الشیعه بین جنبیه در ان شوب و جنب  
ذات کریم و قلب شجاعی مشتمل اولور و غیره تعظیم و مبالغه و اکمل و ادخله مثلا بر کینه الکریم  
بنی بر ذیک دیمک سن کریم من معنیه انت اکدم دیمکه هزار مرتبه المبع و افضل در ذوق علیس  
تتبع خواص و برای کلام عرب عریا به موقوف و مبنی اولاه علم معانی و بیان مزید مهارت متوقعه  
فنهض الیه الرسخ من العلماء و المهر من حکماء بن حقوت لامه فالتعب متوجه اولور اول مجلس عالی  
اولاه علمانک راسخا و حکمانک ما هر یک رسخ و مهر نصر ناصر جمعی اولور بنی کبر راسخ و مهر  
جمعیه و واحد به اکمل من الاولیاء و دافی امام علی جامع کوفه احاطه ابتدای اولاده بر جمیع  
کاملین و النور من الاصفیاء احدی کلمه سنک فاعلم اولان کل لفطنه معطوف مقصود اول کروه باشکوهت  
بر صفت ماده الیه دافی اتصاف در افاده در تعدد در بیان مراد کلامه اصفا اولان محض نور الله  
اوله قارینه دخی اشاریه متضمنه یقبلون مواضع قدیمه اول صفت لطافه و لایته متوجه اولان  
اشراف سارک آیا قاری با صد غیر بر کوی او بر کوی و یقسمون علیه با نسم کلامه و یکمل کلامه و در غیر  
آند و بر کوی دیکه کلامن کسمیه تمام الیه و انجو در نشی کیم دیز در عقود جواهر منضود بن تکمل الیه  
فقال هو الراسخ و ذفر العارفین الامام الغالب علی نرای طالب کرم الله وجهه بن اول اولیای امام  
و اشراف عظامک ملتزم قبول الیوب راسخ فی العلم اولورک و عارف بالله اولورک و خیر  
لام غالب علی نرای طالب دیدی ابتوا المضمار ابر منیع و اعطى معنیه کلامه افاد دند بر مخلص  
منع معنای مراد مضمار یوکرت انک سکر میسر یرتیک غایتیه دیر مراده بر امرک کمانه و غایتیه  
وار من قادی اولدی یا خود ناقص ابترا اولور اولدی دیمک اولوب صلیح ظهور احتمال عالمه اشاریه  
بسته حقیقه لازم اولوب احتمال زلیح حسیله تا تمام طلاه اوزده اول ظهور ایدر کند و رتیک  
بیعتکری در موانع آیام حسیله کاه وقوعه و کاه مخالفت معویه کیم و عرب صفین و کاه قتل  
خوارج امری ظهور کیم ایدر هنوز اول امر واجب اتمام انجام بولیدن و ام خلافت و احوال ملک  
و مملته انتظام کلام قضای آسمانی و تقدیر ربانی الیه ابن کیم بدختک بفتنه و ضربین جانب  
رایض رضوانه خرام ایدر خطیر و قدس در ارواح شهدایه امام اولدی و ذلک تقدیر العزیز العظیم  
انا لله وانا الیه راجعوه و جوت الاقدار اقدار قدر جمعی در از کلام تقدیر اولوب عالم غیبه مستور  
اولاه شون و امور قوتدن فصل ظهور کلمه نذر و لایله قبل الوقوع علمک مستغرق اولان وقوعه

الام

بدختک  
۱۲۲۸  
۱۲۲۹  
۱۲۳۰







و تساق سبا یا تم اول شونده اسیران کوری اینده کوری عورت و اوغلان قیون سورسی که سوری  
الکید یوز فلن یکد و اهن عصا کما اول سی و اسیر قلنان مطلوبه عورتلار کون خلاص اولان  
اصحابی قطعاً بر ضعیفی کمنه بولماز که التی الیه الله من خلاص ایره لو و سجدون حصون الشام  
و اول طایفه عن قریب مالک شامیه تک حصار لرین یوزلر و یطیعون الآفات اول قتم افات  
و عاها اول قلمی مملکت طوق کیه قلوب هر طرفه فتنه و فساد الیه محاطه قیلر لر فلم یبق الا  
دمشق و نواصیهایی دیار شامیه دن خراب اند کوری بر قلمز اللفس دمشق و نواجیسی قالور  
و یراق الدماء بشار فیها و اعالیها و اول دمشق مشارق و اعالیه طرف و هو انبذ عمارت  
ثم یرطونها و یعلیک بالامان بونه صکر دمشق و یعلیک کور لر قومه امان و یرطه و تحل  
البکایا بنواجی لبنان لبنانک اطرافنه بلالرحول ایدوب مصیبتلار نازل اولور لبنان  
دیار شامیه بر جبل محدود در روم کجه اکیوز فرسنگ یر کجه و مرعش الیه عین رزم و هارونیه  
تا لازقیه و ارجه لکام دیر لر انده خمصه و ارجه تنوخ دیر لر انده شامیه جیغوب کرجه لبنان  
فکم من قیبل بالفق و اسیر بکایا التی اول زمانه کجه لر حایه یر لوده قتل اولور لر و نجه نهر  
کنارنه اخذ اولوب اسیر اولور لر قفر اباداه اولین بیابانه دیر لر بعضی نخل قیبل بالفق و بعضینه  
بالقصر و شمش عق سکر لکه دیر لر قصر معروف در اولر اچند اولر لر یوسه دیکه راجع اولور الله اعلم  
فصناک تسبیح الاعوال و نصیب الاعوال اول وقتله اول محله قلل جباله اوله احوال تحت  
ایدر خلقدن قاجز اولان اخرازه قریب اولوب مدت بقایه دنیا از قالد و غم امر حقه حق و ادرک  
ایدر او عا و عا و عا طایغ تکمه معنانه در و عل تحتشم و محترم اوله کمنه یر دایر  
اطلاق اولور جمع اوعال کدر و لمجا و ضعیفی محل معنانه ده کلور و توقیر کجه خلق قلل جباله جوق  
انکله قورتلور لر دیکه معنانه راجع اولور و خوف لر و اضطراب لر منفک اولیدب خلق خوف و التی ابر لر  
فاذا لا تقول لهم کذبه من اول وقتله اول مبتلای بلا اوله قوت مدت بقایه اوزافو حتی  
خلق من امرهم اچند بونکرش فتنه و فساد و تخریب ارض و حوب بلاد ایدوب عالم اقلاری التی  
الملوذه بر مرتبه یر و ادر که و ارض اسکیوب قنایه یوز طوره فاذا انا هم اچنین الا و حور و فتن  
اول عالمی خراب ایدن اشرار کفار جنین او و قالقوب حوب و قتله مشغول اوله و شب  
علیهم القعد الا قطر انکرک اوزر لر کینه قعد الا قطر صجرا هجوم ایدر جنین آنه قوند  
اولان اولر دیر لر و مستور اولان سنه یر جینه دایف استنارندن اوتوری جن دیندر

و شقیه

و قلقلانه

و قلقلانه دایف خضعت لوزنه طوب اردن کز لند و کفون اوتوری جن دیندر و بمقام جنین ده  
مراد امام محمدی یا خود انک کیم بر کز لو کمنه تک ظهوری اولمده اول زمانه کلنج فستور و مخفی اولر و غیبی  
جنین اطلاق اولمده اوله الله اعلم او و حور و سنان الیه زینال طعن ایدر لر و حور و دایه فم مرینه  
و ریح جسم خصمه اچوب صوار لمده دیر لر ایام مزبور زیاده بهادر اولوب طغاة بالرحم و السنان  
اولمغین او و حور دیندر قعد و مجهول النسب و حامل اولوب لیتم اوله کمنه در اقطر غضوب یا خود حارب  
معنانه اولر مناسب در و هو رابع العلوج المنفر علیه کنایه المظفر اول تخم کفار علوجک  
در دنجسی در که مغلوب اوله کر که کر که اوزر لر امام مصفرت اشاریه واقع اولمده علوج علیک  
جمعی که معنانه سابقا ذکر اولمده بجیش کلمه الطمع و یلعنه الهلع بر عکس ایدر که این طمع  
و شدت حرص اکلک ملت ایدر فیسوفهم سوق الهان بن یولری اول سرور او و حور و حور  
منظف دوه لر سور لر قوغار لر و نیکن شیطانهم بارض کنعانه اول خوب کج و نیکن شیطانهم  
کنعان الینده یاسی اشخی اولور یغغ غلبه و ظفر اند واقع اولوب تفرق لری اول محله و یقتل عبودهم  
العقف و دیر یوزلر که بهادر لرینه غرایب قتل ایدر لر و یکل جمعهم الملق و اندر جمعیت لرینه  
تفریق و تلف خلوه ایدر فجمعه عقیبات من ملک النجاه الی الفرات بود قده صکر  
طایغ لر کیم اول طایغ تک قورتلار لر حایف فرات جمع اولور لر فی شیره الواقعة الشامیه  
اذ لا مفاص یسرب ثانیثک فتنه سنه قالدر لر زیر انرا کجه فرات طالب اولوب قورتلر کمال بود  
وهی الفاصله المصولة قبل العاص بود و ثانیه و وقته مخوفه در عاص طرفه عاص بر شخص معهود  
علی اولق و اوجیه ده مخفف اولوب عا و طایغ عا کور دیکه معنانه اولماق و الله امر اوله  
فیغیرهم علم الام الکثرة بین اند اهل الام استیصال قصده کز لری آذر در تحریک و اغوا ایدر  
و حور کفار محاربه یر اقام ایدر لر فهاک تکمل لهم النوره بواره اول وقتله اول محله صنفان  
حلول ایدر حکم صکر فی قصده اخیره و کفصا بین یوزلر اوله اشرار کفار جریه و حسابیه  
قصده ایدر حصباده مراد طاشلو صارب یر اولمده یا خود کفاد مع الیه اولوب او و دینو  
اوزمانلو و جتر قیات کیدر یر که کیدر دیکه مراد در و یخربون بعد فتنهم اجدیا و یوقالدر  
یر یوزینه خراب ایدر لر ارض محبده اخذ ایدر لر اول زمانه نقطه و غلا عالمه استیلا اتملین  
جدا یر یوزله تغیر ایدر ک بعضی نسخ و یا واقع اولش حوب لغتد ارض غلیظه معنانه و کسری کیم  
نغداد ارضه بر لیدر هو تغیر اولور و اچر تک تانیث اوله حوبا اولمده کمنه زیر بعضی  
نسخ لر و جیم الیه ضبط اولمده کور لر حوبا یوقدیر حور ارض معنانه اولور کمنه حایه  
متعد سنه مقام بومعنه انجده معنانه اولر راجع اولور تم یخبر کجری الحاکم فی البصر

لهلع

که کسره

مکان



بونده برز مده صده بر اقدام و جرات صاحب قر کنه بصده ظاهر اولور بشده منی نئی عمر  
بنی عمر طایفه سده بر فرقه ایله تقدیم الی الام و هو مد هشت اول طایفه رئیس اولوب شام کتور  
مد هشت بی عقل اولور و غیر حاله فیما یبع علی الخدیعة الارعش بن اول شخصه حیل انکله و عشیه  
صاحب بیعت ایرد ارعش صفت مشبه دره اعرج و اعرج کی بر شخص مهوود مقصود دره و صبحه  
فی المسیر الی غوطه اول شخص کنه کنه شامک غوطه سده و ارنجه بلیه کنه شام و لایکت اسمر غوطه  
نفس دمشق باخود جوع سنگ اسمر کوره ناحیه معکونه در بعض کتب دیار شامیه بی ششم  
تقسیم ایرد بر شام بن قسمر بر قسم ناحیه بر حصوده غوطه برو سیده بوکا شام اولی دینور  
بونک شهر لری فلسطین و عسقلان و بیت المقدس دره و بر قسمه شام ثانیه دیر لردن در  
بونک بونک شهر لری بحیره کناره طبریه در و فلسطین ایله اردن ار اسنه بر مکره بر قسمی دیار کوره  
غوطه در که مرینه و معطنه دمشق دیر لردن و سوا حله طرابلس واقع اولنده بوکا شام ثالثه دینور  
و بر قسمی دیار ارض فخر حصده شام رابعه دره و بر قسمی دیار ارض قسمر نیندر و معظم بلدی حلب شهر در  
که قسمر نیندر دت فرسخ برده واقع اولنده بونک ناحیه مدینه انطاکیه دره شامی بحر بر لردن کیر  
جیب بخا رخصت کت قبری آنده دره و جاده من اقصیه المدینه رجل یسعی آیت کریمه سنه ذکر اولنده  
مدینه مراد انطاکیه دره بوکا شام خامه دیر لردن و شام اطلاق قدیم دخی اقال جو قسمر شهر لردن  
بلاد شامیه مشافه قبله واقع اولور و غنی شام اطلاق اولنده یغ مکه اولاده کنه مطلع شام  
قر شطوطه بلاد شامیه صول طرفه کلور یاخود اولور ارض اول عمارت و بنا طر ح اوزه شام  
بن نوع اولوب شاه سر یانیده سین مطلقا شین اول معین شام دغیش اوله بعضی دیار کور  
طبرغی مختلف اولوب بعض بعض بر لرنیک قره و بعضیک آق و قرل اولوب رقعہ قطعه قطعه  
کینه اول معین شامیه تشبیه و لوب شام دیندر دیور سیمه بیاہ اتمار و شمشاه جوی و مرکب الیه  
شاه عرب یوز لرنه قولور انده کلور بکلر و الابه لردن که عبا چند مقبوله و مغلقات سبع  
اصحانده طرفه بن عبدالکبر معلقه بیه مطلقند آثار طلل بوکا تشبیه اندر لحواله اطلال  
اثمل تلوح کبافی الوشم فی ظاهر الیه تشبیه مزبور الحق غایت لطیفه دره فما اسرع ما سئل  
بعد و رطه بین نه عجب نیز اولور انک سلاطین اولاده ششک تحقیق و رطه ی مکه دوشد و کنه  
یعنی بیعت و متابعت ایرد و رطه ی مکه دوشد که صده بلیه کتیب و دوشده مکه دوشد که صده  
سالم اولور دیکدر الله اعلم براد لیت تم با مکرری اذ یروم الی العواق مراد لیل من غلته  
اوامه بونده صده اول شخص بونک ملک نوازه قصد ایرد حرارت عطشندن بر مقدار دفع احوال

لیبل کلمه سده که لام لام تعلیله یبل بلندن دره از ابق صوبه و اصطناع بلل دیر لردن  
بر مقدار اید تفیر ایرد بر محفل معناس بیاہ ایتک فیدر که المکات بلانار دون مراد  
مکات اصابت ایرد مقصوده و اصل اولدن جسمند و من و اثر داغ بر فیکر و دجل باهلها التلک  
دون سقامه و دخی اول ملک اهلنه تلف و مکه حلول ایرد انک سلاطین قدیم و سلاطین  
العیون الی العلم الاسمر اللعاب دخی عن قریب عیون خلایق ناظر اولد کر که او بیا یح بر علم اسمر  
سمت قره یاغیر معکونه قریب و ابیض ایله اسود ادرته سده بر غولدره در اول بکر لواره اسمر و عورت  
سمر ادر لردن ابیض و بیضا و اسود و اسوداکیه حین یکنه به صوبه الارشیات شوال و قیقه که شک  
و اریاب لردن اقباله غایت لیل اولور لفظ حین نظر عیونک طرفیدر محفل کلام عیونک علم اسمر  
نظری شک و شبهه نک قوتی بلندن دره دیکه راجع اولور و یلقب بالجمم اول قلام حکم دیولقب و بر لردن  
و یسجن بالعلم مکنه و حجازیه دن بر مجله یاخود بر جبل معهودده اول نظام عن قریب جبل اولور  
بعد الفیه العرب و حشیت الطلب بونک نک محسوس اولمع عرکت اکا الفت و استیناسه  
و شدت طلبندن صده دره و کاتی انظر الی الارعش و قد هلاک بن کواکه ارعش بقون و اول  
تحقیق مکه اولد کر که و ولید احدیت و قد ملک و قد کنه و دده صده ملک مالک اولان کیر او غلته دخی ناظر  
محفل کلام ارعشک و او غلته قصه بی محقق در کواکوم او کنه کیر در دیکر فلا تطول مدته اکثر  
ساعه اوله شخصک مدت ملک بر ساعده زیاہ اوزان فاهزم الشاعه یا بوشاعه و فادنه دره  
ملک زان قلیل اکیم بود کلوشاعه زیاہ متعجبان بیور لردن ظاهر بودر ساعده مراد عت  
حقیقه دکلر قلت قدره کنایه بوضیم ارعش و او غلته کتکت محملدر و قد ملک قریب سله  
او غلته ارجاع اولد کورینور و یقتل بدر بکبل الامر بعدا یسجن الاسمر اول ارعش یاخود او غلته  
جبل امر بولند قتل اولور اسمر حبس اولند و غلته صده و عند وصول بولدر غلته و او کنه کلوب طور دکلر  
و منولهم بین یدیه اول قتل مغرب لردن الجبل بر اکا وصول بولدر غلته و او کنه کلوب طور دکلر  
حینه دره تم تخرج الهمام فیصله بالناس امام بونده صده بر اولی محشم کنه حق خلقه امام اولوب  
جماعته نماز قیامه بو ترکیبه آید احتمال واره بر بودر که ذکر اولاده اوزده اول هم چن بکند  
امام اولد بر دغ اندر ظهور لیه مطلقا امام جماعته نماز قالمه باشلیه کال هرج و مرج ده مساعد  
و جوامعک نماز قلماز اولوب انک ظهور لیه نیه اقامت صلوح اولند و غلته اشارت اوله الله اعلم و حکم  
تم یقتل بعد بر هیه من الزمان بعد برز زنده صده اول هم قتل اولند بن اقدام و حلال  
قتل خد متکار لردن دوشلوری ار اسنه اولاف غلته ها یخرج من المغوب اناس علی شهب اخبوف







ما قدمت لغد  
١٠٣٤

در رسول

سابقہ

سید  
صغیر

اصناف

۱۰۰۱

شاہ  
۳۵۱  
قرآن  
۳۵۱

و رسول اکرم ملک الوفا به صلوة و روزه غیبار شمس بر قلبه که سنده اشراق ایدوب ضیاء و در محبه  
دیو صلواتی در دام و بقا الیه تقیید اید و نشکست عادت فصحا و ذآب بلغا بونک اوزرنه جابریرة قطب الما قاطبه  
مرآة قرینه مقام الیه حضرت امام اول مقلد و

الحمد لله الرحمن الرحيم الحمد لله مفعلة الحمد لله مفعلة الحمد لله مفعلة الحمد لله مفعلة الحمد لله مفعلة  
 سؤل رب عزت جنابه مختصه بامم مختلفه في مفعلة استودى وقت افنا ايدى يا خود مفعلة  
 بسط رزق وفيض وجود ايله اغنا ايدى وحكى الرحمه وجور عين كلكنه حيات ويدوب حيا ايدى  
 والبصير لوق على المجد بالهم وفي سؤل ذات يك وظهر فرموده لولا ك لولا ك لولا ك  
 اوزرنيه اولوه كه درگاه احد كيت وبارگاه صديق عرفان واشناغه طالب اولوسم  
 هم عليه ايله امداد ايدى كيدر وصاحب الطيق الاقوم وطريق مستقيم وشرع قوي صاحب سديد  
 بوفيقه حقير ايدى كه مؤلف كتاب اولاه شيخ كامل محمد نصاب شرح اولاده خطبه البيا في اتمام  
 اسبكه صلاه كورده كه بر خطبه ايله برز كلات يازوب اينجده بوفن شريفك عزت وصعوبت ودر  
 وضوابطن بيا اتمم جنة جنة حفت امام عليك علوم ومعافن وفضائل وكالاتن يافن  
 واكثر علوم نادره وفنونه مدونه ومحدثه سبب تاليفه وابعث تصنيف النور اولوب هر قس غريب  
 علما نك سر چشمه سبب ذات منبع الفضائل اوله وغين افاده قلمش بومعانيك عبارات  
 سوايات بلاغت انتظامي حفت لام علم معجز نظامي اوليوب ورموز و اشاراتن الفاظنه  
 غرض متعلق والمعين تطويل كتابه قجوب عهد سابق ادرده الفاظن ترجمه قلمش عاين معاني سبه  
 ليس رومي جلوه ويدوب قباي عربي سن نزاع وخلق ايدم ايدى بود كرايد حكما شيا نقل بالمعنى  
 مؤلف كتاب جليل الشاه وعظيم البرهان ذكره بونك بونك اوائل ومباديه دركي فهم فقهه  
 وطبع حكيمه فوت اولمش واقاصي معاني سبه وصول صوفي حليم ومحقق سليم  
 فكرين منقطع ومجهر قلندر رحيم فكر ودهم بوعلمك غايتن بستم كنه حقيقته ايدم  
 دوزخ ايدوب توهم المينه لسان تعليم وشرط تسليم اكانا ايدوب وفوق كل ذي علم عليم  
 مضمونند تفهيم ايدى وبعينه بوفيق باري يار قلعه كه بر كنه نه دكلو بتجر المينه نگاه بر فرد  
 كامل دغي بولور كه غافل وذاهل اولدوغن نجه كوشه كوشه فتح وارشاد ايدوب بالقدوس تسليم  
 وقول لازم كلور بس حفت حق رحمت المومنون سؤل كنه نه بوفنه شروع ايدى كيت عادتارن ويراقر  
 خونبارن ترك ايدوب ونفع دنويدين كجوب قبل حقه فتح اولاده فوايدى لذند عدايع بواسرار  
 عرفانه و تنذلات رحمانه به كه هر ري بر محدثه حنا وليمه و عذر ادر خطبه ايدوب  
 كندوي كغوي صانوب طالب اولاده لارنر كه هوئى وهوي انوا بسدن جقوب

40

ناظر دوا

م. ١٠٨٠

1. 2

1.

1



三

五

...

75

1

10

10

1



میوز. فلاح و تقوی ایله ازار لند و بون تر نیک فتح و کشف و المی و صدق و دره حال تقوی  
 و صلاح اوزره اولیوب حاله عکس اوزره اولور. من حسن السلام المری ترک مالایق  
 مقتضایه اکا واجب درکه اشتغال ایتوب بوسوده فارغ ابال اولور. و اکاه اول که بوقیر  
 لاشالله تعا شروع ایردن رفع حجاب ایدوب فتح باب انکه سؤل حاله که الله دن رجاء  
 و سؤل ایرده که رمز ایتدکم اشیا نکت فهمه دستر و اخفا ایلد و ملک کشف و اطلاعه صدق  
 و صفا و خلقت و وفاء اصحابی اولانلری یا خود من کان که قلب اولی السمع و هو شهید  
 مفهونه فطر قلنا لری الحام المیه قال علی السلام انما مدینه العلم و علی بابها حفت  
 رسول بن علم شهرین علی اول شهر قیوسیدر سوردی قال الله و اتوا البیت من ابوابها  
 حفت حق جل ذکرة و آة عظیمه که ذکره قبولنده وارک سوردی پس برکنه علم طایله اولوب  
 اول مدینه علم و وصول و آرزو ایتد انک اوزرینه واجب درکه اول قیوسدن کیم حفت علی  
 خلفانک آخیر حفت محمد انبیانک آخر اولدوغ کیم حفت رسول علیه السلام ندن خلافت  
 اولوز سیدر سوردی حفت علی نذنه تمام اولدور. حفت علی احکام لفظی اظهار ایدوب  
 ایرهاب فاعل مرفوع معقول منصوب مصافحیه مجرور اولور سوردی و دروغ علم خود  
 تکلم ایدوب طالع و متوسط و غارب احوالن بیان ایتد. و دروغ کیمیا نبوتک قورنشد  
 الکیمیا اخت النبوة و ام الفقه و عصمه الموده. و میتر یعنی کیمیا نبوتک قورنشد  
 و سخا و کرمت انه سیدر و مروت و انسانیته حافظ و عاصمیدر و دروغ علم فقه و علم  
 و علم هندسه و علم نجوم و علم نجوم تکلم ایدوب الفقه للادیان و لطلب للادیان و هندسه  
 للنبیان و الخ لسان و الخی للزمان سوردی و دروغ علم نجوم تکلم لاشافروا و القوم العرف  
 یعنی قمر عقیده الکن سفر حقیقه کوزه سوردی اما خوارج قتالنه خردانه متوجه اولدوغ قمر  
 عقیده ایتن بعض خواص یا علی طاسف حقیق قمر عقیده در دیکارند اولرکنه به جواب دروغ  
 قمر تا ام قمره سوردی یعنی عقیده اوله انک قمر عید ریخ برزم قمر سیدر دیوب  
 کوسیه اول طایفه راجع اولاجغه اشارت ایتد یعنی الله حقیق اندرده خلاص المخله  
 بره غالب اولماز. الا اون نفردن اکسک ادم قورتلور و برده قتل اولماز الا  
 اون آدمه ازکنه شهید اولور حفت امام علینک قمر ام قمره قوی علم اسرار غیبین  
 بر اصل کبره اشارتد زیرا اول وقت خردانه مجمع اوله طایفه خوارج اون ایست  
 ایدین عکرا لیه ام علی و ارجن سکر بیکه توبه ایدوب کرد که اطاعت ایلور و درت بیکه جمیعاً

ترمذی  
 خلافت  
 س

ایرین

حافظ

ارم  
 خطه  
 جمع

قلچر

قلچر کچی الا طقوز نفر قاجوب قورلدر و علی عکرنن انجی سکرکنه شهید ادری و خوارجه  
 قورتلان طقوز نفر اطراف بلاد طاعون تناسل ایدوب مکرده اول عقیده و فاسد اوزره اولوب  
 ظهور ایدو طایفه یکرده اندک نسلدن ظهور ایتد بر مقایل بن سلیمان خوارجه مردیر  
 حفت موسی علیه السلام یوم مرنور اچون اگر قنقی کوه ایدوب بلسر اول کوه بیرام ایدوب  
 یوم مثله بحرون خلاص اولدوغی و قنقی پس حق تعالی و حی ایتد که یا موسی قوم و امتد  
 امرایله شمش و قمرک اوچن اخذ الیسونار تاکه اول کوبه معلوم ایدور و امام جعفر صادق ده  
 فی یوم خمس متمر تفسیرن مریدر که یوم مثله کان القمر منحو سابر حل و عبدالله بن عباس حفت  
 ایدر هیچ بر شهر یوقدر الا اندم بدی نخس کوه واردر لام علینک اجری الله اوزرینه اولور که  
 بوی نظم ایدی دیوب بونظمی ذکر ایتد. **شماره** ۱۰۱۲۱۳۱۴۱۵۱۶۱۷۱۸۱۹۲۰۲۱۲۲۲۳۲۴۲۵۲۶۲۷۲۸۲۹۳۰۳۱۳۲۳۳۳۴۳۵۳۶۳۷۳۸۳۹۴۰۴۱۴۲۴۳۴۴۴۵۴۶۴۷۴۸۴۹۵۰  
 یصد الامل و ما کان منقوفاً بشر جزل و ما کان منقوفاً بخیر کل مقصود نقطه سر خورک  
 سعد و نقطه لور فلک نخس اولان کونله اشارت اولمیدر پس اول کونله ایک  
 اوجبر و بنجر و اوه اوجبر و اده النجر و یکرم برنج و یکرم در درنج و یکرم بنجر و یکرم  
 مترجم فقیر ایدوب بیتیله مشهور در رسم خط مقتضایه یعنی کله سند ایک یا واردر بوقدر  
 یوم منخوس برکون زیاده اولوب سکر اولق لازم کور بومعنی خاطر خطور ایدوب اعتبار  
 تلفظ اوله دیو ملاحظه ایدر یوردرم بعضی حواشید مکتوب کوردمه یعنی ده یا ثانیه  
 اعتبار یوقدر زیرا اول یا الفدر نهایت یا صورتنده کتابت اولور و دروغ شبه اچون  
 بوفایده ترجمه و کتاب بحی الحاق اولمیدی بلکه رسم قدیم احتمالدر بوقوله کلمه الف الف  
 کتابت اولور و اوله یوخه حفت علی یعنی مقامنه لفظ آخر کوردمه اقد ایدر یعنی  
 زلنا رسم اول متعین اولق ندقیق متأخر نیندر و معلوم اوله ایتد آخر چار شنبه  
 خد زیرا الله تعالی ریح عقیمی قوم عاده اول کون ارسال ایدوب عذاب اول کوه واقع اولدور  
 حقیقت حال بوسؤل اوزره الکن حکمت سوز لر نیک آغز بنددر که لا تعاد الایام فتعادیک  
 دیتلدر یعنی ایامه کخوست اثبات عداوت ایتن که ابامن سکا عداوت ایدر و معلوم اوله  
 الفاظ قوالب معانیدر و دروغ حکمیات دیتلدر که الفال علی جری یعنی فال السان جاری  
 اولان اوزره در مال معنایه مقالن اکثر هر امرده خیر آغز اچوب خیر الیه تعالی ایدر

تفسیر

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰

اعتبار  
 اوقاف  
 بار  
 مقامنه

خوارجه



خبر واقع اولوره و خبر سويلوب شرايه تطير ايد رسك شرواق اولوره ديكه راجع در  
 و دنيله كه بحري الرياح بما لا تشتم السقف محفل معانيه رزكا ردايم اهل سفان مراد  
 اسيموب كاه خلاف مراده و مغاير مشقه كاه اسره و حضرت ابن عباس پور شد كه امام عليه  
 قبل حقه علومك اوان بلوك طغوز بلوكي على وجه الكمال و ريله باقى قلان بر بلوكي نه دفي  
 اول ذات شريف حله خلقن اعلمه و ايدركه بر كجه امام بنم اليه يا سوب مدنيه ده طشه  
 جيعوب كنه بقيعه و اردق بكنايا ابن عباس اوقى ديدى بسم الله الرحمن الرحيم  
 ديوب اوقدم بكنا تفسير ايدوب بسمه نك با سته متعلق فجر طالع او نجه سويلدي و دفي  
 مرويد كه ملك روم اولان هر قل امير المؤمنين عمر بن الخطا برهنه عصر نغليزن صوردي  
 حضرت عليا خبر ديوب بعد ملك هر قل و اصل اديجى حضرت عليك اسرار حوده معرفتن  
 هن شديايله محزون و مغوم اولش و حضرت علي علم نخوده تكلم ايدوب الكليه اسم و فعل و حرف  
 پور شد و دفي پور شد كه و دفي پور شد كه بكا اسرار غيوبن صورت زيرا بن علوم انبيا  
 و مرسلينك و ازين و دفي لهوراضيه و امور سقبله ده تكلم اينده و حضرت عليك  
 كنيست نغلي ابلوكن در و بابا لوي ابوطالبك اسم على عبد منان و ولايتي عام فليد  
 شهر مضانك اوه بدخبر كجه سچ كده واقع اولوب مدفناري كوفه ده در الشمس اوج  
 يا شند انتقال ايلوب قاتلاري ابن ملجم المراد ايد و اول حضرت حقنه حضرت رسول است  
 مني بمنزله هرون من مويه غير انه لا نبي بعدي پور شد و بوحديث شريف داغش  
 خلقت انا و هرون بن عمران و كين بن ذكربا و علي بن ابي طالب من طينه واحد پور شد  
 بن و حضرت هرون و علي بر طيندن بر اصلدن خلق اولنده مكارم اخلاق و عادات و عباد  
 نعت و صفات مع اتحاد و اورد بر مشرب خلق اولمشور پور شد و بركون حضرت علي  
 منبره خلقه خطاب پور شد ايها الناس اسمعوا مني و بلغوا مني و كنم عني ايج حاضر اول  
 ملكان بنده استماع ايدوب دكلت و بنون غير بلكون تسليغ ايدوب خبر و برت كه لابد  
 رجفات متلفه و فتن معلفه البته رجفات متلفه اولسي لابد دري متفقد و فتن  
 ستمح اوله كرك رجفات زلزله لر معنانه و متلفه تلف و هلاك ايد بكم معنانه در فتن

فته نك

فتنه نك جعير و امور بجز فيها الرقاب و بجز لها الاثواب و دفي بعض امور ظهور  
 لابد در كه بولك نيلو اوله كرك و فتنايه بار لسه كركه مقصود كرت قن و شدت جد ال  
 و خرج في البلاد و مرج بين العباد محضل معاني خرج و مرج فتنه و اختلاط و قتل  
 بلاد و عباد اجم قتل و اختلاط اولوب عظيم فتنه كركه اوله كركه راجع اولوره و شقاق  
 بين الامراء و نفاق بين العلماء بكار اسند عداوت و شقاق و علماء اسند ايك پوز ليكك و نفاق  
 ظهور اسه كركه متروك فقير ايدركه اسراط ساعدن اولان بوصفتك ظهوري اكره بر ايك پوز ليكك مقام  
 دفي محقق اينش لا شدي زمانه مرده نهائين بولوب خصوصاً علما اچنم ذميه نفاق نهائين ايدركه  
 عماد دين و حاجي بيضه و شرع سيد المرسلين اولان كبار فرك بر بري اچنم بر مرتبه نفاق نابعه رتقر  
 و تعبير ناكجا ي تحرير در ملايت علما هم ز علم بي عمل است انا لله وانا اليه راجعون  
 علما و اشراك بوصفت ذميه ايله اتصاف في قيام ساعت و اقتراب يوم قيامه بر عظيم علامه كه ظهور  
 استدر و خوف بين الوالد و بين العامل علمه و دفي بر خوف عظيم ظهور ايدركه و الذي و لزن  
 مابوس قيلور و سركار لوزر عل اولان علن ترك ايدركه و امور منكره و فتن اخرها الاخر  
 و دفي امور منكره و فتن متعدد نك ظهوري لازم كركه اخري ظهور احوال اختره و سواد زلزله  
 و دفي سواد زلزله ظهوري مقرر در سواد شخص و مال كثير و بلادك قرايه و خلقن عدد كثير و عوام  
 الناس معناريه كلور و بكاي و مملكه دفي اغلشن و سرعت حركت و اضطرابه لابد  
 و يا اهل العراق اتكلم المجان المطرقه بسهامها المفوقه يا عراق قوم منزه سهام مفوقه ايله  
 طوق اولمن الوقلقا نلوعا عظيم كركه سهام مفوقه كز لنش اوقاره و براد غردن است  
 واحد آئين اوقاره دير لوش معنانه مشلا رميناهم فوقا و رشقا دنيو بوقت ايدركه  
 افعالده اولوب تفصيلده اولماز عبارت مفوقه اولور مجان محنتك جميع ترك معنانه  
 طرق اولمنه الكف خالبي و لم سيد مقصود عن قريب بر جنك اچون نك كلور ديكه صيفه  
 ماضيه بغير اولوب اتكلم دينلسه قرب وقوعه و تحقيقه اشارت اچون نك تكلم مثالنج تفصيله اولمنه  
 اما حديث شريف بوعبارت وجههم كالمان المطرقه دي واقع اولوب اول عكره پوزر است  
 حبان مطرقيه تشبيه پور شد معنانه شرف تفصيل اشارت در و يا اهل الشام  
 الامر عجيب و الوقت قريب فشج العالم بانعه و قطفها دانية و ثمارها باسقة

۲۴۹۳  
۲۴۹۴  
۲۴۹۵  
۲۴۹۶  
۲۴۹۷  
۲۴۹۸  
۲۴۹۹  
۲۵۰۰  
۲۵۰۱  
۲۵۰۲  
۲۵۰۳  
۲۵۰۴  
۲۵۰۵  
۲۵۰۶  
۲۵۰۷  
۲۵۰۸  
۲۵۰۹  
۲۵۱۰  
۲۵۱۱  
۲۵۱۲  
۲۵۱۳  
۲۵۱۴  
۲۵۱۵  
۲۵۱۶  
۲۵۱۷  
۲۵۱۸  
۲۵۱۹  
۲۵۲۰  
۲۵۲۱  
۲۵۲۲  
۲۵۲۳  
۲۵۲۴  
۲۵۲۵  
۲۵۲۶  
۲۵۲۷  
۲۵۲۸  
۲۵۲۹  
۲۵۳۰  
۲۵۳۱  
۲۵۳۲  
۲۵۳۳  
۲۵۳۴  
۲۵۳۵  
۲۵۳۶  
۲۵۳۷  
۲۵۳۸  
۲۵۳۹  
۲۵۴۰  
۲۵۴۱  
۲۵۴۲  
۲۵۴۳  
۲۵۴۴  
۲۵۴۵  
۲۵۴۶  
۲۵۴۷  
۲۵۴۸  
۲۵۴۹  
۲۵۵۰  
۲۵۵۱  
۲۵۵۲  
۲۵۵۳  
۲۵۵۴  
۲۵۵۵  
۲۵۵۶  
۲۵۵۷  
۲۵۵۸  
۲۵۵۹  
۲۵۶۰  
۲۵۶۱  
۲۵۶۲  
۲۵۶۳  
۲۵۶۴  
۲۵۶۵  
۲۵۶۶  
۲۵۶۷  
۲۵۶۸  
۲۵۶۹  
۲۵۷۰  
۲۵۷۱  
۲۵۷۲  
۲۵۷۳  
۲۵۷۴  
۲۵۷۵  
۲۵۷۶  
۲۵۷۷  
۲۵۷۸  
۲۵۷۹  
۲۵۸۰  
۲۵۸۱  
۲۵۸۲  
۲۵۸۳  
۲۵۸۴  
۲۵۸۵  
۲۵۸۶  
۲۵۸۷  
۲۵۸۸  
۲۵۸۹  
۲۵۹۰  
۲۵۹۱  
۲۵۹۲  
۲۵۹۳  
۲۵۹۴  
۲۵۹۵  
۲۵۹۶  
۲۵۹۷  
۲۵۹۸  
۲۵۹۹  
۲۶۰۰  
۲۶۰۱  
۲۶۰۲  
۲۶۰۳  
۲۶۰۴  
۲۶۰۵  
۲۶۰۶  
۲۶۰۷  
۲۶۰۸  
۲۶۰۹  
۲۶۱۰  
۲۶۱۱  
۲۶۱۲  
۲۶۱۳  
۲۶۱۴  
۲۶۱۵  
۲۶۱۶  
۲۶۱۷  
۲۶۱۸  
۲۶۱۹  
۲۶۲۰  
۲۶۲۱  
۲۶۲۲  
۲۶۲۳  
۲۶۲۴  
۲۶۲۵  
۲۶۲۶  
۲۶۲۷  
۲۶۲۸  
۲۶۲۹  
۲۶۳۰  
۲۶۳۱  
۲۶۳۲  
۲۶۳۳  
۲۶۳۴  
۲۶۳۵  
۲۶۳۶  
۲۶۳۷  
۲۶۳۸  
۲۶۳۹  
۲۶۴۰  
۲۶۴۱  
۲۶۴۲  
۲۶۴۳  
۲۶۴۴  
۲۶۴۵  
۲۶۴۶  
۲۶۴۷  
۲۶۴۸  
۲۶۴۹  
۲۶۵۰  
۲۶۵۱  
۲۶۵۲  
۲۶۵۳  
۲۶۵۴  
۲۶۵۵  
۲۶۵۶  
۲۶۵۷  
۲۶۵۸  
۲۶۵۹  
۲۶۶۰  
۲۶۶۱  
۲۶۶۲  
۲۶۶۳  
۲۶۶۴  
۲۶۶۵  
۲۶۶۶  
۲۶۶۷  
۲۶۶۸  
۲۶۶۹  
۲۶۷۰  
۲۶۷۱  
۲۶۷۲  
۲۶۷۳  
۲۶۷۴  
۲۶۷۵  
۲۶۷۶  
۲۶۷۷  
۲۶۷۸  
۲۶۷۹  
۲۶۸۰  
۲۶۸۱  
۲۶۸۲  
۲۶۸۳  
۲۶۸۴  
۲۶۸۵  
۲۶۸۶  
۲۶۸۷  
۲۶۸۸  
۲۶۸۹  
۲۶۹۰  
۲۶۹۱  
۲۶۹۲  
۲۶۹۳  
۲۶۹۴  
۲۶۹۵  
۲۶۹۶  
۲۶۹۷  
۲۶۹۸  
۲۶۹۹  
۲۷۰۰  
۲۷۰۱  
۲۷۰۲  
۲۷۰۳  
۲۷۰۴  
۲۷۰۵  
۲۷۰۶  
۲۷۰۷  
۲۷۰۸  
۲۷۰۹  
۲۷۱۰  
۲۷۱۱  
۲۷۱۲  
۲۷۱۳  
۲۷۱۴  
۲۷۱۵  
۲۷۱۶  
۲۷۱۷  
۲۷۱۸  
۲۷۱۹  
۲۷۲۰  
۲۷۲۱  
۲۷۲۲  
۲۷۲۳  
۲۷۲۴  
۲۷۲۵  
۲۷۲۶  
۲۷۲۷  
۲۷۲۸  
۲۷۲۹  
۲۷۳۰  
۲۷۳۱  
۲۷۳۲  
۲۷۳۳  
۲۷۳۴  
۲۷۳۵  
۲۷۳۶  
۲۷۳۷  
۲۷۳۸  
۲۷۳۹  
۲۷۴۰  
۲۷۴۱  
۲۷۴۲  
۲۷۴۳  
۲۷۴۴  
۲۷۴۵  
۲۷۴۶  
۲۷۴۷  
۲۷۴۸  
۲۷۴۹  
۲۷۵۰  
۲۷۵۱  
۲۷۵۲  
۲۷۵۳  
۲۷۵۴  
۲۷۵۵  
۲۷۵۶  
۲۷۵۷  
۲۷۵۸  
۲۷۵۹  
۲۷۶۰  
۲۷۶۱  
۲۷۶۲  
۲۷۶۳  
۲۷۶۴  
۲۷۶۵  
۲۷۶۶  
۲۷۶۷  
۲۷۶۸  
۲۷۶۹  
۲۷۷۰  
۲۷۷۱  
۲۷۷۲  
۲۷۷۳  
۲۷۷۴  
۲۷۷۵  
۲۷۷۶  
۲۷۷۷  
۲۷۷۸  
۲۷۷۹  
۲۷۸۰  
۲۷۸۱  
۲۷۸۲  
۲۷۸۳  
۲۷۸۴  
۲۷۸۵  
۲۷۸۶  
۲۷۸۷  
۲۷۸۸  
۲۷۸۹  
۲۷۹۰  
۲۷۹۱  
۲۷۹۲  
۲۷۹۳  
۲۷۹۴  
۲۷۹۵  
۲۷۹۶  
۲۷۹۷  
۲۷۹۸  
۲۷۹۹  
۲۸۰۰  
۲۸۰۱  
۲۸۰۲  
۲۸۰۳  
۲۸۰۴  
۲۸۰۵  
۲۸۰۶  
۲۸۰۷  
۲۸۰۸  
۲۸۰۹  
۲۸۱۰  
۲۸۱۱  
۲۸۱۲  
۲۸۱۳  
۲۸۱۴  
۲۸۱۵  
۲۸۱۶  
۲۸۱۷  
۲۸۱۸  
۲۸۱۹  
۲۸۲۰  
۲۸۲۱  
۲۸۲۲  
۲۸۲۳  
۲۸۲۴  
۲۸۲۵  
۲۸۲۶  
۲۸۲۷  
۲۸۲۸  
۲۸۲۹  
۲۸۳۰  
۲۸۳۱  
۲۸۳۲  
۲۸۳۳  
۲۸۳۴  
۲۸۳۵  
۲۸۳۶  
۲۸۳۷  
۲۸۳۸  
۲۸۳۹  
۲۸۴۰  
۲۸۴۱  
۲۸۴۲  
۲۸۴۳  
۲۸۴۴  
۲۸۴۵  
۲۸۴۶  
۲۸۴۷  
۲۸۴۸  
۲۸۴۹  
۲۸۵۰  
۲۸۵۱  
۲۸۵۲  
۲۸۵۳  
۲۸۵۴  
۲۸۵۵  
۲۸۵۶  
۲۸۵۷  
۲۸۵۸  
۲۸۵۹  
۲۸۶۰  
۲۸۶۱  
۲۸۶۲  
۲۸۶۳  
۲۸۶۴  
۲۸۶۵  
۲۸۶۶  
۲۸۶۷  
۲۸۶۸  
۲۸۶۹  
۲۸۷۰  
۲۸۷۱  
۲۸۷۲  
۲۸۷۳  
۲۸۷۴  
۲۸۷۵  
۲۸۷۶  
۲۸۷۷  
۲۸۷۸  
۲۸۷۹  
۲۸۸۰  
۲۸۸۱  
۲۸۸۲  
۲۸۸۳  
۲۸۸۴  
۲۸۸۵  
۲۸۸۶  
۲۸۸۷  
۲۸۸۸  
۲۸۸۹  
۲۸۹۰  
۲۸۹۱  
۲۸۹۲  
۲۸۹۳  
۲۸۹۴  
۲۸۹۵  
۲۸۹۶  
۲۸۹۷  
۲۸۹۸  
۲۸۹۹  
۲۹۰۰  
۲۹۰۱  
۲۹۰۲  
۲۹۰۳  
۲۹۰۴  
۲۹۰۵  
۲۹۰۶  
۲۹۰۷  
۲۹۰۸  
۲۹۰۹  
۲۹۱۰  
۲۹۱۱  
۲۹۱۲  
۲۹۱۳  
۲۹۱۴  
۲۹۱۵  
۲۹۱۶  
۲۹۱۷  
۲۹۱۸  
۲۹۱۹  
۲۹۲۰  
۲۹۲۱  
۲۹۲۲  
۲۹۲۳  
۲۹۲۴  
۲۹۲۵  
۲۹۲۶  
۲۹۲۷  
۲۹۲۸  
۲۹۲۹  
۲۹۳۰  
۲۹۳۱  
۲۹۳۲  
۲۹۳۳  
۲۹۳۴  
۲۹۳۵  
۲۹۳۶  
۲۹۳۷  
۲۹۳۸  
۲۹۳۹  
۲۹۴۰  
۲۹۴۱  
۲۹۴۲  
۲۹۴۳  
۲۹۴۴  
۲۹۴۵  
۲۹۴۶  
۲۹۴۷  
۲۹۴۸  
۲۹۴۹  
۲۹۵۰  
۲۹۵۱  
۲۹۵۲  
۲۹۵۳  
۲۹۵۴  
۲۹۵۵  
۲۹۵۶  
۲۹۵۷  
۲۹۵۸  
۲۹۵۹  
۲۹۶۰  
۲۹۶۱  
۲۹۶۲  
۲۹۶۳  
۲۹۶۴  
۲۹۶۵  
۲۹۶۶  
۲۹۶۷  
۲۹۶۸  
۲۹۶۹  
۲۹۷۰  
۲۹۷۱  
۲۹۷۲  
۲۹۷۳  
۲۹۷۴  
۲۹۷۵  
۲۹۷۶  
۲۹۷۷  
۲۹۷۸  
۲۹۷۹  
۲۹۸۰  
۲۹۸۱  
۲۹۸۲  
۲۹۸۳  
۲۹۸۴  
۲۹۸۵  
۲۹۸۶  
۲۹۸۷  
۲۹۸۸  
۲۹۸۹  
۲۹۹۰  
۲۹۹۱  
۲۹۹۲  
۲۹۹۳  
۲۹۹۴  
۲۹۹۵  
۲۹۹۶  
۲۹۹۷  
۲۹۹۸  
۲۹۹۹  
۳۰۰۰  
۳۰۰۱  
۳۰۰۲  
۳۰۰۳  
۳۰۰۴  
۳۰۰۵  
۳۰۰۶  
۳۰۰۷  
۳۰۰۸  
۳۰۰۹  
۳۰۱۰  
۳۰۱۱  
۳۰۱۲  
۳۰۱۳  
۳۰۱۴  
۳۰۱۵  
۳۰۱۶  
۳۰۱۷  
۳۰۱۸  
۳۰۱۹  
۳۰۲۰  
۳۰۲۱  
۳۰۲۲  
۳۰۲۳  
۳۰۲۴  
۳۰۲۵  
۳۰۲۶  
۳۰۲۷  
۳۰۲۸  
۳۰۲۹  
۳۰۳۰  
۳۰۳۱  
۳۰۳۲  
۳۰۳۳  
۳۰۳۴  
۳۰۳۵  
۳۰۳۶  
۳۰۳۷  
۳۰۳۸  
۳۰۳۹  
۳۰۴۰  
۳۰۴۱  
۳۰۴۲  
۳۰۴۳  
۳۰۴۴  
۳۰۴۵  
۳۰۴۶  
۳۰۴۷  
۳۰۴۸  
۳۰۴۹  
۳۰۵۰  
۳۰۵۱  
۳۰۵۲  
۳۰۵۳  
۳۰۵۴  
۳۰۵۵  
۳۰۵۶  
۳۰۵۷  
۳۰۵۸  
۳۰۵۹  
۳۰۶۰  
۳۰۶۱  
۳۰۶۲  
۳۰۶۳  
۳۰۶۴  
۳۰۶۵  
۳۰۶۶  
۳۰۶۷  
۳۰۶۸  
۳۰۶۹  
۳۰۷۰  
۳۰۷۱  
۳۰۷۲  
۳۰۷۳  
۳۰۷۴  
۳۰۷۵  
۳۰۷۶  
۳۰۷۷  
۳۰۷۸  
۳۰۷۹  
۳۰۸۰  
۳۰۸۱  
۳۰۸۲  
۳۰۸۳  
۳۰۸۴  
۳۰۸۵  
۳۰۸۶  
۳۰۸۷  
۳۰۸۸  
۳۰۸۹  
۳۰۹۰  
۳۰۹۱  
۳۰۹۲  
۳۰۹۳  
۳۰۹۴  
۳۰۹۵  
۳۰۹۶  
۳۰۹۷  
۳۰۹۸  
۳۰۹۹  
۳۱۰۰  
۳۱۰۱  
۳۱۰۲  
۳۱۰۳  
۳۱۰۴  
۳۱۰۵  
۳۱۰۶  
۳۱۰۷  
۳۱۰۸  
۳۱۰۹  
۳۱۱۰  
۳۱۱۱  
۳۱۱۲  
۳۱۱۳  
۳۱۱۴  
۳۱۱۵  
۳۱۱۶  
۳۱۱۷  
۳۱۱۸  
۳۱۱۹  
۳۱۲۰  
۳۱۲۱  
۳۱۲۲  
۳۱۲۳  
۳۱۲۴  
۳۱۲۵  
۳۱۲۶  
۳۱۲۷  
۳۱۲۸  
۳۱۲۹  
۳۱۳۰  
۳۱۳۱  
۳۱۳۲  
۳۱۳۳  
۳۱۳۴  
۳۱۳۵  
۳۱۳۶  
۳۱۳۷  
۳۱۳۸  
۳۱۳۹  
۳۱۴۰  
۳۱۴۱  
۳۱۴۲  
۳۱۴۳  
۳۱۴۴  
۳۱۴۵  
۳۱۴۶  
۳۱۴۷  
۳۱۴۸  
۳۱۴۹  
۳۱۵۰  
۳۱۵۱  
۳۱۵۲  
۳۱۵۳  
۳۱۵۴  
۳۱۵۵  
۳۱۵۶  
۳۱۵۷  
۳۱۵۸  
۳۱۵۹  
۳۱۶۰  
۳۱۶۱  
۳۱۶۲  
۳۱۶۳  
۳۱۶۴  
۳۱۶۵  
۳۱۶۶  
۳۱۶۷  
۳۱۶۸  
۳۱۶۹  
۳۱۷۰  
۳۱۷۱  
۳۱۷۲  
۳۱۷۳  
۳۱۷۴  
۳۱۷۵  
۳۱۷۶  
۳۱۷۷  
۳۱۷۸  
۳۱۷۹  
۳۱۸۰  
۳۱۸۱  
۳۱۸۲  
۳۱۸۳  
۳۱۸۴  
۳۱۸۵  
۳۱۸۶  
۳۱۸۷  
۳۱۸۸  
۳۱۸۹  
۳۱۹۰  
۳۱۹۱  
۳۱۹۲  
۳۱۹۳  
۳۱۹۴  
۳۱۹۵  
۳۱۹۶  
۳۱۹۷  
۳۱۹۸  
۳۱۹۹  
۳۲۰۰  
۳۲۰۱  
۳۲۰۲  
۳۲۰۳  
۳۲۰۴  
۳۲۰۵  
۳۲۰۶  
۳۲۰۷  
۳۲۰۸  
۳۲۰۹  
۳۲۱۰  
۳۲۱۱  
۳۲۱۲  
۳۲۱۳  
۳۲۱۴  
۳۲۱۵  
۳۲۱۶  
۳۲۱۷  
۳۲۱۸  
۳۲۱۹  
۳۲۲۰  
۳۲۲۱  
۳۲۲۲  
۳۲۲۳  
۳۲۲۴  
۳۲۲۵  
۳۲۲۶  
۳۲۲۷  
۳۲۲۸  
۳۲۲۹  
۳۲۳۰  
۳۲۳۱  
۳۲۳۲  
۳۲۳۳  
۳۲۳۴  
۳۲۳۵  
۳۲۳۶  
۳۲۳۷  
۳۲۳۸  
۳۲۳۹  
۳۲۴۰  
۳۲۴۱  
۳۲۴۲  
۳۲۴۳  
۳۲۴۴  
۳۲۴۵  
۳۲۴۶  
۳۲۴۷  
۳۲۴۸  
۳۲۴۹  
۳۲۵۰  
۳۲۵۱  
۳۲۵۲  
۳۲۵۳  
۳۲۵۴  
۳۲۵۵  
۳۲۵۶  
۳۲۵۷  
۳۲۵۸  
۳۲۵۹  
۳۲۶۰  
۳۲۶۱  
۳۲۶۲  
۳۲۶۳  
۳۲۶۴  
۳۲۶۵  
۳۲۶۶  
۳۲۶۷  
۳۲۶۸  
۳۲۶۹  
۳۲۷۰  
۳۲۷۱  
۳۲۷۲  
۳۲۷۳  
۳۲۷۴  
۳۲۷۵  
۳۲۷۶  
۳۲۷۷  
۳۲۷۸  
۳۲۷۹  
۳۲۸۰  
۳۲۸۱  
۳۲۸۲  
۳۲۸۳  
۳۲۸۴  
۳۲۸۵  
۳۲۸۶  
۳۲۸۷  
۳۲۸۸  
۳۲۸۹  
۳۲۹۰  
۳۲۹۱  
۳۲۹۲  
۳۲۹۳  
۳۲۹۴  
۳۲۹۵  
۳۲۹۶  
۳۲۹۷  
۳۲۹۸  
۳۲۹۹  
۳۳۰۰  
۳۳۰۱  
۳۳۰۲  
۳۳۰۳  
۳۳۰۴  
۳۳۰۵  
۳۳۰۶  
۳۳۰۷  
۳۳۰۸  
۳۳۰۹  
۳۳۱۰  
۳۳۱۱  
۳۳۱۲  
۳۳۱۳  
۳۳۱۴  
۳۳۱۵  
۳۳۱۶  
۳۳۱۷  
۳۳۱۸  
۳۳۱۹  
۳۳۲۰  
۳۳۲۱  
۳۳۲۲  
۳۳۲۳  
۳۳۲۴  
۳۳۲۵  
۳۳۲۶  
۳۳۲۷  
۳۳۲۸  
۳۳۲۹  
۳۳۳۰  
۳۳۳۱  
۳۳۳۲  
۳۳۳۳  
۳۳۳۴  
۳۳۳۵  
۳۳۳۶  
۳۳۳۷  
۳۳۳۸  
۳۳۳۹  
۳۳۴۰  
۳۳۴۱  
۳۳۴۲  
۳۳۴۳  
۳۳۴۴  
۳۳۴۵  
۳۳۴۶  
۳۳۴۷  
۳۳۴۸  
۳۳۴۹  
۳۳۵۰  
۳۳۵۱  
۳۳۵۲  
۳۳۵۳  
۳۳۵۴  
۳۳۵۵  
۳۳۵۶  
۳۳۵۷  
۳۳۵۸  
۳۳۵۹  
۳۳۶۰  
۳۳۶۱  
۳۳۶۲  
۳۳۶۳  
۳۳۶۴  
۳۳۶۵  
۳۳۶۶  
۳۳۶۷  
۳۳۶۸  
۳۳۶۹  
۳۳۷۰  
۳۳۷۱  
۳۳۷۲  
۳۳۷۳  
۳۳۷۴  
۳۳۷۵  
۳۳۷۶  
۳۳۷۷  
۳۳۷۸  
۳۳۷۹  
۳۳۸۰  
۳۳۸۱  
۳۳۸۲  
۳۳۸۳  
۳۳۸۴  
۳۳۸۵  
۳۳۸۶  
۳۳۸۷  
۳۳۸۸  
۳۳۸۹  
۳۳۹۰  
۳۳۹۱  
۳۳۹۲  
۳۳۹۳  
۳۳۹۴  
۳۳۹۵  
۳۳۹۶  
۳۳۹۷  
۳۳۹۸  
۳۳۹۹  
۳۴۰۰  
۳۴۰۱  
۳۴۰۲  
۳۴۰۳  
۳۴۰۴  
۳۴۰۵  
۳۴۰۶  
۳۴۰۷  
۳۴۰۸  
۳۴۰۹  
۳۴۱۰  
۳۴۱۱  
۳۴۱۲  
۳۴۱۳  
۳۴۱۴  
۳۴۱۵  
۳۴۱۶  
۳۴۱۷  
۳۴۱۸  
۳۴۱۹  
۳۴۲۰  
۳۴۲۱  
۳۴۲۲  
۳۴۲۳  
۳۴۲۴  
۳۴۲۵  
۳۴۲۶  
۳۴۲۷  
۳۴۲۸  
۳۴۲۹  
۳۴۳۰  
۳۴۳۱  
۳۴۳۲  
۳۴۳۳  
۳۴۳۴  
۳۴۳۵  
۳۴۳۶  
۳۴۳۷  
۳۴۳۸  
۳۴۳۹  
۳۴۴۰  
۳۴۴۱  
۳۴۴۲  
۳۴۴۳  
۳۴۴۴  
۳۴۴۵  
۳۴۴۶  
۳۴۴۷  
۳۴۴۸  
۳۴۴۹  
۳۴۵۰  
۳۴۵۱  
۳۴۵۲  
۳۴۵۳  
۳۴۵۴  
۳۴۵۵  
۳۴۵۶  
۳۴۵۷  
۳۴۵۸  
۳۴۵۹  
۳۴۶۰  
۳۴۶۱  
۳۴۶۲  
۳۴۶۳  
۳۴۶۴  
۳۴۶۵  
۳۴۶۶  
۳۴۶۷  
۳۴۶۸  
۳۴۶۹  
۳۴۷۰  
۳۴۷۱  
۳۴۷۲  
۳۴۷۳  
۳۴۷۴  
۳۴۷۵  
۳۴۷۶  
۳۴۷۷  
۳۴۷۸  
۳۴۷۹  
۳۴۸۰  
۳۴۸۱  
۳۴۸۲  
۳۴۸۳  
۳۴۸۴  
۳۴۸۵  
۳۴۸۶  
۳۴۸۷  
۳۴۸۸  
۳۴۸۹  
۳۴۹۰  
۳۴۹۱  
۳۴۹۲  
۳۴۹۳  
۳۴۹۴  
۳۴۹۵  
۳۴۹۶  
۳۴۹۷  
۳۴۹۸  
۳۴۹۹  
۳۵۰۰  
۳۵۰۱  
۳۵۰۲  
۳۵۰۳  
۳۵۰۴  
۳۵۰۵  
۳۵۰۶  
۳۵۰۷  
۳۵۰۸  
۳۵۰۹  
۳۵۱۰  
۳۵۱۱  
۳۵۱۲  
۳۵۱۳  
۳۵۱۴  
۳۵۱۵  
۳۵۱۶  
۳۵۱۷  
۳۵۱۸  
۳۵۱۹  
۳۵۲۰  
۳۵۲۱  
۳۵۲۲  
۳۵۲۳  
۳۵۲۴  
۳۵۲۵  
۳۵۲۶  
۳۵۲۷  
۳۵۲۸  
۳۵۲۹  
۳۵۳۰  
۳۵۳۱  
۳۵۳۲  
۳۵۳۳  
۳۵۳۴  
۳۵۳۵  
۳۵۳۶  
۳۵۳۷  
۳۵۳۸  
۳۵۳۹  
۳۵۴۰  
۳۵۴۱  
۳۵۴۲  
۳۵۴۳  
۳۵۴۴  
۳۵۴۵  
۳۵۴۶  
۳۵۴۷  
۳۵۴۸  
۳۵۴۹  
۳۵۵۰



و انهارها دافقه اصلها ثابت و فرعها في السماء ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء و محصل كلامي اهل شام  
 من عارض اولاجي امر و مشاهد ايد و جگوز حال غایت عجب در و اول امر که ظهور بر وقتي يعينه  
 بس نجم و علم يانف در و يعنه فاکه سنک کمال نصحي سبيله در لمسي وقت در و ميشار نيک  
 کيسلمس يا قلتمش قريبا و ملته و ميوه لري ضرر و کمال بولوب لطيف اولته و اربا قلري  
 يردن قاي نيوب و ذوق انک اوزره آفقه در و وجوحي و علمک اصلي يعنه اوزر که يرده ثابت ۹۰۳  
 و محکم و دبرا قلري اوج آسمانه پوسنه اولته و برکنه علم و کمال بومرته رونق و کمال بولبات  
 حق بجان و تقاي نک بر فضليله که هرک قيسر اولوب بوسعادي است و کيسر سوکو قولر نه و ر  
 بواوصاف و لغوي ذکر کردن مراد کند و رنگ انتصافه بيان اولوب علم و معرفت کند و کرده کماله  
 اشارت در که بعض وقاي آيتيه يه شرع و بيانده صده طار و صده و علمک تمام حضرت و نصرت زاننده  
 بن حياتي اکين بندين مستغ و متمتع اولوک و بک معانه راجع و ابل اولد و غي نور قمر که مطلع  
 قلب کالمده طالع اولوب ديدع عاقلدن بر لحظه غايب و افل و کلد و زهر سادات اولد قوم باعینه که  
 حضرت رسوله تيشک شرفه نابل اوليجي باري آفر خلفا و راشدين و لام المتقين و لان اول امير المؤمنين  
 و عيسوي الموقدينک عصره تيشوب کلام شريفلرين کوش جان ايله لستماع الميوب قدر عاليدن بلشله  
 و مشکلات امور کين صورت ب انفا جان پرور دن حل فکله در حضرت لام کرم الله و جبر  
 بولکمانده صده کرم بعض اسرار انهارنه شروع ايوب بيورر که و **للعرب** اوان و جیش  
 يسديه ارباب العرفان يعنه دخی عربا کون بروقت و بر عکرو ارد که اول عکبر اهل عرفان  
 اظهار ايد و عند حلول النيرت في برج سرطان شمس و قمر سرطان برج جنة  
 حلول ايد و کند على مقابلة الفرقان فرقة ايه مقابل اولد و غير خالده فرقة انک تفصيله سابقا  
 بياه اولته در بوجله علم اعتبار اولوب رعایت سحر کوه حالت رفع اوزره ابقا بيورلش  
 يوضه حق کلام على مقابلة الفرقين کرم ايدر امثالي کلام بلغاه واقع اولته تفصيله  
 موجب تطويل اولد اگر ملائک على مقابلة الفرقان اولمغه دخی تحمل و ارد بک خاطر يه اولد  
 يزين سبقتدن صده ضمير مفودي ارجاعه ارتکاب تکلف و افتخام تفتنه محتاج  
 اولوب حوله يا خود برجه ارجاعه چندان عالم اوليوب و هم نسخ لرح نقطه ايله مضبوط  
 و منقوطه اولمغه کلام اول وجهه توجه دن اعراض ايدوب مشکلات محرو اوزره اختار  
 اولندي فعلى المطالع الاختيار ثم الاختيار و کاکم بعيسى و قد ضبط بالماناة الشرفية  
 في الوسط

اصل علم شجرت  
 قلب کامل  
 طالع  
 ترتیب حجاب  
 شمس  
 قمر  
 رجب  
 اختار  
 طالع

في الوسط و بيورر که قيام قیامت و انراط ساعت بنم ديم و اعتبار و عين عبرت چشم  
 يقينهم شول دکلو قريبا و تعيد در که اي حقار مجلس کانه سري حضرت عيسى ايه ملاقات ايد  
 صنوبرن شاميه و سطنه واقع اولده مناره شرقيه هبوط و نزول ايد و کماله و بالذال  
 و قد لاج و بالميم و قد صاع و دخی علامت قیامتدن دال ايله ملاقات اوزره قمر کوا ظاهر  
 و آشکار اولد و غیر حاله و نیم ايله دخی کوا ملاقات ايد و کماله و کماله و کماله  
 دجال ميمده مهدي مراد اولق ظن اولد و الله اعلم و بالفياني و قد لفظ و دخی سفيا يه کوا که  
 ملاقي اولور سر لام قط اولد و غیر حاله مراد طوائف مختلفه دارا زل ناسده عکس  
 و شروب اشارت کونيه تابع ايتيد و بالترايه و قد ضبط سراني يه دخی ملاقي اولور سر  
 قبض و بسط و ضبط و ربط ايدوب حکومت است و کماله و لا تقوم الساعة حتى يعود ارض العرب  
 مروجها و انهارها و رياضها و ازهارها و دخی قیامت قوماز جاق ارض زمان اولد اولد و کماله  
 اولد و صولو اوق و اربا قلر و شکوفه زار و باغچ اولينجه و ديل للعرب من شتر قد اقتد و طايه  
 عرب و ديل مقرر در شول شده که ظهوري قريبا اولد و ديل کله و غذا بر شدت و بلواه استعمال اولد  
 مصائب و بليات اصابتدن و اوليد ديدکري بوند در بوفقرتين بليفتين بعينها لفظ حضرت  
 شريفه کتب احاديث تفصيله مسطور اولوب رزم باجوج که ندا سکند و ديمکه مشهور در  
 آخر نده يقلاب خروجه باجوج و لوجه اشارت در ديو ايد و حديث نصريح ايتيارد و بونده مقدم  
 ذکر اولده و لا تقوم الی الله کلامی آفرنه و ارجه حديث شريفه علماء حديث بوحديث شرفه ايكه معنه  
 و بر مشلدر بر نيک مایه ارض عرب معمر اولور ديمکه راجعه و زيار ارض عرب اول غایت معمر  
 اولوب اکثر يري بساطين و سبزه زار ايد بر بعد خراب اولور ديمکه ديمشاليعنه اول مشکو  
 بولور ديمک مقصود در ديمشال و بر نيک مایه خراب اولور ديمکه ديمشاليعنه اول مشکو  
 دکل خراب ايدري کثرت قسطن خلق قريوب و طاعلوب يه اولکي کي حالي صحرال و اربا قلر اولوب  
 ايجنه ساکن آدم آرزق اولور دواب حيوانات اولد و ديمکه راجعه ديمشاليعنه اول مشکو  
 اول ترجيع اولوب رياض و ازهار اولور ديمک خراب اولمق معانه ملایم و مناسب و کلد  
 ذی بعض شروحه نصريح ايتيارد لام عليک کرم الله و بهب انراط ساعت ذکر کشف ايد و کماله  
 اکثر احاديث شرفه مذکور در مطالب اولده صحاح و خباب احاديث و شروحه مراجعت ايدو

دال  
 ۳۵  
 اولور سر  
 در ارض  
 سر  
 ۲۴۶  
 ازهار  
 جگه  
 ورد  
 قلبه  
 دورا



هر برکتی تفصیل موجب تطویل اولفین بود و به اشارت الیه التفات قلند و اما اهل مصر محمد بن  
 آن اوانه و قرب زمانه ای اهل مصر محمد بن یوزک و قتی قریب و زانی یقین اولمده اذ الفتن  
 تابعت و الکنوز تابعت زیراقتن را تابع آید و کنز و دینیه را ظهوره باشد به مقصود  
 آخری نه مال و منالک و افزا اولمده اشارت بر منکم حدیث شریفه وارد اولمده و القودع استخالت  
 و الاموال استقلت و دیگر فروع استحال اولوبه نکاح عتیق و تصرف اولونه حدیث شریفه وارد  
 اولمده شرح بر طایفه ملاحظه ظهور این که نسبتان کبیده اذه زوج الیه استمتاع جایزد و دیوانه  
 ایدوب شرعی شریفی قاله و در دیومعنی ویرش در و مال را استقال اولوب نه دکلو جوغ اولوب  
 از عد اولونه یا خود فرقتنم بی قدر و اعتبار اوله حضرت امامت مراد شریفی بر بوعلا مترا اولد قن  
 اهل مصر که محمد بنک خوج و قتی کلور و دیگر و کله هلاکم بینکم و بلاؤکم فی تدبیرکم  
 لکن ای مصر که هلاکن اولد دیگر سبیل در و بلاکنوز کند و تدبیر کرده کلدر و الیکم نهی  
فتن الارض بائرها دیگر ارضک قن لری جمیعاً من فتنها اولور و علیکم تدور بخیلها و رجلاها  
 و قریب و دهن سرک از رینگ دایم اولوز اتوسیل و یا سبیل و طوغا و کرها کلید  
 و یا و یکم یوم تحنون علی الکتب و غیر سنه نه عجب و بل و عذاب حلول ایسه کر کرده و دیگر کر بوز از رن  
 اولور دکلوز و قتی مراد بوفومک بویتلن اورمغه چو کر دکلر اولوبقیه و تودون لود هبتم  
 مع من ذهب و دیگر ای اهل مصر سر اول نطنع ایدوب ویه سر که تولید برزده قریب کیدار الیه  
 یا خود بونده مقدم وفات ایند الیه سبیل اولوب کدیک و یا ما اعدکم من خب و من عجب و کروب  
 مدحیه و دیگر تعجب ایدرن سرک انحراف و اعداد اولوب با شکونه کلک احوال خز عجب دهن  
 و کروب مدحیه از عاج اضطراب و ککر که عبارتکر مقصود خلق مضطرب و مضطرب اولوب  
 و قایلک ظهور بر اذ اسادت السفلة و ارتفعت البطلة بامورک و قیام ارازل ناسدن  
 اولاه الحقدار اولوقلار مقاضیه کوبعت کر دکی وقت بطل اولوب فضائل و هنر جلیسندن  
 خاله اولنار و رفت بولدیغ و قدر و قوی لظالم و ضعف المظلوم و کان کنی بینکم منقتم  
 و دیگر ظالم قوی مظلوم ضعیف و حق سوزار اکرور سولیمیدیم کتم اولنوز دیگر وقت در  
 و بعد دولة انوارج و نظر دولة الماترات الهوارج لام علی بونده صانع برو قعیه دیگر اشارت  
 ایدوب سوزر کرکه دولت خوارجده صانع اتر که خوارجک دولتی ظهور اید و خوارجده  
 جمیع خالقانه معانیه اولوق مناسب و بکتابه ناظر و طالع اولانلرک بقیر نصیرنده معود

غلو  
خلوت  
۱۰۳۶

وعاء

و غائب اولسون که بوفتک اصحاب ذکر ایند کلیر وقایع آیتیه هر کس مطلع اولسون  
دیو ترتیب اوزره ذکر اتمیوب مقسم و مؤخر ذکر اینست که در حکم صاحب کتاب اشاعیه تبیه  
انته کرده فرضاً ایکن اوجیور سیل هر دوزخ اولحق قصه ی ظهور مهدی و خروج دجاله صند در  
اتمک جایز در و اولور اولما زکمه استخراج ایدوب ترتیب وقایع مطلع اولسون دیو خلط  
ذکر ایدوب اهل اولیاده ستر و اخفاس مراد اتمش لودر اینکدر در بعض وقایع بوفتک  
کر حلیه اهلی اولنلر دافن استخراج کاهن خط ایدوب استخراج صحیح قصه نکست وقوعه صند  
فهم اولنوب منشاء غلط صند ده ظاهرا اولور فعددها بنظر التفاح الی عظم قس و نور دخت  
سین بود قس قسند سول تقاح ظهور ایدوب که عظیم القدر و منور ایدوب یکنای قمر فیدر  
مراد یا مهدی و یا بر صاحب ظهور در که قمری سکنز لوا اولور و غنی تقاح تغییر اولمده فتره  
الارض و تمیل و تفجر انهارها و تسیل سین اول کسنگ ظهور لیه ارض پر نور و سروق و پر شکوفه  
اولوب یند بر کتة تمیل ایدوب ارا قلمی جاری اولوب اقا عالم او خلق اولور فبینما القوم بلیدم  
لا هین و عما اعد لهم و اهلین سین خلق بواشاه الین شهر لر بر عاتر اتمک مشغول الین و در آغوش  
انرا کوه اعداد اولنوب ظهور ایدوب حلت اموزها لیدون غافل الین انت التبع الشداد  
و قتل الالباء و الاولاد ناکاه سبع شداد کلوز یعنی بی سیل بر مرتبه فقط و غلا اولور که عالم قس  
نفسیه مقامنه و ارباب اولاد اولور و ظهرت العلامات المذكورة و الايات المشهورة و غیر  
علامات مذکور و امارات مشهور ظهور ایدوب و حصلت فی القدر و و صد که خطور ایدوب  
خیر و شر تحصیل و تمیز اولور الا الی الله نصیر الامور جمیع امور الله تعالی به راجع اولور و کلید  
و الصلوة علی الدرع الفاجر و دغیر صلوة دغیر و فاخره اوزره اولسوه و دغیر و فاخره ده یتیمه  
تمیمه ینوت و فریم عظیمه عقد رسالت حضرت محمد المصطفی مراد در و علی اله و احباب  
سادات الدنیا و الآخرة و دغیر صلوة اول خضر کمال اوصی بنه اولسونه دنیا و آخرت اولور ایدوب  
حفت لام علیه نقل اولناه کلمایه به مجله تمام ایدوب مصنف بر نوع کلمات شروع اتمش  
بسم الله الرحمن الرحیم م قال الله تعالی مرج البحرین لیتقیا  
بینهما برزخ لا یبعیان • بحرج منهما اللؤلؤ والمرجان • فاطمه  
مصنف ایدوب سین فرد کوازی به • و زوج بحر ایدوب • برزخ ستر محمد سیر • اشار  
بحر ازله لؤلؤ و بحر ایدوب مرجان • حق فانی الایر بها کندهان آیت کریمه اقتباس طریقه ذکر اولمده

قالت  
٩٣٠

بغداد







ظاهر معانی سور مجهول که مبادی سحر و جادو است اما مقصود کلام و محصل مراد اهل کشف و الهام  
اولوب اصحاب فن اوله انا نه ظاهر در فالمنهاج لاهل الطريقة والمواج لاهل الحقیقة  
ذکر فضل الله یوتیه من یشاء ولا یحیطون بشی من علم الا بما شاء پس منهاج اهل طریقت  
وسراج اصحاب حقیقت در بریدن اعلی ایامه مقامه منهاج و معراج الیه اشارت ایدوب  
طریقت اصحابه منهاج و حقیقت اربانه معراج یقین ایتمده مقصود بوعلم شریفه اثرات  
ساکین شراف تکلمین مقدار مجاهد و علو طبعیه لرحمة محفوظ اولور که اصحاب حقیقت که طریقت  
اوتنه بر مقام اولوب منزل عوفا که منهاج سید و علم و فک اسرار کما یبغی اطلاع الیه سیر در  
دیگر افاده ایتمده و بومعانی تا کیده و تنویر بواکی آیت کریمه الیه اقتباس ایتمده در فی حقیقة  
بوت فضل الهی در حق تعالی عباد عبادنده است و کنه اعطا ایدوب و الحق بوعلم من لذت  
حکیم خبیر و فیض و فتح اولور و فی محقق و بر جنس علمه مشیة الله اولینجه بر شیء احاطه اولینجه  
ولا یحیطون بشی من علم الا بما شاء آیت کریمه سی تلاوت اولور لایق و رواد و فالواصل  
هو الذی ظفر بالحکمة الذی رمزها هو اصل الدهور والاسرار الیه کثرتها قیامه القصود  
پس بوعلم حروف طالب اولوب اسرار نه و اصل اوله شول که در که حکما و دهور و فرات کبر  
حکمة و قیامه قصود اهلنه رغبت اتمکله کثیر ایدوب اسرار طفر بولر مصنف کتاب بر محل  
و الصلوة علی الزمردة الکفر و الیاقوتة الکمر و دیو حوت رسالت بنا به صلوة و سلام و بر جو که کده  
و تبعه دیوب ایدوب پس بر اقسام بر بریه الیه قلوب عربیه اصحابه الواع قابلیت لدنیه  
بعض صور تریازب لانه اصل صور انکه هر بر بر اعتنا و اعتبار لایق و فهمه بزل مقدر  
و افراغ مجبور اولینجه مستح و اول صور زوده هر بر بر رموز و اشارات و لغوز و علامه  
و اسرار و امارات و انا دور و ایست و آرد در انکله و ارد و صادر اولوب بوفند  
غیردن مستغنی اولور پس نه کوکچک اول صور لمره مطلع و واقف اولانه و نه عجب حیرت  
متوجه اولور و توفیق معین و ناصر اولوب در کندن قاصر اولوب در کندن قاصر و جایز  
اولانره بیت عندی رموز کنوز لیس بر رکها من امة العشق الامن علی قرا  
معیا بنم یانغ کنز لکت رفرلر موجود در الیه رموز که آنست عشق الهی  
کنه ادراک اتمز الاینده اوقیوب استفاد ایدوب ادراک ایدوب بوزنه کندن مصنف  
کتاب بوجروف و اسمایه بواسطه لوب اوزره یاز

الیک

# بسم الله الرحمن الرحيم

## المصکح عطس حق قرآن مجیب خالق

و من یسمع الاخبار من غیر واسطه حرام علیه سمعها بوسایطه معنای بیت شول که اخبار  
غیبیه و واسطه من استماع الیه اکاه اولک اخبارک و سایط الیه استمع حرام یعنی  
لوج قلبه صوت و حرف و لسان واسطه سنز اخبار غیبیه و اسرار خفیه به حکم اولوب  
غیریده اخبار سنز اخباره مطلع اولیان کمنه حرام که اول اخباری اصوات و حروف و معلوم  
و سایطه استماع الیه یا خود بود سایط الیه غیب تعلیم الیه ایراد بیدن مقصود بوقارد  
ذکر آیه و کبر اسرار مکتوبه و حروف مرسومه نک وجه کتمی تا یسید و تنویر در مصنف ایدوب  
حکما کلامه دینلکه که سماع الفاظ مشاهیر الحاظ که دکلر و لسانه عیاده لسانه انطقه  
مشاهیر احوال سامع اقوال دن اعدله فی حقیقة مصنف ذکر آیه و کبر که مشاهیر الیه  
سماعت و رؤیت الیه روایتک و بیاة الیه عیانک ارایه بونن بعید اولوب مابیند اولا  
تفاوت فاحش بین السماء و الارض در بوخوی ده اکابر اعجام و فی شیند که بود مانند دیر  
بیور مشرور **الف لام میم** عرب اول کتاب شرعی کجمن در که مجموع عددیک  
ایکوز **شمس** ایکی اولوب لفظ عرب **ب** مقدار یک در بعضی علماء اهل بیت  
بیور مشرور **الف** اسم الله و لام جبرائیل و میم اسم محمد در **س** اسم روم  
عجم سندهند لولا اجود ما ظهر اجود و لولا الاثار ما ظهرت مابیت الاسماء  
یعنی جود اولسه و جود ظاهر اولما زید و اثار اولسه اسرار اشکاح اولما زید و اثار و صول  
خیر و صول نفع بر کمنه نفی نفعه تقدیم اتمکله دیرلر و حضرت ابی بکر رضی الله عنه بیور مشرور  
بر کتاب حق تعالی به مخصوص بر سر و ارد در و قراة عظیم الله تعالی نک سرتی اوایل سور  
و دین سن بلکه قراة عظیم اوایل سور واقع اولاه حروفک اسرار فی عقل لیم و دین قریم  
و طبع مستقیم صاحب اوله انکار ایترو حال بوکه علما شریعت شریفه دغیر بکت معانی معوضه  
متعلق تکلم ایدوب بحث ایتمده الیه اولینجه بوکا منکر اولان العباد ذاب الله طریق حق  
و منهاج رشدن به اشتباه مصروف و کراه در و حضرت علی کرم الله وجهه ایدوب  
و کتاب اچنه بر صفوه و بر متحجب و ارد و بو قرآن عظیمک صفوه و متحجب حروف مجید







نسب و قمر اکبر بارقله

کوفه  
میقات موسی و م  
۳۴

1000 444 333 222 111

$\frac{000}{32}$  ' 2 2 2 1 4 7 4  $\frac{7}{2}$  0 4 1 4 4 7 4 4

999    AAA    VVV    777

0. 004 VV 24 VZ 2/3 0 2 4 VV 2 1

۳۳۳۳      ۲۲۲۲      ۱۱۱۱

er q w l w v y m y a a s a s s v

7777 0000 zzzz

[illegible]

9 9999 1111 7777

[illegible]

1333. 1222. 1111.

$\frac{y^2}{2} + vvv + f + q + r + q + v + r = \frac{1}{2} \lambda + y + q + y + \lambda + q + \lambda$

1747. 1000. 1555.

[illegible]

1999. 1AAA. 1VVV.

15 20 25 30 35 40 45 50 55 60 65 70 75 80 85 90 95 100

155

[illegible]

۲۰ - - - ۳  
۳۰ - - - ۴

1 4 1 3 1 3 3 3 9 9 3 9

{ . . . }

10000 9 3 9 1 3 1 7 7 7 3

0-0-0-0-0

^ ^ ^ ^ ^ ^ y y y y y y y y y y

4 . . . 4

9 9 9 9 9 9 9 9 9 9 9 9 9 9 9 9 9 9

Y . . . .  
A . . . .



9. . . .  
1. . . .

$\frac{1070}{1070}$

1940

غسل و ادب

تذکرہ المذکورہ

20

1890

فألبسها طائف الهندية  
من آخر أطرافها طواف بدر  
نفثا على يديها

استعمال اول نماز مثلاً بضع و عشرين و دینزدیشلدن لیکن بقول ضعیف آید و کنه  
حدیث شریف عقده سبعین ده صکاته استعمالی دلیل قویده و بضع معدود و مثلاً  
تا ستر و معدود مذکور تا ابد استعمال اولی و ثانی عکس تا نیت جمیع اشیاء اولان  
اسماء اعداد معروفه ملحقه مثلاً بضعه عشر رطل و بضع عشره امرأة دینوز  
مصنف آید بوقوف روحانیه و کلمات قرآنیه عالم کون و فادی محیطه در  
و بوندن هر حرف ایات الله دن بر آیت و صفات دن بر صفت در نزل گفته که  
بنکت اسرارینه واقف اولان تحقیق اسرار نبوته واقف اولور و بحمد الله  
و الصلوة علی سید البریه عبد محمد وآله و صحبه و سلم  
بسم الله الرحمن الرحیم لا یفتح اقبال الغیوب

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الآمن سلم من العيوب غيب قبولك كلبدري اجلن الا عيلوذه سالم اولانه  
 جلور بسم الله الرحمن هذا آواه مهدى الزمان يوم محمدى ناكث او آينه  
 مشار اليه اولانه بحسب الظاهر بسم الله و شرفه در عددى مقصود اولنج عدد حرفت تمامه  
 كه ديونوز سکن التدرجه مهدىك فوجى و قید در ديك فهم اولوز مراد هجرت  
 بوعده و اصل اوله قده صده مهدىك فوجىك يقين اولمين بياندر بوفيق بر معنى  
 و فخر خطور ايدىك عدد بسم الله ده حروف مكتوبه و ستمبا نك عددى مقصود اولنج عدد  
 هر حرفت تهجى اوله و غي حالى اسمائك عددى مقصود اوله بوقارده الهم عدد  
 بياذ ابتدا كاري اسلوب اولزه عدد اولنه بوقد يرجه حساب الميم براعتار اليه بكناد حيو  
 طقانه ايك و براعتار اليه بكت درت يوز اوج اولدى هجرت نبوتك بوعده و صولنده صده  
 مهدىك فوجى ناكث اوله عقله بعيد كدره و العالم عنده الله محمد ستر اسم الله الاظم  
 محمد اسم الله اعظمك سرير ۸۲ م د ج ۸ ال العدد واحد و التيف واحد  
 عدد واحد و سيف واحد و الميع قساح و القم قد لاج ميع تحقيق سياحتا ايدىك  
 قور و قمل لاج و ظاهر اولدى و المسك قد فاح و الفلاح قد باح مسك فايح اولوب  
 رايح سيم عالمه منشر اولدى و صلاح و فلاح ديف شايح و اشكار اولدى و الخطا  
 قد صاح و الكرماني قد ناه و خطا كقبح صواته و كرماني تحقيق نوحه قلدر فخطا و كرماني  
 درو كه حديث شريفه اشارت اولناه و قايود تفصيلي كته مراجعته معلوم اولور

$$\frac{11}{1}$$

1491

150

3: 1-43



المجلس  
ج ۳  
ج ۳  
ج ۳

بسم الله الرحمن الرحيم **س م ال ه و ح ن ي** ا ب ليس بقدر حروف  
اسم و محمد يقر عند حروف اسم الله الاعظم شيطانة حروف اسم الله دن فرار ايد  
و محمد اسم اعظم اولان الله اسمك حروف في قند فرار ايد **س م ال ه و ح ن ي** ج ج ال  
مصنف بور موزي يازوب عقبنه پس سن رمزي فهم اليه كنز فايتر اول فخر بوعدر  
دو كنس يراغت احضار ايت و فرد و صد دن مد و طلب اليه دير بوزده صند ايد بکل که  
جميع اسرار الله كتب سماويه در و كتب سماويه نك جميعه اولاه قرآه عظيمه در  
و قرآن عظيم اولانك عليه فائحه در و فائحه الكتاب اولان بسم دره مندر جدر  
و بسم الله ده اولانك جميعه بسم اللهك باسك تختند اولاه نقطه فتن و مخروبه  
و كنوز لاهم علي ايد بر بن اول نقطه بسم اللهك باسك تختند در و عبد الله بن عباس  
حضري رضي الله عنهما ايد كه هر شي و اچره بر اساس واردر و كتب منزله نك اساسي  
قرآند و قرآنك اساسي فائحه و فائحه نك اساسي بسم الله الرحمن الرحيم در **يا محمد**  
قدم التيف و بشر التيف اي محمد اسلمو صاحب شوكت سيفي جمله ده تقديم اليه  
و سكا سيف اليه بشارت اولسون يعني مقصودك جنگه اليه اله كبر و بشارت اولور  
صلح اليه اولانك اولانك قدا و وقتك قدحان نك زمانك بقلندر و وقتك قيت  
اولدر **يا محمد** البشر بصال اهل اجمال سوف يخرج في يوم متواكي سعدك العبد  
و جهدك احمده اي محمد اسلمو من اهل جمال اولان محبوبه لرو صا ليله بشارت اول بعدن  
ميم منزلكه نك سعيدك و جهد عديك ظاهرا و لوب حقه كركر اذ الله عدد  
**بسم الله** ولد القايم بامر الله فين عدد بسم الله دو كنوز هجج بنو بوعدر  
زيال اولد و فين وقت قايم بامر الله طوغر **يا محمد** انت منصور باذه الملك الغفور  
اي محمد اسلمو صاحب همت و صاحب همت سن باذ الله الملك الغفور مظفر منصور  
بذكر اولناه بر قاج فقرات مصنف محمد اسلمو بر صاحب سلطنت و ذو شوكتك  
احواله اشارت ايد و ارا القدر بر قضيه في دفين كه قايم بامر الله طوغر  
رمز ايد و ستر و اخفا اكون مقدم و مؤخر قانوه اهل فرخ اوزده بفرخ خبر  
و بر در ارباب فراست و لقا بكياسكته مخفي و مستور اوليه كه بوقعا محمد در  
مقصود محمد هدير اولاق لازم دكلر بلکه ملوك اسلايه خصوصاً طاهر عثمانيه خند  
مطلق

بسم الله الرحمن الرحيم  
و بسم الله الرحمن الرحيم  
و بسم الله الرحمن الرحيم

۲۶۲  
۶۳۱  
۹۱۳  
۱۰۳۳

۲۶۰  
۱۹۰  
۵۹  
۱۵۱

۶۶۰  
۲۶۲  
۱۱۲۶

مطلق بر محمد اسلمو صاحب سادت و سعد طالع و فرخند اختر مراد اولن مكن و خازر  
ربر بونك امماي حداث واقعه ي ترتيب اوزده يازمير ستر و كنم اچنر بقديم و لم خير  
ايدوب خلط ايدر بر بونقير محمد مراد حلالا خليفه و عشر و زله اولد بلكه  
**سلطان محمد خان غازي بن سلطان مراد خان ابن سلطان**  
ادام الله ايام حوله و ملائمتا مع العالم يصلصلة سلطنة حقير اولمقام  
احتمالدر بولكايي ستول مستوعم اولاه نقل صيحه تا بيد ايدر كه سعاده اكر سفره توفه  
بور و قلندر امهات جعفر دن بعض ثقاة محمد و مصر و قاهره قاهر اولاه علمي اعلامت برينه  
اعلم ايدوب بولكايي مستطابك عينيله بولكايي كوتوب و عاقلوالت هنر ناله  
منصوره خوف اتمكوز ديوتشير ايتش بر مقدار غلبه و كفارده خزه و اضطراب حكيماور  
لح البت باليه منصور و مظفر كلور مقتضاي جفر بودر ديش باجدر انت منصور  
بازة الملك الغفور كلامي بيسك بولكايي طالعنا اشارت و بوقعه بشارت در و بوب  
قتل الوقوع بودعواي ايتش بعد بر قاج آيره صكر خبر فتح و نصرت كلوب جناب حقه كنز  
قلندر مواله كبار دن اول ذات مكارم شعار بوقعه ي بولكايي بالذات اچنر ايدر بولكايي  
ايدره كه اصحاب فن قولي اوزده بوقعا مكارم باجدر انت منصور كلاندر مراد سالر و اهل  
اوليج بوقا ره ذكر اولناه با محمد قديم التيف و با محمد بشارت اهل اجمال در و اچنر مراد اولن  
جناب بشارت نصاب و سعادت اكلر اولمقد و كفار حلاله اصل فليح قول كر في سيف  
صارم اليه مقصود كر بشارت و اصل اولمقد و كفار حلاله اولمقد و كفار حلاله اولمقد  
اولمقد ضرر و يرزده فقر و ثنائيتك مقتضاي بودر كلاس بر سلطنت و سارا سادت  
فراغ نال اوزده ربات جمال و محذرات با جمال اليه عيش و عشرت ايدوب بعد  
نيجي غرالر و فخر ايدر ريرا سوف يخرج في يوم متواكي كنانا سوف كلمه ي نيز ملك  
و تاخير اقتضا ايدوب امتداد عمر و دولتمينه اشارت و دلالت ايدر و العلم  
بوزده صند مصنف ايدر سبيل خول كنه كه سبيل المثاني اولاه فائحه الكتاب  
واقع حدك سري بلين اولاه اول كنه اهل جنتك جنتك حدك سري بلين  
و حد كتاب و حد جنتك متقل اولور و توفائحه الكتاب بولكايي بر و زده مرتب اولور  
بوزده حروفه **ت ا ب ج د ه و ز ح ط ي ك** و **س م ال ه و ح ن ي** و قاهره ي قدر  
بويدي حرفه سواقط فائحه ديرر و كتب منزله اول انزال اولناه كتاب  
مسطور ايديكه بكنه بويدي حرفن برينه و غنيبه اولاه بر ستر و كره ي اخرونه

خدا جادو است  
نجه دوزخه

۶۶۰  
۲۶۲  
۱۱۲۶







این بنام آید رفیع و صدق قلم اولاد کینه سزنا کله کله که محبوبم سعدی نک سترن صورت و خبر آواز  
 آید بنی سز بنی سعدی نک سترن افتاده بر عظیم خیل بولور ستر غیری بره کریم اولوب سزه  
 مستعد و مساعد آید بوند مساعد محالدر بحال مقام و لغوی یتک محصل معنای بود مصنف  
 بوبیت مشهور استعاره طریقیله ایراد آید بونک اشای ابیات ایرادی استعاره  
 اسلوبی اولور تفصیل بودرک شاعر بوبیت دیدو کی وقت نه حاله ایسه منشی و کاتب و غیره  
 کتابت و بیانده اولاد مقام و حال اول حاله تشبیه ایوب شاعرت بیتن ایراد ایدر مثلاً  
 بوبیت شاعر محبوب نک سترن فاش ایوب رازده صدق قلم رازده صقله و غیر افاده بیانده و غیره  
 مصنف دیگر کم اسرار الهیه حفظ اخبار اخبار غیبیه ده اولاد حاله تشبیه ایوب  
 بیت کتور شد و ضرب امثال ایرادی دیگر بوقبیلند بر ضرب عافک حوی مور در حاضنه تشبیه  
 اولمده انکچو ندر که المثل لا یتغیر و بنور نه نه مزه علما زینده اولاد جوق کینه بود قیقه ده  
 غافلدر بر محله منشیلر غیرت بیتنه نه طریقیله یازی کز دینک تقریر و تصویرده عجز و جاهل  
**صلیب** بظهور قوی یتقیر قلب یکسره بر صلیب ظاهر اولوب و بر قوی قبره قونور  
 و بر عکسرت قلبه صورت یعقلها العالمون والله اعلم بونی اصحاب فنده مظهر علم لکن اولمردن  
 عالم بلوب تعقل ایدر که اعلم ان من فهم ستر الجزیم فونز اولی الحزم فالبدایه باطالاب النهایه  
 من شجره الخلاف بل خلاف سن بل تحقیق سول کینه ستر جزمی بلدی اول اصحاب حزم مدندر  
 بن ایرطالاب نهایت بلوب عاقبت حاله بکت استین ابتداء امر شجره خلافه قویار  
 بکت و به خلاف شجره و خلافتن مراد سوکود اغاجیدر اول محله بروقیه اشارت  
**قال** امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه و بح اهل الارض فی الطول  
 والعرض من شجره الخنظل و مع الصندل کیف کلاص من الاقفاص لولا شاهین اجد  
 ۲۲۹ بطیر علی فراخ الوحش لما حن المقام بارض بابل و بح کله و رحمت و تر قمر محصل کلام بودر  
 لام علی خف بر شجره خنظلدن و حمره و صندله قویا حقه فنده جمیع اهل ارض اجیور  
 تر قمر ایدر لر و اول زانه بروقیه اشارت ایدوب قفصلورده نیج خلاص سیر اولوب سیر  
 و فراخ و حش اوزرن شاهن جود طایر اول ارض بالبه اقامت و قرار مستحسین  
 اولاد دی دیوب برواقعیه رمز ایدر لر ارض بالبه مراد مصر و ارض مصر اولاد و کله  
 ۲۹۲ بابل

فروق  
 رفیع

ی ق ب س  
 ق ی ب  
 س ق ی ب

طیبة  
 حزم  
 شجره  
 ۹۹۳  
 ۹۰۳  
 ۹۰۳

۹۹۳  
 ۹۰۳  
 ۹۰۳

توطن آمدن طوفان نوحه اول بابل دیر لرایر تفصیل کتب تواریخ و مطرور در و لا طالب الرقاد  
 بمدينة الساجل و غیر اول زانه مدینه ساحله یوم کثرت فستدن کوچک اولاد مراد در کتات  
 اولاد بلاد معظم دن بر شهره مقیم اولمدرک حضوری قالماد دیکه راجعه فالویل بن ناصح  
 ولک الفتان و بل و کد فتان ناصح اولاد اکونر و الفاشم اکنان ایل و لک فناء که قلم غاشم  
 یعنی ظلم و عدوانه میل ایل طوشتی فانه فی طغیان یزید و فی عدوانه عیند زیرا اول طغیانند  
 زین اولوق وعد و اند قتم عناد اوزره در فوا اسفا علی التید کللیل من العرالمه طیل  
 کاه ذلك مطور و فی الرق مزبور محصل کلام بر معمر اولوب جلیل القدر اولاد کینه اول  
 ولک طغیاننده مزید تأسف اتمدر و بوا مر قیر التیر مطور و محبت ایدر دیکه مصنف  
 بومقام بر شاهین صورتن یازوب و بعض نسخ بروقیه مثلث یازوب کور لرب هد  
 صورة شاهین الاسرا باطالاب الآثار حکمة ام الفضل و موفقه الله اول الا و ایل و دین

قال امیر المؤمنین علی بن ابی طالب  
 کرم الله وجهه العلم نقطة  
 کثرها الجاهلون والالف  
 وحده عرفها الراحمون  
 والباء مدق تنظها العارفون  
 و بحیم حفظه تأملها الواصلون  
 والدال درجه قدسها الصادقون

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸
یونس		

۱۱

توکن آمدن طوفان نوحه اول بابل دیر لرایر تفصیل کتب تواریخ و مطرور در و لا طالب الرقاد  
 بمدينة الساجل و غیر اول زانه مدینه ساحله یوم کثرت فستدن کوچک اولاد مراد در کتات  
 اولاد بلاد معظم دن بر شهره مقیم اولمدرک حضوری قالماد دیکه راجعه فالویل بن ناصح  
 ولک الفتان و بل و کد فتان ناصح اولاد اکونر و الفاشم اکنان ایل و لک فناء که قلم غاشم  
 یعنی ظلم و عدوانه میل ایل طوشتی فانه فی طغیان یزید و فی عدوانه عیند زیرا اول طغیانند  
 زین اولوق وعد و اند قتم عناد اوزره در فوا اسفا علی التید کللیل من العرالمه طیل  
 کاه ذلك مطور و فی الرق مزبور محصل کلام بر معمر اولوب جلیل القدر اولاد کینه اول  
 ولک طغیاننده مزید تأسف اتمدر و بوا مر قیر التیر مطور و محبت ایدر دیکه مصنف  
 بومقام بر شاهین صورتن یازوب و بعض نسخ بروقیه مثلث یازوب کور لرب هد  
 صورة شاهین الاسرا باطالاب الآثار حکمة ام الفضل و موفقه الله اول الا و ایل و دین

توکلالت شریف نک ظاهر معنای علم بر نقطه در جاهلار کثیر اتمش و الف بر وحدت  
 اکا راسخه عارف اولمشدر و یا بر مده در اکا عارفو نقطه ویر مشدر و بحیم  
 حضراته بر حضرت ران و اصلون تأمل اتمش و دیکه لکن کینه مراد اولاد معارف  
 المعید دن ذوق کامله دایر اولوب اصطلاحات متاخر بکله موقوفه مثلاً اول طایفه  
 جلیله نک اصطلاحات الف ذکر اولنسه انکله ذات احدیه یعنی حق سبحانه و تعالی به  
 اشارت اولنور ازل ازاله اول اشیا اولدو غی اعتبار ایل و دفر با ذکر اولن  
 انکله اول موجودات ممکنه اشارت اولنور که وجودده مرتبه ثانیه در سایرین دفر بوندر  
 بحیم بر اصطلاح اولدو غندن ماعد اکا یعنی فهم اولنور که ذوق و حال صابر اولان سیر اولوب  
 ارباب ظاهر و اصحاب قال بود و قدن بی نصیبدر اکا بناء ممکن اولاد مرتبه تفصیل در

اغذ  
 باغذ

ع

ع

ع

ع

ع

ع

ع

ع

ع

ع

ع

ع

ع



تصدی اول و لمیوب اهل فن و اصحاب و جد و حاله حواله قلندیر مولف کتاب ایدر سن بل که  
 حرفت سیر صدوری علماء الواحده مرقوم و سیر اعدا افکار حکما صیانت مرقوم  
 و سترکیما کنز قداده مخزون کلام اسماء ارواح و شند مکنوز در بین سبکات و شتی  
 و نجات قدسیه فهم الیه شعر کل سیر الیه هو واحد و لذات نیکو کل ما هو فاقده  
 و تنوع الاشیا و ترغامض و فالحق شتی و المحقق واحد و یقطعه لطیفه شایخ کلین فیه  
 وحدت وجود دایر در معنایه بویه دیگر که انش و وجه و ملک افراد نه بر بری تنزیه  
 و تقدیند و ذهندن و فهمند و احد اول و غنه اشارت ایدر انجوز که فاقده اولوب  
 عقل ایر مدوی مرتبه منکر اولور اصلند موجود بخت و احد اولوب ذات واجب الوجوده  
 غیرت وجودی موهوم اولوب ظن زایل و عرض عارض مثابه سنه ایکه اشیا کث متعده و تنوع  
 اولی بر ستر غامض در هر کس و ستر غوره ایر غوره پس بود وجود کر ظن موجود اولوب حقیقت  
 معدوم اولوب خلق انواع متعدده و اصناف متکثره و موهوم در حقیقت وجود اصل الیه  
 موجود اولوب وجود حقیقی سی و ذات پاک محقق اولوب واحد در حکما فاجل  
ماجد من خیر لایحه کان ختفه فیه یعنی برکنه قرناشیه ایچیز قیوقاز  
 ملک اول قیوده اولور قوی قازقن بر امر قصد دن کنایت در قرناشیه اخوت نسیه و اخوت  
 دینییه عامه در محصل معنی برکنه بر مومن و بی کنه قرناشیه بر امر قصد ایوب برکنه ایله هلاکن  
 قصد الیه حق تعا کشف باشند دیوب اول مکر الیه هلاکت ایدر احادیث و آثاره واقع اولور  
 بمقوله کلمات حکیمه اعظم و اغلب و اکثره بناء در غادات الله اکثر بویه جاری اولور و یکله  
 راجع در بعض مواد در تحلیفی ضرر و یوب ماقه نقص و سبب سوال اولماز خار الف  
باب فی هذا العدد لایقی علی وجه الارض فی الطول و العرض عامر الا و تحسب  
 ولادین الا و یدهب بوجوه و موزه یازد قدده صرح مال کلام مصنف بود در که  
 تاریخ هجرت بو عده و اصل اولد قد عمل و جه ارضه خراب اولد قد معده قالماز  
 و بوز یوب کتمه پیش دین و مذهب بولنامه لکن بوجوه و فکت طریق حساب کیفیت استخراجی  
 هذا ق اهل فن و کبار اهل کشف ارشاد نه محتاج در انرا که خبر شد خبری با نیامد  
 مولف ایدر اسرار غیوبه مطلع اولان ارباب قلوب دیدر که بذات خراب لفظ خراب  
 ظاهر عدد ندر و غذا بک نزدی و حلوی غرابک صبح به قند و شاک خراب صیاح

ظن زایل  
 ۹۳۰  
 ۹۵۰  
 ۱۰۳۹  
 ۱۰۳۵  
 ۱۰۳۰

احوت

اخیر

در سال غلط اگر بنا بر این باشد  
 در سبب غلطی در این کتاب

غراب

هام

خبر باز

هوام دوم  
 بیقوش

غراب قلب صیاح کتاب  
 ۸۰۲ ۱۲۲ ۱۰۹ ۵۲

هام قند در و زدنک خرای بیقوشک اوتدک و قدر و غراب قلب صیاح کلمه قند در  
 و غما کب انقطاعی بیا کمت یعنی وحش کوکر جنلرت یا خود وحش جانور کت صیاح نه نند در  
 و فارس ملکنت خرای خار ک صیاح نه نند در و غراب قصر صیاح عصر و انقطاع بکل  
 صیاح فیل و قند در و زدنک سیفدن اول ستر سیف غریب ظاهر اولور مالک غراب  
 اولی و قند در و قند در و قند در و قند در و قند در و قند در و قند در و قند در  
 النجم الاخر تقوم القیمه لیس تبشیر اندر و طس تبشیر اندر تبشیر کلمه شکته معنایه  
 سرعت اوستیالدر و یوزده بور تر و ب عبوس الوجه اولمقد و نجم امر طلوعی و قند در  
 قیامت قوبار دیگر و عند درج المریخ بظهر المسیح و یزیدک سیر و ارتفاع قند در  
 ظاهر اولور و صیاح لفظ مشترکه رحمت علیه بن مریم و دجال کذاب ده اطلاق اولور  
 جهت جامع و وجه اطلاق هر بری وجه ارضه سیاحت ایدر کلمه یوزده و هر بری مناسبت  
 بعض وجهه دیگر ذکر اولمقد و تفصیل کتبه معلوم اولور و بمقامه ترا و صنف دجال اولور  
 فهم اولور سیاق کلام قرینه سبیل فعل جمیله ابرار عباد الیه اتحاد اولیجی هنام اولور  
 مفید اولد و غین بیا ایدوب دریای ابرارند مثلاً جامر قدس سرع یوزده و یوزده  
بیت کز نه و همکار بانیکان زهم نامی چه سود یکت صیاح ابرار که کرد و دیگر غور  
 و عند ظهور الحال و یظهر الحال و الحمد لله الرحیم الرحیم و الصلوة علی نبی الملاح  
 ملا ح فتن و قتال معاشنه در حضرت رسول آفرینند مبعوث اولد و غیون نبی الملاح و یوزده  
 اوایل کتاب تبصیر کجند و بوجله مصنف کتاب البیس ارباب شواکت جسد و حال  
 البیست شهره سوید تبصیر سبب یلاک و تبصیر دید که صرح ایدر که سن بل که ارباب  
 شود قند در تحقیقا وجود رقی منشور کتاب مسطور در اول کتاب فریور اول کتاب مرموز  
 و خطاب مغموز در که آینه محققون اوتیور و مطرقون اوقیدوب انده عارفه و واقفه متجرب  
 اولور و غافلدر نوم غفلتله نایم بولنامه در سبب اسرار روح وجوده در بولنامه ستر ارباب کشف  
 و شهوده که بولنامه زیرا ستر وجود اطلاق مرتبه منازل و اهلین و مناهل ستر ایدر  
 بومنازل و اسرار اطلال اول بومنازل استانشه در و در بیل سن که کفیت ستر الله  
 کتاب الله در و ستر کتاب مرموز در و ستر حروف الفذ در و ستر الفه نقطه ده در  
 و ستر نقطه واحدیت و ستر واحدیت احدیت و ستر احدیت هوتید و ستر هوتیت غیب  
 و ستر غیب غیب غیب در بولنامه شریفه جمیع اصطلاح صوفیه منبیه و اذواق  
 اهل وجد و حال دن منبیه در بعض مراتبی کتب صوفیوزن فهم اولور ممکن در

غراب  
 ۸۰۲  
 ۱۲۲  
 ۱۰۹  
 ۵۲  
 غلام بکام

نزل  
 ۸۱  
 ۸۰



لكن كمال اطلاع و دوقی مرشد کامل بر پیر روشن دلک ارشاده دایر اولوب طریق حق مکتوبه  
 موقوف اولمغین شرحنده اعراض اولنوب اهلنه حواله قلندری سن بلکه تحقیق الف  
 سر الاسرار و نور الانوار در علم غیوب مفتاح قلوب و قطب حروف و بی حرف با  
 الفک بها و زو قید حرف تا جید و ثانیه و جم جمالی و حاجیه در خا خلق الفدر  
 دال دوام الف ذال ذات الف رار ف الف زازین الفدر سین سر الف  
 شین شرف الف صاد صفای الف ضاد ضیای الف طایف الف ظا ظاهر الف  
 عین علم الف غین غیب الف فافهر الف قاف قوة الف کاف کمال الف  
 لام لطف الف میم ملک الف نون نفس الف و او وصل الف هاهدایت الف  
 یاقین الف در بعض علم بورد در کرامتک سری کتابی در و کتابی  
 سری حروف در پس بزم کتابی سری حروف در و بورد و کتابی اعتبار  
 خواص جلیله وار در اعداد و حروفه شولکه فردا و عالم جلالتی خنده و شولکه زوج  
 اوله عالم جلالتی مختصر ترتیب حروف بولوب اوزره اعتبار اولنوب در  
 ایق بکر جیش دمت ۱۱۱ ۲۲۲ ۳۳۳ ۴۴۴ ۵۵۵ ۶۶۶ ۷۷۷ ۸۸۸ ۹۹۹  
 و ایق بکر جیش دمت ۱۱۱ ۲۲۲ ۳۳۳ ۴۴۴ ۵۵۵ ۶۶۶ ۷۷۷ ۸۸۸ ۹۹۹  
 بورتیب اهل اسرار را نی در که انور مغرب علامه در اما اهل انوار قولی که انور علی  
 مشرقه ترتیب حروف بولوب اوزره مختار در ایق بکر  
 جیش دمت ۱۱۱ ۲۲۲ ۳۳۳ ۴۴۴ ۵۵۵ ۶۶۶ ۷۷۷ ۸۸۸ ۹۹۹  
 پس بوستر رابطی و حکم ضابطی فهم الیه و بورد و نورانیه و ظلمانیه به منقسم حروف  
 نورانیه فواتح سور و واقع اوله حروف در المکره حصص حروف  
 بو اوز در حروف نورانیه در ظلمانیه در حروف در بو اوز در حروف نورانیه در  
 ب ج د و ز ف ش ت ث خ ذ ض ط غ بو اوز در حروف نورانیه در  
 علویه و سفلیه به منقسم بو یلایه علویه در ب د و ت ذ ض غ  
 بویدی حروف علویه به منقسم بو یلایه علویه در ب د و ت ذ ض غ  
 خ ز ف ش ت ث خ ذ ض ط غ بو اوز در حروف نورانیه در  
 ترکیب جامع

وفاتحه الکتاب بوعرف ظلمانیته و سفلیه دن بتر حروف بوقدر هاه عرونی نورانیه الیه  
 علویه دن مرکبدر مؤلف کتاب اوله علامه به نقاب بوحلد اعلم فهتک الله و زنتک  
 الصواب و انزلک من السوال و الجواب دیوب اصطلاحات صوفیه بزم  
 و بوفتک فهم اصحاب سلوک حذائقه میسر اولور دیکت فواصع اشعار در بعض کلمات  
 حقایق شعار ایراد المثنی اول کلمات ذوقیه و اصطلاحات صوفیه تک فهم و در نکلی  
 ذوق و حاله دایر و اصحاب کشف و ارباب کماله ظاهر اولمغین بجز ترجمه سبیل  
 الکفا اولنوب بعباراتها ایرادی اختیار اولنوب ان المتکلم هو الذی وقف  
 بالباب فسمع الخطاب تحقیق متکلم اولوب بواصر حقایق و اخبار دقایقه دم اوردن  
 شولکه ککر ککر سوار و عزت و باب هم حرمه طور و مرتضی اولوب خطایر  
 کنه و استماع ایدر یا خود مدینه به علمت قیوسه طوروب معرفت و کمالی سر حشوده اخذ  
 ایدر دیکت مراد اوله بعض نسخ تکلمه تکلم و دشمن مال کلام بر برینه قریب در  
 و منه الفال عند ارباب احوال ارباب حال قند حسن فال دخی اول خطایر  
 بو کلامه منه ضمیر بیک مرجعند نی احتمال ملاحظه اولنوب ککن خطایر کمت ترجمه اولنوب  
 سائر ارای اصحاب بصایره حواله قلندری و منه ناطق الوجود عند اصحاب شهود  
 اهل شهود قند ناطق وجود دخی بوند در و منه المسامره و هی خطایر الحق للعارف  
 و اسرار عند المکاشف مسامره دخی بوند در و منه المسامره اصطلاح  
 شایخ حقت عارف سرنه محادثه سید و منه المحدث و هو ار دیر علی العبد  
 المخصوص من اهل الخصوص فتارة ینطق بالحکم والاسرار و تارة بمعنیات الامور والآثار  
 اما بظن غالب او بوجد جالب محدث دخی بوند در و منه المحدث اصطلاح شایخ  
 شول وارد در که عباد الله دن اهل خصوص اوله عبد مخصوصت قلب بر نور و وارد اولوب  
 کاه حکم الهیه و اسرار سولیه و کاه معنیات امور اما رافاده ایدر ناطق غالب یا خود و جالب  
 حبس و منه الالهام و هو ار علی القلوب من عالم الغیوب الالهام دخی بوند در و الالهام  
 عالم غیوب دن قلوب نازل اولور بر وارد در و منه التکلیف و هی التی تنزل مع الالهام فی  
 قلب الولی عند اهل الکشف الجلی و هی اثر الالهام علی الاولیاء و علمناه لکننا علمنا

و کلم الله موسی حکیم



سجده ایست  
از پیشانی تا کف پا  
و در سجده  
کف پا را بر زمین  
نهد و دستها را  
بر زمین بگذارد  
و سر را بر زمین  
نهد و در سجده  
کف پا را بر زمین  
نهد و دستها را  
بر زمین بگذارد  
و سر را بر زمین  
نهد

دفعه بزرگتر سینه که اهل کشف جلی قند سینه دیو الهام الیه مله قلب و لیه نازل اولور  
بر وارد قویدر و بوی سینه قلوب اولیا نازل اولاد و اردانتک اشرف و اقوا سید  
سینه به منظر اولاد قلب منور صاحب اولور و علمانه منزه علما مفروضت ماضد قدر  
و منه مناجات الترفیع و التزیه و التوقیف و التنبیه علی التقوم الاکل الاحسن و الخلق الاجل  
الاتقن المحفوظ المصنوع الکتاب المکتوبه کتاب مکتوبه محفوظ و مصنوع اولاد خلق اجل و اتقن  
و تقویم اجل و احسن اوزرینه تنبیه و تعریف مناجات دفعه بزرگتر و مصنفات کلمات  
بومنفهم اولدیکه اولیا کرام و مشایخ عظامت هر بر سر حق توستند و درگاه جناب رب عزت  
مرتبه لومرتبه سنجه طور و ب دارد اولاد اسرار الهی و فیضات ناقصا هر به انتظار اوزر  
اوقات و ساعات صفای قلب و حصول حالات حبیبکه فکانه انواع واردات الهیه نزول اتک  
اوزر ایش بر برنده اقوی و ارد لوز نازل اولوب کینه فال کینه ناطق کینه تحت کینه الهام  
و کینه سکنه دیر لایق بونلرک بر برندن فرقی املنه معلوم اولور مثلاً بر طاه عالیا  
بر بولک مقرب قولر بر برنده متفاد اولوب بعضی حرام حاصنت قیومنده طهره  
و بعضی سر اپرد اردنه و بعضی بساط قرب اوزر طور و بعضی حاق حضوره و اردوب  
مصاحبت اتکه رخصت اولور و بعضی غایت مقبول اولوب مصاحبت مرتبه سنده کجوب هم سرتی  
و حامل اسرار اولوب بالکات فی الضمیر بلور و دهرنه دیر سه پائنه یا سنده کلامت نفوذ  
و تأیید اولور پس بوطا کینه نک ایچنده امور سلطنت و اسرار مملکته مجلس طاهره جاری اولور  
احواله معلوم اولوب مشایخ اولاد اخباره مرتبه لومرتبه سنج و اقد اولور لوقیه طور و  
استماع ایدنک معلومنده سر اپرد اردنه طور لک معلوم اکثر واقیر و سر اپرد ده طور انک  
سباط اوزر قائم اولاد مقبول معلوم رباح اولور مصاحب و همرا اولور خود جمله اسرار  
بلور سائر لک معلومیه بونلرک معلومتک قطعا مناسبتیه اولماز ایدر بونلرک اولنک  
اصطلاحا که قلب و لیه لایح اولاد و اردانتک مراتب حبیله اطلاق اولغنه تمثیل اتیکرده  
عارف و عاقل اولاد نه تمام تمیز و تلی حال اولور بومقای بولیمه ملاحظه ایدوب اولیا و مشایخ  
و ساکنه و ارد اولاد لویا بولوب اوزر تصور ایدوب روح سبحانه و تعالیه بواعلام  
اولاد احوال اهل کمال حاکمینه ذوق لک لیکه روی تضرع دنیا زحاکت مذلت  
و اغوازه سوده قلحق کر که اللهم ازرقنا مع الطالیین حسن الوصول الی درجه الوهالین  
آمین بونده سنده مصنف ایدر ففصاح اخرانه عند صاحب الامانه یعنی احوال اولیا

و شئون

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۱۱۱	۲۲۲	۳۳۳	۴۴۴	۵۵۵	۶۶۶	۷۷۷	۸۸۸	۹۹۹
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
۱۱۱۱	۱۲۲۲	۱۳۳۳	۱۴۴۴	۱۵۵۵	۱۶۶۶	۱۷۷۷	۱۸۸۸	۱۹۹۹
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ		
۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	۷۰۰۰۰		
ض	ظ	غ	ا					
۸۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰						











لما بولطانت خلاصه من مفايد بود در تحقيق الله تعالى بك بر خليفه به واردره آخر ناله جوق ارفي جور  
وظلمه طوليك عدل و داد ايله برايوب بين العباد دوع اوزره حكم ايد مدت بقاير  
دنياده انجى بر كوه قاله دغج صق 2 اول كوزه اوزادوب خليفه سن عبادنه و ايه قيلور  
بولكام شريفون مقصود خروج محمد نيك تقرير و تحقيق باه دره بر خليفه نيك خروج و حكومت  
البته لازمه در ديكور و بعض احاديث شريفه مدت ولايت به يسي سيل اولور ديو تقين دغج واقع  
اولمدره و بو خليفه حضرت فاطمة الزهرا بنت محمد المصطفى صلا الله عليه و سلم و رضى الله عنها  
اولادندند كوزل كوزل و كوزل صاجلور اوزره بولور بر حسن الوجه بكندره طوغان بوزلور  
و ذات شريفه كوزلور صاغ بكا غنچه بر لطيف بكندره واردره آن كوزيك ارباب كشف حال  
اوله في الحال بوزر اسم شريف محمد و بابا به ادي عبدالله دره و كتب عاده مصابيح  
أم المؤمنين ام سلمه خور كوزل محمد بن حنفه بن علي بن ابي طالب روايت ايد و حديث شريف  
مفهوم لطيف بودر كوزل مريد بصيرت انجى ذكر اولمدره بو خوي افاده بيور مشهوره خلفاي  
سلامت ده بر خليفه نيك موي نه نند خلقك ارا سندن اختلاف اولور اول انا  
اهل مدينه بر كسيه خلافت تكليف اولور احتمالن قاجوب مكنه وارر خلق اوزر نه هجوم  
ايدوب البته سن خليفه اول حو اوزن طرر جورله اول خلافت كاره اولوب ستم اكون  
بين اركن و المقام اول خليفه به بيعت ايدره اول دغج خلقك ابراميل خلافت  
قول ايدوب خليفه اول بعد شام طرر دن اكا بر عكر كوزلرله انظر جنك قصده  
كلور كرك مكنه ايله مدينه ارا سندن براوه اول عكره خسف واقع اولوب بر كچه  
بر حالي خلق كوزوب اشديك ابدال شام و اهل عراقن طرايف ابرار كلوب تبعيت بيعت  
ايدوب ياننه جم اولور و نفرت و دشمن اختيار قلور فرستدن بر كنه ظهور ايد كرك قبله  
طابيلوري اولوب آنده طرفه اول قبيليه منتسب اول محمد مديت بر عكر كوزل جنك  
اولوب محمد عكرى انده غالب اوله و اول محمد بن الحسن كنان الله في شمله رسول الله اليه  
عمل الميوس نه نند لمام قوت و شوكت بولوب ايد بر حاكميت الميوس بعض ذوات الميوس  
حكما نوزن قيله بود حديث شريف غيري محمد بن حنفه مستعد احاديث واقع صا اولوب  
كتب احاديثه مسطور دره مريد تفصيله طالب اولمدره كتب سنه و شرفه را حجت  
انسونار احاديث شريفه منقولان بومر به اولوب لام منتظر المنة قطعا دلور  
له فرق اسلاميه در طايفه يزير تيه و طايفه و البته كيم بعض كركهك معتقد بودر

محمد كير

محمد بن طو غن اولوب جبل سنامه يا خور بر آخر طاعنه بر غار انجند مختفي و مخفي اوله نه نه  
كلچك باذه الله جيتوب خلافت ايد بولور دغج زير تيه نيك كه زير تيه زير آغا بدست  
بن حسين بن علي بن ابي طالب منسوب بودر ارا روزه اختلاف واردره بعضلري لام منتظر محمد بن عبدالله  
بن حسين بن علي ايام خلافت منصوره محمد بن بركش مدينه و منوره قتل اولور و غن  
انكار اتمدره و بعضلري صاحب طالقان محمد بن القاسم بن علي بن الحسين در ديكور ايام معتقد  
ايدر قلنوب براوه كركم حسن اولنوب وفات اتمدره وفات انكار ايدوب حسن اولور و غن بر در  
وار ايدوب اكا كيرد كرامت و ولايت ايله غايب اولور و بعضلري احفاده زير كيردن  
صاحب الكوفه يحيى بن عمر در ديكور كركه خلق دعوت ايدوب جميع كير بيعت اتمدره ايام خلافت  
مستعين بالله در قتل اولمدره قتل انكار ايدوب لام امانيه اعتقادنه لام منتظر محمد بن  
العكر كير بر حمله نيك اعتقادنه لام منتظر حضرت نوح و حضرت جفر عليها السلام كيم عمو طيل ايله  
معمر اولوب آخر ناله چيقتد كرك بر حمله نيك اعتقادنه فاسد اعتقاد دره حديث شريف  
شاب تعبير اولنوب مدينه و منوره ديكور فرار ايد بر بركس ولا دنك قريه العهد اولمدره  
و منتظر و مختفي اولما يوب ابناء زانه سنده آنجى برال رسول كنه اولمدره دلالت ايد  
زيرا بود كلون نه معمر اولمدره صد چيقتد كنه شاب تعبير اولمدره و مدينه ده مكنه فرار ايد  
بيور لمزدي و ذكر و نقل ايد و كرك اقول انجند قول اولمدره غوري قولدر حديث شريف صريح فالق  
محمد بن الحسن اذعا ايد كركي كنه كرك نامي محمد بن عبدالله اول يوب محمد نيك اسم شريف ايد  
و بابا نيك بابا بر ايمنه موافق الماقي شرطي بولمدره و غن يا خور كرك بو تقين و نصيحه ايد كرك  
كنه كرك جمله نيك موافق شايع اولوب حد تواتره و اصل اولمدره و احوال من هجر  
حديث شريف مذكور اولان محمد بن امام منتظر اولام اوزره و زانه سندن نه نند طوعوب  
ساير احوال كركي حديث شريف جوي خروج و ظهور ايدوب نفرت دين و اعانت مطلوبين ايمنه  
كركره فقر و محتاجين كلوب اعطيه اعطيه يا محمد و ديوجك دامن آستين لر بر سيم و زرايه  
بر ايدوب انعام اولمدره كركهك و كركهك اختفاء محمد و منزه انتظار عوام و خواص هجر  
تمام شتهار بولور اذهان مغار و كياره راسخ و كركهك اولمدره و نجه اشراف ابرار خلال نشات و اشعار لر  
تمثيل و نظير طريقت كور و بحسب الظاهر محمد نيك ايام منتظر اولمدره كركهك و كركهك







بر فرسخ مقدار هر میدانه و در آن انواع طيور سبع اول نور و بور و قيه نك مملكت اديك  
فرسخ پر در بونك بالشت هه باب دير كه دين نصاري اول نور حاكم دير بلا تشيه ملكي نك  
خليفه هه مقام در بونقش اولانه تصوير مدنيه ي روميه نك و ملكوري ريه بايك  
و بعض بكار نيك صور تلوير كه اوضاع و اطوار كليه و اسباب و آلات و طبل و علم و اتلرله  
و عكر و علو جاليله و آلانن تفكر ليه تصوير اول نور

باب غربه شده باب شرقيه يرمي كنز ميله و طاشده ايك قات سور كليم و اردو يمني التمش ذراع در  
مصنف حصار طاشدند و ديگر ليه بعض كيت معتبر و كرميدند و جوهر كج ايدنه سور اول نك  
قال كلف اوه بر ذراع اولون ارتفاع فرق ايك ذراع در و بور و قيه نك بچند بر نه عظيم بار كج  
آرغى بلاط نخاس ايله مبطل و مفرد شد و هر نخاس تحت نك اوز نلغ فرق يري در اعد  
و بخرده دخر اول شهر نه كيه بر دل كير اول خورده كيمار يكناورله شهر اچنه كير و ب نه  
كنار نر طو رو ب بيع و شري ايدر اول شده يك ايكوز مقدار كير و اردو و جله نك  
اچي آق و كوك مر مر لطيف ايله دوشمنده و بوشنده بيته عام و ايكوز خانه و اردو عبارت  
كتاب مدج كچندي بر قاج شخه عبارت مزور اوزره اتفاق واقع اولد كيت لغته  
مراجعت اولنقه المذابح الحاريب و المقاصير و سويت كتاب نصاري و بوقاموس  
نصريح اتمن كور ليه بونقيرجه بومقاصد مذبحه مراد يا بر محراب يا خود كانه كيه بر صيفر  
كه نك اولمده اوه ايك مثال اوزر نر بر هج اولق فهم اقرير كه كينه نك اوزر نر اول نك  
تمثال در كيه بر نيه قايم اوله كوز نر اوه جوهر لوده هر جانه ضيا و ير اول مدينه كينه سيله  
و كينه اوله مثال لير و فذ كيله و شهر ك اچنه اوله نه ايله و كيمار و ساير اوصافي و فرك  
بيكار و آتري و طو نلرله و بونقيرجه تصوير اولنك

مصنف بونقيرجه مدينه روميه تصوير در صحن ايدر كه بونقيرجه عظيم كينه و اردو بونقيرجه  
بناء اولنن و اول كينه اچنه بر مدج و اردو اول مذبحك جمله يه مرصع و نيل زمره ايله  
كيز آرخون طو و آله ارشوه عرضيه و اردو اول مذبح اوه ايم فرموزي خالص التوس  
در لسن تمثال اوزر نر باي نك اول تمثال لرك هر نيك طو بر هج ذراع در كوز لير  
يا قوت اهر در كينه نك اچي اول يا قورده ضيا نور و بونقيرجه عظيم اوه كيزير  
آلونه در لسن قوسيه و اردو كينه نك طو بر ميل پر در و بور و قيه بر شهر عظيم و قدير  
مولد حقه عيله ده جله التام يري يوز اليه درت ييل مقدم بنا اولنن و بونقيرجه  
باب غربه شده

مصنف ايدر بولام محمد كيه قايم بمر الله در ملحه يعني جنگ عظيم باذن الله تعالى عكا اوزر نر  
مضراوله و اديان مختلفه ي پرورنده قاله در و اچي خالص دين اسلام باق قلا اهل  
حقايقن عارفين بوني تعريف اهر و كشف شهود ايله معاينه اچنه و بواحكامه قبل الوقوع  
حكم ايتلر در ديو لاهم محمد محمد يوز نر ازاله اتمد بر بعت و اقامت ايمد  
بر سنت ترك ايمه كره و بونقيرجه عظيم ايله عكه اوه  
كله و كيه صور تدر



وفتح قسطنطنیه و بلاد الصین و جبال الدیلم مهدی قسطنطنیه یفتح ایریغیة آخر  
 استانبولی کافر الدقه صفیه کلوب کافر النذن الوردی و لایق و دایلم جبالیه دیگر  
 فتح ایری و روی عن الباقی انه یملک ثلثایه و تسع سنین کمالی اهل الکشف  
 لام محمد باقرده و روی که لام مهدی که کتب یافته و غیره مقداره که او جویز طغوزیلر  
 حکم ایری و بوفیر ایری که لام محمد باقردن بود وایت صحیح اوله و غیر تقدیر خبر حدیث شریفه  
 مخالف اولوب تطبیق و توفیق لازم اولور و بی بی میل صاغ اولور و روایت لام باقر قرق  
 بحال ظاهر مخالف ایری که ارباب ضایر که ظاهر و باهر در و بعضی که دیکر که لام مهدی  
 قیام قیامته انجی قرق کون اول و فات ایری و لام مهدی که خروج جنده مقتدره ماوراءالنهر  
 تا یار جندن حارث اسهلور و طماه ظهور ایری و بعضی که مملکت لرزه جیق بیهی  
 برد لا و اصهار لوب عکرماتار الیه مهدی به نصرت قصدنه مملکت لرزه جیق بیهی  
 عکرمه قاوشه کرکره بوکلاتک تفصیل حدیث شریفه ماخوذ در تفصیل اوزر  
 حدیث شریفه صایح و مطهر در و محل عکرماتار سیاه بایراقار الیه مهدی عکرمی اوزر  
 کلوب مهدی به بولند قلدر صورتی که تصویر اولند

۷۷۷  
 ۳۰۹  
 ۱۰۸۶

حارث

دول

و نزل علیه عیسی بن مریم بالمناج ایضا بشارتی دمشق و ان سر خلق العصر کبر الیه السلام  
 و یقتل اخذیره حضرت عیسی و شفقت جانب شرقی نذر اوله منار و بیضایه مهدی که اندم  
 نازل اولور خلق صلوات عصره ایکن کفر نکبت لرن و حاجلر نیر اوفادوب خنزیر بر کل ایری  
 حضرت عیسی نکبت کیفیت نزول ایکن ملک قنادر لیه ایکن الدن قود و علی حاله کور مفصل  
 حدیث شریفه مطهر در بولندوب اوزر و بولند تصویر اولند

۲۲۲ بغوطه ۴۴۴  
 و فی زمانه یقتل السفالیه عند حجة بغوط دمشق یسبح حبشه مدینه رسول الله صلی الله علیه و آله  
 ۱۰۳۸ ثلثه ایام ثم یرحل لطلب مکه فیمسک فی البیداء و دغیر مدینتک اند  
 سفیان فی قتل اولور غوطه و دمشق و براغاج دیند اول سفیان سول کند و  
 عکرمه مدینه مدینه یکلوب مدینه ی اقع کوه غارت ایری که اقع کونده صحت رحلت  
 ایری و مکه مدینه اولد قلندر مکه الیه مدینه اراست بر دوز آوه الله کما بو عکرم  
 خسف الیه هلاک البلیه یر کجه مصنف بولند بومقدار ذکر ایتم کلا مندر  
 فهم اولاه بودر که کند و بر قتل رکنه الخسفن ظاهر اولوب غوطه و دمشق براغاج دیند  
 قتل اوله ترجمه ایتد و کنز نوح بن مقتدر مدینه و مدینه و اطرافند سفیان لریک  
 هجوم اوزر تصویر و نقش ایتد در

۱۰۳۵

دایلم



۱۸۵

18. 3. 18



بودند مصنف قطنین که تفصیل ایروب ایرک قطنین بر خود در بونی ملک قطنین  
 بنام اینده قطنین نصایح دین اول اظهار و تدوین ایرک بر مدینه و مسئله انکار  
 اینجانبی که و بر جای برده در بدی قات سورید دارد و سوز کبرنگ ارتقا بر این روشن  
 و یوز قیوسی دارد و بویک قند باب الذهب در بر صوم التوله قلا نمش بر قیود و بر  
 سورنده طبع دورا در فصلی دای و اردو ارتقا اده در امر و فصلی بر سور مرتبه سن  
 الجی دیوار قصید در بر که طایفه جانب برده موجود در خندق اولمدر و واقع اده ارشود قریب  
 دیوار دژ ل ذکر اید و بر قات سوز والنون اید قالمش قیوز ل قیدیش شمع  
 بر قاتن غیر سوزی یو قدر و نهایت قم طری اول فصلی اید ایلم قات اعتبار اونی  
 مکنده و بر شهر عظیم بر روم دو کلن خلیج ساحلند واقع اولمدر و بر شهر و خاصه دکلن  
 بر میل منار و اردو بر قطعه ده دو کلن کبیر و قطعا قیوسی یو قدر و بیمارستانه قریب  
 بر میل منار و غیر دارد و جمعا صیاف خاصه قالمند و قطنینیک قبر اوزرین  
 و قطنین صورتی بر باقرات اوزرین سوار کلن دوزیوب انتک ایما قریب و جلال  
 محکم بر کید ل انتک صاغ اوک ایلم بر کید یوب صاغ الی آچش هوایه قالدیش شام  
 کید کید و قطنین آت ارقند بر کید یوب صاغ الی آچش هوایه قالدیش شام  
 طر فنه اشارت ایر و وصول اند بر باقرده طوب طوتر کوسر لندر و بر شکل محوطه  
 نصف مرحله یرده کورینور در بعضار دیش که بوالند طوط و غی طوب عددی شهر  
 دخوله منع و دفع اکوز بر طسدر و بعضار دیش که طلم و کلر طوب یازلش ایر  
 دنیا بر بول طوب یوب مالک اولوب الم طوشند طایده جعوب کدم الم بوشند  
 دنیا بر نشه الکبد مدم نیکم بوشن المی ها کور رس و دیکه اشارت و دیکه  
 بوقیر ایرین که بوز کرا و لانه عجایب و طلمات توار کینه و طور کور دیکن غریب بنا  
 و صناعاتی ها بالکلیه منهدم و منهدم اولوب لسان بولند بولنده اثر باقی دکلر لای طلم  
 قدیم و ایک بنا و اردو دکلر طاشا و ات میدان اوله از در کتیه که مصنف ذکر  
 اید و کلن وقوعه و توار کینه یاز حواله سنه صحنه دالت ایر جامع ایا صوفیه خود  
 عجایب و هر دندر و بولند ترجمه اید و کور نسخ ذکر اولانه باقرات و بر مذکور اردو

لاد کل

منقوش و مصور در

لاد جاکت خود بر شرف دیارن فراساندر فراساه مکنده جعوب اترک و یوز  
 تابع اوله لور کور و عکری اکثر یهود طایفه سید و هفت ابوبکر صدیق رفیق الله علیه ایر تحقیق  
 دجال عراق اید فراساه ارانده خود ایر و یانجه اصحاب عقل جمع اولوب بلیه کید لور  
 حتم اول طایفه نک عور لمرده اده بن بیک عورت جمع اولوب عکریه بلیه کید اصحاب  
 عقل ده مراد بر غیر ظاهر بود که شجر در عقد عقد نک جمعیه عقله دو کم  
 معاشه در اکثر ساحر اید کیم و کیم کیم لندر اوزرین سوز ایروب اوزرین دو کم  
 دو کد کیم ساحر لره اصحاب عقد دیشدر و آه عظیم و منیر التفات فی العقد  
 تفیرنده و غیر یو معنی مفهوم در محصل تمام اول لعینه یو کیم لرتایع اولوب ایما کید  
 همهها ساحر و جادو کرا قیاس ایروب انواع سحر و شعوریه مشغول اولوب یانجه بلیه کید  
 و مؤلف کتاب ایر اکثر اصفا نه یمن طیلان یهودی اتباع ایر و دخی دجال بر خراب  
 او غدا قد اخراج کنزک دیو خطاب ایر بر یار یوب اول فرایه ده کنز و جعوب  
 اردجه بلیه کید آرنیک کلر اوله یاسیه اتباع اید کیم کیم کید و لاد دخی بر کا  
 اولوب بلیه کیم و بود دجال قصیر القامه و کلر و کلر دیو اوزرین درت بشنده تجاوز  
 اتش دیر لال بر یاشنه و ارجه اغور در بر کوزی یو قید و بر روایت صاغ کوزی یو قید  
 و بر روایت صول کوزی یو قید و اشهر احوال صاغ کوزی اولمدر و صول کوزی دخی بر جنبه  
 طایفه کیم در یمن شمش یاش اوزم کیم در طوب طسدر جعوب و بر دلق و کوبه المنظر  
 شصدر و یو معنی کور کوزیک وضع اوله و غیر نقد برجه در لاکور کوزیک و صغی ایچ  
 که بر روایت اولیه واقع اولمدر و جنبه بر طایفه معناسه آف و دهل تفیر اندر و طایفه مهر  
 طوب طوب انظاف معناسه و بر طدر و نوری یو دیک اولوب بر کوزیک نوری یو قدر و صوب کلوب  
 و یوب بوزلش جنبه کیم در دیک اولور و ایر کوزی ارانده کافا آماز یوب کف کلن  
 اشارت اولمدر و حال بلیه کیم دعوی الوهیت ایر و بود جاکت مدت مکنه و قیاس اوله کور  
 بر قیاس کوزیک برین بر میل قدر و بر کوزی بر کوزی قدر و بر کوزی برجه و قیاس اولوب بر کوزیک











بجز قتل واره آئند هاکا فرجیاریست طاعن الی بوغازنه بقلند **ب**و خبر از سرور دده صد بور و تیل  
 استن که عرقیب بن بوضو کرده ایچسم و بوزارعه اکل ایتم کرد **ب**ویر کرد رجاکن قتل و ناسین  
 سبی و اطفالن بوزارسم کرد و دیش بونده صف هم محمد بولشد کی دیدن عیم داری محمد کیمدر  
 دیو جک محمد النبی الامر العوی التهامی الدین و له بکله و هاجر الی المینیه دینه خیر الی ادیان  
 و کتابه خیر الکتاب فاذا القیتہ فصدقه و آمن به و هذین نصیحه لم انصح بها احدا یعنی محمد  
 نبی امر عربی تها میدر که مکده طوغوب مدینه هجرت ایتمده دینج جمع دینارک خیر لویج و کتاب  
 جمیع کتب منزله نکت خیر لویج **ج** کتا بولشور سکت ایامه کتوب تصدیق الیه و بودید و کم نصیحه  
 که سنده غیر بر احد بن بوضو ایتمده و کیمدر عیم داری بوضو ایدوب جستانه  
 هجرتش وار بکده شام طرفه براق دیش اول داغ ارقه سنده و رب بر آتخ ارض شام  
 براقش جیغقب طوغیر مدینه بکله در سوار اتمار که دجال خودضال و مضل ایدوب وار تصدیق  
 الیه ایامه کتور دیو بنج نصیحت ایدوب جواب دیو بکله بود جال کرچه مبعوث بالضلالت  
 کمنه رش و هدایت استمر لکن حضرت علی ای اولمغین اول وقت معجزه محمدیه حبیل کذب  
 قارر اولامیور لسانه نصیحت جاری اولدوب بوداخر مجاوه محمدیه دندر هو تحقیق ایتمار در وقت  
 شریفه مطور اولاه ابن صیاد قصه کشف اختلاف وار در اصح قول بود که **د** قال ابن صیاد اولمغیه  
 زیر اولمغینه حضرت عمر بن کنت فوت اولمده لادجال اولدوب دیکه ذاهب اولمده قولنج  
 یزید ننه دکت طاعن اولدوب بوزار دیکلری سید غایب اولمده دیوب وفات انکار ایدوب  
 و العیون عند الله محل کلام و قالک خود حق و واقع اولوب افرغ ننه حق **ه** قولش اوزر  
 سلطان المله کرد **و** استدر ارج طریقی اول ملعون المات و احیا و اطوار و انبات کیمی  
 امار تمکین و اقدار ایتم کرد **ب**و محمد دجالک خراسانه خودج و بودیلرک اتباع و الیه ایتم  
 جنت و جهنم شکل و کنوز و بقات کوسر و دیکر و الیه جاسوسی نقش و تصویر اولمده بر جاسوسی  
 قللو کریم المنظر سبطه عودنی شکله و بر جاسوسی و صف اولمده جانور صورتش  
 یزیدوب تقییر الی اعتبار جاسوسی کیمدر دینارک بکله عمل اولمده

دعوت

دعوت پیغامبر علیه السلام بوز دیکم انبیاد **ب** هم بر بنی بود که اول کتدافیه دجال  
 میج شرنده انداز و تحریف اتم اولمیه حال بوکه اول سترک ایچکوزه ظهور ایدوب  
 لغت محمد ننه کلمه ککر اول دجال مسوع العین براق الشیاد **ب** و کوزر  
 بود که کوزر برین بر قاکت در بر تمده بر بد شکله دیشلری یلدر **ب** لک  
 ایدوب لا تدع فی الارض قریه الا هبطها فی اربعین لیله الالمه و المینیه و بیت المقدس  
 یعنی دجال قرق کون و اردوق بر قریه قوم مکه و مدینه و بیت المقدس دینه غیری **ل**  
 بذر که کیمدر بوقیر ایدوب که حدیث شریفه مطور در که مدینه و مدینه جواسند  
 احد بولنده مدینه یه قصد الیه حوت ملایکه انزال الی بیت المقدس یا کت  
 قلج لایله مدینه نکت بولدنر بکلیه کرا اولمده طاعن طرفه تقییر ایدوب مدینه  
 طرفه بوزر بیک مکار الدنک یا کت کلیم الیه اوزر نه هم ایدوب دونه کور  
 عاری اوزر نه اردنه بقارق جیغقب شام طرفه کیم ترجه ایدوب کمنه  
 اسلوب خود ایدوب فراریم شکل بومحمد تصویر اولمده

مؤلف ایدوب قال علیه الصلوة والسلام فیطلب عیسه الدجال حده بیکر بیاب لد فیقله  
 یعنی بر علیه السلام بوز دیکه حضرت عیسه مناه بیضیه نازل اولمده صف دجال طلب  
 ایدوب اردنجه کیدر باب لد دیکلری منعه یقشب قتل ایدوب باب لد دن مراده  
 علمای حدیث اختلاف ایتمار در بعضی دمشق فرین بر قریه در دیوب بعضی  
 دفر فلسطین کور **س** کیمد قدس شریف و رمله اطرافه که اول ناصیره فلسطین

دعوت







یعنی عتبه علیای وادریه و از رزق و موردی شرفی و دارد که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
اولی خول اینک قول و دارد در بر برینه منقلد بود که جمع بنای بفرموده که در سوره  
فرجه لویه ارمیش باقر و کلوب صوم اولی و دیوار عرض و منقلد بود که جمع بنای بفرموده که در سوره  
قناری و دارد در مصر لک اینک از رزق و دارد که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
آرشن اوزن بر رزاق قانک و از رزق و دارد که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
بر زنجیر الیه اصل و منقلد بود که جمع بنای بفرموده که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
منجیق خله لری مقدار رجه و دارد و قیوت التاشک اوده و رزاق قانک و دارد که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
و دارد در عصاده لری التاشک اوده و رزاق قانک و دارد که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
و بود که در طایفه لری عصاده و دارد و بر سینه طایفه و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
یک هفته و بود که در طایفه لری عصاده و دارد و بر سینه طایفه و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
سکه آردن اوله و بود که در طایفه لری عصاده و دارد و بر سینه طایفه و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
ذکر اولان طایفه و دارد که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به

عنه  
82

مقابل اید تحقیقا و قال مشرق طایفه حق و اشراط ساعتی اودی یعنی قیامت قیامت  
علاقله نیک اودی و دارد که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
سما و دنیا لری و بود که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به

دخیر مقابل اید که حق نزل بهایه جتوب بفرموده نقضه اوزن اوله و داشت خود را بفرموده و در سوره  
دقال جتوب قتل اوله و بود که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
بولنار یعنی رزق مناکه نیک و بود که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
اولور که قدم عیبه و ظهور محمدی بر کایتله و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
ولام علی کرم و بود که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به

استاد  
290

ایرکه فرت اولی خفته عیبه الیه خفته محمدی لری و دارد که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
عیبه اراسته و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
تجیر ایش و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
ملکب الادب یعنی بفرموده و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
لیق و لوع الوجود یعنی بفرموده و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
لیطالع لوع السه و بود که در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
بعضیر امام محمد نیک مولودی فارس و بعضیر جزیره العرب و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
عربین جقد دیش و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
وفصل الخطاب و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
وسباعی و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
دیکره مراد هنوز غلام اینک ظهور اید و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
دیکره راجع اول و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
دیکره در لای و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
رایحه سینه اول شمشیر ارباب قلوب و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
ابال شام و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
قبة الالام و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
عراق ملک و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
وعاقه بر ردنی الاصل و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
قال عظیم اول و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
ترکه و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
هو و ضم و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
مامله الیه و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
ظهور ایش و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به  
بر لره انشقاق و در سوره نکه طایفه بفرموده افوی به

462  
51  
1032







وقيل انه يكون متصرفا في عالم الكون المفسد باسرار الحروف **د** نيلك بهدي عالم كونه فساد  
 اسرار حروف ايله متصرفا **د** ومنهم من العین اطلع على سر اسرار **د** العلوم الحرفية والمعارف  
 الالهية **د** ديدلر که بهدي عالم كونه فساد ده یعنی عالم عناصره اسرار حروف ايله متصرفا **د**  
 وشوگنده که سر عین مطلع **د** اول اسرار علوم حرفیه و معارف الالهیه به مطلع **د**  
 بونده که مؤلف ایدر **د** لام على دقائق علوم و لطائف حکمت **د** صحابه که کرامت اعلم ایدر  
 و امام علیک علم لک انک اجلی علم اسرار حروف ایدر **د** و ایدر که حق علیک کور فریب  
 که اسم شریفک مفتاحی یعنی اول حرفی علم **د** و دفر ایدر که بعض عارفین دینلر که خلایق اولی  
 او تزییلر **د** و خلایق ثانیة قریبیلر **د** بایک خلایقک عدید حرف عین **د** و خلایق اولی  
 لام علیک **د** او تزد **د** و خلایق ثانیة میم مهدید **د** که فرقه زیر لام اصل و میم فرقه  
 انک ایدر که لام مهدی امام علی اولادین کلدر **د** و دفر حرف عین کذلک اسم عیسی علیه السلام  
 مفتاحین ظاهر اولدر **د** بونک اچوه در که عیسی حقایق حکم و علوم و معارفه اعلم  
 انبیا اولدر **د** و اشرف حکما سر علم حروف **د** پس فهم ایلر حرف **د** عین سرنیک ظهوری  
 اسم علی ایلر اسم عیسی نک او کلدر **د** و دفر بل که تحقیق مسیح اسم مرکب **د** و **د**  
 عیسی اشارت در حقیقت اولیا عیسی اولر و غنه **د** و **د** اشارت در بنی اسرائیل اولان حقیقت  
 خاتم انبیا عیسی اولر و غنه **د** بر خاتم الاولیا نک ایدر فنی عیسی **د** و **د** و عیسی نک  
 ایدر فنی خاتم الاولیا محمد مهدی موجود **د** پس فنی عیسی ایلر عیسی جامع **د**

ع  
 ۳۰  
 ح  
 ۱۷  
 ح  
 ۵۹  
 ح  
 ۵۴

جمع اولر

جمع اولر **د** احدهما آخر ایلر کامل اولر اسم حقیقت و معنی هستند منتظم اولر **د** و کلمه  
 والصلوة والسلام علی رسول الله **د** مافاع **د** فقام **د** و نافع **د** احکام **د** و علی اولاده اکرام **د** و السلام

فقام

بسم الله الرحمن الرحيم **د** الحمد لله عالم المدد  
 و محمد العدد **د** جنس محمد با خود جمیع افراد محمد اول رب عزت جلّت اسماء و عزت جناب  
 مختص **د** که عالم مدد **د** و محمد عدد **د** مدد **د** مدتک جمیع **د** محمد اعداد ایدر معنی **د** و القلوب  
 علی محمد **د** الذي خاب من طلب منه المدد **د** و دفر صلوة شول نبی کریم محمد مصطفی نک او زین  
 او تسوکه انه مدد طلب ایدر اصلا خائب و ملوب **د** بهر مند اولدر **د** و لو کان الاعداء کثیری  
 العدد **د** مدد طلب ایدر که مضایقه ده اعداد نفدر کثیر العدد اولر **د** ده بو معنای رعنایه دلیل  
 واضح **د** که سعاد لوانده **د** ایت الله سبحانه و ابقاء اکبر سقره جناب سالت نباهه مدد طلب  
 الی یوب **د** توبه تام ایلر روح فقد سقره توبه ایدر **د** و فخره مبارکه **د** و مال ایلر کلدر **د** کثرت  
 اعدا واضح **د** و هویدا **د** اکبر **د** مدد لیر بشوب عالم ارواح و جناب قد سندن القای خوف و اله  
 کفار خاک **د** بر آند منور اولر **د** کن دار بوار اولان لردن ماعدایه قراری فرار تبدیل  
 ایتلدر **د** و شرف و کرم و ابد و عظم و مجد و ابد **د** تیز کلام علی محمد **د** لیر شرف و کرم اولر **د** و  
 و اولر فهم اولدر **د** بوقیه ترجمه ایلر محمد که حق بنا ایلر تشریف و کرم و ابد **د** و عظم و مجد  
 عظیم و بروب **د** تا بید ایتلدر **د** و یک اولر **د** بجل مزبور حیز صله و موصوله واقع اولر **د** و هر یک  
 یا خود **د** حیث المجموع صفت ماد صریح واقع اولر **د** بو مقاصد فواید کلام عطف علی المعنی اولر  
 مدد طلبا یذنی بولی ایتدی دیکلر اولی محمله **د** و بعد فقد قال الله تعا و ملک القوی  
 اهلکنا هم لما ظلموا وجعلنا لهم موعدا **د** و قال تعا و کذلک اذکرک اذاخذ القوی  
 و هی طالمة ان اخذ الیم شدید و اذ اردنا ان نخلک قریه امرنا متربها ففسقوا فيها  
 فحق علیها القول فدقرنا هاتد میرا **د** و قال تعا و ان من قریه الا نحن مهلکوها قبل یوم القيمة  
 مؤلف کتاب بوایات کریمه **د** یازوب **د** مکه **د** یازوب نک قیام قیامتدن اول فراب اولاجنه توطئه  
 انمدر که ایت اخیر مقتضایه الله فراب اولی لازمه **د** و بوایات کریمه نک جمله سندن  
 بو معنی مفهوم اولر که حق تعا قبلندن بر بلا مسلط اولخله ملک اولان شهرت  
 سبب هلاک حاکم لیک و قومک کل لیر میسر امر و ملکک رعایت و اغنیاء و اقویاسک

ع  
 ۳۰  
 ح  
 ۱۷  
 ح  
 ۵۹  
 ح  
 ۵۴



ضعفا و فقر اسنه ظلم و تعدیل بری سببیل حق کجا خشم اید و هلاک ایلریش بونده ضد مؤلف  
کتاب اید و لام الفکر یعنی مکرمه و مکرّمه فیخر بها العبد الجنبه انی عبد حبشی غایب اید یعنی حبشی  
طایفه سیم طلب بقار کرد تو منوال اوزر که نسخه بر اصله تصویر اولمشه

لایم علی بن ابی طالب کرم الله وجهه اید و بصیرت خواجه زینج طایفه سندن اولاجقه مدینه نیک  
 خواجه جوعدن یعنی قحط و غلا استیلا سندن اولاجقه بلخ شهر نیک خواجه صوبه سندن  
 ترمذ شهر نیک طاعونن اولاجقه رقی شهر نیک خواجه قوم باصمه سندن بن دلتیک  
 خواجه چاکره استیلا سندن فارس ملک نیک خواجه قحط ندر سمرقند خواجه قنطورا طایفه نیک  
 استیلا سندن شام ملک نیک خواجه یغور یاغی سندن اولاجقه سندن ملک نیک ریح شدید ندر  
 خواجه بخار رمل ندر خواجه روم بنوالا صفر و جند در عرب قوم نیک انقراض یعنی دکنوب  
 قالمی کثرت ضرب و خرب ندر یعنی آفرینان سؤل قدر جنک و جهال اولوب قوم عرب شولقد  
 نغزاه و قتال اید که قریوب قالمیله و دیگر طقن طقوز سندن قوم عربن وجه ارضه بر فرد قالمیله  
 مؤلف کتاب بویه دیش بو طقن طقوز ~~سندن قوم عرب~~ دن قنقی طقن طقوز در سبک طقن  
 طقوز میدر سبک بش بوز طقن طقوز میدر مستور و مخفی در لا یعلم الا الله کشف الهمم  
 مطلع اولان اهل فذن کحل علمایه را سنجین داخی بوسی تفریحی یادون اولمدر انجن بود کلو  
 رمز الیه انفا قل شد در جبالک خواجه صاعقه که وز لرله که کثر نندن و همانک خواجه ریح  
 شدید ندر بعضی نسخون زینجند دوشمدر مقاتل ایدر خواجه بصیر صودن اولیر در شاکت  
 خواجه کفریه روئین و خواجه صراف فریقیه طر نندن کلون دشمن عسکر نندن خواجه مکه حبشه دندر  
 بیت شریفی قلع ایدوب طاشلرن پرکنده ایلسر کرکدر بوفیر ایدرن که اگر سؤل اولور  
 که بیت شریفی حوتتا احوال فیلدن حفظ ایدوب حبشه ی سلطه اتمده حکمت ندر جواب  
 بود که بیت شریف دایم طوائف اولوب مغز اکبر آفرینان بطال قلوب معطل اولسون اچره  
 اول قوی مستوی قلوب معطل اولسون اچون اول قوی مستوی قلوب هدیه ارادت ازلیتیه  
 تعلقی ایدر بعد چون کجوب قیامت قوباره بی مفهومی علما و حدیث یازلر و یغیر الله ماشاء  
 و حکم یابرد و در دیدیکه قیامت قوباز جاق سزکله زنجیلر طایفه سیه مقالمه اتمینجه  
 و دیگر دیدیکه بیت الکهاک خواجه و جالان قوی میل سکر در و حلیک خواجه استیلا ی

اسرا کدن

اتراکده در خواب قدس یافتند و خواب دیار مصریه انقطاع نیلند و آخر نامه قسطنطین  
 حق تعالی فتح اید و اهل بیت در بر جل صالح الذین اکاممتهم بن عبد الله دیر کرد اگر بودند گشت  
 سکایه یزید باقی اوله مکیند بر حقیر دبی کل اهل کتاب و الله اعلم بالصواب  
 هذه صورة المدينة قسطنطین و صها و تقیم المال و صیاع صایح و خروج الدجال  
 بومینه و لمتا بولک صور نیر و فتحید و مال غنیمتک تقیم اولمید و بدو اثنا عشر  
 فرادی کلرب و دجال حقیر دیو خبر ویرمید که نقش و تصویر اولمید

فاده دن مرویدر ایدر که تحقیق شام دنیا نکت باشی و مصر قوبر و غیر عواق قنادی در کعبه الاخبار  
مرویدر که ایدر عین دنیا نکت خرابدن صند و مشقه بر مسجد قرق ییل باقی اوله کرکر و دیگر  
ایدر عین که دنیا شادن قرق ییل مقیم خراب و لور مؤلف به کلماتی یازد قد صند مدن مخصوصه نکت  
و بقاع معینه نکت خراب نکت بیانی شمل بر قاج ابیات عربیه که معلم البطنیک اولوق فهم اولور  
و ذکر ایدر عبارات اول ابیات یاز لوب تحت التفظ محصل معنای افاده اولور  
و تحزب کوفه و دیار هیت و تبقی دورها قفر خوال کوفه و دیار هیت دیار خراب اولور  
و غیر اولور اسوز حال اولور و فی حاله باقی قالور قفرک معنای لسه ترکیه تفسیر الیه اسوز الیه تعالی اولور

هفت  
صفت



اسوزک دایر اعلیٰ اسوز در صاحب نر مغنا سینه بعد توسع اولیٰ آدم زاد اولیا  
بیا بانه اسوز در بر که عرب قفر و موش لفظ نیک مفهومید و تحرب ملک و دیار صعبا  
من السودان و حبش از دال ملک و دخی بند صنعا مملکت خواب اولود قمر لطائف سنک  
و حبش قومک تغلبیدن ایله سودان و حبش که رذیل در رذیل در رذیل که فضیلتک عکس در  
ذیمه ایله موصوف اولان رذیل دینور و دال کلور و شغل احزاب بکل ارض کما بیکر  
باشغال هر خواب سرایت ایدرتکم حرق اشتغال ایله ظاهر اولد و غیر کیم اسباب خواب هر  
یره ده جوق جمع اولوب ظلم و غدوان و خط و غلا کیم اشتراک استیلا سنده خواب اولود فقیر  
ایدرن که اگر چه آتش واقع اولغله بلاد عظیمه و غیر بر آن واحدده یون خواب اولوسه ظاهر و بیدار در  
لکن آتش ظلم اشتغال ایله خواب اولان مملکت و قرانک حایه بذر و نار ظلمت شر ضرری آتش  
حقیقی اکثر اولد و غیر دیم و ارباب بصیرتک کتاب علم باهر و آشکاره شهرده بعض محلات  
یانوب خواب اولدن صخره بر قاع یلده بنه معمور اولد و غن کور درک اما آتش خلیدن برکنه  
و بر شاه اولان بعض قری و بلاد ای خواب اولد قد صخره و غیر معمور اولد و غیر شاخه آید  
و تبقی بلق الفسطاط فقر خواب لایری فیها حبال و دخی مصر شهری خواب و حایه قانور اند  
بر توالد ایدر حامل اولور انشی کور لمز و تحرب شیر من بعد هذا بر جفات الزلازل لا محال  
بونده صخره شیر و غیر با شک زلزله لوده خواب اولور و تحرب من خراسان بلاد  
من الطاعون و الموت الوبال محصل منیه دخی دیار خراسان جوق شهر طاعونه و موت شمریده  
خواب اولور در دیگر و تحرب سمرقند و ارض ربا بنیع الما یطوف علی اجمال سمرقند و ارض  
رتی اراما قمر طغیاه ایوب طاعونه چقمقندن هلاک و خواب اولور و ارض الهند تحرب  
من سیموع لهم رتی القرد با مثال محصل منیه ارض ارض هند دخی بر یوزنده کثیر التیر  
واکیر که میون صفقو بر طایفه دن خواب اولور دیگر و تحرب موصل و دیار بکر و مدن الشط  
بالریح الشمال موصل و دیار بکر و شط کنار دن اولان شهر شمال لیندن هلاک و خواب اولور  
و بغداد فی تحرب بعد هذا بر جفات الزلازل و الرمال بونده صخره بغداد دخی زلزله لودن  
و قوم با صندن خواب اولور و قال معلم السطین حقا کون حکم بریدی اجمال  
قال معنی معلم سبطین دیدی تحقیقا بوند کور اولان امور اولیر در ذی الجلال اولان رتیمک  
امرو حکمیده دیگر مؤلف کتاب ایدر معلم سبطین ابن اعقب در که قاهره  
مدفون

۳۱۰  
۷۲  
۱۰۳۱  
حشر

سیرت

مجموع فوات

۲۱۲  
۹۲۲  
۱۰۱۴  
۲۲۲

مدفون اولوب قبری مزار متبرک در مروید که نبی علیه السلام مسجد ده رکون او تر کن حفر جبرائیل  
علیه السلام کلوب جنتدن ایکی الماکور و عقیقه حفر حسن ایله حفر حسین کلید حفر رسول  
الما لک برن برینه برن دخی برینه و بریدی اول ایکی الما ایله سبطین ماکر تین دخی محله برن برن  
ابن اعقب کلوب اهدا ایدر بو الماکور دن ابن اعقب تنازل امکله و تعانی مغنیاته مطلع  
ایوب مغنیات سولیدر حضرت رسول دخی یا ابن اعقب تقیم و با خبر ایلدیر مؤلف کتاب  
بویه دیش فقیر ایدرن که حفر رسولک مقصود شریک بر مغنیات سولیدر اختیار کشف راز  
ایلر سکله باری تقیم و با خبر ایلد فلان و قعه نک آردجه فلان و قعه اولد مؤلف کتاب ایدر  
و وقت ایلد دیمک اولوب اخبار اسرار دن مها کمن منع اتمک اولد مؤلف کتاب ایدر  
بو ابن اعقب حکایت مصر و شام بن کواصر و العوام قتی شایع و ذالید مؤلف ایدر دیگر  
حق تعالی نک بعض تر مکتوبه وارد که انی لاه شوان اظهار ایدر دیش که قد یقع کا طریقی  
کما یقع کا طریقی یعنی بعض لاه اولور که برکنه نک قلبه کلن معنی برکنه نک قلبه دخی عینی ایل  
کلوب آنی الفاظ مخصوصه ایلد هر برن بلاتفاوت ادا ایدرتکم برداته با صد و غیر ایلد عینی ایل  
بر داته دخی با صر من غیر تفاوت بوکا توار و خاطر دیر بو فقیر ایدرن توار و شعر ایدر قی مشهور  
و واقع در کتب ادبیات یازد قاری توار در کت اشهری امر القیس ایلد طرفه بن عبد البکر  
ما بیندک واقع اولان توار در که اکیسه معاصر ریش معلقه لر نه بر بند توار ایدر و ب  
نافیده ماعد سنک لفظ و معنای برواق اولمدر زلزله لر نیک بلغاسه طرفه بقصاید و ب  
امر القیس دن سره ایدر دیکلر نه شهود ایلد دیکلر تاریخ اثبات اولوب اکیسک نظری بر کنه  
واقع اولمش ما بنیلرین اوج کونک بول اولغین سماع و ملاقات احتمالی قالمیوب ایلد جانک  
فونک بلغاسه توار اولمدر حکم ایوب طرفه سره قهقندن اعتذار ایتلر در امر القیس معلقه  
لا مینه سند و قوفاجها صحبی علی مطهریم یقولون لا تهلک اسی و تجلد دیر  
معلقه دالیه سند و قوفاجها صحبی علی مطهریم یقولون لا تهلک اسی و تجلد دیر  
مؤلف کتاب ایدر نبی علیه السلام بوردیر ان الله کذا مخففا مناجیه السنة الشرا و یمنه تنک  
برکنه لو مخفیس وارد که وارد که مفتاح لر لسان شوار مؤلف ایدر بل سن که تحقیق خلقه  
برناه کله که کجک اولیه مؤمن منافقه ابدال اتمیجه و دخی خلک نار لر بر ایلد  
تشریف اولو شمسک مغربدن طلوعی زاننه و قیامت قومیه الی عورت بر قیتم اولمینه و غیر  
حدیقه ایدر دیکلر دن اول با وی قلد غلوز شی خوشه در و دخی قیامت قوباز رحلت بدین  
خسوع

خسوع



اولد و کیم قلبی اولمینی قلبک اولمندن مقصود قسوتیه و ذکر الله دن غفلة در و خوف خشتین  
 خای اولمیدر و دفر هر مرده سدت و صعوبت و خلق اینجند قسوتیه زین اولمق اوزر اولر  
 قال الله تعالی اقدت الساعة و انشق القمر قال الله تعالی اقدت الساعة و انشق القمر و هم  
 غفلة معوضون و قال الله تعالی و انشق القمر و انشق القمر و انشق القمر و انشق القمر و انشق القمر  
 انتها سته و انشق القمر و انشق القمر و انشق القمر و انشق القمر و انشق القمر و انشق القمر  
 اظهر دلالات اوبین علامات و واضح اشارات و اقصی عبارات و انشق القمر و انشق القمر و انشق القمر  
 جواد منتشر یغنی طالعش حکم کبیر و او غاد قریب برده بر نه ترک اتمز لرافا ایدوب خراب  
 و یاب ایدر بوجله محصل فحاش و ترجمه اید و کن عبارت مؤلف رحمه الله بوجهله در و اعلم  
 ان من اظهر الدلالات و ابین الامار و اوضح الاشارات و اقصی العبارات علی انتهای مدته  
 الدنيا و فرجه من الانقراض و الانسلاخ هو المراه من ظهور الفتن العظيمة و استیلاء  
 نجار الترت و کفار التترالین هم کالجرا المنتشر لا تبقي ولا تدور مؤلف بوجله  
 ایدر عکرت بر بریله جنک تصور ایتدیر سباق و سیاق کلامدن فهم اولانه بودر که  
 بواکیم طایفه حدیث شریفه واقع اولان حوز و کرمان قصه سیه اولکه بوقارده دفر ذکر اولمندر  
 بونلر ترک و تمار طایفه سندن ایکی قومدر که بر بریله مقاتله و جنگ عظیم ایدر که حتی امام نووی  
 بواکیم طایفه نک قتایه واقع اولدر اوصاف لری حدیث شریفه مذکور اولان صفاته تمام مطابق  
 دیش شرح مشارقه ابن ملک لام نوونیک بولکام نقل ایدر لا فقیر ایدر که من بعد اذنی  
 بواکیم طایفه ارا سده بر جنگ عظیم اولوب مراد مصنف و حدیث شریفه مذکور اولان  
 من بعد اولجن و قعه و اعدت محتمله و الله اعلم و احکم

التتر  
 ۱۳۱  
 ۱۳۳۵

مؤلف کتاب ایدر پیغامبر هفتیه علیه السلام تحقق ملائم فر و جنگ و همای قسوت  
 امرن ذکر ایتدی ایدر که حدیقه رضی الله عنه دیدیکه بکثر حقیقه قیام قیامت در  
 فرج و ظهور ایدر که بر صاحب جیش و عکرم قویب الارسل انی بیان ایتدیر  
 بر صاحب ظهورت ظهورت اسمن و اباسی و قبیله سیه اذن بیل ذکر ایتدیر و بر و ایدر  
 دیش که

دیش که بنی علیه السلام مدت دنیا نک انقضا سته و ارنجه قسوت بر قانده قسوتیه که انک  
 یانچی اوجیز کسینه یا دفر زیاده ادم جمع اولش اوله اینه هفت رسول بره اسمیه و اباب اسمیه  
 و قبیله سیه اسمیه بیان ایتدیر و قال صلی الله علیه و آله لا تقوم الساعة حتی تقالوا العز  
 صغار العیون ذلف الا نون کان و جوههم المجان المطرقة یعنی قیامت قویماز جاق من  
 طایفه ترک ایله مقاتله اتمینی ایل طایفه ترک که کوز لری کوجک و بوز لری قصه حقه  
 و بوز لری مطرقة اولان قالوا لکبیر در عکله مطرقة طراف قال یمنش یعنی قاکت در ی ایل  
 قالوا قالوا لکبیر در عکله و بر مثل مقصود بوز لری نک اینه جوق اولوب در لیس  
 قاکت مدور صورتلو بویک بوز لری کسینه لرا اولمندن سیه ایتدیر ذلف ضم ذال مع و سکون  
 لام ایله اذ لک جمعید و عکله اتمک جمعی اولد و یغنی کیم بوز لری کسینه و یاصو اولانه اذلف  
 دینور صفت مشبه دندر تمار طایفه ستن اکثر بوز لری بویه اولوب دکر بویک بوز لری اولانه  
 ذکر اولان اوصاف تمار طایفه سده موجود در و قال لا تقوم الساعة حتی تقالوا القوما  
 نعالهم الشعر و دفر هفت پیغامبر علیه السلام بوز لری که قیامت قویماز جاق من بر قومه مقاتله  
 اتمینی که اول قومک نعل لری شعردن یعنی بویک دندر و قال لا تقوم الساعة حتی یأخض قبل المشرق  
 یخضر الناس الی المحدث دفر پیغامبر علیه السلام بوز لری که قیامت قویماز جاق من بر قومه  
 حقیق خلق فخره سورینی قیل یسول الله فماذا افعل قال علیکم السلام و نیلده کیم یس من اولو ناز  
 نیلیم بوز لری که سر شام و ارک شامده ابرمکات و دیش که اول بوز لری ناز دکر کسینه  
 نام منقول اولوب و جوار سندن هر طرفدن خلق بیت المقدسه بوز و ارض بیت المقدس من  
 اولمی احادیث شریفه در مستفاد اولش امر مقرر در و دفر بنی علیه السلام اشدن حضار مجلس  
 اولان اصحاب اخبار خطاب ایدوب بوز لری که قیامت قویماز تا قیامت اول سمن اون علامت  
 کور منجه بویه بیوروب اول علامت لردن ظهور دخان و خروج دجال و خروج دابة الارض  
 و کونشک مغربدن طوعنی و نزول عیسی بریمی و خروج یاجوج و ماجوج و مشرق طرفه بر خسف  
 عظیم و متوب جانندن بر خسف عظیم اولمی و عرس العرب بر خسف اولمی ذکر ایتدیر  
 و بایاتیک تعدادند قمر غندر بر ناز حقیق خلق فخره سور لری دیک اوزر دفر روایت  
 اولندی و بر روایت بر یح حقیق خلق فخره سور لری دیک اوزر دفر روایت  
 بواحدیث شریفه یازد قد نصی ایدر که قیامت قریب اولمندی عظیم کافدر  
 سول واقعه که بزانه میانه الیکت نل نمرده قتل عام واقع اولوب طوفان دم اولدر اکثر مدن



وامصار خراب اولوب عالم فناء واردي ايران و توران مملکت خرابه متوجه اولوب بحرا قابونسل  
 متخرج اولاه بحر روم ماوراسند معور قالمه يوز افرين عرب غريه سند و جنوب سند بعض  
 ممالک روم معور قالوب باقی بلادک بعض خراب و بعض خرابه مشرف اولوب يزدن و امصارک  
 خراب و معور يرايل بصارت يانده تقدير اولنه معور نک خرابه نسبتی غمی و اجدک افغان  
 اربعه نسبتی مشابه سند در ديومخرب ديار و ستفاک اولاه ملوکة هلاکو و جنکيز کي  
 بروقه و عظمی و ملکه يکباريه اشارت ايدر بونده صند ايدر که سن بل تحقيق بطلموس زانده  
 کيرم يکيت التیوز اون بر شهر ايدی **شهر اری الف بان لا يقوم بها دم** فکيف ببيان  
 خلفه الف هادم معنای شعر شوليد دیکدر بن کوررن که بیکت يا پوج بر يقی بر مقام اولماز  
 فکيف که بر باني نک اردنجه بیکت هادم اولاه ايراد بیده مقصود آفرينان يا قلندر في اسباب  
 اسباب تحريب و انهدام جو غلوب اکثر قوی و امصارک خرابه متوجه اولنه افاده در و ذی  
 ايدر که اعلم ان حلو الدنيا قد مضى واجلها قد انقضى و ظهرت مرارتها و بابت خسارتها  
 فطوبى لمن فارقتها و ويل لمن قاربها يعنى من بل که تحقيق دنيا نک لذت کي مدتي تمام  
 اولدير و اجيال ظاهرا اولوب خسارت اسکار اولدير نه کوچک شول کشيد دنيا دن  
 مفارقت ايدوب بعید اولاه و ويل اول شخصه که دنيا يميل اليه يوب قریب اوله دنيا نک  
 شهر لرینک و قلعه لرینک و کهر لرینک و عظیم نهر لرینک صورتی بود که تقویر اولنور

فمن لغارک  
 هلاکو و جنکيز

۳۶۱۱

مؤلف کتاب اير المومنين علي بن ابي طالب بوسر مصوه ولولو مكنون ينفه كتاب جفره ما  
 مستقبل احوال الله سويله ينفه كتاب جفره احوال الله و شئون ماضيه خبر  
 وير مؤد اول بيا ايه و کي بیکت يريوز مصدر و و کيرم کز صورت محتوي در

ماضي و مستقبل

منزل قمر عدج و ذکر ارباب حقایق ذکر ایدوب دیشلر در که بوسر در هر صوت  
 یتش ملکه شامله بولوک عددن جمله اید و کز طقوز یوز التمش ملکت بولمده و حضرت  
 علیک بولکب معتبرند کذلک یزین شکل واردر کواکب سیاه عددنجه انده حضرت  
 عثمان بن ماعدا بنی امیه ده کلح اون درت خلیفه نک احوال ذکر الیمده که الملک اولک  
 معویه و آخیر مروان بن محمد در بولر اچن امر خلافت سکس اربع سنه که بیکت آی اولور  
 خالص اولندر **ص** بولرک زب الف شهره مخمر اولور و غن بر سر عظیم واردر که انک  
 بیانده بودت و فاخر ولولوا باهن نک و شعیه یوقدر بونده صند ایدر که اول جفر علی  
 کذلک اوده اید شکل وار ایدر حقایق بر دوع عددنجه اول سطر دره دولت خلفه عباسیه  
 که اولی ابو العباس المکنی و مفتاح دیکله مشهور اولاه عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن  
 عباس در بیعت خلافت اکا شهر بیع الاولم واقع اولمده که بر شهر مبارک در بنی علیه السلام  
 اول آینه طوغذره بیعت مزبور هجرت نبویه نک یوز اوتوز ایلیم یلین واقع اولمده که بوعده  
 علیه السلام اسم شریفی لفظ **ع** عددنه اشارت ایدر که بوعده ستر الوان و اساس بنیاند  
 و اسم قلبه اشارت ایدر که روح انسا و صلاح ابدان و اسم **اس** عددنه اشارت ایدر که قلب  
 فلک ایمان و مرکز مدار احاسن و باطن اسم **یس** عددنه اشارت ایدر که قلبه قراه و لب  
 فرقاندر و اسم **الله** عددنه اشارت ایدر که علم رحماندر و اسم **صلیب** عددنه اشارت  
 ایدر که علم شیطاندر و مصطفی بولر ایدر که علم کرم محمد اسمیم شد و دوقضاب اولنجه یوز اوتوز  
 ایدر اولور و قلب و اسلام و مکرر حلاله و لفظ **ص** کلیدین هر بیکت عددن داف یوز  
 اوتوز ایدر باطن یس در مراد یا و سین اعتبار یله اولنجه یا و اون ایدر سین  
 یوز یکرم اولوب جمله یوز اوتوز ایدر اولور مؤلف ایدر که بوسفا حکم خلافت درت  
 ییل اوده آیدر اولمده حضرت علی خلافت کیم یس بوسر غریبه و اتفاقات عجیبه فهم ایدر  
 بوکا و اصل اولماز **ال** احادی کبار عارفین و افراد افاضل راسخین و اصل اولور  
**قال علی السلام** الملک فی قرین یعنی ملک قریندر و قال لایزال السلام غریز المقتدر  
 غریز الی انی عشر خلیفه کلهم من قرین و ذکر حضرت رسول بوردیر که السلام غریز المقتدر  
 حاله اولماز اوده ایدر خلیفه وارنجه که جمله یس قریندر مؤلف ایدر اول خلافت عباسیه  
 آخیر لام مستکفی بانه در بولره زب معاد اولوب صفای اولدر خلافت سوره یس بیکت  
 ب یوز التمش طقوز سنه دکت بولر اوتوز طقوز خلیفه در و لام مهدنیک خروجه فقه

۹۶۰  
 ۱۱۶

۸۳  
 الف شهر

۱۱۱

۱۳۳

یاسین  
 ۲۰۱۲

۳۰



عن قریب بنی عباس بن برجل حکم الیه کرد که زان حکومتی مدینه ی قاهره ده یعنی مهر  
اوله خلیفه نکت نکه حکومتی قدره و ایام نبوت بازو یا قدر اوله کرد که و اول لاهم هدی  
اهل الله متابعت الیوب اتباع اید سر قدر حدیث ترفیع یابا بعد الال شام دن مراد اهل الله  
اولم معناسی اهل حدیث تفریح اتیمار قدر بعضار دفر اید اله مراد صلی و امتدردیمار  
مؤلفک کلام تغیر اول اوزر قدر مؤلف ایدر دفر لاهم علی اول کتاب ارباب علمک  
واصحاب فتن عظیمه نکت اسراریه ذکر ایلدیر دولت حسنه ابتدا سنده انقراض عالمه و ارضیه  
و اول کتاب نورانی و کتاب محمدانی نکت علمه لاهم محمد قهری و ارث اولدیر بابایه لاهم حسن  
الحکمدیه اول دفر بابایه علی النقی دفر و اول دفر بابایه محمد النقی ده اولم والدی لاهم  
الرفاده اولم بابایه لاهم موسی الکاظم دن اولم بابایه لاهم جعفر الصادق دن اولم احم  
بابایه محمد الباقده اولم دفر بابایه لاهم زین العابدین دن اولم دفر والدیر لاهم حسین دن  
اولم دفر والد ماهدی لاهم بن ابی طالب رضی الله عنهم و ارث اولم علی طریح التواتر اخذ اید  
ساکت اولم دفر لاهم امام جعفر مزید مهارتله موصوف اولم بو حرکت لجه سنه طامن غوره  
و اصل اولم دفر و جواهر و لایسن حیوق المشرک کوزن اظهار و تشریح و رموز کشف و  
ایلیوب اسرار و فتن خافیه نام کتاب تصنیف الیمد منقولدر که بدتر باشند اکیح غوافض حقایق  
و دقایق عالم اولم تکلم ایدریش و ایدریش که لقه تجله الله لعباده کلام و لکن لایسردن  
یعنی الله تعالی حقیق عبادنه تجله ایتد کلامند لکن عباد کور مرکز و مؤلف ایدر بو اقالیم  
سبعه اقسام طبیعی دکله بلکه خطوط و هیته در که این ملوک متقدمیند سبعه مکنونی  
ارضی طواف ایدر وضع اتمار در و فزیدون النبط و سبعه کجری و دفر سیله بن داود  
الاسرائیلی و لکندر اليونانی و اردشیر بن بابک الفارسی کجی دفر بزرگه بکوز کیم و ارایه  
بونکله بلدانک و مسالک و ممالکک حدودی لمبوه اچند لاهم ارضک مکه اولمیه ارباب نکت  
بنیانی علی الاجمال بود که مکه اولمیه اوج ربعک بعض بر لری جهل شافیه و مسالک و نکت  
و بخار زاخره یعنی صارب یولر و بویک دکر لور و دواسیه و خیم و متغیرین لور کیم اند  
تعیش انسانه امکان یوقدر یوقارده عدد مدن بطلمیوس زان نشه قاهره ایدر یبایه اولمیه  
لا حضرت رسول علیه السلام زان نشه اوده یدر بیک شهر و ایدر یدر بیک شهر لری یدر و بون  
بیک ملک و ایدر یدر و بون ربع شمالی مکنون بحر و دم ذکر صفالیه و بحر حبابه و ذکر فارس

و بحر صبر و بحر سنده و هند و اردر و بون دن اراقیم بر ساطع مفر و شریکدر که طوی شریکدر  
مغرب و عرضی جنوبی شماله مدود در و سن بر که حقیق جرم ارضک بو یکله اچند اولم  
طاهر و دگر لرایله وسعت افلاک نسبت دایره نکه اچند اولان نقطه کبیر بو محلیک  
تفصیل و بیانی بود که حقیق فلکک بیکت لری طقوز کوب و اردر آگ کو عجمک کو لیک  
عظیم جرمی اون سکر کز ارضک جرمی قدر در اکبر کو اکبک مقدار یوز اون یدر شریخ ارضک  
جرمی مقدار کج در و سنویه ذکر ایتد که موضع خط استوا ده فلکک استار به اوج یوز النمن  
درجه در و بر درجه لری بش فرسخ در و بر فرسخ اوج میلدر و بر میل بیکت قولا چدر و بر  
قولاچ درت ذراعدر و بر ذراع لری درت بارمقد و بر بارمق الیه ارباب اینه قدر در و بر و بر  
که هر بر ارباب نکت بطن بر ارباب ظهیر ماس اول یعنی اوز نلوغه وضع النقط ایشولکنه وضع اولم  
و هر بر ارباب نکت عرضیه قاتر قویروغی قیلنده الیه قیل اینه قدر تقدیر اولمدر و اما مکی تفسیر  
شریفه ذکر ایتد که ارضک اسفلیله عرشه و ارباب مابین ایام دینان الیه بیکت یلانی یولر  
نسخه مترجمه مؤلف کتاب ایدر بو مذکور اولان اقالیم سبعه نکت صورت لری بود که دکر لری  
و طاهر و بر بر لری و شهر لری و متعدد حصار لری خصوصاً مکه شریک و مدینه منوره تصویر لری  
و بر یوزن بزرگه غیر که و ارایه نیل و فوات و یخیز و جهنم و طونه و ساد و طوق کیم  
و بزرگه ماعدایکک طاهر و بر لری و جهل قاف و سده اسکندر کسندر  
آرون اولان یا جوج و جوج قومی کیم بو جمله نکت صورت لری که نقش و تصویر اولمدر و  
سطر الدنیا و فیها خیمه الجبال و البحار و الانهار و الاخفار

و ک

و ک



**فایده** پس بر شهر یغی بر آیر ایکه هلاکتر ارا سنده اوله زنده عبارتده و سنده بر عریته  
 اوست ایکه شهر قریب که مدینه او جیز الیه درت کوه اولور و سنده و فرسیه و جیز النین بن کوم  
 و ربع یومدر که بودتد شمن داین و فکله قطع ایدر بوایکه هلاکت ما بنیلر نه تفاوت هر یوزلیه  
 اوج یل اولور و مؤلف کتاب ایدر بن بوکتایه وضع اتمدم الا اولی الالباب یحیی  
 وضع ایتیم **شهر علی** بحث القوافی من معادنها و علی اذالم نفهم البقر یعنی بنم اوزریه  
 لازم و واجب اوله جوهر قوافی معادنده قاروب حبقار مقدر صورت انسانع بقولایفهم  
 اوله قن فهم الیه بکانه لازم کله یاخود بکا اندک تفهیم و تعلیم لازم و واجب دیکدر و دیکدر  
 بو بیتک ایرادی بن بوکتایه اولو الالباب یحیی ایتیم و بدو کله ناظر در محصل کلام بنم سوزی  
 عقلا و مدققین فهم ایدر جاهل و ناداه اولانر فهم اتمدم و عدم فهم لری بکا ضرر ویر خردیکدر  
 و مؤلف ایدر سن بل که حقیقا آدم بوز طبع ممکن اوله فتنن فرار ایدر دی و بعضی قضا  
 ظهور قن حقنن ایکه جن مقدار بر کتاب تالیف ایدر آدینه کتاب الشکرت و نزوم النبوت  
**قد مشر شعر** و من مذهبی حب لک یار لاهلها و للناس فیما یعشون مذاهب  
 یعنی بنم مذهبند بر دیاری سوک ساکن اوله اهلنک محبتی حال بوکه ناس اوجه محبت  
 ایتکلیر اشیاده مذاهب وارد و مشرب حبیل هر بریتک میله و محبت بر جنس نسیه و شعر  
 هر کس بر شکت محبتی مذهب ایدر بنم بنده مذهب سکا ننگ محبتی اهلیم دیار  
 و منازل سوکدر بو بیت مشهور بر مصنفک ایدر دنده غرضیه دنیاده و احوالنده بحث  
 استیکه باعث اچینه ساکن اولوب کلش کچش و کلوب کلچک اولیا و اتقیا و خالصینه محبت  
 محبت اهلیمند و دیکدر مال مقال بو فوایه رایج اولور بونده صد مؤلف کتاب ایدر  
 سن بل که عالم قدسه انفا سک صعودی بر بنجه مراتب اوزن و بعضی نفس وارد و درم عرش رحمانه  
 صعود ایدر اکاهیم بر بنه حایل مانع اولانر و بعضی نفس وارد و درم عرش رحمانه  
 انده اوسته کچش و نفی عرش رحمانه صعود ایدر ننگ مقدار یومی الیه بیت سنده اولور و بعضی  
 سائر دنیاه واقف اولوب یوقاری صعود ایتیمک قدر یومی بیست سنده اولور

و شول

قاعاصه صفی

لایق از اغراض

انفاس

و شول کینه نک که واقف اولوب صعود ایتیم اول مغفور و انک بوم شمس و انک بن لمج  
 ملکوت النهای من لم یولد قریب دینکدر که ملکوت سمایه کیرم و انک بن طویر لمیر  
 فاذا کنت بالمدار کغلا ثم ابصرت حاذقا لا تماری و اذالم تر الهلال فلم  
 لانس راوه بالا بصار و محفل مغنی مغفور و قن سن مدارک و مقامه عارف اولوب  
 عاقل و داهل اولک بعد بر هازق بصیری کوردکنت وقت انکار ایدر ب و شک ایله  
 قن سن ضعف بر کده هلاک کور سن مک تسلیم الیه شول فتمه که الهلال کوز لریه کور و شول  
 بیت ثانی بیت اولک معنانه تنظیر و تمثیل واقع اولور و فی الواقع اهل الالهک سر از  
 محفل و غافل اولک بعضی اسرار بر انکار اتممنه هلال حدن نظر لریه کوره طایفه ضعف بصر  
 صاحب اولوب کورین کینه کور مدیکور دیو انکار بر مشابهند و بو محفل مؤلف  
 کتابه اشارت ایدر که پس بو ستر مکنده و در محذوفه فهم الیه که بو معاده ارواح  
 و عوارف اشباهد بنم اچیز انه الیه اعظم عهد و میثاق واردره صفات صفا الیه مصنف  
 و ردایه و فایده فریدی اولان لری اچیز که هر قن بوکتایک اسرارن تتبع المیار و آثاره نظر  
 قللر اسرار ملکوتیه و حکمت جبروتیه و کفر بولر کفر شانی انوره فتح ایدر یوم بویله دیوب طایفه  
 بو اسلوب الیه دعا الیه اعانکم الله علی فهمه و ستر کم بعلمه و هدایه کم لکنتم یعنی ستر الله  
 بوکتایک فهمه معادنت الیسون و علمن بیت قلون و نا اهلده حفظ و کتمنه ارشاد  
 الیسوب هدایت الیسون دیکدر سن بل که فوایح سورک حروفی مرموز اولور و بنم حالت  
 وارد اولور بو فوایح سورده هر حرفک تحت خوام و سرار و منافع اثار واردر که انی  
 بلز الله تعالی بور و راسخ فی العلم بور و تحقیق کندی رهم الله طالع ملت عنده اسیر ایتد که  
 کن سن ایدر که اخبار یهود بنی علیات کلام حفته کلوب ایتد لریه که یا محمد بزه و اهل اولد کیم سکا  
**آ** نازل اولش واقع میدر حفت رسول نغم کر هکله نازل اولور دیو جواب و یک اخبار  
 یهود اذینک که یا محمد سن بزه بر ملت و خولی امر ایدر مید که اول ملنک مدینه یتیم بر سنه اول  
 دیوب آلم حاسن اراه الیله حفت رسول نغم کر هکله نازل اولور دیو جواب و یک اخبار  
 اول نذر دیو سوال ایدر یک حفت رسول ایتیم که **الاص و الحم و کهیص در**  
 بو لمتاع ایدر یک مجلس ده قالقوب سنکه امرت بن شکل اولور یا محمد یوب کتمنه حفته رسول  
 بو امرار الهیه یا اچیب اندر دیر سترک فهمند حیل اولوب متفرق اولور مؤلف ایدر بونده

قاعاصه صفی

قاعاصه صفی

نعم







[illegible][illegible]

۱۳۴

عقلم

[illegible]



بونده صحت مؤلف کتاب ایدر که **المحمود** فاته سیمک الشام و مجلس فی انجیام یغیه محمود اسلمو  
بر صاحب ظهور یقیند شام مالک اولوب چادر لر قوزوب اوتورور و لاسنه تخمین فیها بظهر الدجال  
و یقیعه سبعون الفانی امة محمد صلی الله علیه و سلم و یکت فی الارض اربعین یوم معانی کلام اللہ فی سنه  
بلا نزاع و قال خروج ایدر و اکامت محمد دن یتیم بیک ادم الدلوب اویالره ویر یوزنه ووق کون کلت ایدر  
دیکدر و قیل اربعین سنه بعضیده مکش قوق یلدر دیکدر و لاتنس دابة الارض یا اکت الفرض  
دخر دابة الارضی اونیمه ای فرضیه تارک اولان مؤلف ایدر که اهل تفسیر دیدیلر که دابة الارض حق عصایر  
موسه و خاتم سلیمان بیکه سنج اولد و غیر حاله مؤمنک یوزنه عصایله سورور و منور ایدر که کازک  
یوزینه خاتم الیه با صر شاه ایلر بوفیق ایدر که مؤلف کتاب دابة الارض و صفند بومرته الیه اکتفا  
ایدوب و بومحله دابة الارضی بعض ناسخه تصویر اتیلر ترجمه سنه مامور اولد و غیر نسخ دابة الارض  
کوریوب کله شکل کتب معتبر ده مطور اوله ادره اولمغین بوقامس بالقوردر مزید بسط و ایضاح  
قصه اولوب تصویر مودی اولان شکل موافق اولسون انجی میدان و صفند کیت اقلامه ارضای  
عناة قلندری الیه اوله دابة الارضک اوصافی مطور اولان کتب معتبره احادیث و تفاسیر دن  
صاحب الکشاف علامه و زحشر نیک کلامی ترجمه اولمغ اختیار اولندی علامه منور شکر الله سعبه المعوذ  
سوء عمل و اخری و اذا وقع القول علیهم افرجنا لهم دابة الارض تکلمهم ان الناس کانوا باياتنا لا یوقنون  
ایته کرم سنک تفسیر ایدر که دابة الارض جتاسه در در صاحب کت فک جتاسه دن مراد یسوی الذکر  
اوله دجال جتاسه بی دکدر اکا جتاسه دنیکه سبب انجی جزایزه دجاله اخبار تجسسل ایدر که بوندر بونفا  
جتاسه دیکم ایله وجه باده اولمدر بری تجسسل بری خلقه خصوصاً کفار قور و جبر الیه یا شوب  
علامت ایدر که بوندر صاحب کشف ایدر حدیث ترفیع وارد اکا هیچ بر طالب سکوب یتیم و هیچ  
اندر فرار ایدر بجنه قوغ الذل خلاص اولوب قورتلر البته یتشور طور و غیر روایت اولندی که انک  
قواجم اربعه یه واردر یعنی درت ایا قلدور و انک زغیم و ریشی و ایک قناد لری وارد و قاموس  
زغیم حجر که اولد و غیر حاله صغار شعور یعنی کوجر ک قلدور و دخی رشدر و رشک بوشاغی

الحسن بن علي بن محمد

حیو تفسیر ایدر و صحاح و هر چه در این زغب دارد و چه فلج غزل در و قوش یاد و سنک دینیه اوزر  
 اولور دیوسان ایله ویش ایسه بلک و توی مغسانه در و بونک و صفند این جریخ ده مرو و رکه بانی  
 اکون باشی کوزی خنزیر کوزی قویاغ فیل قویاغی و بویزی ایکیزدی کبیر ایل طایغ تکیه سدر که کافار سیج  
 کوزن دیرلر بویزی دوه قوشه بویزی کو کبیر ارسلان کو کبیر رنگ و لونی قبلان که و حاضر کر  
 یعنی یا خنکار که یا یا خنجر کبیر قویردنی قوج قویردنی کبیر در ایاغ و طرفی دوه کبیر در ایغ فصلانک  
 مایینه اوه ایله ذراعدر ادم علیه السلام ذراع علیه و درخی روایت اولندیکه خنجر ال راس خنجر باشی طواف  
 سمایه یا خود بولنکه یثوره و ابوهریر حضرتن رضی الله عنه منقوله رکه اول دایه ده هر رنگن  
 رنگت وارد در و ایکه بونیزنگ ارنی اتمو که یثنه بر فرسخ در و هفت حسدن رضی الله عنه مرویدر  
 جقغه باشد قه خود اوج کوند عام اولور یعنی یرون متصل جقغه متعب اولوب طور مر جقغه  
 اوج کوند دکت انجی منفصل اولور عظیم حشه و طولی قامتی بر اادن استدلال اولنه و هفت امام عاده  
 کرم الله وجهه روایت اولنور که دابة الارض تحقیق جقغه بشلر و خلق بونک خروجه نظر ایدر  
 اوج کوند انجی ثلثیه جقغه حضرت پیغام بردن علیه السلام دابة نه معلن جقغه سوال اولندیکه  
 جواننده می توانک قندم قدر و حوت یونندن اعظم ما جده اولاندن جقغه سورب کعبه ی شرفه ی  
 اراده ایندیله و در روایتی که بود آیه اوج جقغه بردن قضا یمنده جقوب شه باو شجعتی اوله بعد  
 بادیه دن جقوب شه غایب اوله طول زمان جقوب مرو زنده صد لکوه خلق الله قشند اعظم ما جده  
 و اکرم معابد اولان کعبه مکه ته جمعیت ایکه ناکاه بونک خود قلوب خوف عظیم بر اغوب دارینی خرم  
 مقابل سند بین الرکن که مسجد ایدن طشع جقشک صانع طرفنه کلور جقوب خلقت بعضی خوف ازدن  
 فرار ایدر و بعضی خروجه باقن ایچن قرار اختیار ایدر و بعضیله دیدیکه صفادن جقغه خلقه  
 جدید و ککین لاه الیه سولید ایدر که ان الناس کأنوا بآیاتنا لا یوقنون خلق بنم خروجه اینا نر ایدر  
 دیکت مفاسن مراد ایدر زیرا انک خروجه ایاندر و در فی الالفه الله علی الطالمین دیو خلقه خطایه  
 لایم سدید مرویدر که خلقه دین اسلامه غیر ادا یانک باطل ایدر که تکلم ایدر و شهادت ایدر و این عمر  
 حوتنده منقولر که مغوب طرفنه توبه ایدر و بر صرجه ایدر بیز محکم طوب جفر صدی منو خلقه و اصل  
 اولور صانع مشرق طرفنه بویله ایدر صکره شام جانبینه صکره یین طرفنه بویله ایدر و در روایت اولندیکه  
 اجیاد دن جقغه ایدر مکه ده یین طرفنه دوشن و اددین اولان طامک آیدر و در روایت اولندیکه  
 حضرت عیسی علیه السلام نزولدن صکره مکه ی کعبه یین طرفنه طواف ایدر کن ناکاه خلقک یاغ الله  
 ارض مضطرب اولوب معلق قندیل کیه صالنه بعد صغایار یوب معنی طرفنه دوشن جانبندن



داتة الارض صفاد **ج** بقه عصای موسی و خاتم سلیمان **ب** یله سنجه **ا** اولاه مؤمنده مسجد نغنه النسخه  
عصا ايله ادر برکت گنه یرالنندن بیاض اولوب کنه کجه سرات ایدوب یوزیراق و یراق اولوب  
کوکب دری کجه ضیا و یر **ج** ایکه کوزیر اراسنده مؤمنده ردیو یار نیله **و** کافرک دخر خاتم سلیمان ايله یوزنه  
باصه برسیاه **ک** سرات ایلوب **ج** جمله یوزیرقاب قاب اولوب **ا** ایکه کوزیر اراسنده کافرک ردیو یار نیله  
و روایت اولندیکه مؤمنک یوزنه عصای موسی ايله مجله ایدوب کافرک آنفنی یعنی یوزنه خاتم سلیمان  
ایله اوز **ا** نده صخره بونلره یافلان سن جنت اهلندن سن **و** باطلان سن اهل ناردن سن **و** دیه  
و آیت کریمه **ت** کلهم کلهم **و** شریفیه تخفیف لام ايله کلهم **و** دیگر قرات اولنده **ج** جرح معاصنه اولوب  
خلقه عصا و خاتم ايله نشان آتیمی مراد اولامنده **ت** کلهم اولوب **ب** بو معنی **ی** دیریکله جائزدر معنای  
تکثیر قصد اولوب **ج** مرید جرح مراد اولوب **ت** کلهم کلهم اولوب **ک** لیدن اولاه صاحب کشتنک معنای  
کلام **ب** بو مجله تمام اولدیر **س** بو تفصیل ضبط اولوب **ک** شکل داتة الارض بوکاموافق تصویر اولنه

دارد

مايه و نماوه



شعر نظر دینها فلما علوا انما لیت لحي و طنا جعلوها لحي و اتخذوا صالح الاعمال فيها سفنا  
یعنی اول عباد دنیا به بصیرت و نظر اذعان به نظر الی یوب احوال و اطوار و نه تا نکل و تفکر استدیار  
بر تامل باعث و سبب ادوب و فکرم بودنیانک هیچ بری مخلوق اگر و وطن و مکن و کل اید و کین  
بلیجک بودنیای بر مغیر بر خطر اتخاذ ایدوب بوده فضا اسکار بوزان کچر کیم کچک اعمال صالحه و سفینه  
قایق ایدیلیر مؤلف ایدر اما غام شمعک سر جلیل و اشارتی جلیله قوی اخبارها لایر ابرار  
و نه اه اعتداله که اکابر ذوال یقین پس بختی بزرگ عجب صوفی کشف و نقاب کوی رفع اندک ال  
حلب کوی عن قریب قوم ترکی و عیال کوی طایفه به خواب ایدر و دهمی کجایات یعنی نور خود عیال  
و جلی عیال ذن عیال غرابک جیدر مقصود اول سیرت بر طایفه استیلا سیدر یا خود عیال  
لساه عیال شایع اولان اوزن کیم و زور قلم معانی مقصود درک حلب قریب یا ص جوارید اولاه غراب  
اسکله یه فونک طایفه یه حقوق جلی می صر ایدر کیم اشارت درک فونک ایل بر معانی اتفاق  
ایدوب حلب کوی ضرو و زوالی اول طرفین ظهور ایلر و در فونک شنه سنه مرج اخضر یقین  
بنوالا صفر نزل ایدر بولکات ترکیه مؤلفک کلام عربی سنک مفهومی و کون طوز سنه سنه مراد  
قنق طوز سنه سیدر ناعلم در و یقینک دیدر کیم کل آن و تیب اعتبار یله در مرج اخضر یکل اوده دیکر  
مؤلفک بونک اشارت کلامی رموز و اشارات قیلند اما قبه تحلیل فعلیه الدم سیل لا حلبک  
قبویم اوزر نغ قان زوان اولوب سیل کیم ایا کر کرد فاهم قد فحت باب الکنز المخبوم والرمز المکتوم  
لمن اراد الدخول الی حقیقه اسرار العیوب فی روضه انوار القلوب و الحمد لله الملك الفتحاح  
پس من فهم الیه بن تحقیق کنز مخزنک یعنی مهر لو دینه قیوس و کز لو رمز قیوس آچدم اسرار غیب  
وانوار قلوب با نجه لرینه کیم دسم عدس اول الله اکنزات و فتن در ملک فتاح در  
بسم الله الرحمن الرحیم و بعد فاه مصر شایع عجیب و سرها غریب  
مؤلف ایدر مصرک شایع عجیب و سر غریب و خلق زر قذن کنز و انهم معیشت خلقند  
اغز در یعنی جو قدرانده چقین کیم طویز و اکاد اخل اولیان لیل الحجاب و لما ز یعنی اب  
وهو ای مصر آمدن خشونت و غلطی کیدر و لطف لمع ایراث ایدر قال بعض الحكماء  
نیلها عجب و ترا بها ذهب و نسائها لعب و صبیها طرب و امراؤها جلب

و اما عام

عالم

نقد تدخل

ام قیاس لایق فتن دس

آب و هوا  
نصف طبع  
ایات

و هر

و هر لمن غلب و الداخل ایما فقود و خارج منها مولود یعنی نیل عجب و غیر غیر نسای غایت کوزنر  
داخلی مفقود و خارج مولود در بودن مراد غریب اولوب و ان کند و یارن اوند و مفقود  
حکمند اولوب و خارج اناده طوع کیم اولوب نیل با نده تحت دنیا به مبتلا اولوب قال الله تعالی  
اصحابا بت و فرعها فی السماء شر القدر لایح لارباب الذوق و الرذایح اصحاب دوق و رباب کیم  
سر قدرت لایحدر قال علیه السلام العلم علان علم الابدان و علم الادیان و هذم صوره تاریخ  
القاهره و سیای فیما بعد نبی علیه السلام علم الیکید بر علم ایدر که علم طبر و بر علم ایدر که  
علم شرایع و احکام در و یو تاریخ قاهر نک صورتیدر و بونده کیم در کیم کیم فلت الدنيا  
و کم فلت و کم سرت الدنیا و کم ففت محصل معنی دنیا نیل سنا اقبال ایدوب مقبول قلیدر  
و نیل سنک عین ستر ایدوب نیم سنک کشف ایتمکله فضاحت اوله یه فالعید از اذمت الیه  
باعها باعها و الشقی از اذمت الیه باعها اطاعها پس حید اوله که دنیا فتن او کال و یروب  
التفات اتیوب آن صاته شغل اوله که دنیا فتن او کال و یروب  
مقبول اوله عجز الماس من لبه کم یجن عجز الماس کیم کوتر سه مجزون اولیه ملک الملک الناصر صلاح الدین  
یعنی ۳۰۴ فی ثامن ربيع الاول عام ۶۸۸ خراج بنو تیز مؤلف کتابت با صرام بر کیم  
ملکته اشارت ایدوب بواسطه ایلر رزده کیم دینل کیم قاهر یه بنا ایدر کیم لیم جوهر ایدر که مغرب  
ولا یتک صاحب مغرب بادینک قایدی ایدر اوج یوز الک سز سنه سنه بایدر  
مؤلف ایدر قاید جوهر قاهر یه بایدر قاهر ایلر سینه و بولشید یه بختی جمع ایدر و بطاع  
سعد و وقت مبارک اختیار ایشلرید بعض احشای تغیب ایدوب ایلر کوی جاکلر آشکار  
بختی اصل لایر طوب بنار اللز طاش و بالخر طو تو فتن ساعت کله و وقت ایلر  
حر یک ایلر جاکلر کت آوازندن واقف اولوب قیل برافق تدبیر ایشلرید اتفاق ساعت طمان  
بر غراب او کیم ایلر طو قنوب جاکلر حرکت ایدر کیم بنار بختی حرکت ایدر کیم لالا القاهر فی طالع  
بر او عذن اللز و اناه طاشلر بر اغوب تل وضع ایدر کیم بختلر ایدر کیم لالا القاهر فی طالع  
یو جفر لایر ایشلرید اکا ناز قاهر یو سیمه اوله و بر تبیدن دفر قاید جوهر کت مرادی یو ایدر  
بو شهر اندی مغرب نسک الذن قیامه و کیم تبیدن دفر قاید جوهر کت مرادی یو ایدر  
اولیجی بولم اترک مستوی المقله اللز کیدر بایق اقیام ترک الذن مقله اولاجنیلر بیلر  
قول دیدر کیم اولما زه هو دیدر کیم اولور قال الله یا عبیدی عیدلر تیرید و ایدر لایکوه الا ما ارید

۳۰۴

۳۰۴

۳۰۴

۳۰۴

۳۰۴

۳۰۴

۳۰۴



وفتحك القلعة الشهيرة في صفر بمصر بفتح القدس في رجب يعني سنك قلع و شهاب كه حلب در  
 صفره ففتحك رجب ده فتوح قدس اليه بمشرد بعض علما ملك مصر غيب ملك و محبت ملك در  
 ديشا بعض علما دن حكايه اولو كه ابواب رومن بر قونك اوزر نه تحقيق كفا لثا اول طامت  
 اوسطي نه امت آفر غامد ر اعتماد اتمين تجربه اليه سونكه بلایه سلامتة فرق و تميز ايدوب ملك  
 اكامبت اولو ديو مكنوب بولمده و باز مش احكامه ضالته كل حكيم سجاه القدم حكمت هي حكيم  
 يعني هر عالم ملك يتوكيد ر دن حضرت قديم تنزيه و تقدس ايدرن با يوسف اعظم عن هذا ان  
 تفصح الكتاب و تفهم احواب لا تسعي بالقال بعد فهم كمال اي يوسف بواوردن اعراض اليه تا كه كتاب  
 اجه و جوابي فهم ايدن كن فهم حاله صخره كنيه سويلوب كشف راز اليه ساحت اتمه لتذرع على احواب  
 هذا شي و سبق في الكتاب خير هائل خراب اليه سن انذار اليه نور امر محقق الوقوع در كه لوح محفوظ  
 بركت و قوتي كجند عثمان ابو بكر كان احق باليقين و لكن الحق في علمه قديم ظاهر معنای كلام  
 عثمان ابو بكر تقدیم احق و ادلي ايد و كيه علمه قديم ديكر قيل ليس على الامر وقوع ولا على الاعوج جرج  
 ولا على المريف جرج آيت كه نيك معنای شرفي مشهور و ظاهر در مؤلفان نظم جليل تنزيه ترتيب  
 ياروب اقتباس البويوب ولا على المجنون من خرج طاهر الحاق ايتدر كان و جوامهم الجمان المطرقة  
 بوقار و بركت معنای كجند بر عددوي مهور اشارت در بونده صخره اوله و ديه و صفار و  
 عدل در و رايك سفا هتدر جوب فبا و بج اهل الارض عند قحطهم بيع حرم القايم با هم عليهم  
 ديرو ج كيه بر حنذر ارضن مراد مصر ارضيد و محصل كلام اهل مصر مر حنذر بر قحط و غلامت  
 و قوعن اهر ك تشويه قايم اولانك نزول و قدوم قسند كيه اذ زحل و المريخ اقتربا في جرج  
 اجد بوفد كور زحل اليه قريخ جدي بر حنذر قراه ايتدر و قسند اولو اخذ ر بني القان  
 العاشر و اتفر بنفسك بجل نقر النافه يعني حذر اليه اي نجم او غلرم او نجم قراذن و دفر نك  
 اليه قاجوب قورتل غالب عليه ايتدر دن اول يا خود اركوب قجب قاجزده اول ديكر هر الجوس  
 حكيم ايتديكر هر كيم ر سلايك الشذ اوله شمل يا غلبه پادشا هار حضور نه كير بهيت و معتبر كورنه  
 يا اهل القاهره قدان اوان شاهين القياصر يعني يا اهل مصر تحقيق شاهين القياصر  
 خود قريبل در ديكر قياصر قيصرت جدي در قيصرف و ديه پادشا هار نيك اعيد و الشمس  
 قرا صيفت و الزهق قرا حرت حال لو كه شمس صرد در و زهره يله ر قزدي و الفرس قدانمت  
 و القس قدانمت دفر قز او يله و دش قالقدير قس فتح قاف اليه رئيس نصاري معنا

اولو خط است  
 او خط است  
 او خط است

يوسف  
 با قديم حركت  
 جوا جوا  
 ۱۰۳۲

عثمان ابو بكر  
 ۲۲۹  
 قديم اولو ۹۳ كور  
 دي اولو قياصر صفر ضاه  
 ۱۰۳۲

قرا زحل و المريخ  
 ۱۷

دفر نك

غالب  
 ۱۰۳۳

قرا صيفت و الزهق  
 قرا حرت حال  
 قرا صيفت و الزهق

طائفة

طائفة و نصارى علمه اولو نه قس و قسيس دير لر و قد ظهرت الافاض و خفيت القافس دفر طاهر  
 ظاهر ايتدي و قافس خفي اولوب مضمحل اولو نه افاض افطسك جمعير افاطس دن مراد سافا ياه اولو نه  
 قاموسه قفس ضم قاف اليه اكر اديكر كمانم بر طائفة در جويضج ايدر مقصود بر طائفة  
 قوتن و بر طائفة نك ضعف بيان اتمدر نتم تهد حصون الشام و الناس قيام بونده صخره دلالت  
 شامت حصار دري هدم اولو نه خلق اباغ اوزر نه كلوب عالم هرج و مرج اولو و التدام على النجم  
 الزاهر و العلم الباهر حق قاتل نك سلاي عالم علمك علم باهر و سما و شرعك نجم زاهر اوزر نه اولو  
 مقصود خلاصه و كافه موجود اوله صاحب مقام خود در قاسم عليه السلام لا تقم الساعة قع خرج الجدي  
 بني عليه السلام قيات قوياز عهد ر جويضج سوردي و عند التناهي بقصر المتناول بوبر مر اعد  
 مثلا ساير جرج اوسته اجرا و نغدر معنای قع بعيد و اوزن رشي نهايت بولدر و وقت  
 قديم و قاييل كور نور ديكر بوقوايه شاهد در كه بر تاره آدمه يوزيل عمر سور رس ديكر  
 قع اوزده كلوب حور و فرجان اولو ر قين عمر ك اخنه اير شد كيه صوره ر بران قدر اولوب  
 قع قصير كور عمر دنيا دفر بولدر قيات قوياز ديومغور اولغله اخن نه ظهور ايدر جكفته  
 و فساد و شونده امين اولوب دفر قين ظهور ايدر ديو غافل اولو نه الكسوزين زل زل كلوب ظهور  
 ايتدي اوقات سابقه غايت قصير كيه ككر عارف و عاقل اولو نه مصنفك بولكا تذن جوق تنبيه  
 جهل اولو و الشمس طالقة بالليل في القمر مع الغروب و المعين من خبره يعني شمس مع غروبها  
 كيه اليه قرده طلوع ابد نهايت عينك خبري بوقدر بزم كوزيمه متوردر و ايفعل شمس قمر مقابل  
 اولوب ظاهر اوله قمر بر نور اولماز در جرم ارضك قمر دوشوب عالم قرا اولو اولغله خلقك  
 كوزينه نور شمس كور غيوب بزه نسبت غروب ايدر لا قمر نسبت غروب بوقدر نهايت بر اوازده  
 جرم ارض حامل اولو ر قدر نوري اكلوب هلال سلح اولو ر لقاء و تحليل شفاء القليل  
 جيبك لقاس يعني دوسك طاقاينه شفاء قليله لاسم على كرام الله وجهه ايدر كه اهل دنيا  
 بر سفينه خلق كيدر كه كمي يرايدر اهل ايتدر بايوب طوبى و واقف صغور كرامت  
 على بر آيت كرمي دفر مؤيد در و تري الجبال تحبها جامة و هي ترمز السحاب و هه صورة القهر  
 و سبيل فيما بعد ادامها الله مادانت الايام و حرت الاقدار و مؤلف بولكا قاتل  
 صور بكون نقش و تصوير ايتدر

جرج اوسته  
 جرج اوسته



اذا كثرت الفتن عليك باطراف اليمن فغني فتنه جوفه من اطراف يمنه هجرة امك لازم اول  
 لا طویل القامة فانه من اشراط القيمة لا طویل القدا ولا صاحب طهور كظهوره اشراط فتنه متدبر  
 اما سعید صاحب اخصال الحیدر فانه مستحکم في البلاد عند ظهور الفساد مؤلف سعید صاحب اخصال الحیدر  
 اسے خاتونک بلاذن عند ظهور الفساد حکم اید جگہ اشارت ایدز و سنن تقویٰ داخلہ حکم زبردیر تاکید اید  
 و اید کہ مغرب بادیس قاهرکت بیت عمارت و خرابیہ دلالت اچون وضع اید و کجی کجی سندن اید کہ  
 فتن کوب معروف منزله و معروف سندن طلوع الیہ ہر یوزیلہ او تو زرسنہ عدالیہ اندہ صند سندن ہجرت  
 استقاط ایلہ او تو زریا خود دخی اقل قالہ پیر بوجاہت وقوع فتنہ در اسامیہ حکم قلوب مایوس  
 و معور اولان شہر کرکٹ خراب و حشت انگیز الیہ و یوزیلہ دجال فرجہ نشتر و نور و شمس  
 مغربن طوغر وین سنی ظن اید کہ ہوامر عارف و کس ظاہر اولدوغر خالہ اشراق صباح الیہ بوندہ صبح  
 امر زیاہ اولماز آلاشت جہنمہ و دنیا زیاہ اولماز آلا بار جہنم و خلق زیاہ اولماز آلا بخل جہنم  
 زیاہ اولور جہنم فرج رخف سہ قدرت وانت طسوع س کند کہ تمام الورن دنیا  
 صائیک آتین ناقص ربع دانق سن حال بویہ الیہ دنیا نورسن رعنا نورسن تدکیت وانت فرج  
 سن فرو سنورسن حال بوکہ هنوز یزدہ دہ هنوز جہنم یلچ سن تزبیت وانت حصہ سن کالن  
 بولش زبیب نورسن حال بوکہ هنوز حام قوروق سن و نظیرت وانت مفلوج سن منش  
 و حرکت کال دعواس اید و سب او جارقو شکره او کمنورسن طر نورسن حال بوکہ سن مفلوج سن او جوی  
 و کل حرکت بیلہ قادر دکل سن بوندہ صند مؤلف و ہنرہ صوفی کریمہ در یعنی اول خفک صوفیہ بود کہ  
 کریمہ اوزرن او تو زریا خود دخی حالہ دیکر

معرب بادیس ۲۶۹

مؤلف

مؤلف ایدر امیر المومنین علیہ السلام اللہ تعالیٰ علیہ وسلم بعد از آن شیخ خنظل دیار مصر دہ ظہور ایدر جلت در  
 و دہ و دیکر فتن بسم اللہ الرحمن الرحیم خود فی عدو کرد و کتب تمام اولہ تحقیق کام محمد بن محمد ولادین  
 زلیہ اولور اذ انقذ الزمان علیہ عرف بسم اللہ فالحمدین قاما و دوران الخرج عقب صوم  
 الا بلغہ من عندی سلاما یعنی فتن بسم اللہ الرحمن الرحیم خود فتن عدو زلیہ ہجرتن دونہ لام ہجرت  
 قائم اولور و زلیہ خودی ہنر رمضان عقبہ در اکاہ اول بندن اکا سلام ایلہ و لولاک لظہور العد  
 اگر حد و طاسہ ترعد ظاہر اولایہ الشمس سلامش و لحد المرسم لابذلہ فر الطہور اعلیم مصر سبارہ  
 فی الرتبہ شعبان و شاہین مؤلف بوعبارتہ علی طریق الرمز یازوب بومریم اچون اقلیم مصر  
 ظہور نہ لازم دیر مرتبہ دہ اکا شعبان شاہین و شعال و شیخ و شعیب و شیت  
 و شمعون تشارکدر دیر و دخی اید کہ ہر سورہ کہ انہ الم وارد در و اسما و ظاہر دہ دیر شول غی کہ انہ  
 موجود در فلک شمس متصرف اولان اولور

**الف لام شین ہم**  
**با نون دالہ**  
**این**

اخذ دولة الشمس بغیہ و اکلم مؤلف بور موزر یازوب بعد ایدر لام محمد بن محمد فرجہ اولدور محمد محمود  
 و بلاد شامیہ و بلاد رومیہ بر رجل من قریب مالک اولور و مالک رشیدیہ دایر مالک اولور محمد محمود  
 و موطن و مسجد کبیر باد دولة الملک والذین القوم اذا تقدم باو بعد باو ظاہر دقن بالبرق  
 من بعد برق دولة ظهرت و مصر و ام فی مینہ فی سنن بوایک بیت ظہور اید کہ بعض دولة اشارہ  
 استخراج اہل فتنہ معلوم اولوب ظاہر معناسہ و افہم سبب تختفہ سنن بظہر سبب  
 اختفا ایدوب حسن ظاہر اولور فکرک فیکت بکفیکت سنک فکرک سنہ فکرک کاکافی در  
 من کان ہواہ اذاہ فتورک ہواہ دواہ سول کنند کہ ہواہ اذاہ اولر انک ترک ہوا  
 دواہ سیدر تبدیلیک الایام ماکتب جاہلا و ناسکت بالاجبار من امر تزود  
 بملک و یفوت مملکت و یفوت مقصود بر عند علم اولاہ صاحب طہورک ہلاک نہ

۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰



در این براسند الان وجودت قوت ملکه و کثرت عش و قوتنه اشارت در

برای و سایر  
مالی عامه  
رساله شیل قاده  
بیت قول اول

۲۰۶  
۶۷۸  
۱۰۳۶

ولا یقیم الة حتی یجلس علی سریر یوسف یوسف قیامت قوباز حتی سر بر روی علی السلام بر سر  
آخر او تو می بینی و لا یقیم الة حتی یجلس علی سریر یوسف صاحب الروایة الظاهرة قیامت قوباز مهر  
راست ظاهر صاحبی که می بینی اسم **سید** و سعد سعید و امر حید یعنی انکه اسم عبد الرحیم  
یا خود رحیم عدد نه موافق بر اسم اول طاهر سعید فعلا پسندید اول **سید** قلب الفرائد  
و قلب بن **سید** یعنی پس از آنکه قلبه و پس سوره و شریفه شد قلب  
سلام قول امیر رب رحیم آیت کریمه سید **۲۰۸** غزل حیض رجاله و قلب سلام بر اهدیه  
مهر حکم شین دومین یاسین عراقی یسن فارس عرف شنیدر بولور موز در  
استخراج صیغ ایله مطالعه مالک اولان اهل جعفر معلوم اولور مصحح حکم اولان که سید  
احوال بیان ایدر بوقاریع تصویر تصویر آیه ذکر اوزره قانع مصر موم می خورد سلطه سلیم  
خوکریر اول یا خود سلاطین آل عثمانه بر آفر ذات جلیل الشان اوله الله اعلم بایات اولند که  
خلفان مامون مصر کیدوب اهرام کویکت فتحه امر ایلدی بیک بلا ایل بر طاقه سحر ایدر داخل طاقه  
الوة ایله ملوک حوض بولندی بونک سبب بناسه ظفر بولدی مامون فکر استیدی بوطاقه نکت فتحه نه مقدار  
نه فرج اولند که کویکت دیدر حساب ایلدی بولان مال الیه صرف اولان مبلغ زبانی و نقصان سر  
برابر کدی مامون استیدی بونک بیانیله نه عجب ایل تدبیر و عالم کنه کیش بونک بر جانندن بود کویکت  
اولا جنین بیلد بر جویون بونک بود کویکتون کز نشود دید **۲۰۹** احمد ربی دایم الصلوة  
علی النبی کامل الصفات من الموفی عندی الاسرار توافی الاعوام والاخبار عتیق مانی  
ف منجی المختار ملک خلیفه عدها یا قاری فهدی احدی بنات الدار اخبر تری  
وقت و هم النار خلاصه **ارجوز** مرثوز خلفان بر طایفه نکت مدت دولتی  
اشارت در که یا قاری عددی اولوب اوچیز بکیرن اکیمل اولمیں کویکت اهل  
آفرین و یروب غیر طریق ایل استخراج اتمک احتمال **۲۱۰** اذا جاء القضاء غشی البصر  
فمن فضله کوز اور تلور **عباس** بن محمد حکیم فی صفر محمد و اهل عباس صفاتین ملک استاید

و هه

و هه صوته الاهرام بومصر ولا یقیم الة حتی یجلس علی سریر یوسف صاحب الروایة الظاهرة قیامت قوباز حتی سر بر روی علی السلام بر سر

هرم  
۲۶۸

قال علی کرم الله وجهه کل غیب اکرم تعطف به یقولون الزمان به فساد  
و هم فساد و فساد الزمان یعنی زمانه خلقه دیر که زمان فساد اولدی حال بونکه الزمان فساد اولند  
زمانه فساد اولند **عباس** عثمان جیم عثمان صالح عثمان یوسف عثمان شیخ عثمان سلیمان  
عثمان شاه رفیع عثمان محمد عثمان عبد صالح خیر منیر طالح بونک اولاده ترا کیدن  
اهل جعفر معنای مراد بر استخراج ایدر رموز و اسرار قبیلند  
**۲۱۱** سیطع فی مغیب الشمس نجم ذنب کبش الرجح عالی بوجه مستدیر مثل ترس علامه مایکونه لامحال  
یعنی مغرب بر سوکی کیه اوزون قورقو یلیر عن قریب طوغار قلغان کیه ذکر بر یوز ایله بلا شک  
اولا حق واقع نکت علامتیدر و هه صورت و صور اجداده و هوالتیف بقتل و هه  
صوت السین و هو ملک و مجلس علی التری

مکتوبه  
بیت قول اول

و علی الاردن لایه تری وقعة کالنار نرزداد ضریا دغیر اوزره کویکت کویکت لازم  
بر جنک عظیم که یالک اود کیه زبانی اولمق اوزره در ویل حوران و منی حل بها  
و دمشق یلتقی خوفا مقیما و یل حوران دایله مقرر در و شهر دمشق خوف دایم ملاقی اولور  
و تر فی السام امرامنکر بشمل الناس خصوصاً و علی و دغیر شاه بر شکر حلول استدکبه کورس  
که خلقه شامل و سار اولور اهل شاه عام اولور و یح قیساریه من جحفل یتروا  
جنات مانیها جمیعاً و یح کله بر تر قدر قیساریه شهره بر عظیم عکس غار یلیرند  
آجیوب تر رقم ایدر اول عکس حلون فی جنت کیه باغی و باغون جهنم کیه ترک ایدر کوزر کینه  
عالم زنداه اولور کم بهاف مکی مکتوبه و جسم اصحت حکم اگر شو هکت ترکی  
و پرده ی بر تمغه دیر اول وقت قیساریه نجه نجه هکت قلب اولور و بولور رسمه اولور

کوزو بیسی بون در عمارت غنیمت اولور



مقصود بذكره ضعف قوت اولوب و ظاهر آنکه اگر در خاطر لکت یقینید  
بجوش عتق یقینها قیصری کجای کفوه الرجبما بیت متقدم مذکور اولان شناخت  
بر قاج عا کر متقدمه سببیه اولور که اول عا کر قیصر لندن در خلق المکت شرک دفع و مظهرینه  
کفایت رب رحیم تفرغ ایدوب انون کفایت ایدوب مقاومت مجال اولماز محصل معنا بولیه فهم اولوب  
نسخه لرح بوبیت اختلاف وارد و تشوش وارد و یترق الارض یضی تاویا یهتک الاستار  
ادبسی احکیم اول حکم جانب شرقه اقامت ایدوب پرده و ناموسلری بر قوت جرم مسلمانی سیرلر  
و قوام الدین یعوج و قد کان من قبل اماما مستقیما قوام دین اولوب طوغری اولان متعوج اولور  
حال بویکه بونده اقل مستقیم ایدوب و کذا الاعراب یقوی عزهم بعدتین قواما لن بدو که کذا ایدوب اولان  
اعرابک و غیر غلری قوت بولور التمسده صفة بر قوام قوت ایلکه انده دوام و بقا اولماز التمسده  
مراد یلید هفته صید کونیدر نامعلوم در ایهام اوزره قلوب اخفا قصد اولمده بونده کور که مجلس رموز  
و اشارات قبیلند در شتم یایه سرب فی رجب ادرت العالم انسانا و خلق بونده صفت بر بولکت  
کلب اول کرده مبارک عالمه انش و علوم ایراث ایدوب بولکت قدیمی رجب آیند واقع اوله  
بر سلون النیل فی الحرب فلا یلتقی فی بقعة الت مقیم مذکور اوله عا کر یکت شر او قلدیر که  
اکا نبل در لرجنکت یوزند ارسل ایدوب بودجه قتل و سفک و قان اوله که بقعة شامه بر مقیم  
بولیمیه نبل و کرا و لوب مطلقا اوده اراده و المنقده جائز در اول طایفه البته نبل استعمال اتمک اولور  
ویل خص و لمن حل بها و کوران قاتلق یعیما خصه و ایلنه ویل دوی حوران ویل مقرر در انج  
بو قعة صده صده بر نعیم و راحت بولیماز سن ویل کلب فی کلاب کلام سوف یقوا بعد ها ذلا مقیم  
اقلوب سابق اوزره نبل کلب قبیلنه داغ ویل و لاسون بعد مهله ذل دائم و هو ان مقیم و سوفیه  
ملاق اولور و تری القطل یعلو حلبا بطلا خف و یسحق النجوم و غیر طلب اوزره  
و تمن عکوزن بر توتز بورر باطل ننه یا خودر شجاع دلاور ظاهر اولور و توزده یلدر مروتور  
اولور و بذالتایخ من تسع تری عجلای سغرق البحر عشق و یوارنده که طغوز یلدر نصا  
یا طغوز آبی طغوز کوزده صده بحر یوزن بوریش بر عکظوم کورس و نبی الاصف جیشا هائلا  
مستقلای شبه اللیل الیها اول عکظو الاصف و در خوف لشکر اولور و غیر حاله و قرا کوریه مشابه  
اولور و غیر حاله در ویل عکظو سوف یفشها العدی و بر شتابها یول مستق املوب ایدوب  
اوزره عکظیه و غیر ویل وارد بر عکظو صا ایدوب قاپلار و یکتیر بر شوم کور کور کور و یکت

مراد در

ملاحظه

امام

ملاحظه

وقعة هائلة یترک الابطال فی البید هنیما و دخی باقانی

مراد در و یلقا ده برو قفه هائلا اولور که دلاور تر اوده کسور و موجود مور مقتول اولور که  
بلقا شام ملکند بر نایجه در نایجه و مزبور شام ایل و الهودی القوی یلیند شراره نواهی سندن در  
و فلسطین تلاقی وقعة تذرا الطفل من الهول تیما و دخی فلسطین ده برو قفه اوزر سن که انکت خون  
او غلا بخفایر یتم قور و علی القدس تری اعلامهم خافقات تعلو البیت الکرمیا و بیت المقدس اوزره  
اول عکظو علمین خافقه اولور و غیر حاله کورس بیت کرم اوزرینه نصب ایدوب خنوق سجا عکظ  
تافته سنه روزگار طوقوب طالبین دیرر رایات خافقه اطلاق نصرت و غلبه ده مستعلا  
نتم یایه محفل بقده و نینج الا تراک مقدما کریما بونده صده بر عکظو اولو التکر طوم و ترک جسنده  
که بهادر و کرم اولور و غیر حاله فی صنادید کاساد النری ماتری نکسا و لا خبا لیمما اول عکظو کرم بر  
الابی سیدی شجاع ایلکه کور که هر بری شیر بشه کیم دیر در ایجلرند دوز و حیلکار و لیم بونده  
و تری الروم حباری جریما و الشجاع الذر قدولی هنر یا دخی روی سن خرج بوندن حیراه کورس  
و بهادر و دلاور سن حربه قاجش بولور سن ویل انطاکیه ماتری خضار نترک اخذم عدیا  
و دخی انطاکیه ویل مولحاصره ده که قوشا در عکظو صهارن یونع ایدوب قور ذاک تسع توالی بعدا  
بعد نهم حبابا مستقیما محفل بیت بوقصه واقع متقدمه التی طغوز یلدر صده اولور  
معنایه حبابیج ایلد محسوب دیر نتم تلقی الترتک لینا ضیعا و نینج حوران مقدما کریما  
بونده صده قوم ترک بری اوزار سلانه ملاقی اولور که اول نبی محمدان دندر کرم و مقدم اولور و غیر حاله  
کمال شجاعندن بردلاور ارسلان دینمده لایرد التیف عن اعناقهم و یبید الهام منهم و اجتمع  
بوندر نه قیام رد اولماز و ما شلرینی و صهارینی ملاکت ایدوب باله صانه وقعة کمالیه  
تلاء الاعراب نهب و غنیما نه عجبده بوقعه هائلا که اعرابی کعب و غنیته غنی ایر مال غنایم ایلد طولدر  
نتم شند البلبابین الوری و تری خوف و حرا و هجی بادیه خلق اوله اعراب بوطو یلدر ایدوب صده  
خلق اجمعه بعد نه هشتاد اولور خوف عظیم و غم شدید و هجم کورس و ذکر عبد الله محمد کورس تورت  
شیخ الموقدین لایدر جل من سلیم آل عثمان یکت جزیره العرب فی آفران ان یونی شیخ مذکور دیکه آل  
عثمانن سلیم القلب بر رجل یا خود آل عثمانک سلیم اسلمو بادشاهلر ندر بر کینه جزیره و عرب آفران  
مالکت اولور لازم ولا بد در البته مالکت اولور بوطلام شیردیر هیجا و شاهها زاده استغنا  
قدس آشیان و جنت مکان مرحوم مغزله سلطان سلیم سلطان بایزید جان خوف کونک حرمین شریفینه  
حکم ایدوب مصر مالکت اولور و غیر وقعه اشارت در فاشر بیا و و رای و قاف

ملاحظه



على قاف تزجوا جميع الوطر ظاهر معاريفت پس بشارت ايله يا ورا وقاف اوزر قاف ايله كه جميع  
مقصودى رجا ايدرسن بسى نجيم و جيم و فيها الف و نون ظهر جيم ايله دغى بر جيم ايله  
و بر جيم تسميه و نور دانم الف و نون ظاهر اولمده فيلك المصرا و امرا و اها اذلا حيارى  
تقاسى لاشر بسى مهر و امرا نه مالك اولوب الور عزيز و صاحب تميز اولان بكارى حور و حير و سر  
و جبراه اولوب انواع شدايد كورد كلى عالده و هو على القدر اول صاحب ظهور على قدو در  
احمد اخذ قرفى بكنز لودر ملى الصوره حسن البصر صوريه كو كجك خوي خلق كورد اهد الشعر  
حديد النظر كركلر اوزده و نظريه ككلى در صميم الفكر فكرى ضايب و منتهى رانده خطايمز  
نصفه العلوى اعظم نصفه السفلى بنم بالاسى بنم اسفلدن جودر و هذه صوريه فوى كرسية  
و محاربت مع العجم و صاحب مصر و استيلايه على مالك العرب بوسطان بيم خورنك تحت اوزر و اوتور و غنيك  
صوريه و عجم ادا شاهيله جنكند و مصر ادا شاهيله جنكند صورتيد و مالك عرب استيلايد

منتج در

و قبل خروج المهدى بملك الحرمين و سائر جزيرة العرب رجل من العرب المنتصر فخرج من  
اول حرمين شريفينه و سائر جزيرة العرب طائفة من عربين بركة الوب ملك اولر جمع استد و كنز  
نسخه اولر تحفى منتصر ديوتوصيف ايدوب نون تادن مقام اولش بوقدر جبه اشعارده اولوب  
نقردن اولر لى مؤخر اولمى تنفردن اولوب عربين بر نضرايه دينه كروب تنقرا تمش كنه ديك  
اولر انه اعلم بالقول بونده كنه مؤلف ايدوب بوعبرده ظهور ايد كنه نك نك نك نك نك  
صفرن بغه اخذ احقر صفر ايدوب بغه بنوال صفر خوج ايلر قنق من ذر اكنيد و محرم اكرام كنون  
كور كنوز ملك كه سفياي تحقيق ظهور ايدوب بونده كنه مؤلف ايدوب بوعبرده ظهور ايد كنه نك نك نك نك نك  
اولر سفياي نك قنقه سنده و قنقه سنده بونده كنه مؤلف ايدوب بوعبرده ظهور ايد كنه نك نك نك نك نك  
اولمقه قنقه ايدوب بونده هاه ايله آده غير بر فرد خفده خلاص اولماز خلقه قنقه نك هالي  
نجم اولر و غنخ خبر و يك ايكه بوايكه كنه قنقه بيلور بر عراق جاننه و بر عراق ايله جاننه كنه خلقه  
خبر و بر ر بقدر نك بزمى صفر جمع اولوب بر بر نك كنيب ايدوب بونده كنه مؤلف ايدوب بوعبرده ظهور ايد كنه نك نك نك نك نك  
بر رجل خروج ايدوب اكا غنقه دير كرم قنقه نك قنقه ايدوب داخل اولر شهر رى غراب ايدوب  
بعده بر تازة يكيت ايله بر تازة هاتوه اخذ ايدوب بون حاش على بن ايه طالب در بون فاطمه  
زهرادر ديو صلب ايدوب خذله الله و دقر بونده كنه مؤلف ايدوب بوعبرده ظهور ايد كنه نك نك نك نك نك

دعوى

و مصر ارتحال ايدوب اولر شخصه دمشق خلقه و بل و افريقية خلقه و بل و رمله اهلنه و بل  
لا بيت المقدسه داخل اولماز

**نجم شوقى من طلال سرور قهر شروع** و من عجب الدنيا طيب من  
و اعش كمال و اعنى نجم غرايدنر كه طيب صاحب صفر كمال اعش اعش ضعف بصرى اولوب  
و كوزدن صواقنه دير كنج ايمر اولر قال عليه السلام لا تقم الساعة حتى يموت الولد غيضا و المطر غيضا  
و يفيض اللسان فيضا و يفيض الكرم غيضا و يجترى الصفر على الكبر و التيمم على الكرم يني  
قيامت قوما زلوعان ادغلاه اكثر سقط و ناقص طوعوب و بغور بر كرت انشقاقده كنه باغوب  
مراد چه بغز اولوب ليهار جو غلوب كرميلر اسلوب كرميلر بويكده حله و جرات ايدوب ليهار كرميلر  
ملك اولمى ديكر الامير لاهى الغافل الساهر اسم صليب و رسمه عجب و شمع  
غريب يقتله الففن الرطب و هذه صوريه بغه قول امر كه كرت لهو اولر حرايه منور  
دغى غافل و ساهى در اسمى شيددر و سيمى بيدر ستر غيدر آيه تازه بوداق اولر  
صوريه بودوب ديكر

و شادن في القصور ما و آه و في رياض القلوب مرعاة تازه غزال انك نك نك نك نك  
و مرعاه قلبه با غنجه ليرير شادن ديواصل لغنه كيك بوزاغوسنه دير كره بر مقدار قوت  
بولوب انا سنده مستغنى اولمى اوله صبيد و جمع طلف و خلف و حافر صابر اوله جيو انا ك  
ولدنم بومغه اوزر شادن اطلاقى جائزدر كنون شوا اجم كيك بوزاغوسه اول وقت  
غايه كوزل اولمى انم استعمال ايدوب محبوب و محبوب اراده انا ك شايخ اولمى رناو ك  
مقصود بر بودوب محبوب القلوب ديكر راجع الورد شمس قنقه انا ك حسن فوق جبهته  
اشهداه لا يلى الا هو تحقيق حن مؤدبه اول شادنك الن اوزر نك اذاه و يردب ايتد كيه  
بن شهادت ايدوب كه بر طبع كامل يوقر الا بودادر و هذا التيب بلس على سر الرقم قبل  
صياح البوم بيله اول حبیب لبیب روم تحنه اوتورر بونم اوتورر اولر بغه غراب روم  
مقدم پادشاه اولوب و هذه صوريه صورتى بودر



من استعمل الظلم عجز الله هلكه يعني برکنه امارت و ايلات و سلطنت هجر اولوب الى التذرع اولك  
رعایایه ظلم عادت الی یوب دایم استعمال ظلم الیه حق تھا انك هلاكك تعجز اوزرة قلوب عود و دلتن  
برخور دار اولماز قال عليه تعلق اولك خیر التریا اربعه و خیر الجویس اربعة الالف  
بنی علیه السلام بوردیكه ستریه خیر لوی در تیز معذاری اولاندر جیشك خبر لوی درت بیک قدر  
اولاندر **سوء التذیر** سبب التذیر **سوء التذیر** من عایش نال من الاعداء بغیته  
اومات كانت له الايام تنقصر یعنی طول عیش الیه تمتع اولان اعدا سلك هلاكك كوروب مرادنه  
ما یل اولور اما صاغ اولما یوب اولن كمنه بومره و اصل اولماز لكن ایا انك یارد من ایدوب  
زانه خصمندن انتقامن لور **اللهم** شعب بنو بل شیت جرجس خرقیل هابل  
انك یاصاح اخبار مورخه من عالم یصبح القول مصداق یعنی ای بنم جانم بن سکا  
اخبار مورخه بیا ایدره بر عالم صادقده كه اقاله عالم تری بغداد اذانت ثمانیه و اربعه  
دما تجری بهراق محصل معنی فرق سوزیل قامده صده بغداده قتال عظیم قاندر دكلو دیکدر  
تھوی قصور بنی العباس فی رجب و یحرق القصر فیها ای اوراق محصل معنی رجب خلفای عباسیه  
قصر ی یقوب و قصر مشهور اوراق اولور دیکدر **حب الخلیفه** مما قد یحل  
من نكبة ماله من درنها و اق محصل معنی بلیفه حلل ایدر نكبت كافیدر الیه نكبت كه انك  
خلیفه و ذاتی بو قدر البتة و افع اولاجی در بوابیات سقا اولان و تابع  
و حوادثه اشارت در تفصیل كتب تواریخ مسطور در و بل الخوص و مما قد یحل بها من الاعراب  
من هب و اوراق و دیگر قصه و بل كه عرب طایفه بی غصب و غارت و اوراق ایدوب بولیله برلا حلل  
ات كركره و كم لها الاحادیث مورخه بضیق غر و سعا كبتی و اوراق محصل معنی  
خص تھونه حلل و نزول ایدر جك دفر حوقی حوادث و طایا وارد كره زانه وقوع اهل فتنه مورخ  
و معلومدر بنم كتابرم و اوراق تفصیل معنی دكلو دیکدر و نیشی بعد ها قوی الی حلب  
واها لها حیث لا یبقی بها و اقی حص و قایعندن صده كلام حلب احوال بیاننه مفروق  
بن اكلهف ایدرن سول جھندن كه حوادث نزول ایدر كمن بر ذقایت و صیانت ایدر

واقیسنی

واقیسنی باقی قالماز لقتل بها الاعراب قاطبه حتی تری العز فیها تحت الهباق  
محصل معنی عرب طایفه بی یا خود خالص بادیه خلق انزع بر وجهه مذلل و جهان اولور كه عز  
اولوب یر التذیر كركمن بلورس یا خود ظن ایدرس دیکدر و الشام ما ذیقاسی القاطنون بها  
من عظم جور و ارعاد و ابراق و دخی شام مملكت و خلق نكر كورس نه زعمره كركدر  
عظیم جور لردن و تهدید و خوف لردن یقیم عشر سنین ثم یقبها سبع شهور یعنی دایم باقی  
حتى اذا كره الرحمن دولته قضی منیته فی سقیة الساقی بواكیم بیت اولزمانه بر هالك  
مذت دولته بیاندر محصل كلام اول ملك اوده یلب ویدی اقامت ایدوب عود و ولت دایم باقی  
اوله قد صده حق تعالی دولیه آخر و بیکت دلیوب بر كمنه نكبت سخر بتلیل و فوات ایدر دیکدر  
الثام فی شعة التسعین تبصر لا تلحق فی من سكا نه لاقی الا نك كركه الاتراك دكر كره  
فلا بقی فی من جذرا نها و اق **بواكیم** محصل معنی طقان طقوز شام غراب كورس  
سكارنده بر كمنه ملایم اولماز سن طایفه یراتك استیلا ایدوب یقور غراب ایدر بر وجهه  
دیوار لردن برن یقلدن صیانت ایدر كمنه اولماز محصل كلام جمیعاً اولر غراب اولور انجمن  
اهالی سندن كمنه قالمز دیکدر لا اول طقان طقوز قنغ طقا طقوز ایدر كمنه معلوم دكل  
صنور و مزوز در حذر حاة اذاما سورها كملت بر وجهه بالینا و استكمل الباقی  
محصل معنی بیت حمایه سن تحذیر الیه سوری بالیوب صده جنك بنایه كامل كامل اولوب  
باقی اشكال اولد و غیر وقت اولزمانه بر بلا و آفت نازل اولور دیکدر یظل  
یوم عبوساً هائلاً كذا علی المدینه من هدم و اوراق بر كوه اول مدینه و حمانك اوزر  
بر امر عبوس هائل و شوم متولی اولوب عین ناظر نزول بلادن اولیه كور لور اول امر  
عبوس یقوب یا قلمندنر و تحرب الشام حتى لا انجباریها و باد مشق لما یلقی من الملاقی  
محصل بیت شام مملكتك محكم غراب ولسین و محصوص و مشك كه لسان یانده حالام  
دنیله اكما انتقال اولور غراب و بیاب اولمنه اشارت در و ندیه انكدر شام بودجه  
غراب اولور كه اول كرك جوی اولماز دیر لا بد للرقوم مما یزولوا حلب  
مدحین باعلام و ابواق محصل معنی بیت كفار روم صلح عكر الیه حلب نازل اولور مفروق  
وافر بنی قنر و بوردی كركدر دیکدر مدحج شام السلاع یعنی ساز و لب و حیه  
و جوشن مكل دیکدر ابواق بوقت جمعیدر عنجه بوری یه بوق دیر لر جمعی



٣١٩  
٢٣٨  
٢٧  
٧٩٩

بوقات وابواق كلور حتى اداراية التركة قد نشرت واقبلوا سهام ذات اخوات  
باني صغار عيون ثم اوجهم من دورها كجئات واطباق كم من قتل بري في الارض فخذلا  
في رستن بدم كالماء مرقا **يعني طائفة نك سنجي** اهل بياروب يرتجي اوقار ايله اول قوم  
كلور كرك وكوزلري كوچك يوزلري قلقانار وطبقار كچه مدور اولاه دشمن كلركه  
رستن ده نجه نجه مقتوله كوريلجكدر قانلري صوبيه اقوب برونز منهنك قتل اولوب  
سولن يانور اوله قانلري حاله ديكر رستن جفر وزنجه ها ايله غصن ارانسه نهر عيشتك  
جنوب طرفه بر شهر ايري فتوح شام نل نندن بروخ ايدر ولاتزال صوبش التركة  
سايرة حتمه كل بارض القدس عن ساق **يعني عاكر ترك** بلا دده سايره اولوب  
استيلا اتمكدن هاي اولماز تجاوز ايدجي ارض قدسه كرميني يا خود شدت عظيم ايله  
ارض قدسه حلول اتميني حتمه اذا رحلوا البيت الكريم غدوا عليه فيه باحراق وابراق  
بعض نسخو رصلوا دشمندر **يعني قح بيت ماركه** رحلت ايليدر يا خود واصل اولدر  
احراق واشراق ايله كچه ايراق تهديد و تحوير احراق معلومدر بيت مكرمدر مراد  
بيت اول قرينه سيله مسجد اقصي والمقدس مسجد اكرام اولمقدس محتملدر زيرا مطوح بيت  
يا بيت مكرم دنك كعبه انتقال اولور وويل غزه محامد جبل بها وعقلان فلا واق  
ولاراق محفل معن غزه وعقلان شهر ليه ويل وواي حلول ايدجكدر ونازل اوله  
مصائبكدر كه حلول وزول قستنه برصيا ن ايدر ونه بر در مان قلور كسبه بولور  
ديكر عقلان قلعه يه طينر ولايتندن نحر طرفه غزه يه اوج فرسخ برده بر شهر ايري  
حال خرابدر وخرج الروم في جيش لهم لجبا لي القاء بارقال واعناق ومحمد  
خروج غوغا وعلبه وهاي وهوي احمالي بر عكرا ايله كه جنگ اتمك سرعت وشتاب ايدر  
**يعني برجوش** وخروش جنگ جوي عكرا ايله استعجال ايدر ديكر ارقالده اعناقده بويكدر  
اتك ووده نك سرعتنه وسكرته سنه ديرلر روس وروم واقرخ وبربره ياتون  
مثل الدبا من كل افاق **يعني اروس وروم كافر وفرنگ وبربره** طائفة يه جمع اولوب  
هر طرفدن چكركه كچه كلور ديكر يا دقعه مملوك الارض اجمعها ترك وروم  
ومصري وبطراق **يعني اول زمانه** ارضك جميع پادشاهلري ارانسه عجب دقعه عظيم

وحادثه

وحادثه غريبه اولور اول پادشاهلر ترك وروم مصر وفساري طائفة يه پادشاهلري  
ديكر والترك تحشر في البدياء من حلب يا تو اكر اديس في جمع وافراق ترك  
اعمال حليدن برا ووده جمع اولوب جنگه كلور كر بولك بولك الاي الاي التور ايله  
كه كمي جمع كمي متفرق اولور وغي حاله بر تقيدر مراد عكر كثر تيع بيان در  
والترك تستنج المصري حين تري في محفل الروم غدا بعد مشاق وترك ملكي  
مصر ملكندن ياردم طلب ايلر عهد وميثاقه صكه روم عكر نزن غدر و خيانت كوريلجك  
وتنشر الراية الصغراء في حلب **بلف قيل** يقول الحق معتداق صاري باقار حلبة  
نشر اولوب آجله بر ملك قبيله اولندن كه حق سولر صادق القول اوله ويل الاعاجم  
محامد جبل بهم مضمارم ظل في روس واعناق حلول ايدجكدر بلا كردن عجم طائفة  
ويل وواي اولون كه اول نزول ايدجكدر بلا كذبح قلبي باشكرينه بويكدرينه اذ غمقه  
**ياخذهم السيف من ارض الجفار** فما سقى بغداد منهم فارس بانه قلبي ارض جفاري  
الترك النذرة الور **يعني مقول اولمدر** ملكطري غيزه نصيب اولور وبغداد دله  
بر التوقالماز بيت قلب واردر ياخذ منهم السيف ارض الجفار تقدر نزن معاني قلب  
ونكته بر قلب علمايه معلومدر ارض جفار بزنا حيه معتقد در هدي كتبه مطور در  
ويملك الكرد بغدادا وساحتها الي خراسان من شرق الاعراق كرت بغداده واطرافه  
مالك اولور شرق ديار نزن خراسانه حقيقه اعراقندن اتوري **يعني كرمه** مادام  
اصيل وعريق اولور وعيون ويشرب الشاة والسر جان ماها بالامن من ارجاف  
وافراق قور دايه قيوه معاصرون ايجر اامن وامان اوزره خوف وحشيت اولور  
حاله واية الصيحه العظمى قلا احمد بنجوليس من حكمها واق **ديگر بونده صهي**  
عظمتك نل نك كلب واق اولرقه بر فرد قور تليوب هلاك اولور قيامت قويا بر  
بوصي نك حلكنده برواقي وناج بوقدر نه كنه قور تيلور نه كنه يه حفظ ايرج بلور  
والله اعلم ما ذا بعد ها ولها لانه لوجود الواحد الباقي بونده صكه نه اوله حقه  
وبوصي نك شانه ندر بو كا عالم انج حق تعالى در زير بر فرد قالموب وبوصي ايله  
جميع مخلوقاتك هلاكي فرد واحد اولان واجبا لوجودك جل ذكره وجود باقي ايجور

حفظ

حفظ



مؤلف کتاب بوشع اید و کن قصید قافیه یازده صد اید که ختم بظهر حرف المیم  
مع حرف اجمیم بامر صاحب المذنبه الرومیه یعنی یوزده صد حرف نیم ظاهر اول و  
حرف جیم الیه بیل مدینه و رومیه صاحبک امریه کلام مؤلفه واقع ادا ان کلمه و شتم  
تغیر جمله یعطوف اید که معلوم معروف و کلمه عادت اهل فن اوزره اخفا قصد اید و  
ارالقده مقدم و مؤخر بعض کلام افاده اولمه در سیاق کلام مدینه مهدی اولاف طبع اولوز  
صاحب رومیه دیمسه فتح اکابر اولغله در بعد اید که انک اسم اسم یعنی اعل و سیر  
ظاهر و پاک و رومی ظاهر و انکار در پس در می فهم الیه و کنز و دقینه ی علمه کبر اول  
موصوف اولاه صاحب ظهور مدینه ی رومیه ی دور قمریه ده فتح ایدر صورتیه بود که  
کر سیمی اوزر نقش اولمه بوفقیه ایدر که دوره ی قمریه تمام اولوب حالا دور  
زحل ابتدا ایدر مصنفک دوره ی قمریه ده دید که راست کلز مک بعض حساب  
ایل فن و کتاب مقتضایه بر قاج یوزیل دخی اعتبار اولوب دوره ی قمریه ده عد اولنه  
والله اعلم بحقیقه الحال

رقم  
۳۶۰  
۲۲  
۳۱

مؤلف ایدر اطباء خذاق ددیگر که ادج کو چیک مرضه ابتلا ادج معظم مرضه ابتلا دن  
سبب اما ندر زکام سرهامدن رمد علی دن قان جیانلری طاعوندن اما ندر  
ستخرج علوج الروم بعد ضیاح البوم عند زرع الفوم فی الوقت المعلوم  
عن قریب فرنگ الیه روم عکری حقیق بایقونک اومتند ه صد باقلا اکلده وقت  
معین معلوم بر روم و برغله و روس کیل فاض من حد المال یعنی اول  
عکله روم وارد و روس طایفه نی وارد و وارنود الیه بر اولمند سکن بر قوم وارد و  
طاشوب بر کده اقان و برشدن بوستان سیل که هجم ایدر لر سیل عزم که کلور  
و هنه صو ق ملک العلوج الزاکین علی السروج بع اعلا هم و طولهم و حو لهم یونق  
اولناه فرنگ بکلریدر اتر اوزرند سجا قاری و عکری بر و طبلار لیه

يوم  
يوم

1130

آکیل  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۰۰۱  
 فیاض  
 فیض مالک  
 غلام سرور

ادع مرصده  
خلع صر بولور

تمام رب غنی کدم ساری  
فوق حق نور ضیاء نظر  
دهر امامه حضرت شاه

قال

مہ باد اربعا

منه ركب البحر استقلال السواقي يعني بحم كير وبخرايد را بر ما قاري وساقية لري از سوز  
كوزنه كور سترمز مؤلف بوكلام ايرادن مراد بر الله اعلم بو اولفته كدين بحر علومه ملائكت  
واشنا اولمشدر اسرار الهيته ومغيبات آتیه دن ثنا اخبار ایتد وكي كلنه صناعه  
معلوم اولاه اسرار نسبت بحردن نهر صغير كسيدر بولوب بولوب رمز اید حکم وقایعه  
بوكلامن توطنه ایدر محمد بن قلاوون محمد بن عمران محمد بن عثمان محمد بن قلم  
وفي سنة خمس مظهر الرقاص ويقوم القناص يعني بشيئ من البه رقام ظاهر اولعاب  
اوجي قائم اولور قن كاه من اهل المعاني فليكن لمعاني كلامي قائصا ومن كاه من اهل المعاني  
فليكن علي نهاية راقصا يعني بن شول كنهه معاني اهلندن اولوب اسرار فهمي شانندن اولاه  
اول بنم معاني وكلام او ایدن ناقص اولوب شكار اولوه وشول كنهه اهل منازل ومقامات اولاه  
اول بنم كلام نهائيه ممتنع ومثلذ اولوب رقص الميون مال مقالي بوفتك رموزنه اهل فن  
واصحاح حال اوليعني اطلاع ميتروماز ديكه راجع اولور بوكلامندن صكره مؤلف كتاب  
ايدركه احوالب اولاه سن بنم بوكلامه مبادي اوليه باقم بلكه اعقاب وادخره نظر اليه  
وترى احوال خبها جامده وهر تمر مر التجاب وديخر ايدركه لا تقفل عن الاربعاء فان فيه الخب  
عسكر

$\mu_2$   
 $1.4$   
 $0.9$   
 $0.0$   
 $0.1$   
 $0.4$

مجلس  
نعمانی  
۱۷۱

1871



مهارشبه کونده غافل اوله که اندر خمیس وارد در خمیس لغت مشترکه در نخست کونده دیکلور کبر  
عکزه دفر خمیس دیر کردت بلوک اولوب مینه و میسره و قلب و مقدمه و ساقه  
مشکل اوله و بجه بن اربعه خمیس اردر دیمج بکلام بهدر بر قاج معنایه مقلد بوزن  
یا اصحاب الفار الفزار یا ارباب النفار النفار دیوب غالباً بوزن اربعه بر وقعه عظیم  
ظهور ایدوب قاجده غیر خلاص و مناصه در مان اولان بر دشمن عکرتک ظهوره تلوج  
و ایما لیدر بوزنه صکت مؤلف کتاب بر حکایه بسط ایدوب ایدر حکایت اولنور که زبان  
جاهلیت اسکندریه بر میداده و ارایری اندر اسکندریه نکست بکوری و یک زاده لریر سایر  
اعیانه و اثر ایلد عکرم عظیم اولوب بیلد بر کوه بیوم معهود جمع اولوب طوب او نیار لرایری  
طوب کمت یا نه دوشوب الله کبر سلح ایلد طوب مصر حکم اولور دیر لری عمر و بن  
العاص حضرت قبل السلام اول میدان حاضر اولدق طوب او نیار قلوب سیر ایدر طوب  
او کنه دوشوب الله کیدی فی الواقع صکره مصر حکم اولنور دیر حکایت مزوره مفصل  
و شروع خطط حقیق یزید منظور مرزا و لشکر عمر و بن العاص حضرت  
رفیع الله عند اول زمان اسکندریه اعیان نصاری دن بر شماس ایلد کرب بلوک ایلد  
او تر مشدی طوب طوب قفقانک نیمه ایچنه دوشدی اول طایفه تعجب ایدوب بر بریه ایلد  
بوزنه طایه بو طوب هر کیمک الله دوشده البتد مصر عاقبت و الی اولور دیر الی  
بواعر ایدر تخلف ایدیکه احتمال دکلر دیوب اعرابینک حکم مصر اولیه صورت اینه  
خیال لریه کتور مدیر و اول طوب جواهر و تواقیتک انواع ایلد مرقع اولوب صانع التوید ایدر  
دیو وصف ایلوب عمر و بن العاص حضرتک رفیع الله عنه قدس دن شماس ایلد اسکندریه  
سبب دخول بیاه ایدر تفصیل مرادی اولان مراجعت استون و میدان و طبعک شکل  
بودر که تصویر اولنور عکرایله و بیکرایله

تلوج

شماس ۴۰۱

قال علیه السلام اولک جاکیا عن رب تعالی ان لی جنوداً فی المشرق سمیتهم الترتک  
هم فرسان انتقم بهم عن عصائی یعنی نبی علیه السلام حق تعالی ده حکایت طریقه  
خبر

خبر و بر دیکه رب عزت جلوت اسماده و عزت بیورش که بنم مشرق بر نوح عکرم وارد که  
اگر ترک تشبه امتشدر المرنم اولور در المرایله کجای اولنور ملط ارباب انتقام  
ایدن مؤلف کتاب و هنر صورتهم دیوب اول طایفه بومخلد یازشدر

# بسم الله الرحمن الرحيم

فليخذر الناس من الالف والالف من الياي والياي من الياي والياي  
بواي اسم بر وقعتک صاحب لریه رمزد ظاهر معنای کلام حرف یا حرف الف  
والف بادن و با سندن خذر اوزده اولوه دیکدر و نونک امثالند که استند  
بر حرف اولان دیکه مراد اولنور بوزنه صکت مؤلف ایدر عن قریب طلع شدن  
بر قوم بی دین طلوع و ظهور ایدر که باشاری بویک و کوزر کو چکلر تو غلفه لرند  
دوه قوشی بوی صوقور اول قومک الت حربیر اکثر اوق و یا ایدر بلا دیم و دیار  
خاسانه اندوده و یل و دفر بلاد عراق و دیار حرانه و یل و بلاد روم و ازبجان  
ویل و جزایر فرامت و بلاد شام و یل و دفر ایدر که تحقیق بلکه دنیا سلاطه النعم  
اکماله الامم در یعنی نعمت لریه امه ایلدن موت و فایله الورد و طوائف مختلفه اکل  
ایدوب بر البتد بر پس بونک خیرین آرز و شری جودر و دفر ارباب اسرار دیکه قران  
حرفنک تمامی قند دفع اولنور اول وقت طوقز نور اوج سندیه تمامه در بیکدن  
طفاه یدری سندیه باقی قالوز اول سندیه الامثل فالامثل خلق قیرلوب یریزند مؤمن  
قالیوب الله تعالی و ارایر کن بلور کندن قالماز کفر و ضلالت مستوی اولور و دفر ارباب  
انوار ایدیکه فخر حق زمان اسم فایض عددنه و اصل اوله ملت اسلامیه تبدیل  
اولنور ادامها الله مادانت السموات والارض و اهل کلالع ایدیکه قیام قیامت دلالت ایدر

خبر







وآزاده اولمقدر قال علمه الله عند لا تبدل رقتك لمن لا يعرف حقتك مع قولك  
وهذا منك بذل ايله حقتك و قدرته بلمينه **شعر** ياليتني كنت له خلا لا ارشف من رضاه زلالا  
نوليدكم مع محبوبك خلاي اوليدم انك اغزي يارنده زلالا ايجيدم قلت له تحبني اذلالا  
انك ايدم كه بني اذلالا ايوه مي سورس قال بعينه دلالا لا كوزيله ناز ايدوب يوق يوق  
قال عليه السلام نيل لال في آخر الزمان للمالك افرط نزع قول جنسي نه يرا ارمال  
اولور **شعر** سوف تري اذا انجلي الغبار افرس تحتك افرحار بعدل كه كورس فتح  
غبار مرتفع اولوب قال قدر دغي دقت آلتك بندقك آتيد يوق اشك سيرة مشايخ  
بد بترين ناطقة حقند ديمش اورد كرم اروحك مركبدر كدورت بشريه قال غوب موت ايله  
حقيقت حال منكشف اولور دغي حاله نفعك شقيدر سعيد سيرة نه حاله بلورس  
ديكدر كنائير الدنيا راس كل خطيئة دنيا به ميل مر حطانت باشي بوغندر **آيت**  
حكايه اولور كه حضر حصاريني ملوك عجمه شا بورج اردشير بن بابك محي صر ايدوب  
برقاج ييل بگليوب اليماشيد رباطون نام بادشا هنت غايت كوزل برقيزير وار ايدوب  
اول قومت عادليز يوايكيه بر عورت حيصنه كورس حصارده قوميب بابك اولجي حصار  
واروشنه ايندر لردي اول قيزده حايض اولوب حصارده ايندر دكلون شا بورج  
كور و عايش اولور خمر كوندردني بني الورس فتح حصار بر جاره ايديم دندي شا بور  
دختر المغني عهد ايندك كوك كوك جيني طوب كوك كوزلور برقز اوغلانك حيصير قاييله  
اياقارح بويابوب ارسل ايله قلعه ديوارنه قوبجي قلعه البته فتح اولور ديدير ايله ايندك  
في الحقيقه كوك جين سور حصار قوند ديك كوك اول ديوار يقلدري حصاردي الدليز شا بور  
عهد وفا ايدوب قيزي آلدريز بر كيمه يتوب ايره سه قل ايلدي بابنه وفا ايدوب غدر ايدوب  
بگنا ننه كركدر ديدري **الصمت** من الباطل صدقه حق اولياه يره سكوت ايدوب سويك  
صدقه در **شعر** كم حشر لي في الحشا من ولد قد انتسا نجه نجه حشر واردر نيم قلم  
برولد كه طوغوب بويدي نغنا نشارشك فاشا كانشا بزانتك رشيد اولين  
طلب ايدرك نشاسي بزم استد و كز كيم اولدي سنة الوصل  
حالي بونك خلاف و عكيدر **فرعون فرعون** موسي موسي نور رخ حديث

وارد اولريكه هر يك نك بر فرعونيه واردر **شعر** اذا تم عقل المرء قل كلامه وايقر  
بحق المرء ان كان مكشرا يعني آدمك عقله تمام اولجوي كلام از اولور و بر آدم جوف  
سويك س نك اشق و قلبيل العقل ايدونه جزم ايله فافهم هذا التاريخ المطلوب  
و احباب المرغوب قبل شرب هبهات في الراوي المقفلات يسس بتاريخ مطلق  
و احباب مرغوبه لردن برتيره لوده هبهات جاملرده ايجون يعني نك بور مز و ايام ايله  
تاريخ وقايي اعلام ايدم علامت و اشارت ايدم اشارت و علامت زاوله جهل و اديرون  
قالوب بواورد هبهات فتح اولاجقدر ديمه رحيق تحقيقي اشارت خفته و ايام و دقيقه  
نوش ايدوب اولاجق وقايي استبعاد ايدم هبهات جامدن ايجون ادراك ايله ديكر  
**الربنا** بالقضا باب الله ال اعظم قضايه رضا باب الله اعظم مؤلف ايدوب  
بلكه جميع موجود حق تعالى ده ماعد ايك قنيدر بر بركت ادراك اولور كه محسن و كفيف اليلور  
و بر قسمي بفعله ادراك اولور كه معقول و لطيف در و الصلوة على جناب الارواح و جلالت  
الافراج صلوة اروي مبالغه ايله حذر و افراي مبالغه ايله جلب يد بجز ذات مكرم اوزريه و سوس  
**بسم الله الرحمن الرحيم** قال الله تعالى اذا زلزلت الارض زلزالها  
واخرجنا الارض ثقلاها **ارض** عدي بيلك برور بوعدك بيشه افروراض  
غيد تبديل اولور **قال** تعالى اقرب الساعة و انشق القرو **قال** تعالى  
غیر  
فلا اقسم بالشفق والليل وما وسق والقراذ انشق لتركن طبعا عن طبق  
**ال ق م** ر قاف حرف احاطل در اندن اسماء قارون و قالون  
وقناص و قياص و قطر و قازان و قجاس و قرقاس و قرطي  
وقلمني و قردم و ققط و قاميش و قاني در بيم حرف محمد يدر انده  
اسماء مجود و مسعود و محمد و مسلم و ميطاش و منجدر **را ح**  
روحي در و اسماء متعلقه به رايح و رمضان و رجب و رماحدر **ق م** حق  
تعالی نك **مقتدر** اسندك مستقدر **طوب** عدير يوزاوه برور **ا ا** فرق











**بجای آن** طهوزند جعفر صادق طومذ **رجب** یکم در دند بعثت نبوت اول شد  
 شمس بعضی گفته که کوردم ایدر یکم بواکت اون بشند بر کس قمر ارقس ویر و ب  
 طوب بشن اچوب کولک سنه نظر ایدکم بونی کولک سنه با تمش ملاصق کورنیور  
 اول کس اول یل الله اعلم فوت اولور اگر خشیه سنه بشکت کورنیوب مخلص کورنیور  
 الله اعلم اول یل وفات ایتز **مسائل** بونک در دند قراه نازل اولور ولد غنائک  
 خیر لویه حضرت محمد المصطفی وزیریه **سؤال** بونک یکم یی شخی سند ایام تخت دار  
**ذوالحجه** بونک آده در دند بالی قره نزن حضرت یونس پیغمبر حقیق میتر اولدی  
**ذوالحجه** بونک یکم یی بکنر حضرت علی خلیفه اولدی پس عین قلبک ایله بو غنا سبه  
 نظر الیوب فهم قلبک برله بوئو از نه ی تا قل قبل ب اولی الالبابه اسرار ملک وهاب  
 تنبیه ایدرم بعد علوم نورانیه و فهم صمدانیه اراد ایدرن که افهامدن بعید  
 بو نهمل عذبه وارده در یغنه کتابک ذکر اولنده سائر کتب یوقدر دیک مراد اید  
 پس سر فهم الیوب بو علوم ذخیر و کنز اتخاذا ایدوب حرد بو استعمال ایدوب  
 بشله دلت **فصل** بر عالمک فوق فکرت بر علم و اراد  
**بسم الله الرحمن الرحیم** و فوق کل ذی علم علیم  
 مؤلف بونده صنف ایدرس بل که عروفک ستر معطوفند در **الفک** ستر نقطه در  
 بوی بلز الایار باب یقظه بلور پس **الف** مفتاح اسم آدم در **با** مفتاح اسم  
 بلعام در **ج** مفتاح اسم جرجیس در **د** اسم داودک و اسم دجالت مفتاح حیدر  
 داود خلیفه رحمن و جمال خلیفه شیطان در **تنبیه** آدم خلیفه رب و نوع  
 خلیفه یقهار و ادریس خلیفه ییحیی و ابراهیم خلیفه و رحیم و یوسف جلیل  
 و موسی خلیفه و جبار و هارون خلیفه و حنان و عیسی خلیفه و حکیم **خلیفه الله**  
 و ابوبکر خلیفه رسول الله در و عمر خلیفه و حق و عثمان خلیفه و قرآن و علی خلیفه و یزید  
 و حسین خلیفه و امام علی و جعفر صادق خلیفه و علم و محمد المهدی خلیفه الله و خلیفه محمد  
 و خلیفه و قراه و خلیفه یسیر و خلیفه الملمین در و جمال مهدی الیه در **ج** هو اسمک

اسمک فقیار در

فصل

فصل

مفتاح حیدر زهم اسمک مغلا فیدر **و** مفتاح اسم ولیدر **ی** مفتاح اسم زحلدر  
**ج** مفتاح اسم حقیق در **ط** مفتاح اسم طالوت در **ی** اسم یونسک مفتاح و اسم یونسک  
 مغلا فیدر بونک در گزه الیوم مشرکت اول شد در **موسی** ظلمت تابوت مبتلا اولوب  
 در گزه برا غل شد **یونس** حوت قارنک ظلمت مبتلا اول شد **یونس** مفتاح اسم  
 کعب در **ل** مفتاح اسم لوط در و مغلاق اسم هابیل در **م** مفتاح اسم محمد در **موسی**  
 و مغلاق اسم آدم و ابراهیم در **ن** مفتاح اسم نوح و مغلاق اسم سلیمان در **س** مفتاح  
 اسم سلیمان و مغلاق اسم ادریس **ع** مفتاح اسم عیسی در **ف** مفتاح اسم فرعون و اسم فلاح در  
 بو فلاح بلادی فتح ایدر آل محمده **ص** مفتاح اسم صابر در **ب** مفتاح اسم  
 قارون در **ز** مفتاح اسم زکریا در **ش** مفتاح اسم شعیب در **ت** مفتاح  
 اسم تیم در **ث** مفتاح اسم ثابت و مغلاق اسم حارث در **بو** حرف حقائق  
 وارث اسمک ستر بر صالحون ارض الله یونکله وارث اولوب مقصرف اولور  
**خ** مفتاح اسم خابره شول که کم بو حرفک ستر یی فهم الیه اول طی سمانک و نبع  
 مانک شانیه و معرکت خرابه تبدیل اولمنک و ساکنک جوابه و نا طقت صوابه مبتل  
 اولمنک سرن بلور **المکک** الله الواحد الوهاب و بونکله فهم اولور یا جوع  
 و الجوع سدنک خرابه و هم من کل حدب یسئلون **ذ** مفتاح اسم ذوایا در **ض**  
 مفتاح اسم ضار و مغلاق اسم قابض در **ش** شولکه بونک ستر یی بلیدر اسلام و ایمانک  
 انقراض زمانه مطلع اولدی و بونکله عد دند قراه رفع اولور و صلبانه عادت  
 قلنور یغنه صلیب که تاکید هاج دیر لر طایور **ح** مفتاح اسم ظاهر در یونک  
 قیامت ظاهر اولور **ح** عامه نوحه قیابور **غ** مفتاح اسم غالب در مؤلفک  
 حروف **ج** در ترتیب اسرار حروفی بتیانده **ص** و قد کمل العقد المذکور  
 و حصل ما فی الصدور و الصلوة علی لؤلؤة الصبا **ح** و لا لاله الا الصبا  
**محمد** نبی آخر الزمان و سید ولد عدنان و دیو صلوة و لا اله الا محمد ایدر  
 بعد سطح کاهن اعجب خلق الله ده ایدر هیچ بر عضو حاس و بر جاره جانه سی بر غدی

سطح کاهن  
فصل  
کاهن

موسی یونس  
و اسم لوط  
و اسم نوح

۱۲۰

فصل

وارث ثابت

کود

فصل



انفاس متورده و عروق ممدده سی و اریبی قن بر شترده بر شتره سفرانک است  
 بساط طی ایرکبی طی ایروب کتور لریدی صخره خلق ارا سنج آجوب یا یار لریدی  
 بیع الناس قور لریدی و هر قنقی شی دن سوال اولسه من غیر توقف و تأمل جواب  
 ویرردی و قنکم مکته کدی بو حطبه ای انشا اییدی احمد الله الذی قضی بر وال الدول  
 و خلق الخلق و امر بالعمل یا معاشر الناس سلوا عما تریدون ان یتکم بالعجایب و الخیر  
 بالغرایب یعنی عهد شول الله در که ذوال دوله قضا ایر و حکم ایر و خلق ایرادوب  
 عمل صالح اتمکه امر اییدی ای جماعت بنما است و کوزی صور که سنم عجایبه خبر ویرین  
 و غرایبه سولیین خلق بوکلامی اشیدوب طور من صور لریدی اولداغی متخیر عقول  
 و خواطر و مذهب قلب و سرائر اولور سوز لرایله جواب ویرردی بوا انشا  
 جد رسول الله عبد المطلب اکا اییدی بن واقعه من بر امر عجیب و ترغیب کوردم سطح  
 دفر تعظیم ایروب یا شیخ الحرم کور دکشت بیان الیه یا خود بن بیان ایرین اگر سن  
 او تندرک اییدی عبد المطلب دوشین دیدر سطح کلامی اشیدوب واقعه من فهم ایریکت  
 جلب ویردی لست بومرتح و بوقرنه سید و کدندان ظهور ایرایله سید که  
 صاحب شریعت و قرآن در حجت و برهان و معجزات و بیان صاحبید و ماحق اوان و ساق  
 صلبان و مزج الکهان بنی آخر الزمان در یعنی اول صاحب دت بنی اخر الزمان ند و بتاری  
 و هاجلر قروب کاهناری مغیباته مطلع اولوب خبر ویرین بعید ایر  
 قالو یل لمن ناواه و طوی لمن اجاب دعواه یعنی دل و دای اول خضر عذرت  
 ایرین و نه قوتلو و نه کوجک اکا تابع اولوب دعوتنه اجابت ایرین سطح کلامی بر جوم  
 بو محله تمام اولری قال علی السلام فاشاء الربوبه کفر یعنی تر حق افشا کفر در  
 فالله واحد و الاختلاف فی القوایل یعنی جنس بر در اختلاف قوایل در  
 قل هو الله آمنا هدی و شفاء و الذین لا یؤمنون فی اذانهم و قرأوه و هو علیهم  
 شر عتار اتنا شتی و حسنک واحد و کل الی ذالک الجمال البسائر  
 یعنی بزم عیار تلمیز منعده سنک خنک واحد در طوائف مختلفه نک جمله اول جمال اشارتید

واعلم

قصه و ارا ایدو  
۱۰۳۷

عنا  
۱۲۱۳  
۱۱۲۲  
۱۰۲۱

و اعلم دقیر سن بلکه بو علم نورانی جفری و ستر و خانی جفری بر علم که بوکتاب حاجت  
 الاملوک و اکابر و اعیانه علماء جواهر محتاج اولور بوند حکم و اسرار و معارف و انار اولور و غیوت  
 الیه حکم و اسرار و معارف و انار که اولیاده و اهل بیین و حمده و اوستادن اصحاب حروفه  
 نادر واقع اولوب کم باب قبیلند ز سر اسرار بملکون و حکمت حروفند اولور و غیر حاله که بوکتاب  
 مندر جدر که بوکتابک معاینه علمند راسخون اولور ابراز ایرد و مبان سندن استاری  
 عارفونه اولاده کشف ایرد الیه راسخونه و عارفونه که انور علم مو هو بلندن مواهب و م تقاضیه  
 مراتب وارد در و دوشین سن بلکه تحقیق بو علم افشا اولور اما اهلنه افشا اولور بو علم  
 اهل منته اولور معتقد و مؤمن اویان منکر لوه فایده ایتمو و ماتغنی التذکره قور لریدی  
 مؤلف ایرد برینه کشف اسرار و رفع استار و وصف انواع رجوع ایرد بعونه الله التار  
 سن بیکله تحقیق اقلیم یزیدیر که قلبک اقلیمید مراد اولی فواد در که بوا اقلیم ز طهر بوکت ابوابی  
 شاخ در و اقلیم قلبیده ایکنجی اقلیم تسوید ایرد که بوا اقلیم مشیرید بوکت بوا یه علماد اوچجی اقلیم  
 اقلیم صمد که اقلیم مریخدر بوا یه مراد در دجی اقلیم منجه در که اقلیم شمدر بوا یه ملوک در  
 بشخی اقلیم قمر که اقلیم زهر در بوا یه نساد التجر اقلیم خلافت که اقلیم عطار در بوا یه وزیر در  
 یه بخر اقلیم قلب در که اقلیم قمر در بوا یه سفر در سفر سفیر که جمعی در سفیر ایکنجی کشتیک ارا سنج  
 بر مصلحتک تمامند واسطه اولانه دیر که وکیل که انجوه سفیر دینور وکیل شریک در سفیر علم  
 و دفر بوا اقلیم قلبیدین هر بر اقلیم یون بر باب وارد بر باب اقلیم اول سرحیاتر بوا یه بر اهلیم اقام  
 بابیدر ایکنجی اقلیمت قبوس سر علمدر بوا یه هر دین علی التام و دجی اقلیمت قبوس سر علمدر  
 که باب موس علی التام در دجی کسر ارا دیر که باب درین در علی التام و دجی باب علم در که باب  
 که باب یوسف در علی التام التجر سر حکمدر که باب عیسی در علی التام و دجی باب علم در که باب  
 آدم علیه و علی نبیا الصلو علیهم السلام باب اولک مفتاحین شکل مثلثه یعنی علم او فاقص  
 وفق مثلثه تا بعد ایکنجی قبوسک مفتاحین شکل مربع یعنی وفق مربعه که جارا ندر چهار دفر در  
 اشکال و قفیه ایکنجی قفیه مبارکدر منظور من اولاده کتب معتبره ده شمس الافاق و شمس المعارف  
 و لمعه نورانیه و مقاصد که کتابدر بوکت من و بر کتنه زین تفصیل و اطیاب تشاردر  
 حتی بعض حذاق فن و فاف جمیع مطالب و مهمات کل فریاد حاصلدر شروط و شرائین

۴۷

عالم















سفر

استد و کجی شی نه اید و کینی بملکد قلم استد اید و کجی کجی دیگر **اعلم** ان الحروف کلها هم الهباء  
ومنها تالف الامر وظهور الملك لمن بل که تحقیق حروف جمیع **هباء** و بوزن امرکت  
متألف اولوب ملک ظاهر اولدی فقیر ایدر که مصنف بوختد طبع بر قایم یزد **هباء**  
ذکر ایدر مبتدی اولانده معنای ظاهر اولمغین اصطلاحات مثانی من فهم اولان  
اوزره بیان مناسب کورلدی کتب صوتیه **الهباء** هو المادة التي فحق الله فيها  
صور العالم وهو العنقاء المستی بالهیولی یو توفی اولمغدره و عنقاد یو اصطلاح  
ایندکری معنادیر **العنقاء** کتایه عن الهیولی لانها لا یرکبها العنقاء ولا یوجد الاعم  
الصورة فی محقولة و سیتی الهیولی المطلقة المشتركة بین الاجسام کلها یو توفی  
اولمغدره هیولی نکت تفصیل و اثبات کتب حکمته بیتدر بو مقاصد مقصود من الخی هبائک  
معنایه علی الاعمال اشارتدره و مؤلف ایدر فخر الله تعالی بو عود فی تحقیق کجی مرکز قالمغدره  
یو او و درت حرفی حروف ظاهره و او و درت دفر حروف باطنه و یطه موسوم اولمغدره  
باطنه اولان اوده درت سول حروف که اندری حق تعالی اولیل سورده آنزال ایدوب سترینه  
سید الانبیاء حضرت محمد المصطفی اعطا الیلوب اکثر غیبیه مطلع قلمدره سائر من انکت  
ستنه محترم دکدره زیرا ادا و فک سرب جوامع علم و تدبیری در ارادت ازلیه سندر  
عینی و حکمت خفیه سنه دلیلدره پس فخر سن بودلا لاکت بعضیه بعضی آخر مقارن فلسف  
داخلی امعاذ نظر الیسکت استدلاله قادر اولور سن بو مقارنت و امعاذدن دنیانکت مدتره مقدار  
ایدو کنه **واعلم** دفر سن بر کتاب مخلوق دالدره حق تعالینکت قولنه اولاه سرح قوی دالدر  
غیبیه و سرنه اولان کتک جسم عالم بجمع اجزایه باری تعالی اچن کتاب کبیر که اول کتاب  
ولیلدره قولنه و قول دکلامی دالدر حق سبحانه و تعالینکت غیبیه اولان سن یو سوار  
مکوندره متامل و متفکر اولاه عارف فهم الیه غائی نه طالع اولوب عجایبدن خبر و سرب  
علما و اجله در عد اولوب فضلا نکت سید بزرگوار اولورنده اولور و کجیله قلمدره  
**بسم الله الرحمن الرحیم** و یقیق اموال و یفتح خزائنه و یزید عبادیه و یزید عبادیه  
مها نأ ببهد لاه یعنی دایر اموال عظیمه و انفاق ایدر و دفر آین کثره فخر ایدر و بوزنه صد  
مهاه اولدیغی حاله یورر سرعت اوزر کید کجی اولدیغی حاله دیگره مؤلف بو سرب  
مقتضیا یازوب سباق و سباق معلوم اولمغین ستره قلمدره بر صاحب ظهور  
یا جود محمد نیک حاله اشارتدره کجی مهان و صدع اولدیغی حاله یورر دیم محمد  
اولمدره نوما نغدره زیرا محمدی و وقت معزز و محترم اولمغی ظهور الیوم علم برادره  
الله اعلم براه

١٢  
 ١٣  
 ١٤  
 ١٥  
 ١٦  
 ١٧  
 ١٨  
 ١٩  
 ٢٠  
 ٢١  
 ٢٢  
 ٢٣  
 ٢٤  
 ٢٥  
 ٢٦  
 ٢٧  
 ٢٨  
 ٢٩  
 ٣٠  
 ٣١  
 ٣٢  
 ٣٣  
 ٣٤  
 ٣٥  
 ٣٦  
 ٣٧  
 ٣٨  
 ٣٩  
 ٤٠  
 ٤١  
 ٤٢  
 ٤٣  
 ٤٤  
 ٤٥  
 ٤٦  
 ٤٧  
 ٤٨  
 ٤٩  
 ٥٠  
 ٥١  
 ٥٢  
 ٥٣  
 ٥٤  
 ٥٥  
 ٥٦  
 ٥٧  
 ٥٨  
 ٥٩  
 ٦٠  
 ٦١  
 ٦٢  
 ٦٣  
 ٦٤  
 ٦٥  
 ٦٦  
 ٦٧  
 ٦٨  
 ٦٩  
 ٧٠  
 ٧١  
 ٧٢  
 ٧٣  
 ٧٤  
 ٧٥  
 ٧٦  
 ٧٧  
 ٧٨  
 ٧٩  
 ٨٠  
 ٨١  
 ٨٢  
 ٨٣  
 ٨٤  
 ٨٥  
 ٨٦  
 ٨٧  
 ٨٨  
 ٨٩  
 ٩٠  
 ٩١  
 ٩٢  
 ٩٣  
 ٩٤  
 ٩٥  
 ٩٦  
 ٩٧  
 ٩٨  
 ٩٩  
 ١٠٠

$$\begin{array}{r} 1.2 \\ 77 \\ 291 \\ \hline 103 \\ 118 \\ 11. \\ \hline 1.38 \end{array}$$

134



اترك الترك ما تركت ان اجبتك اكلوك وان ابغضوك قتلوك يعني تركت  
 طائفة تركت اليه الله اولاشه مادامه انك تركت ايدوب سنطه جنك وهدال  
 اتيمر بولر بر طائفة درك سندر اكل ايدوب يرلر سويوب بغض وعداوت ايرر  
 قتل ايرر **شعر** وتفتي دولة الاتراك جميعا بشوال تنهرم الكليالي  
 يعني اتركك دولتي فنا بولر شهر شواله وليالي منصرم ومنقطع اولور بونده مرادي  
 الله اعلم دولت اترك فنا يذير اولغله شرو شورير طمستنج كچه دونن كونلو منقضي  
 اولوب عالم روشن اولور ديكدر يوخه ماه اول دفعه ده صكر رسته ايام وليال انقطاع  
 وانفصال اولوب قيات قوبار ديك بر مقدار بعيد در بووقفه دن صكر برنگه ديفر  
 دنياك قواري روير مكره قري مراد اولوب مبالغه منصرم اولور دش اول **قال**  
 حكاك الفوس العجب من شير العبيد بانه كيف لا يثير الاوار بفعاله يعني فرس حكاك  
 ديمكره شوكه كن دن تعجب اولوزكه مالميله قوللر صاوة الور خرج مال ايرر ده پنج  
 امراوا شرا في صر فعل وكرم نفسه اليه اشترا ايدوب قول ايرر غز فعال فتح فاليه شهاب  
 كيه فعل جميل وكرم معنادر **شعر** ان البراة روهن عوطل والتاج معقود براس الهدهد  
 معنای بیت طوغانك باشلور رست جيلدين خاليدرتاج هرهرك باشه اولوب  
 فرين اولمدر ديكدر اعاليك شانه ملك اعتنا اديب اداي مراتب رفيه ي تاقل اولوق  
 اكثر شاهه اولمخين شعرا بويته تمثيل وتسلية چون نظم اتلدر شاهين وباري نسبت  
 مديرك حساست شانه ظاهر در رسول سليمان اولمي شرفه ميل اعتبار اخدر شاعرك  
 مرادير مساعد ايام قدر وشانه كوه اول شاهيز وبارلي تاجدار اولوق كرك ايرر ديكدر  
**عبدالعزيز** اسم الله الرحمن الرحيم  
**سبل الشبله** پنج شبله شوال اولوب شمس غروب وقتند نجه مرادير نيلير جوا  
 ويروب ديكدر مكان تمامدن ايرلير رب عزت امرليه وار جفن مقام خوفند صردير  
 يا خود فتم ميم اليه مقام اولوب شمس غروب اديك اذه ويرليوب برنگه اقا قاتك  
 خوفنده صردير ديك اوله تكليم اخرونك كوه طوعنوب نجه غافلر كچه ي اوزاش صواب

وقت في دولة الات  
 رالشح ٢٤  
 وقت في دولة الات  
 ب شوال اولوب  
 ي الى  
 ب شوال اولوب  
 ب شوال اولوب

تفحص

تفحص معنادر اولمدر قضية ذه خبر دار اوله **صدا** الوقت اضيق في باطن الميم  
 ومنه صدر اللينم يعني وقت خلقه يملك بياضه زياك طار اولور ودير ليلير خيلار  
 صدر دن ارتوق تنك اولور مولفك بولر افزان اولوب قيات قيات قري اولور  
 ابهام وخطام در يا خود مر غافل اولانك عمر غفلت اليه كجوب اجلي يا قلشد وغنه تنبيه در  
**شعر** رب يوم بليت منه فلما صرت في غير بليت عليه يعني نجه يوم اولور كچه بن اندر  
 شكات ايدوب اغلشيدم قني اخرايه ايرشم ارايوب اليه بوليوب انك كجوب نيت جهن  
 اغلدم مقصودك كچه نكده زمانه يرافز اولور غين افاده در **شعر** انقضت تلك التون  
 واهلها فكانها وكانهم احلام يعني بونده صكر براعوام واهلي كجوب منقضي اولور  
 كوايكه بويلر وبوقوم دوش ايرلير ديكدر غافل اولانمده بوايكه بيت بليغدر جوق عبرت الاجر  
 كوشه لروارد **شعر** قد يصاد القطار فيجوسرها ويحل البلاء بالصياد يعني جوق واقع  
 اولور كچه قطاة قوشلري صياد اولورده عقبه قوش قاجوب خلاص اولور بلا وناكهايه وقضاء  
 استجابه صياده اصابت ايرر ديكدر كلمه يقد بوقمامه ككتر معناده اولواق مناسبه قطا  
 قطا كجوعيه تركيد با غزلق قوشه ديكدر طائر در عربا بجهن مشهور در اكثر عامه وقطايه  
 تمثيل ايرر **شعر** نيكتم وعلم بعلم يعني بودي كجكم بر كتم اولمسي لازم سنر ولينسي مهم علم  
**ما تقول ميم** فترى الميم قد احاطا بالياء واحاطه كلية فافهم كني من ميم ديرن  
 پس كور رس كه ميم لغظنا ايكه ميم ياي احاطه بكونه اليه احاطه ايرر فهم الميم يامل اليه ديكدر  
 وتقول فترى الواو بينهما مقيدة كما قيدت اليا بالمهمين بونك دافن محصل معناده تون لغظنه  
 برواوي ايكه تونك احاطه سيده ميم اولان ككي وتقول فترى الالف بينهما مرطبة  
 كما ربطت الواو بالنون واديدك وقت دافن الف ايكه واداراسه دوشر نوه ديكدر  
 ناند برواويك تون اورناسه دوشد ككي لا تبدل لخلق الله جفت خلق او بند كونه  
 تبدل بوقدره وعلم هذا ففسح كرها والتم هذا الاسرار ساير دوفيد بونك اوزرنيه  
 قياس الميم بوايرر كتم اليه فقل ان يسمع بمثل هذا السر الغريب زيرا بونك كيم سر غريب  
 اشيدك از واقع اولور ولم يقل العبد ذلك على سبيل الفحار ودير بر عبد بوني مجود  
 افتخار ايجز مدي وانما هي علوم واسرار ينجونها من مكائيد الفجار بلكه بعلوم واسرار  
 بونكه مكائيد فجارده قورلور سنر بوي مصنف خلقه نفع وبركه واصل اولسون ايجز

بالميم



لا فوج و نه غریب  
۱۴۴

۲۵

ح ر ب  
ح ر ب

۱۰۲۵  
جیام  
خراب

عالمی قرار اولاً نیز  
بشم مردم

بنام مرام ضرب تاریخ دگر و انجی بر اشارت خفیه ایه اشارت ایتکده فان رادت البیا  
طغیا نھا قلعه الف کل البصر اگر با طغیان زیاں ایدرسه الف ای قلع ایدرسه علی الفور لمح نظر  
کبی نیز قلع ایدرسه دیکدر بونده صند مؤلف غرق بون ظاهرا دلورس فهم ایه دیو  
رمز ایدرسه **نون** و ایدرسه بونده کلمه عجیبه در رمز و غیره وارد رساله  
تدبر ایه و حقن فهم ایه کتم ایدوب محکم صاقله در بعد ایدرسه و  
**آب ت اشج ح خ د ز ن س ش ص ض**  
**ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ک**  
فاهم الاشاره فی حروف اسمک المختاره پس س اشارت فهم ایه اسمک حروف مختار سند  
یا سلام سلم فرسته سبع التبع التبع ترکیک ظاهر معنایه ای سلام سن سلام ایه  
سبع سندن سبعه طغوزدن اولدوغی حاله دیکدر **عام** سبع و سبعین و سبعه  
کان طوفان اجوع میدی یوز تیش بدی سند محکم قضا و غلا اولاجفنه اشارت ایدرسه بد تاریخ  
کچدر فن مقتضایه قط سال اولدور قفغ دایره اولدوغین بک استین تتبع تواریخ ایتس  
**ملک صلیب فردیس** بوجوع رموز در **شعر** فالعنب الخام روٹ فی معادنه  
و فی التقرب محمول علی العنق معنایه عنبر خام بونده اولدوقه روٹ در اعتبار و قدری اما تقرب  
ایدیک مقبول اولوب بونیلده کوتریور عنبر بعض روایات بر حیوان بحرینک رجعی و لغیر  
روٹ دیندور بومضون شعر احوق بلنادر **بیت** اعتبارم اولمه کند و یرم نوله کر  
قدر و قیمت بولمدر کان اچنه اهل ترشی **شعر** ص ب عن قلیل سیدم والله اعلم  
بور موزدن مقصود اولان بر شخصک معدوم اولمه اشارت در **اما** سبع فترها  
ستر التبع فاهم الاشاره و اکتم العباة اما بدی سنه سنک سر سبع معهودک ستر  
اشارت فهم ایه عبارت کتم قیل **اولیس** عن قریب سیدم والله اعلم صمود عز اولدور  
اولیس پاشا مصر و الی اولیح مصر اولان علم جفر صحابه مصر دن محتله حقیقا جفنه اتفاق  
اولیس عن قریب سیدم کلامیله تمکینه اتمار بعض بداهن اولوب خیر خواهر اولاناره بوکلامی  
سیدم جقاروب سن تقیم اولنور وزیر اولورس نجه مراتب عالیه بدی عن قریب قبول  
بولورس سیدم جقاروب بخواره لر عبث سواره دیو تسلیم اتمار آخر کار اند دفات  
انگله استخراج صحیح سیدم اولدوغی انکار اولدور تراکیب جفوت بو مقوله احتمال کدو

$$\begin{array}{r} 958 \\ 207 \\ \hline 1.165 \end{array}$$

نیو یارک  
یونیورسٹی  
پریس

الحلابة  
وقد كان  
مطاطة عمان



اکثرن ایلی کچینلر دفر بعد الوقوع فهم ایرد بوبرل ده تعیه و العا زدد بو علم صلاح اوزر  
 مرتبه کرامت اولیجی کما یبغی اطلاع دعواس این کاذب و جاهل **شعر** کم ذا ابته منک  
 طر فانا عسا تبد و سبانا کما بنمقته کانتک الطفل بهمه یزداد نون کما حرکت معانی  
 نجه کتج بن سنک ایوقلار کوزک او یارون سن اما او یارد قی سبات اظهار ایررس کویا که  
 بشک با نور طفل صغیر سن که تحریک اید و کجه نونک زیاک اولور او یورسن دیکر سبات نون  
 کیم بر مرصنه دفری دینور نون غفلته اویا نیاندره معانی شعری زجر بلیغ وارد **لا حرف**  
**ن** فلن یتیم امره الایهین الحرفین و هما حرفا **وح** اد حرف م عدده اربعه و ستون  
 وهو **نوح** لا نون حرفتک امری و او و ح حرفلر سنز یا هود یم حرفلر تمام و لما ز  
 عددی التمش درند که نوح اسنک عدده مطابقره و مؤلف کتاب ایرر بر یونانی  
 رساله اخفاء فیما ظه و بطور اخفاء آدولکنا بنزد ذکر الیک و هذا العدد هو ضده  
 العدد الاول و حروف **ش** و ب و عدد عدد اولک ضدید و حروف و او ح حرف  
 فالتاء الخمسایه و الیاء بعشره و الشین ثلثمائة حرف تا بیوز عدد حروف یا اون عدد  
 و حروف شیخ آبیوز عدد در و و هو انکی عدد فافهم واحذر یا حبیب یعنی بوعده  
 عدد کرک اقل و شامی در بونع زیاده نکبت و شامت وارد بر سن فهم الیوب  
 بعد انکا کور حذر الیه ای حبیب دیکر ان کنت تری صداد القون ثم عون العون  
 اگر سن صداد صون بعد عون عون کوررک **شعر** اذا تم امر دن ناقصه  
 توقع زوالا اذا قبل تم قی بر تمام اوله اکلمه قریب اولور سن زوالن  
 توقع الیه قی بوا مر تمام اولی کالن بولیر دیلر **واعلم** سن برکه تحقیق **شعر**  
 سول کنه در که ستر الله الیه سل سیف اتمک اوزره قیام بامر الله جمع ایتیدر  
 و دفر سن برکه هر کیم دنیا سن معور و اصلاح الیوب دین قواک انساد الیک اول و جاهل  
**یس** عقل منعم سقم سیف **شعر** نیادی صایحا بالترک صوتا  
 کذا الشیطان یکنز فی المقال دلائل اصعب الاوقات هرا و احب اتمه و اشرف حال  
 محفل کلام ترک صوت الیه برکنه جزوب شیطان بیکذب اتمه اصعب و قات دهر  
 علامت و اخبت امت و اشرف حاله آیدر دیور و دفعه و آیه یا خود کجش رقصیه

رطر ۲۲۹  
 طار حله ۲۲۹  
 نون و او ح ۱۲۸  
 ح ۱۲۸  
 ثایا شین  
 اذات م امره ذانق ص ۵  
 اذات م امره ذانق ص ۱۰  
 ت و ق ذوالا اذات م ۱۷  
 ت و ق ذالیم ۹

اشارت

اشارت قصد اولنم **خجیر** اسم شریف اسم حسنی دن خیر اسم بر شرف اسم  
 ۱۱۶ یتب ۱۸۱ یتب قلب یثبت یفهمها الصالحون والله اعلم مؤلف یو ایک عدد  
 که بری یوز اون الیه و بری یوز سن برور قلم هندی الیه رقم الیوب برنعت یتب برنعت یتب  
 بعد قلب یتب دیوب بونی صالحه فهم ایرد دیرم بعد ایرد که بعض اولور دیشک که قی  
 برکنه صافرا ولوب بری قونسه یا بر منزلع یا نشه بار مغیله بر یوزینه خط جزوب  
 قبله طرفه **یس** و **الان** شرق طرفه **ن** و **القران** شمال جانب **ن** و **الان** غرب جانب  
**ن** و **القلم** و الله من وراهم محیط یازنه حق تعالی ای جمع آقدن حفظ الیه بونی معتقد  
 اولوب ایدر بجه ایتیدر ۲۲۹ تهلک ۲۲۹ تهلک مؤلف مرادی الله اعلم عدد لیم  
 اکیوز بر یوز اولان هلاک اولور اکیوز قوق بش اولان مالک الملک اولور و مالک  
**شعر** و للبحم بعد الرجوع استقامه و للشمس من بعد الغروب طلوع کوب ایدر رجعت  
 و بالده صده یتب استقامت شرف توقی وارد و شمس ایدر غروب و طلوع مقرر  
 قال حذیقه لا تقم الی امة حیه یوه الامر فخر و القواء کده و الا فاء خونه و العلم و سقه  
 و العرفاء ظلمه یعنی حذیقه دیکر قیامت قیماز جاق بکار فاج و فقر یا بخیر او لیخه بعض نسخ قوا  
 د شمره غنیر فاجر فقیر کاذب او لیخه دیکر معانیه و انیلر خایس و اهل علم فاسق و خلقت  
 رئیس لری اعیان ظالم او لیخه فساد العامة فساد الخاصة یعنی عوامک فادی خواص فاسد  
 اولدن ناخی اولنر دیکر **شعر** اذا لم یکن صدر المجالس سیدا فلا خیر فین صدره المجالس  
 یعنی مجلس صدر اولوب یوقاریر او تورن کنه کنه استحقاقی اولیه کنه و ذاتن اولوب علایر  
 و دولت محابه اوله سول کنه ده خیر یوقیر که استحقاق سنر کلوب آبی مجرد مجالس تصدرا یتش اول  
 نصه زیر بر امر عارض سبیل اولوب خارجن کلن اولاد دیکر نون نون اولاد اصحاب مناصبه  
 اکثر خیر اولیان قیلند نر هر بری بر سنند و بر سنند واسطه سبیل تصدرا یدوب استحقاق  
 ذاتیله کلندر اقل قلیل در **فطاح** الذیاب صباغ العذاب قور در کت طو شمسی نون  
 یوم عذابک صبا حیدر نزول الضیاب طباغ الکتاب نزول ضیاب کتابک هلاکید یعنی  
 حکمیه عل اولنمیدر ضیاب طوماندر بو علامت مخصه اشارت اتمک است نواع الرباب  
 رباع اخراب ربابک جالمنی عالمی خراب ایدر رباع الکتاب صباغ الکتاب  
 مراد عذاب یلیری اولوب تشدد و ضرر دیدر رباع نیاغ الکتاب صباغ الکتاب  
 کلبرک و در سینک نون یوم حاکمک صباغی و قننه در یوز کرا اولن فقات جمیعاً رموزی اشارت

۲۲۹  
 ۲۲۹



والا قيساريه وطرس فخصها **فرالدعسون** قيساريه وطرسك حصاري اچار اصله دندر  
يا خود شمش گرميد دندر. فيضها الهلال **نخسف** والشمس **نكسف** آنز هلاك **نمخسف**  
وشمس **نكسف** اولور. استعار طريقه **برملك** زاه و **برملك** وفاته اشارت ايدر  
الله اعلم. واما **بيرق الفرات** فاحترس عليها **فراغ الفلاة** اما **بيرق الفرات** صور  
سن ايز راعي الفلاتن صاقرن اكا فلو آتد كرن **شبان** قتمندن يا خود اكا قريب ايدر  
ساكنلوزدن **شبان** سيز لو **بركمنه** دن ضرر و بلا اصابت ايد **هكر** و **يك** است و الله اعلم  
وهذه صور **لام** اول **شباة** سيز **تد** تركا **نك** صور **تد** ايدر

۱  
یا محمد احد من الطبایف لانه خلیل الاسد العاکف یعنی ای محمد اسلمو صاحب شوکت  
طواف ایدوب دایم کزمت اوزره اولان کلبدن حذر ایله اول کلب عاکف اولوب تیاغدن  
قالقنیز ارسلانک دوستید و کان مکتوباعلی عصاة ساسان احرکه برکه والنوابی هکله  
والکل شوم و احر یس محروم و المامل زاد العجز و کلب طایف خیرین اسد عاکف و لم یختر  
لم یعترف فی سلم سلم و غیر کت غم و من اعترف غم رب مستفتی و اعلم من مفت  
یعنی ساسانک عصا سنج بوسوز رایارلیدی که حرکت برکت اهاال و او شتم سبب ملاکده  
کل شوم و احر یس محروم و آرزو و امید ایله کتفا عاجز کت توشه سید و کلب طایف  
اسد عاکفدن خیر لودر و شول کینه که صنعت ایشلیوب برکارده اوله اعتلاف ایدوب  
بوغازن بلییمز و شول که که کند و تسلیم ایدوب قضایه رضا و بره سالم اولور سکوت  
ایدن غنیمت بولولور اقرار ایدین غرامتک چکر و نیجه مفتی وارد که صورتی مفیدین  
اعلم و یکله کلمات مزبور کت هر برک حایج الکلم قبیلند در مختلف عمل و نطق سبب صلاح و فلاح

و بیاویج الروم فر صیاح الیوم . و عند زرع الفقوم یظهر المکتوم یعنی رومه ترجمه ای که در  
صیاح بودند که اول نامه مصیبت عظمه حلول ایدر دیکلد . اوایل کتابه دیر بوفقم که آنجوب مرقوم  
اولند . و دیر با قلا اکلده که وقت سر مکتوم و مخفی ظهور ایدر . و سیطره الغلام الغریب عن قریب  
بجیش عیسوی و سزوی . و تحقیق غلام غریب یقینده ظاهر اولور عیسوی عکده الیه و موسوی مرالیه  
امامه حرف المیم و هاء حرف المیم و زیر هم و کاتبه **طس** و ناصر **یس** انکثان  
مقدایه حرف جیم و اولوی حرف میم و زیری هم کاتبی **طس** ناصر **یس** در فیخواب البلاد و هتک اعداد  
و عتک اجرایر . و هتک اجرایر **یس** اول غلام بلادی خراب ایدر عباد کت برده و عتک و اوسن  
یرتر جزایر مالک اولور . حق الاصال اولان نشایه تکت حرمت ایدر . و کشف التریا جیم ای  
دو ستم **میم** منکشف اولور . بعضی هنوز کشف دو نمش . بو قدرجه منکشف ظاهر ایدر . اوایل  
و یکن طالبه کل و المریخ لانه صاحب السراج و انک طالعی حل و مریخ اولور زیر اصاحب تاریخ  
**و سطلح** طالع الروم عقیب هذا الغلام المسجی تحقیق ردیک طالع یعنی عکده تکت اوکی با خود طالع  
عکری جبر اول غلام مسجی تکت اردنجه سجان الاول بلا آفرین نول آفرین اولوب خالازل الیه الابد  
مع بود و دصده اولان اوله تشریه و تقدیس ایدر . و غم الیک تم علیک . سکا غیر قولیب غامک  
ایتمک جایز اولیان سدن غیره غم ایدوب غامک ایدر . و هتک صوت المله الکبر تم قال  
شبع و حرب بدیع بین حرف المیم و بین النصاری بولج و کبری تکت صور تیدر . بوزن صد حرف  
میم الیه طایفه نصاری آرسند بر قال شبع و حرب بدیع اوله کرکر حرف میدن مراد کام  
محمد مهدیدر . تم ملحه الجزیره الرومیه و هی المله الصغری . بوزنه صد حرف جزیره رومیه هتک اولور  
لام محمد فتح ایتیه کرکر . بولج و کبری صغری دیر . و هتک صوت المیم مع علوج الروم وقتاله  
لعمده تکت صوریه در عکرم و ذر تکت الیه . و دیر صورت جنکه و قتالدر . تم بعد ملحه الجزیره الرومیه  
و ایها خن الدائن و کھون و کھور الکلیته الذهبیه یعنی بوزنه صد حرف جزیره رومیه جنکدر و رومیه  
جزیره تکت تصویر ایدر اینه اولان مینه لری و حصار لری و التون قابلو و اینه التون  
مقصود کر کتبه الیه مؤلف بولجده بر قاج صورتن تصویر و اشارت ایدوب بعد تصویر اتمکین  
بر اشارت اولندیز . بولجده لام مهدی الیه بنوالا صفت قال عظیم تصویر اوله



بوجله مؤلفك ذكر ايدو كيه روميه تصوير اولوب اوزر ننه لام مهنك جند وكفا عكس  
مهنم اولوب روميه فتح اولدو قيس تنقيش و تصوير اولدو

ثم خروج النصارى دفعة واحدة على جزيرة الرقيم قاطبة ونزلهم على حلب في ثمانين صليب  
بوزة نصارى طائفة سكة جميعا روم خروج ايوب سكة هاجلو بنقا الى حلب او سكة  
نازل اولوب جنگ ايتاريد كه مقرر حديث شريف بياذ اولمشير بوجله نقش اولمشر

من تحلي بغير هوفيه فضحة شواهد الامتحان يعني شوك مكنه كنه اولميا  
خصلته دعوى ايله ظهور ايتيه ايه شواهد امتحان مفتوح ايوب رسواي قلور  
يعني تجر به اولمجي خلايظ اير اولوب شرمسار اولور **جزع حبيب غصن**  
**رطب دهنج حميد و محمد حميد علم ملك كبير سليمان عثمان**  
**صفوان لقمان عمران حان عفان سنان قارون هارون**  
**دعوى صورته مؤلف بود موزي يزد قدن صكره اون برنفر كنه تصوير ايتمشر**  
صورته بود و ديوكه انلر در كه سلاطين آل عثمان دن كجش ايتلر در دربر  
كتابه قيد و شرح بولمشر الله اعلم بمراد المؤلف الكامل الف فصل

واحي

واحي النوال ما وصل قبل السؤال بعز انعام او حانده غايت طلو سي والدي  
اشتمن اولاندر **شعر صم** اذا سمعوا خيرا ذكرت به وان ذكرت بسوء عندهم اذن  
يعني قن بن خيرا ليه ذكر اولدو غم استماع استماع اولور استماع ايتلر ها غر صفر سن  
اما شرا ليه برافله مذكور اولسم اشدر در استماع اولور در ديكه بعض شخه  
اذنوا دوشمدر صغير جمع اليه بعض شخه اذن دوشمدر اذن ضم ذا اليه شخه  
سوزن استماع ايدن ديكه واحد و جمع و مؤنث و مذكر مستويير بيت قنعب ام صا  
صاحبك اولي بودر ان يا ذنوا ريبه طاروا بها فرما عني يا سمعوا فاصالح دفوا  
دفوا كلمه اذنوا شخه به مناسب **يا سمعوا** انت صاحب الايوان  
سبحان المنان اي محمد اسلموس صاحب ايوان سن ديومولف بر صاحب دولتك  
ظهوره ايا و اشارت ايد **ديف** طرسوس باطن حرف ايجم **ق** و سرائه  
**يس وكيل** طرسوسي حرف جيمك باطني فتح ايدر ديور مزايوب سرائه سين در در  
**شعر** اي اهل الهوي تلويح صب من التصريح اولي اللطيل اهل عشق و محبت عاكش  
تصريحه اشارت و تلويح اولي واصوب كورر **ب** بوبية ذكر ايتيه و كيات رته فهم اليه تصريح ايتم  
لا تلويح ايتم ديكه معاني افاده اكون ذكر ايتم **ق** عليه السلام لا تقوم الساعة  
حتى يهلك رجل يقال له الجحيا بعد قيامة قويا زحيا ذنالمو بر آدم مالك مملكت  
اولميه **ويحذر** الشين من الباء والميم من الميم والالف من الميم والعين من الباء  
والياء من الشين والفاء من الشين واجيم من العين والعالم من العين والباء  
من التاء **و محمد** من اجيم و جيم من المظهر والالف من الباء والحاء من الخاء والعين من العين  
ويلبغا من الباء والباء من الباء والنون من الباء والنون من حكم والقصر من الخراب  
والسؤال من الجواب **و الجاهل** من الخطاب والله اعلم بالصواب



مولف بعض رموز ایدوب وقایع انبیاء زاده تا لیفنه اشارت ایدوب اسمک اولنه شیخ  
اوله اسمک اولنه یا خود مطلقا اسمک با حرفی اولندن حذر اوزده اولسه دیر سائر  
کلمایه دفر بوا سلوب اوزده در ایل فن اولن حذاق استخراج ایدوب بوقایعک بعضی دفر  
وقوع بولوب در راتمن قضیه لادلق جائز در الاجواب الروم فی الیوم المعلوم  
یعنی بزجوع ایدوب رومک بیاننه یوم معلوم فالبدایه من سنه ثلث  
لایحه بدایه الخراب ابتدا بیانن اوج سنه سی ابتدا سنه در زیر خاکک ابتدا سید  
لفظ خراب سکر یوز اوج عدد در تاریخ هم تک سکر یوز اوج سنه سه در رنده صلی عالم  
خرابه متوجه اولنه اشارت ایدوب یا صالح صالح و سلم و للجمعه کلم بولکام صالح اسما  
یا صالح صفتلو بر کنه نک صلحنه و بر قوم الیه مکالمه سنه و نونک سبیل احوال منتظم  
اولوب سلامت بولنه اشارت اولمقدیر یوسف عرض عن هذا یا معالی قبل علی هذا  
بود فر یوسف اسما یا خود یوسف سیرتو بر کنه یا اعراض الیه امره و موسی اسما خود حضرت  
موسی مشربلو بر آده دفری اقبال الیه امر اولوب احوال ملک و ملت و امور سلطنت و مملکت  
برینه قر شتی خبر و نافع و بر لینه متوجه اولوب مباشرت اعطه بر مانع و مدافع اولوب  
سهولتله مقدر اولنه اشارت در یا سلام سلم یا جمه کلم بودا فر سوال مشروطه شار  
یا محمد ارفد یا مصطفی اسما ای محمد اسماوس نایم اول بات و ای مصطفی اسماوس محمد الیه  
بوفقه لره بر معنای مقصوده کنایت در یا مهدی الزمان قدان الاوان مهدی الزمانه  
خود جنک و قیة قریب اولدی دیو خطاب در سلام علی نوع فالملک مزروع یعوق و بر دفر  
بر نوع سیرتو صاحب غریبه اشارت اولوب اخلاق طیبه سی مکت اذ فر مثال مشام  
عالمیای معطر ایتمده خبر در یا یعقوب یا بش یا الیس اصین بودا فر تفسیر سابق اوزده  
ایکیم کنه بشارت و حیره اشارت در یا کاتب للقریس حاسب ای ریسک کاتبه جالیله  
یا شیخ فرق یا کوزل فرق بودا فر ایکم شیخه تفریق و تخریق الیه اشارت در فرق یزید  
معنا سنه در شیخ ده هاء معی الیه کور لته هاء مهمله الیه اولیج احوال معنیه اولوب  
اتنه یاق دیکه اولوب یا شاه قم یا اسکندر قم برینه قیام برینه نوم الیه امر در  
معنای مقصوده اشارت کنایت در یا عمر یا سلیمان در قرای عمر معمر الیه سلیمان  
تدیر قبل هلاک الیه یا دجال لچ یا مهدی هج ای دجال کیری ای مهدی حرکت الیه

یا ابراهیم

یا ابراهیم اذن یا عمرو دهن ابراهیم اسما یا خود ابراهیم مشربلو بر شخص حلیمه علامه  
دیو و عمرو صفتلو بر شیخه اظهار بغض و حدیله دیو امر ایدوب بروقه اشارت در  
یا طالوت اشرب یا جالوت آوت بودا فر ایج و قریب اول دیوایک طالوت و جالوت  
سیرتو امر ایدوب ظهور لرینه اشارت در یا ادریس خیط یا الیس خیط خیط مبالغه الیه  
خیاطت الیه دیکه خیط خیط ده امر در خیط دوایک ایا غنیره اورد سید سور حکمت  
مراد اولوب یا نوع نوع یا فرع فرع بودیج و چه شروع اوزده نوه الیه فرع اول دیو امر در  
یا محمد اشرب الشرب و اسمع الزباب بودیج محمد اسما بر صاحب شوکتک عیش و عشرت  
ورفا هیئت اشارت در و عائق الاحباب و ارشف الرضاب قبل الضیاب بودا فر  
محمد مذکور خطایر مضایح و دستلایله معانقه الیوب محبوب و محبوبه رک اغریارن  
رسف ایدوب ام متمتع و مقلد ذ اول طمان جو کز دن اول دیکه ضیاب طمانه دیر  
علام قیامت بر سید و انعم الفرصه قبل الغصه فرصه غنیمت بل غصه و غم اول  
کب صفاقیل حال الجریض دون الفریض بولکام مژوب افتال بریدن بر مثل شهر در  
بر امری اشکله عانج اولوب فرصت فوت اوله ضرب و لنور جریض خیز و غموم و مریض  
معنا لرینه کلور قرین شعوم دیر لر بوشلی ابتدا جوشن الکطالی دیکه بابا سی شعر دیکه  
منع و زجر ایدریش خزنندن مریض اولیج اسکیوب نه استرکت سولیه دیو شعوم اجازت  
و بر دیکه هلاک حشر اولوب شعرا حتمالی قالمش ایتن حال الجریض دون الفریض دیمش  
شایع اولوب مثل سائر اولمدر فالدهال قدجال و الملک قد زال پس دجال حوال  
اتکه یعنی چوق عالم طولاشمه قریب اولدی ملک دافیر زواله یا قلشیر لفظ قدک جمله معانیدن  
بر بی ماضی حاله تقریب آتیک و امر متوقع اوزرینه داخل اولمق بومحله دافیر بمعنا لر  
معتبر و ملحوظه اسم شاتر و رسمه کافر دجالک اسمی شاتر و رسمه کافر در یا اصغر صفر  
یا اشقر زمره اصغر صغیر الیه و اشقر مزارک حال دیو خطاب اید مراد بنه الاصف و املق  
فهم اولوب سابقاد فر مورا تمیدی یا جاسوس شیب یا سوس زبیرت ای جاسوس  
آتش فتنه یا الکندر و ای دسوس قطع سور جمع الیه زبیرت دیو قیون کیه یک کیه و بق  
و خیش جانور رک سورینه دیر لر یا خناس زمره یا غلام هجم زمره و هجم صوبه و طامک  
متبیین اولمیان دیر لر مقصود خناسه و غلام سولیه دیکه فتنه و فکاد و نکورک رواجر لایق



کندید. دیکده کنایتیه. لان التور قائم. والفرع دائم. زیرا سرور قائم و محل دفع  
دائم و متواصل در شعر فالدهر برقص والایام تنشد. هذا هو العیش الا انه فان  
یعنی دهر رقصید و ایام اکابوین انشاد ایدوب افور هذا هو العیش الا انه فان  
یعنی عیش هاهو بوصفا الیه کچون اوقاتیه کنه فایده دیکدر. یا هلال هلال یا خلخال خلل  
هلال تهللیدن و خلل تخللندن. ایکه سنه نک ارانسه ارانسه کرمک معنایه یا فتاح یا مفتاح  
یا راع الارواح یا فالق الاصباح یا نور الاشباح. بوند کور اوله اوصاف نعت بارید  
جل ذکره جناب حقه مناجاته ظهور ایدجک اثاره مناسب صفاتله. یا هایل هایل  
احذر من قابیل. هایل هایل بر مظلومه قابیل صفتلو بر ظالمه هذر ایله صفتو دیو  
تنبيه ایدر بیت. فلول الصید ما نفر الغزال. ولولا الصدا ما عذب الوصال. یعنی صید الیمن  
خوفی اوله غزالو کسند در قاجوب نفرت ایتزدی. و دفر هایل و فراق اوله و صلت و بلات  
ولذی کمالیله ادراکت اولما زدی. و هذو صور ملک الروم بملوک رومک صور تلویر

**حبیب حبیب حبیب هلال حبیب حبیب حبیب جلال**  
لبیبک معنای عاقل دیکدر. حبیبک معنای معلومه. الله اعلم مؤلف مرادیر  
ادع محبب القلوب تازو یا شلو پادشاه. و ادع عاقل عظمت و جلال صابر  
یا وزیر شاه اشارت اولوب ملوک روم سیاقده ذکر ایتک سلاطین آل عثمان  
اولوق فهم اولور خلد الله سلسله سلطنتهم الی انقراض الزمان آمین می نزل علیه القرآن  
شعر یا مشتکی الهم دعه و منتظر فرجا. و دار وقتک من حیر الیه حایت  
ای غده شکایت الیه کسند من نعم و هم کنه و حاله قودا فرجه منتظر اول و وقتک ایل  
مداراة ایل بر حیندن بر حینه و رجه یعنی غم نه نده فرع دفع و قسند دکت صبر  
قلبت تلینت ایل. و لا تعاندا اذا أصبحت فی کدر فانما انت منک فی من طین  
دفر

دفر من مکدر البال صبا حلتک غم و کدر برله عناد لشمه صبر ایله که انسانه کدر عجب کلد  
زیرا من صوابه بالحقده سیر ایله اولیج بالیج بولوب کدر اولما عجب اولما ز دیکدر  
**و تفحص علی الکرسی قطب فلک الدولة الاحمدیه** و مرکز مدار الملة المحمدیه  
یعنی کرسی دولت اوزده کچر اوتور دولت احمدیه نک قطب فلک و مدار ملت محمدیه نک  
مرکزیر فی سیر التنبله القمریه کرسیه اوتور مق سنبله و قمریه نک التنبندن واقع اولور  
و فی ایامه تكون الحروب و افترق و الفتن متکثره. دفر انک نه نند جنک و قسند لرجوق اولور  
و فی اوانه یظهر صاحب الحال عند ارباب الحال دفر انک نه نند برینک و کسند ظهور ایدر اهل  
حال قسند. و یکون منتقما کتو متکبرا غشوما. دفر اول صاحب حال منتقم و کتوم و متکبر  
و ظالم اول جدر. و یحاصر قونیا الکبری. و قونیا الصغری. دفر محاصر ایدر جدر بیک  
قونیا بی و کوجک قونیا بی. رایت خیال الظل اعجب عرق لمن کان فی علم الحقیقه رایت  
شخص و اشباح تمر و تنقص. و یعنی جمیعاً و المحرک باقی. یعنی خیال ظلی به اعجب غیرت کوردم  
علم حقیقه عالم اولوب. ذروه و علیا سنه و اصل اولان کسند بوند اوزده عبرت الیمن سنه اولما ز  
زیرا بر خیال ظلد نیجه شخصه و شجره صور تلویر کچر تمام اولوب. و کونور فنا بولور اولوب کچر  
محرک اولوب حرکت ایتدن باقی قالور دنیا و فیها دفر بلکه کولر یلدر دفر بولدر جمیعاً  
کولر کچر فنا بولیر لیر ایدت ازلیه سیه و قبضه و قدرت وید حکمتله محرک اولان  
فرد واحد باقی دائم و باقیه. خیال ظل عارف اولان لیرا نند تمام دنیا نک نمونه سید  
دیکدر. مفصل معنی و محصل فحوی. بوزکر اولان اسلوب اوزده تقریر و تحریر اولور و الیکه ذکر  
نیجه اولور خیال ظل سیرندن امتناع ایتد عبرت المعنی. و مضای یحفظ و معقول عیض  
مخوسه ابراز انیمکه نفس لاره یه غالب اولمغیره حاطر و ناظر اولما زدر. بوبیت دفر شیخ اکبر  
عقربلرینه منسوب بر مجلس سیر ایدوب بیور مشاربیه منقولدر. فافهم  
**نفق قدیمت و آخرت و قربت و بعدت و کثرت و طلست**  
**و مرزت و حصنت و اشرت و صرحت و کتمت و لوحنت**  
یعنی پس فهم ایل که بن ذکر ایتد کتم و قایع و حوادثی تقیم و تأخیر و تقریب و تبعید ایتیم  
و بعضساین کنز کیه ستر ایدوب اوزرینه طلسم دفر الیوب و بعضن رفرومیه نیت ایلیم  
و بعضینه اشارت و کن تصریح و کینه کتم و کینه تلویج ایتیم. ولم اذکر وقعه بعد وقعه



و بر دوقه اردنجه ترتیب اقدم بوجوه بویه ایتم لیلا یطلع علی اسرار هذا  
الكتاب الموضوع لاولی الباب شیاطین الانس و ابالیس و اجن و عقلاء و صالحین اچوه  
موضوع و مذکور اولان کتابت اسرار انسانی شیاطین سیرتو و جنگ ابالیس  
صفتلو کر مطلع و واقف اولور و بس مؤلف مؤخر اولور مقدم و مقدم اولور  
مؤخر و بعید اولور قریب شکست و فریب کر بعید صورتند کورتر من و بعض اسرار  
کنز مخفی کیم روزایله یازوب علایم خفیه و اقلام جنبیه الیه طلبه ایتند و هرلم ده  
اشاریه واضح ایدوب برترندن متفاوت تعمیه و الغار طریقه سنه اغاز الیه هرکس  
استخر لوب مغیبات آتیه واقف اولور و اهل اولیان فسقه و و جهل کشف اسرار  
ایتمکه اتمش اولور و **اما افعال الخیوب** فلا یفتحها الا ارباب القلوب  
لا غیب قیو لیکر کیم فیه اولما زالا ارباب قلوب فیه اولور افلا یتدبرون القرآن  
ام علی قلوبهم افعالها و کاین مزایه فی السموات و الارض یرون علیها و هم عنها معروضون  
بواته کریم کریم مختلف اقتباس طریقیله ایراد ایتند و لیزج الی رفع الحجاب بعون الملک الوهاب  
یعنی برینه مراجعت اید لوم رفع حجاب ایدوب کر و بعض اسرار یازمغه ملک و هابک عونیه  
یا یعقوب لکمال هذا یوسف کمال ای کمال یعقوب استبوا حاضر و مشاهد اولان ملک جمال یوسف  
شعر فروغ و ریحان و عمر مهتاد و جاده و عز و الملوک تکارم مؤلف بویتیر یوقاره  
اشارت ایدو یوسف الامال اچوه ذکر اتمک فیه اولور معنای بیت روح و ریحان و عمر طویل  
و مبارکت و جاده و جلال و عزت و اقبال اول کینه اچون حاصلدر و ملوک و ملاطین  
تکارم ایدوب بربر لوزن کرم و هم در زیاده و فضل دعوا سن ایدو کر بونکر کریم  
و فاضلدر دیمکه راجع و ایل اولور فبقیات من عثمان بیت شماخه سلیم شماخت  
فی شماخ اجم بونکر بیتک آل عثمان اوله دخی حال بیت کرم و شماخت سلیم  
افاندر ملوک با و سر فراز اولان جمعی را س لوزن اقامت ایتند یعنی عصرند اولان  
بادشاهلر کله لوزن با جمال ایلوب نطنند ملوک دوزیمه غالب اولند و دیکدر مرحوم  
و مغفرت قرین جنت مکان و فردوس مکین سلطه سلیم خانه اول اولی فیه اولور  
سلیم بغیری تصریح مرتبه سند در ایدو و لایله بها تواتر بان لها ملک تبید القیام  
ولی الله اولوب عالم سر قضا و قدر اولور و اکا سلطه امرند خبر کلوب متواتر اولند

اولو کوه

کریم

ایتمه

خفیه

میل

فبقیات

ملک

ملک عظیم مالک اولوب قیامی هلاکت ایدو کینه خبر و برشته قیام قیامت جمعید اولو  
معنا سنه و افعال سلطان سلیم شارایه عصرند ملوک اولورنده نینه طبعی اور مشرک و مؤید  
منه عند الله اولوب اولیا و رجال الله الیه استناله افواه ناسخ مشهور در بوبیت  
جفری دخی اینی تایید ایدوب و بویه له وقت بوقت مره اخر علیه لواء النصر قائم  
انک اچوه بر خوش وقت اولور بر افراخت و قیه سبیل نصر و ظفر شجاع اوزرند نصر الیه  
قائم و ذایم اولور مقصود مؤید و منصور اولمنه اشارت و برکت نک ایدوب معین  
اولم سبله مظفر اولاجغه بشارتدر و بعد مقام العز عن مقامکم یلیکم زمان البخل  
بخل لفاطم یعنی سرت مقامکوز و نسلکوزت خانه سلطنت انقراض متکوزدن  
صالح زمان بخل کوز یعنی جوق کیم جهری زمان چقار دیکدر عن مقامکم حله و اعترافیه در  
دعا اچوه کلدر و بلغتها جمله کیمیدر قولت عده ان التمان و بلغتها قد اوجبت  
سمعی الی ترجمان بومقوله جلدر جلال مقصود و بعض اعراض اچونر بخل ایدوب بومحله  
و مثال ایراد ایدو کیم بنده غرض دعا اچون ایراد اولند بخل ولد کیم معنا سنه در فاطم  
فاطمه دن محقق مراد حضرت زهرا بیت رسول الله در مهدی آل محمد اولمین بخل فاطم  
دیمدر بوبیت شریفین فهم اولان بودکر آل عثمانک سلسله شرفه لر آخر نطنه دکلور  
منقرض اولمیه جاق مهدی چقاق نطنه قریب و لجه ممتد اولور زرا یلیکم زمان البخل ایدوب  
زمانک ولی تمسح با متصل اولوب یا خود شی سیرالیه منفصل اولی کرکر که عدم منزله تنزل  
اولوب تعاقب ایدوب دیمکه مانع اوله حه بجان سلسله ال عثمانیه الی آخر الزمان ممتد  
و متصل ایدوب و غازی فی الله و مجاهد فی سبیل الله دولتو بایست هن سلطان محمد هان ابن سلطان  
مراخان ابن سلطان سلیم خانک عمر و دولت و خست و شوکت زین الیوب اعدای دین و دوان  
منصور و مظفر الیه آمین بحرمه ال طه و یس محمد المهدی ایام الکتاب شریف من ال البیت الامم  
بو بخل فاطم دیدو کنت بیانیدر سر عکرا ایل اسلام اولوب ال رسول و کفری قاطع و رافع الی  
بیاندر سنا جقه بالنصر خفق دأما یما اجمش رعب الصوارم انک کواکر دایم نصر الیه  
هاتف اولور و کند عکرا اولجه قلبخ خونی جکر ککورا عدایه خوف و هراس و بر شمع و دلاورد  
یعیش نطنه نافی الامانی مودرا و لیس علیک الباس لوم العظام محفل عتای بیت  
لام مهدی بعض احیانم اضطراب و احتیاج جکر ده اکثر اوقات و ازمانه حصول مراد  
و نیل الی برله کامراه اولی اوزره عمر سور مودر اولور دیکدر بعض نسخدر  
مؤید و دستدر مودر اخلند و لیت لما ولیت لیس مخالف علیک

بلغتها



من اهل الدين كل سالم سن مولد اولد ونگام امح والى قلذكت سكا ايل ديدن فخالف  
فخالفت ايرن سالم اولد ونگام حاله محصل كلام سكا فخالفت ايرن فلاح بولوب قورتلز ديكدر  
ودامت لك التكلين مادمت قايمما تجود بمانه تدوم النعائم سكا عز و تكلين دايم اولسون  
سن عبش نعيم ايله دايم اولاجوق مال فراوان بزل ايروب نجه كنه لوح سكا ايلدكك حاله  
قايم اولدقجه ديكدر محصل كلام سن صاغ اولدقجه عزو تكلين سندن مفارقت ايتسون  
دولتك دايم اولسون ديودعا اتك استر نهائيت بودعا ضمنده سخاسه داغى اشاست  
ايروب نجه كنه لرك عيش لري رفاهيت اوزن اولاجوق قدر بزل مال ايله سخا ايله دكك تعرض  
ايدرو **والا سم الشرف النوراني** و علم اللطيف الرباني فتحي الله بيم الملك وختمه  
بدال الدوام فاحاط بجاء الحكم واحمد و بيم المدح والمجد مولف امام محمد مهدي و صف اليبوب  
كفر بيا نذ دوام دولت و بقاي ملك ايله دعا ايتندي حاله نرايله دفر اسم شريف محمدت شرع  
وسن بياذ اليبوب ديكدر اسم شريف نوراني و علم لطيف رباني فتحي الله بيم الملك وختمه  
ميم ملك ايله فتح ايدوب آخونه دال دوام ايله ختم ايلدرو **بدايه حرفه حكيم** و محمد حاكم  
و مدح و مجدك بيم احاطه ايلدرو بولكلام دقايق نظامن بوفهم اولدو كنه لنام محمد مهديك  
صاحب ملك اولوب دولتيه دايم اولمئي و مدت عمرن ممدوع و محي بود و حاكم و حامد اولوب  
محمد دن منفك اولد و نغى بواسم شريفك تاثير اولد بوقول محمد مهدي قوق تل حكومت  
ايدرو بوجملح مؤلفك دوام دولت و بقاي سعادته دلالت بارز و غر قول فرور بيا  
تاثير ايدرو بواسم شريفك تاثير بوزكر اولان سعادتم فظهر اولوق ايدو كنه معلوم  
اولدو ايله اوله جناب رب الارباب و مالكت الرقادن تفرغ ايدو كنه خدمت دعا  
اشتغال و ايام دولتنه فراغ مال اوزره اولوب نوكتا حستطاه امر عاليله ترجمه ايدو كنه  
دولت و بيا نذ داغى اسم شريف لري محمد اولد بوسعادته بيا غايتك تاثير ظهور ايدوب  
دوام دولت و بقاي ملك و شوكت ايله معمر و مظهر اولد قاري نغته كاي نغتي محمد امك ميسر  
اولوب محبوب القلوب و ممدوع اخصال منظور اوليا الله و مظهر رجال اولد قاري حاله  
محمد مؤيد و موئل و اقبال مخلص و مخلصن حاله اوليه لراميه بالنبي الامين **بيت**  
اين دعا راكه كنم هم زمك مي شوم با نك آمين زروايي فلكت مي شوم  
و مؤلف كتاب ايدرو بواسم شريفك قن ايك حرف اخيرن جمع ايلست اولور ميم ايله  
حاليه جمع ايلست اولور جمعون محمد ديسن **مح الاشرار** و مد الاخبار  
ديكدر اشارت جبار و بواسم شريفه اوج ميم جمع اولدرو بوي ميم ملك و بوي ميم محمد و بوي ميم محمد

و محمد

و محمد اولو لغه و فتح عطايه ديرلر و ميم صورت قطب عروس الوجود و مرات الشهود

**سلام قلبيس محمد الله محمد يس قلب سلام**

فهو صلى الله عليه وسلم السر اعظم الي مع والدر الاظم ال طاع فافهم هذا السر من الدر  
مؤلف بوزكر ايدو كنه اسرار اسم شريف قطب عروس الوجود و مرات شهودك صور تيدرو  
ديكدر صله اسرار عده متعلق بعض زور يازوب بونه مقصود صاحب مقام محمود  
حضرت رسول الله بوي ميم اعظم جامع و در افخم ساطع در ميم بوي ميم فهم و در ميم اشك  
صقلية ديوكلامن ختم ايدوب آخر كلام ستا نغية باشرو **اعلم ايها الغافل** اللامع

حوادث فرد

**والا فلان** هر ان بعد **من** مستظهر حوادث عجيبه و نوایب غيبه فاسمع  
ولا تلمن من القلوب الخا مدين و لا تلمن الموتى لجامدين محصل كلام سن بل اي غافل و لاهي و سافل و ساهي  
طقور بوزكر ميم سن سندن صله بر سنه كلدر كنه انز حوادث عجيبه و بليات غيبه ظهور ايدرو  
سن بيم كلام فهم ايله حامد اولان قلوب صابنده اولد و غر ميت كيه جامد اولان درون اولد و ديكدر  
لاهي كنه اوزره اولوب هو و هو سن مقتضيات اشتغال و انهما كنه غفلت اوزره اولاندر سافل  
الجمع معنانه در ساهر مطلقا سهو و غفلة مبتلا اولاندر **واشتغل بالعلوم الحركية** والادوية  
الرسمية و المعارف الحكيمه و الاسرار الحرفية و در ميم مشغول و مواظب اول و واقع اولاجوق خوب  
و قتاله دال اولان علومك و ادله رسميه سنك بكنه و حكمنه منسوب اولان معارفه و حروفه  
متعلق اسرار خفيه نك استخر اجنه مقيد اول اهتمام ايله فغن قليل مستظهر بنوال اصغر و فهم  
العلم الاشرس سن سكا معلوم اولد از زمان ده صله بنوال اصغر ظهور ايدوب اشراط اعتنا  
اوله فرنگك عتري عليه ايدرو ايلد ايله علم اشقر بيله اولد و نغى حاله عيب طائفة رعيه  
غيري اوله كفا ع علم و در لكن فرنگك شايع اولدرو **اشقر غايت** قزلب كز لوصار و نغية ديرلر  
بوراده مقصود اول عسكرت رئيسلري ملكلري يا خود برنامدار دلاور لري اولمقتر عن قليل  
عبارتند عن بعد معنانه در عن قريب و ديكدر كيه عتري قريب ديكدر بعد قريب ديكدر مراد  
از نغية صله در زيرا از زمانك مودير قريب و قبل ظهور هم سيعر ميم القاف  
ميم الاعراف بوزكرت ظهورنده اول ميم قاف ميم اعراف عداوت ايدرو ديكدر ظاهر معنانه  
كلام در رموز و اشارت خفيه قبيلنده در **بأشارت** الهرة المحصورة في حصار الجوع  
هز في محصوره اشارتيله حصار جوع ده و لا تغفل عن الميسر الكفار فانه سفينة الاخبار  
و در ميم كفار كنه الميسر غافل اولد زيرا اول اخبار سفينة سيد و شجرة الاشرار  
و مجمع العجارب و در شجرة اشرار و مجمع فجار دره و لا تنس المصري فانه لجام البصري و في مصري



سن او نتمه زیرا اول بصر نیک الجامع در وستری الف لیس وهو امام یس و ذوق  
عن قریب الف سین کورس که اول امام یس در اما المحبوس عند رئیس المحبوس  
محبوس طایفه نیک ریساری قند محبوس اولاد معهود که تفصیل جای بود که سیغلبه  
القرقف مع الغلام الاهیف اکا قرقف غالب اولی در غلام آهیف الیه قرقف  
خره معنانه در آهیف بوی اوزر بیل ایجه اولاد در فیمک الجزیره فی متع القصایر  
یس جزیره مالک اولور از زمانه جزیره دن مراد یا جزیره العوبد که یوقارده بیاه اولاد  
یا خود بر جزیره معهود اولاد ولا تنس صغار العیون الامهون دخی کو حاکم کوزلوری  
اونتمه الامهون اولاد یا خود ال اولیوب الا اول عرف نداد صغار العیون اونتمه  
ای مفتون دیک اولور بومعه انب و اقبر زیرا وجه اول اوزره مفتون معرف بالام  
کر که علم اول اهل فن ایچ بر شخص معهود اشارت اوله الله علم ثم زلزال و خسوف  
و حركات و کسوف بومعه صحت زلزله و خسوف و کسوف و کسوف در وبین جمادی و رجب  
تری العجب جمادی الاخر آیه الیه رجب اینک ارا سندن عجب کورس وستری حرف الباء  
مع حرف بای س حرف الف الیه بیل کورس خفا سز دیار یونان و سنان الیه عثمان  
و سندن نوم معنانه صفت مشبه در صندی و ده یقطان که مقصود غافلدن کتاب اولور  
یا خود جوق او یغله اشتها بولام بر شخص تعبد در وهو من الرقاق اول کینه  
عراق ارضندن قوت در بجین براق جنین ده قانی و کلو و جنین اسم موضع  
شام قریب در نسخ کرده بویه واقع اولم کن بجین براق اولم قد متحدر رسم خط  
محمدر صاحب بجین الازهرده ذکر اولم در الله اعلم و احکم نصف اسم محمول  
لانه یکل المغلول اسم نیک نصف مغلول زیرا اول مغلول اولوب محبوس اولان که باغلی  
حل ایوب قورتر ولا تغفل عن الفیاء فانه الیوم عند السرایه دخی خیا نیده غافل اول  
که زیرا اول عذی سرایه یا نند در و نبه اکراش یا صاحب اکراش یعنی دخی کج  
تبیه الیه ای کراش صاحبی قامو بند کراش رمان و زنجی نقل معنانه در یعنی حفظ اوائه  
اولان کینه دیکر و یتیم ال میهمای ای نیم اولوم شامی تمام اولور و بشر القصیر یا فقیر  
بود اخی قصیر اثار الیه مشته ای فقیر دیور مرز در لانه الدنيا فانیة و الاخر باقیة  
دیور دنیا فانیة و آخرت باقیة در و حرک الفارس یا حارس و رقد المونس یا مونس

بومعه صحت زلزله و خسوف و کسوف و کسوف در بین جمادی و رجب

بومعه صحت

الایم جعلنا العیون

قدم السیف

مستغلام

قدم السیف یا سیف وستی المهدی یا مهدی بوفعات داخر فقر مقدمه کمی  
رموز و اشارت در یا حارس فارس تحریک الیه دیکر فارس سندن مراد یا فارس مملکت دیکر اولور  
یا خود فرسندن مشتق فارس معنای اولوب آنکودیکت مراد اولور و یا یونس مونس و یونس  
و یا سیف قلب تقدیم الیه و یا مهدی مهدی صابور حصون و یا سیم شاه فانه سیغلب  
رئیس الغنم سلیم شاهک احوالک تفصیلی بود که اول غنم بعد شمس غنم غالب اولور بعضی شمس  
اما شاه العجم دوشمدر و اما النصارى و انه سیقل العثماني لان نصرانی که مراد الله علم بوالصغور  
اما شاه بحر العجم دوشمدر و اما النصارى و انه سیقل العثماني لان نصرانی که مراد الله علم بوالصغور  
کفر نند جنک ایوب عثمانی الیه قتال عظیم الیوب جوق عکر قوله کرکر و اما المركب البحري  
فانه سیف المدينه المصريه دخی مرکب بحر نیک یعنی کیکرک قادر غارک تفصیلی بود که  
المر عن قریب دیار مصریه فی فتح ایدر ثم عیلت مفتاح الجزیر فی الایام البسیع بونه صندر  
مالک اولور جزیره نیک مفتاحه از زمانه اول ولایه ضبط ایدر و بشر جاء الشام الخسف بالرقم  
بالوکف و قلب الشام بالحق و قاف الرقم بالرقم یعنی شام دیار نیک حاسنه حفا الیه و روم  
باشنه و کف الیه و شام مملکتک قلبه یعنی اوردت سندن اولوب کریدر سیه اولاد شهرت اوردت سندن واقع  
اولمغه و رومک قافنه غرق الیه خبر دیر دیکر و حابوا و قافدن مرادیر اولمغه بوقارده بولان  
شهر کره رمز و اشارت الیوب نا امله اخفا در حاکم و بر و سه کبه قونی کبه معنای خسف  
معلوم در و کف دخی و کف البیت اذا قطر و دیکر سندن یا خود اولم و ارغیب معنانه تحریک  
و کفدن سکن قلنق و ار معنای اول اوزره مال کلام استنک اولی قافلو بر شهر کثرت  
قطر دخی یعنی جوق بغور یا غوب سیلر کهنده خواب اولور و دیکر راجع معنای نایز اوزر مطلقا  
برافت و بر بلانازل اولمغه غیب و منقصه مظهر اولوب او کیر و نقی قالمار خرابه معنانه اولور  
دیکر موقوف بوشهر نزول بلیات و مصائب اشارت و ایماد صند سبب بیاه ایوب ایدر  
لانه الولد متلف و البنت مدلف و البرای مخلف و العبد مسرف زیرا طوغان اولم متلف  
و قزلی یوز سر قوباره دایر خطا ایوب قولکر مسرف اولور و القلب خراب و الخطا صواب  
قلب خراب اولوب مخض خطا اولان امور صواب عدا و لنور و الزنا فانیة و الریاء مانیة  
زنا فاش اولوب ریایور یکدم در یعنی کثرت اوزره اولوب رواج بولمقد در و الامام و ان  
و القاضی راشی دخی امام و انیه و قاضی راشید بونک اشارت مقامه لاسم الف لام جنس بحر ایوب  
عموم قصد اولمغه آخر خطه قاضی راشید دیکر اکثرینه بناء مبالغة قصد اولمغه

بومعه صحت زلزله و خسوف و کسوف و کسوف در بین جمادی و رجب



بوتعبیر اولی در سایر فقرات و در مقام حبس و بک اعتبارات جاریه و اشغالی و تمام  
معناست در اما در نزد محله امامی اول معنای ظاهر او کور و در زیر انوار استی و در اهل  
عرفه فقر و غم در اکثری فساد و در صلاح و در علامت قیامت بود و در عظیم است  
الشیخ قلاس و المیر خلاص شیخ تغنی ایند کلام رقص ایرجیدر یا خود بنیاد در کثیر الترتیب در  
مزید رطب و یابس و میوب و حلال و حرام و میوب اخذ و جلبا و یجیدر فی الواقع نه عز و اکثر  
شیخ رقص ایروب مملوب اختیار و ولد بی وجه و حال شریع شریفه مخالف وضع انکه اوزر کرد  
و بنیچه دیگر و در شرب بنیچه مستلاد و صوفی و مرید و اولان بهایم خود قصد و کمالا فام  
بل هم اصل اولوب و حلال و حلال فرزند و ترا و لبس تقوی و شعار و در عدن معر الرد و العلم  
مجادل و العامل محال و در حق عالم مجادل اولوب غرضی اظهار حق اولما و اولش و علم و فحاح  
اولوب اینستاری حیل و خدعه و لمعه و اما و عمل جاین اولدنه فی نه ناعلم انک بحشدن  
غرضی اظهار حق اولوب مجرد خود فروشی و الزام خصم اولمیه و اما و عمالت و غیر محال  
خیانت و حیل و در حق الحق فقرات سابقه مضمونی که شایع و ذایعه و و الصوفی کرد و الصافی عکر  
صوفی دیگر قلب ضایع اولاندر نه که کرد در بعضی قلب پاک و کلام و صفا طبع است و کز و در عکر  
عکر رنیک در سنه یعنی دین و قلان چرکه و در و احکام فاجد حاکم اولاندر اکثر فاجد اولاندر  
فق و فحور دن حایه و کلام در و و الامراء تجار و بیکرین تاجر اولاندر و و الرعاة ذیاب  
و شباه اولوب سوریه ضبط و حفظ ایرجیدر قور در در و و الولا کتاب و الی اولاندر  
بر الای عفو و کلب و در و و الحق مکتوم و و الحالی معلوم و غیر حق کتم اولن و اولدنه حایه معلوم  
اولد و غیر حاکم و و الملك لاهی و و الوزير ساهی ملک لصوص مشغول اولن و وزیر ساهی  
سوا یدجیدر و قد صار التصوف کتابا و دلقا و التعرف جدا و حذقا و در حق تحقیق تصوف  
کتاب اولوب و دلق اولدی یعنی صوفی کتب تصوف دن بر قاج اصطلاحایه از بر لیوب  
بر حوقه که یوب کند و در قطعا بر حال یونیک دعوی سلوک انکه در بلکه آله یه لک کلامی  
اکابر ی اولیوب کشف کرامت صانع دن عبارت اولدی و تعرف و در علم اذن ای  
هدایه جوخ اتمکله صوفیون دن ای بر قاج کند جمع ایروب اطرافنه خلقه ایلیوب کند و  
اندر ایله تحدیق ایله اولدی بو خصلتار و در نه عز و شایعه و و لا یحب فقه نوبی  
ادله الطريق و ذهب ارباب تحقیق حال اولد اولوریه و عجب و کلام زیر اطرین حق  
دلیلدر و راه توفیق رهنما لری ملاکت اولوب قالدیر و تحقیق صاحبی اولوب

مرشد کامل اولد اولور حکم کندی لا انخام فاتها کخیامهم واری ساد الحق غیر ناسها  
معنای بیت سابقا ترجمه اولدنه مقام ملا یمن ظاهر و معنای کوه کبی باهر در بمقوله  
ابیات علی طریق الاستعاره ایراد اولور قال فاق الفقهاء بالتأویل و توصلوا الی شبهة التخیل  
بعض علماء زیند اولوب مذهبن آردن بعض فساق تأویل جایز اولمیان بر کرده دلیل بر  
تأویل قایل اولوب کند و هو الی اوزده کلام اکابر ی مثلا بیت مزبور کبی و یا خود بعض آیات  
شریفه و احادیث لطیفه ی تأویل باطل ایله تأویل ایتمکله شبهه حلوه توصل استدلایه  
یونلر قدر کوا العلوم النافعة و استغلوا بالتمتع النافعة نافع علمیری قویوب سمع قالمه  
تناول استدلایه یونلر بوفعلی اتمیه بعد ان اما تو استننا و حیوا بدعایه شتار اولور  
نجه بدعتاری احیا اتمکله صکت در و و تفرقوا فاما احد ثواب شیعا و و افر احدث استکلام  
بدعتار اهل یون بولک اولد قلمری حاله تفرق کزده صده در قائلهم الله ان یوفی کون  
بوات کریمه ی مؤلف اقتباس طریقیله ذکر ایروب صدق قدر کزده اولد و غیر فرق ضاله دعا علیه  
انک قصه یمنه اتخذوا ایمانهم حنة فصدوا عن سبیل الله انهم ساء ما کانوا یعملون بوات کریمه یمنه  
اقتباس طریقیله ایراد اولوب یونلر حالدری حقلر دن شوات کریمه نازل اولاندرک ها لدریه  
تشبه اولمق طریقه سنج در بواتلر و کف معاینه شریفه سیم و طریقه ی اقتباسک تفصیل علماء اعلام معلوم  
اولوب بر مقامه بیاه و ذکر ریاضت تطویل اولمقین تصدیق و بیان دن اعراض اولدیر قدر کزده  
فی میادین الاباطیل و استغلوا بالرشوة و البراطیل اول طایفه ی اباطیل میدانر دن سکر و مثار در  
در سوت و بر طیل لرمغه مشغول اولاندر و اباطیل باطلک جمعیه باطل حق اولانک ضد تدر  
براطیل بر طینک کبریا ایله رشوت معاینه جمعیه قند ملک قنادیل کله و کبی خلاف مزید هم  
حلف اضاعوا الصلوات و اتبعوا الشهوات بودلغ آیت او کبی اقتباس در قد عید و الالهواء  
او ثانا معنای کلام تحقیق اول طایفه هو الرینه اوثان اولد و غیر حاله عبادت استدلایه دیگر مایه  
هوای نفس لرنه طایوب اصنام اتخاذ استدلایه دیگر راجع اولور و اتخذ الله هواه مضمون  
ما خود در و اتبعوا ما لم یزل به سلطانا بودلغ موال مشدع اوزده صدق مشدع اولد و غیر  
قومک تفضیع حالنده اقتباس در اما ارباب الاسواق فاتهم فسقة الفساد مؤلف کتاب  
اهل سنت و جماعت اولیوب مثار و افض و نواصب کبی فرق ضاله در اولوب علم دعوی این  
طایفه نکذ مندن صکت اهل سوق اولان جهله فخر نکذ مننه شروع استدلایه دیگر اهل سوق نکذ



Handwritten text in Arabic script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

25

نومذکورہ قرار  
حسب



سیر طعنه بیل و ارنج در بومقام تغییر بخش و قنیر طعنه مراد اید و کی نامعلوم در رموز  
 قبیلند در امیرها کافر و عالمها فاجر اول سنه در کلمه و قنیر یک بولاه حق سائر در  
 یا خود حقیقت کافر در کز لودین طور دیکت اوله و عالمه فخر الیه مشهور در مؤلف بومقام  
 سن بل که دنیا بر عرض زایل و ظل اقل در که بدین بزه و فاجوده بیرغیه اوده بران  
 بر قاف کوه کجور کیدر دیدکده صند و فی ۹۹ لایق علم و الارض من العرش بقیه طعنه  
 طعنه سنه صند بر یوزنه عید که کمالا در کلمه کلمه طعنه طعنه طعنه کز لک  
 نامعلوم و اما الکمل الامور فبقوله صاحب الجبین الازهر کهل اعورک تفضیل بود که  
 این جبین از هر صبی قتل ایرسیر در کهل او تودزه بجایز ایره کمنه به در لک الیه بریخته و ارنج  
 آده صند یخ دیور جبین از هر آله معنانه در ناصیه کبی از هر ابصر دیکر لا تغفلوا عن  
 صلوة العصر فانها عماد القمر صلوة عهده غافل اوله که اول عماد قمر در یغیه قمر دیکر عماد معطر  
 و کانت بمرج دابق و قد نزلت العادیا السوابق یغیه بن فلی ایره که مرج دابق اوله اوله  
 برار یو کرک انکرا لیکر عظیم قوند و غیر حاله نزدی عادیات اسنادده مراد برار انکرا عسکرک  
 نزولنه اشارت غیر قمر اشارت اوله بنوا صفر عسکرک اشارت مقصود اوله کانت بمرج  
 دابق بقیه مرید قرب و کمال تحقیق تنبیه در حدیث شریف مرج دابق و قنیر مصر حد  
 نهایت معناسر دابق اختلاف دارد در قرب مدینه اولوب و حلب قریه اولمقد محمله اکثر  
 مصنف کلامه حلب قریه اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله  
 سامیه قایم فتح قایم و کسریم و فتح مشاة تخشیه محفنه و هالیه اقلیم رابعه توابع سیردن  
 بر مدینه قریه در مؤلف بومدینه ده بروقه اشارت در مافی اولمقد و مستقبل اولمقد جایز در  
 نیتکم بخیر مذکور اوله و قنیر وقوع بولدر کاه اولور قایم دیو جوی سنه دخر اطلاق اولور دیو  
 بعضی کشته منظور مراد ملدر بو شهر حال خواب اولمقد و ارایه دخر بر کوی قدر قالمقله مشهور و کلمه  
 و اما مرج عکا فیه المجره الکبره مرج دیو اوده به ویر لر یغ عکا اوده سنه قنیر عظیم اولوب  
 جنگ عظیم اوله کرک و ملکی نیک معناسر قال دیکر اصل و اشتقاق اوایل کتابه کجدر و این الامور  
 العظیم و الاموال الجسمه بدایتها بواحد عظیم و احوال کبریه الی القوان الخ من بخر قرائه  
 و نهایتها التاریخ السادس آخر التیج تاریخ در احوال هولک جمعی در بواحد تورق معنانه  
 بعضی سنه قنیر بریه قرن واقع اولمقد و بعد فقد تجلیه عالم جلال قبض اذهلنه عن عالم  
 جمال بسطی فابرزت الذات هذه القصیده التی منزع لامها و فی سر اشقات النبال

۲۱۳ از هر  
۸۱۳  
۱۰۲۶ ایمن

بنو آل صفر

لام

خدا

و من کرم درامها سرحت به فی حقرات الجلال مؤلف کلام سابقن تمام ایدوب و بعد کلمه سید  
 اندکده صند نظم الی دی که قصیده نک تحریریه توطئه ایدوب ایرک کفیع بکا عالم جلال قبض  
 تجلی الیوب عالم جمال بسطدن به ذاهل و غافل قلدر الیه اولمقد بوقصیده ذات احدی  
 فایض اولان و ارد عیبی ابراز انکه باعث اولدر هر کیم بوقصیده نک جوشنیله متذرع اولور  
 سهام بلایات و نبال حوادثن محرق و مصون اولور و هر کیم بونک مدام معانیه سنه نوش است  
 حضرات جلاله یول بولور لاله و لام زرق معنانه در تدریج زرق معنانه اوله در عی کیمکه در لک  
 رشق رمی معنانه در سهک اخف و اسرعه راشق دیور اوق و صفین جوق ذکر اولور  
 بنال نیکت جمعی در سهام معنانه کرغ صوبی اکله ارمادن اغزالیه ایچکه دیر لک کن بونیه مطلقا  
 شرب معنانه در سرحت فلانا الی موضع کذا دیور جوق سن اول کمنه کوندر سکت بومقام  
 معنای کلام دخر اول قصیده نک کیمکه معنایه شرایخ ایچک ای حقرات جلال سیرنه کوندر رار سال  
 ایرد دیکت اولور و سمیتها صیحه البوم فی حوادث الروم بوقصیده به صیحه روم فی حوادث الروم  
 دیو آدر دم یعنی روم ملکند اولاجو حاده لیر بیان ایدن بایقوش اونه سیدر و دیم  
 اکثر اخبار و خشت و انکیز اولمقد درج اوله احوال آینه نک خیر کن بایقوش شانت الیه  
 مشهور اولور و غنیمت صیحه بومدی در صانها الله خراج غایب او متجاهل وارب بواسر غنیمت  
 مقصود اوله قصیده به حو نقلا جاهل غیب جوی دن یا خود متجاهل مجملدن صافسون صیوه مؤلف  
 دعا ایدوب قصیده به شروع امتدر قصیده بودر که ذکر اولور بدیت  
 ناهیک یا منزل الاحباب عز طلل حتی وجدت نعیم غیر منتقل ناهیک بکنک  
 اکثر تعجب و استعجاب معنانه استعمال اولور بر شی و بر و صفین غایتنه ایره ناهیک بکلامه  
 قد انتهی الامر فی الی الغایه معنانه جمله در قول حریر کلمه که ایرد بدیت  
 نفسی الغدا و لتغزراق بسیم و زانه شنب ناهیک عز شنب طلل انار دار دیر  
 مقصود بقیه اشواق و تحریک انجازه انک انار ذات حبیبشاید به کفایت ایدوب امر  
 تهییج غایتنه بشتور دیکر مؤلفک بومطلعه و بعد بر قاف ابیات بلاغت بیات عادت  
 عرب اوزر ربع و منزل احبابه اظهار شوق و خیر انکدر منزل و دار شوق اظهار کجدر  
 سکر اولوب کجوب کیده حبیب و حبیبیه به در شکم بومضایر شاعر دیکر بدیت  
 و احب الدیار شفقن قلبی و کمن حب من سکر الدیار مؤلف دار حبیبک بقلوب  
 خواب اولور و غنیمت مجنون اولوب هر نغم لا بد انتقال ایرد دنیا ده باقی و بایدار نغمت  
 در ناهیتی قنیر کوردک دیو استفهام انکاری الیه تسلیت ایرد شکم بومضایر الخ شعر البیدر

۱۰۳۳



الاکل شیء ما خلا الله باطل وکل نعیم لاحالة زائل بوقامه و بونک افتالنه دار  
ودیار و ربع و منزل عقلا منزله سنه تنزیل اولوب توجهیه خطاب اولوب قدیم  
عادت سابقه در معلوم اولکه شعری عربک منزل و دار و ظل ذکر استکوننه مراد لری  
بنالوایلین منزل اولوق لازم دکدر بلکه اکثر مراد لری خبا و خیام اولوب کوچ بر لری زیر  
عرب عربا اهل اخیه در هر قبیله نک صیف و شتاه اقامت و قرار ایون داره و مقینه لری  
یعنی مخصوص اوبایر لری و یا ملاقلری و قتلایری دارد بر اوبادون بر اوبایه کوچ لری کوچ برین  
قلان طاشخوغم لرم و و تدره و بیک بشور و صاچ ایاق ایندک لری طاشکره که اکا اثنای دیر درونک  
امثالک نشانده اثار ذات دینوب طلل دخی اطلاق ایدر البته طلل منزل منبج نک بقله قد صکه  
قلان اثار لری اولوق لازم دکدر موارد استعماله تتبع بمعنایه شاهد در شعری عرب عشقه لری  
بر منزله بر منزله کوچن بولوب اوبایرین حاله کوریک منزل خطاب ایدوب تحشر و توله ایملک  
قیه حوق واقع اولوق ارالرنه غایت بر شرت بولندر یا حقیقه یا ادعاء منزل و دار محاطه  
ایه کلن لری در مؤلف دخی اول سنن سلوک کیدوب مطلع قصیده ده منزله خطاب لندر  
غاداک فی کل قلب للدموع الی ان حال رسمک و لا شحان لم تحل سکا و قلبه اغلوی ایون  
عشاق تبکیر و سرعت الیوب چاق رسمک بالکلیه متغیر اولوب بلور  
اولوب اغلسونلر حال بوکه اشجان طول عهد و زمان الیه متحول و متغیر اولانه کوریا شیء دو کفاب  
بکا اتمک در سه قلبه اولاه خزن و آسف باقیر زایل اولاز دیکدر بمعنیه حبب افوی در مقضایر  
بلاغت و استحکام کلام بوکله تمام اولور انکو ندر که معانی اشعارک الطف و الذی ذوق سلم  
و قریبه صافیله ادراک اولوب لفظک معنای موضع له سنه حق بمعنایه منبج در  
مجرد کان بکون معناس بلندر مراد شاعر سحر افرینه و اصل اولازر **حیث**  
و أصبحت فیک بعد البیض قاتمه شفع الاثنای لبین ساء بالمقل دخی سنه شفع  
اثنای بیاض کورینور کن سیاه صبا حلدی فراق و هجران غاشندن که چشم عشاقه غایت برافز  
کورینور در محصل کلام کور و داره خطاب ایدوب سنه اولان سیاه صباچ ایاق طاشکر  
حبیبک نزدی و اقامت زنده کوزنه بیاض و لطیف کورینور کن واقع اولان بی و فراق  
سبیل کوزنه سیاه کورینور دیکدر بیض ابیضک جمعید قائم اقم کیه اسود سیاه  
دیکدر شفع الاثنای معناسه در اثنای اثغیه نک جمعید قدر التنه یعنی چولک

التنه قودقلری اوج طاشکر که صباچ ایاق قلنور ساء فعل باضیدر شمس الیه نوا ماندر  
فعل باضی اولان حسن کلمه سنک ضدیدر متقل مقله نک جمعید مقله کوزک نتیج سیدر که  
بیاض الیه سواد جامعید مقصود مطلقا بصر و نظر معناسیدر کوزنه برافز کورینور دیکدر  
قصه و لندر شعرا ایام فراقی قراکولق و سیاهلق الیه وصف الیه کلن لری در اکا بناء ساء  
بالمقل دیندر کم قد حمتک فالارام راشقه راشته باهد بها نلخر المقل  
مؤلف کذک منزل خطاب ایدوب بونده اقدم سحران اولندیکه ارام رایسه حمایت ایدوب  
بو صفتلوقوم الیه مأهول ایک ابله ارام که هد بلرنن بنله ریش ایدوب فقله لرنن غمز لرن  
تیر ایدوب نظر ایدوب دلره اتلریدر ارام دیکدر جمعید حیران و طبانک بر حسن لطیفدر که  
بونی اوزون و اق اولوب کوزریر غایت سیاه و لطیف اولور محبوب و محبوبه لک کوزلرن و بوتلرن  
ریمیه تشبیه ایدوب اشعار عرب قیه حوق واقع اولندر و عر بلر راش البیل دیر لری اوج کلن لری  
اوقه یلک یا پندر سه هدب کر یک معناسه در غمز یه تیره بکزدوب مژگان یه غمز نک لک ادعا  
اتمک و حوا جی قسی یعنی ایدوب کمان تجیل ایملک شعرا ایچره قیه شایدر جمله دن متنی دیندر  
رامیات با سهم ریشها الهدب یشق القلوب قبل الجلود و شرف الدن بر عنین  
دیندر یعوق سها فخر حیل مضیق له الهدب ریش و القبی حواجب مقصود مؤلف  
عادت عرب اوزره منزل فرورک مقصد محبوب و محبوبه بر معناسی ویری پیکر خلوق کاهر اولوب  
حلا فقر و حاله اوله و غرافاده الیوب اظهار تحزن و تحشر در  
وانت یا سرجه الوادی متی طفرت یدری بوصل حبیب غیر منتقل سرت علیک فالارواح راجحه  
طابت بها نسمة الاشجار والاصل مؤلف منزل و خطابدن سرجه و وادی به خطاب انتقال ایدر  
سرجه و درخت سر بلنده دیر وادی حبیب بقی درخته بنم الم فقی حبیبک وصل دائمه  
طفر بولور دیو خطاب ایدوب سرجه و دعا ایدوب سنک اوزر بیکه ذایم ایدوب رایحه یعنی  
مفرج و لطیف روزگار کاسمکن جا اولوسنر الیه ایدوب که اتمک سبیل اشجار و اصل  
نسمان کونک اولور اصل اصیلک جمعید اصل عصر دن صکره وقت غمز بک اولاه نل  
دیر که هوایک لطیف در قته نل نیدر اصیلک اصل و اصل و اصائل و زنجی دخی جمعید کلور  
اسجار دخی سحرک جمعید اسجار و اصل اوقات لطیفه و مستطابه دندر خصوصاً بلاد حاره ده اولان  
ارض عرب صباچ و اختتام هوا فر تندر لطف اوزون اولغین نهایت مرغوب و محمد و حد  
ارواح ریحک جمعید روحک جمعی اولدوغر که ریحک جمعی اولور شکم قول شاعر کلندر



قف بالذات التي لم يعفها القيد بل و غيرها الارواح والديم برونه صنف مؤلف ايدر  
اضحت سوانح ظل الملك وارفه عليك تردف بالحوان والنقل مغاير كلام ملكك  
وسلطنتك ظل سايفي اوزركه متمد وطويل اولديم ياخود متمد وطويل فوشلقلدي سوان  
ونقل زوق ايتدكك حاله جوان حانه ديمكر نقل مناقله ومنطقه ديمكر ريز ورنجه  
وزنجه صفت مشبهه والمفرد جائزدر استدويك كلام نقل ايدكر معنانه رادفه جاهليت  
ملكك جليبي اولوب صاغ طرفه او توروب شراب مجلسه ملكن صكر ايچين وملكك بر سفره  
كت به برينه قايم مقام اولاندر محصل كلام مضاجبت ملك خايندر وغاز اولدي ديمكر  
**شعر** كم قد تفيا منك الظل من ملك سما علاه سنا المريج والحمل نجه كرم سندن ظل  
منقلب اولدي ايله ظل كه سركت مكردن حاصل اولور ديمكر انك علو قدري برج مريج وعلاه  
عالي ايدر يعني نجه ملك عالي قدرك سايه يودولتند خوش كچرك اكا زوال وفا طاري ولعله  
سايه يوسعادي سنده منقلب ولوليل اولدي انك بدلي آخر ظهور انك سايه يغير اوزريه  
دوشدي ديمكر مقصود زوال دولته وفناي عالمه اشارت در  
سرف القهر متول على امم كانت لهم دولة ناهيك خردول يعني قهر القهر جندن بر شر  
وارد كره بر طائفه اوزريه متوليد ايله طائفه كه انرايچن سابقا دولت عظيمه وار ايدر كه كالن  
بولندي ديمكر **شعر** طور انجله جمال ثم يعقبه طور انجله جمال كادت ايجل كاه تجله جالدر  
كه صكر اي تعقيب ايدر كاهر تجله جمال حادث عظيم ايميه جلل جلل كاهر كبري و كبريه  
امر عظيم معنانه تنك طغرائي لاميه العجم ديمكر مشهور اولاه قصيد سنده ديمكر **شعر**  
فقلت ادعوت للجمل لتعزني وانت اتخذتني في احداث الجمل جمل فتي جيم ايله اولمقند جازر  
امر عظيم معنانه اولمقني صحاح جوهريه نصيح ايدر بوبيه يارفتدر **شعر**  
ولبن عفوت لا عفون جلا ولبن سطوت لا وهن عظمي اما فتي ايله اولاه جلال امهين  
معنانه دفر كادر اضداد لغا تندر **شعر** وعظم السرفيه صار كيشفه نور البصائر والابصار في شغل  
خلاصه مغاير كلام سرفاها ولاجق بري بصائر كشف ايدر ابصار غيون مشغول اولدو  
حاله يعني فظا هرر ومواقع شرو شور بر نور بصيرت ادراك ايدر نور بصيرت ايله درك اولمقند  
**شعر** تاخر الحس عن معني اشارته فاقدم العقل تمضي غير متعقل

بوبيت

بوبيت داخر بيت مقدمي كيد وتحقيد معنانيه حسن انك معناني اشارت زن تاخر ايدر  
بس سن عقله اقام ايله عقل عقال سزاو له و غير حاله مقصوده واصل اولوب حواس ظاهر  
ادراك ايتدكك ادراكه يثور **شعر** ولاح في المعقل الاعلى المتخير  
وجال في المعرض الادني المحتيل و دفر سرفاها معقل اعلى نجه ايچين و دفر معوض ادني  
جلوه قلدي محتيل ايچين محتيل جباله يه دوشن كنه در يغه دوراغه و دوام بلبايه كوفتا اولاندر  
معقل حصان و ليكك طاغور عدوده صفناجق برلر ديمكر معوض كسر ايله شول قفناز كره  
عبيد و امامه ايدردوب اول نوكت ايچين ايكن مشترقي عرض ايدر مقصود شاعر الله علم  
بونك كيم اسرار الهي دوشن قضا و قدر دن بر آفري ملك استيب طالب و متفوس اولان  
فقه بعيد وعالي اولوب سركت كشف معقل بلند و اوج اعلاه كورينور لا مبتلا اولوب بر سرك  
يا بر حادته نك ايچين بولنان كنه معوض ادني و اخر نيه جلوه ايدر ديمكر و بوداخر اضماله كره  
مخبر دن مراد اهل ظاهر اولوب محرم اسرار عالم غيب اولياندر و مجتاز نره مراد اول عالمه دوشن  
اسرار غيب داضد و حفظ اسرار قديم اولان اصحاب كشف و اهل حال اولان اول الله اعلم  
**شعر** نشر بدلي فطوني معناه كل شدي به تعرف قوما دوه الرسل نشر رايحه طيبه  
دشدي مدت رايحه معنانه در تعبير كلام معنوت مقام ايله هذا نشر اولمق كره **شعر** معنانيه بوبر رايحه  
طيبه در كه بنظر ظاهر و فايح اولدي دفر معنانيه جميع رايح شدي به غالب اولوب محو و طي ايتدي  
انجليه شدي كه انكله قديم دوه رسالت بيلنوردي ياخود متطيل اولور كسب و طيب ايدر دي مقصود  
مؤلف كندوي كشف و اظهار ايتدو اسرار كروايح سائر كيت نذر و رسلدن اخذ اولناه رواج اسرار  
غالب اولدو غني افاده در فرضا غير ك نشر ايتدو رواج طيبه انكاس قدرتي رنل  
وعرام برابر اول بونك نشر ايتدو رواج طيبه مشابه كل امر و نند سرك اذ فر در  
ظهورت في جمع مختلفا و كان بالسر غيري غير مختلف يعني بن اول نشر ظاهر اولدم بر جمعك  
سرين كشف ايله مختلف اولدو غم حاله يعني على رؤس الاشهاد بر مجلسه سوليم و جوي دفر  
بودر كه بن سرفاها طوب طولوايدم بنده غير كنه سرون ملو و محيله كل ايكه سوليمير ديمكر  
احتفال ك بر معنانيه دفر محيله ديمكر اولي مختلف دفر اول معنانيه اولمق جائزدر لكن تاخير كيد دن  
اولي اولمغين اني احتفل القوم كلامند و خود طوبت

مختل  
مختل  
مختل



لب و لحت في حال من سري بجماعة تمل على الذات اسرار من الاجل دغ في شذير حاله سري  
 بر جماعة اليه لايح وظاهر اولدم اليه جماعة كه ذاته اطلاقا ايدر قيامتن يا خود مجرد جنس اجلد  
 له علم غيبدر اسرار غيبته يعني اختياريه سويلد ديكه راجعدر لاحت سري معاني الملك  
 فابتدرت ذاتي يحدث عن حاله ولم تلي معاني ملك بنم سره لايح وظاهر اولدم دغ في ذاتم  
 مبادرت ايدري صور ملدن جلدن خبر و يروب مطلع اولدم غير اسراري كشفه باشكدر  
 انا المكلم عنى والكلام انا المحاطب عنى والمحاطب لي بوبيت مقام اتحاده اشارت در اتحادت  
 معانيه لسان تصوف اوزر بونده مقدم بياه اولمخذي ظاهر معاني كلام اولان بنم كند و حاله  
 خبر و يرون وكلام دغ بنم مخاطب دغ بنم قبلد خبر خطاب دغ بنم در ديكه بونكو امثاله اجله  
 اولياء كلامه نرد حق واقع اولود جمله ده سلطان العشاق عمر الفارض حضرت نظم ان كوئيد خبر  
**منشور** عليها مجازي سلامي لانا حقيقة مني الي تجتري سالت دايه وذاته الان سائله  
 تسو بمقتض مني ومنفصل ظاهر معاني كلام بن داتمه سوال ايدم ذاتم دغ في الان سائله در بغي عالم  
 شود كلو نحو وجود ايدم كه بنم ذاتم فانه ديو سوال ايدم ذاتم دغ بنم قند در جو سوال اتمك اوزره اولدي  
 ذاتم دايم عاليه وسامع اولمقدن حاله دكلدر بكاه متصل وكاه منفصل اولاه شئ سبيله ديكدر الله علم  
 براده ناظر كتاب اولان اولوالالباء مستورا وليه كه بوقوله ببارك كلامن فهم وذوق اتمك اهل حال  
 وصاحب سلوك اولمغه موقوفدر بنم كيمه حجاب اولان اهل ظاهر نسبت بولان منطق الطير قبلد خبر  
 منطق الطير عطار اولمين بلز بولايه فهم سليمان و باعطار اولموج كركدر بنم مقصود من هاه حوادث  
 آتية به اشارت ايد و كني بياه ايدوب اظهار بوقوله ابيات دغ تحت اللفظ في الجملة شرحدر معلوم  
 اولدم دغ مقدار دغ لسانه تصوفدن درج اولوب هر بر اصطلاحك بيان اينا اولنور سري دغ بنم  
 بتيك شرحي بن آوه ورق مقدار سري بط كلام مؤدي اولور انكي احتصار اختيار اولد كيم  
 شغلها بي عني واشتغلت بها عنها فها هي لم تهم ولم تغفل بن اول ذاتم بنم بنم  
 مشغول قلدن و بنم انكه انن مشغول اولدم بركاه اولك اول ذاتم نه مجهور و نه متصله بنم بنم  
 اشغال ايدم ديكدر مرادي بر وصف و بر شاعره ايله مشغول قلوب بوجال و بر شاعرن غافل و ذاهل  
 اولدم ديكمر مراد اولن كركدر واشتغلت بها عنها دغ حال بوليد در و انم جميع الوجود  
 هم مشغول وهم غافل المواق تنافس اولور والله اعلم براه

دره و در شمع  
 سامي

قد حرت

قد حرت فيها وامست وهي حائرة في فهم سر معاني المظهر الاول بن تحقيق بنم اولدم  
 اول ذاتم حال بونكه اول دغ جان اولدم يا خود اولدم و غير حاله احتشامي مظهر اولك بنم اولدم  
 معانيه سركه فهمد ديكدر ظهرت في الف طور لموتلف بيه لكتشف بالبد و مشتمل  
 ظاهر معاني بيت بن ظاهر اولدم تازه الفد موتلف بكون بيه اولدم و غير حاله مكتشف كجدر  
 بدوه مشتمل اولدم و غم حاله ديكدر لسان تصوف الف ديكدر ذات احديته يعني هو تعالى اشارت  
 اولنور ازل الازل اول استيا اولدم و غي حيثيتدن كه بود جمله تعريف بتملدر  
 الالف يشار به الي ذات الاحديته اي الحق فرحيث هو اول الاشياء في ازل الازل  
 و با ديكدر اول موجودات ممكنه اشارت اولنور كه وجوده مرتبه ثانياً  
 تنكم بود جمله تعريف بتملدر الباء يشار به الي اول الموجودات الممكنة وهي المرتبة الثانية  
 خالو هو **شعر** ونقطة السري ثاني اشارتها معنى الاحاطة من قطب فصل وفصل  
 ظاهر معانيه و دغ نقطة سري بنم بيه مدم اولمك اشارت احاطه معنا سيدر قطب  
 قباندن بن و اصل اول دغ انن منقطع اولمه اكا اولان متحد و ملتئم اول ديكدر  
 فظهر الالف الهادي استقامته سر الالهية البادي فلا تمل بن الفك فظهر ايله الفكه  
 استقامتي هادي سرير الوهيت سريرك ديد بصيرة حله و بادير بن استقامتن عدد  
 ايدوب انحراف دماثل اولمه و مظهر الباء اينج عن عوالم البسط معني الحله و احلدر دغ  
 مظهر باسم رهن ايله فتح ايدر عوالم بطدة معاني حلي و حللي حلي حليه حله حله جمعيدر  
 باوجوده مرتبه ثانياً اولوب اسم رحمانك فظهر اولمخله عوالمه و ترابه وجود و كمال  
 كيدر كلمه ريب و ذبول و بر ديكدر اشارت **شعر** فظاهر الكون امدادنا بها في الحال  
 و القال من عنم من كل ظاهر معاني كلام بونك فظاهر بنم تا بعنه حاله و قاله عنم همتدن  
 و كل همتدن ديكدر **شعر** لذاك ذاتي لما ياتي فظهر الملك قالت ان تقل اقل بونك كجدر  
 بنم ذاتم فظهر ملكدن عجايبه و غرايبه كيد و كيون ديمشدر اگر بر ديسك ديرن يا خود سن ديسك  
 بنم ديرن مقصود اسرار عالم غيبه فظهر اولمدر استر كشف ايدوب ديوانه سري ايدوب  
 كيم ايدر ديكدر **شعر** حاطتها بالذي قد كان من قدم عنى قراوت بمان الكون فظهر  
 ظاهر معاني كلام بن اول ذات قديم اولان شئ ايله بنم خطاب ايدم بن زيان اهدى كونه  
 بنم ايجد ظاهر اولاه شئ و ديكدر

ا

برجف

انما



و نه تنها لغتی گشت اعرفه فرقیها و هی لا تدرب به فرقی قبل ظاهر معنی و فرقی تنبیه است  
بر معنای که بر این بونده اول بلور دم اول بنم قلمون و قوقی بلز اوله و غیر حالت دیگر **شعر**  
گشت قطب وجود العصر اشهد مثل المطالع فی المراءه سر حلی بن بن قطب جود عمر اولم  
احوال عصر مشاهد ایدرن بر مرات اجند مطالع و اهله مشاهد ایدر کیم بکا اول مشاهد  
سر حلی کیم اوله و غیر حالت **شعر** فی غرة القرن من عصر ربی عجبا یادولة اصیحت ربی من الهل  
بونده صتر مؤکلفه تصوفه و مقام جمع و اتحاد و تحقیق قطبیت کجوب مقصوده شروع الیه  
بعض حوادث آتیه کشف و لسان اتمک صدق ایدر بن ایدر بنم عمر مک ابتداء قرننده عجب  
کور رس یعنی تبدل دولته متعجل و لورس دیوب بعد اول دولته ندریه یادولة اصیحت  
ترس مع الهل دیو یعنی راعیه یون صالمه قطع بل الیه رعی ایدن دولت دیر بر دولت محفوظ  
و مضبوط بکنک کوز جیش کیدوب محل محتل قائم اشارت ایدر **شعر**  
یا نیکم القاف تلوها کم الف مازان اذ شاخها بالمر و کیمیل یعنی نرم قاف کلور  
وارد بخه الف کلور و کاکارین و برمز زیراکر و خیل الیه ایضا فی تمام شین و برمز  
مقصود اسند حرف قاف و حرف الف اولان ایکر صاحب ظهور اشارت **شعر**  
قاف و القهر هما شئت قلت غیبا فر القلب قد غالت ولم تغل اول قاف قهر دین  
بر قاف که بخه استرکت انک حقنه دیرس علیه و استیلا به متعلق غیبی قد غالت ولم تغل  
دیو خبر و بریم اوله و غک حالت غالت اهلکت معنایه در مال کلام قوف قاف الیه معبر اول  
شخصه جوق حوادث و وقایع ظهور ایدر بنم کیم یه پلاک ایدر بنم فلان طایفه یه پلاک  
و فلان یه اندر دیو اخبار و آثار مدار اول جقد **شعر** ای تجرد بول الفد ساحت کاتب  
الکفر زوم و **شعر** بعزل برن کورک هر تنفس اولر **شعر** ذبول بغل جتر ایدر بنم عاکر کفر  
سوریک کلور عاکر کفار مع کفر سنده و غل طایفه سنده اوله و غیر حالت یو قار و قاف الیه  
ذکر الیذیر ای کلمه سنده مرادی یا انرا اوله یا هوادنه آتیده هر تنفس و کور **شعر** آخر غل  
اوله کفر بود جمله طغیان و عصیان ایدر بنم اوله ذبول بغل و کیم مرادی و اخی اکثریت  
آشت سوار اوله لرنیه اشارت اوله الله علم نظر تر الدیر مریدا **شعر** دغه الیه یعنی دین  
تبدع اهل العلم بالعمل نظر الیه کور که دین نجه رمی اولم **شعر** دغه الیه یعنی دین  
نجه امر قبیح ظاهر حادث اولم **شعر** سول وقت و حین که حکما دین اوله علما علم الیه

عمل الیه تکبر استیلا بر عجب و ریا قول الذیل یا خود علما علم الیه تکبر و ترنح استیلا بر علم الیه  
عامل اوله الیه دیکر بو خصلت ذمیه و دین مبین ده بر امر قبیح احداث انگه که سر  
و اخفا به قابل اولیوب غرغ فرس کیم ظاهر و آشکار اولور شاد دغه اصل و صفند انک السند  
اوله غرغ سند دیر لر یعنی اق اوله بر نیه که از اولیوب بونده دگ بیاض اینه و کوز لرنیه  
و ارمیه آت بود جمله صفر اولیوب قتی مقبول اولوب آنرا کینه غایت بلور و آشکار اولور  
اشتباه احتمالی قالمار بعد بر نیه که واضح و آشکار اولوب کز نیه کرک فعل حسن و کرک  
فعل قبیح اوله حسن و قبیح آشکار اولور و غی انکه این شاد دغه دیکر در بر واضح  
امرحسن الیور یا خود بر ظاهر فعل قبیح آشکار دیکر برده حتمه راجع مرکب الشاد دغه  
المجمله دیوب شاد دغه یا با سنک قتلن اراده الیوب یعنی بر فعله مشهور و قبیح  
ارتکاب استیلا بر دیکر قصه آتیده و افاده معنای مراده شاد دغه کفایت ایدر بنم راجع  
انکه انکفا اعیوب مجله تعبیر داغی قاتمه و قبحانک قتی وضوح ادعا الیه **شعر** محجل دیو  
درت ایا غیر کل اوله اته دیر لرنیه و جبه مشدوع اودده صفر اولوب ایا قلیر دغی کل  
اولور سلابد آنرا کینه قتی آشکار اولور **شعر** و یح الفات الیه چون ماصعب  
تکات الطفاة خطائین بالخطل و یح و مرمت فوات کفار دین جیمه حدنه و رنج اوله  
قریر و شهر خلقه خطائین اوله طایفه نک سر غله استیکلیر قتل و غادنه دیکر  
و یکم معنایه نجه کیم خطائین خطا مملکت بر طایفه دیکر طفاة طایفه جمعی  
ساحت بیچون جاری دما یهم لحب عام و اکف هطل جیمه اول قریه خلقت فاندین  
جاری اولوب آتد بغور لرنیه لکون حاصل اوله سیل کیم ممتد و متابع اوله کانخ اذا  
ری الشهباء و حین غدت بالنفع و هاء فی غم و الوجل نیه لکانه شهر حلب اوله زانح  
قب قح کوررن توز بور یوب اهلی خوفن غم کینه قالد قارندن دیکر **شعر** الفت دمشق  
مقالید الوفا و له عجا و صادق خشتة الوهل مدینه دمشق مقالید و فای براغب  
اکا تسلیم استیلا شدت ضعفه غایت اربع مقصود اوله و غیر حالت مقالید  
مقلاک مفتاح معنایه جمعی و فاعدرک فندیر عجا عجبک یا نیشید  
اربع معنایه و صیغه مشبهه در امر حمایه مقصود ناظم واقع و عروب حادثه در  
مدینه دمشق ضعف کلمه مستوی اولم بیاندر یسما باوله حتی اذا سحت



هتاف

سماحت الخادع الموهوم بالقليل سيمون غرقى بمرج التن تقهيم موج المنيه في تم الكلال  
 محفل معاني كلام اوله غالب ويوكك اولور حية سماحت وسخا ايدر شجر واهتار ايله معام  
 اولاه خادع وحيله كارك سماحت وسخا يكي بويله اولدق مروج شنيه يعنه استمكت اوليه  
 شينلو براده ده يا خود بر تقريبات ايله مروج شين بغير او شين اهل جفرا راسه معهود  
 اولمش براده ده غرق اولدق اولر حاله صو او زرينه جقر موج موت انلرك اهل در يلد  
 قذف ايدوب طرش آتو بو بغير دن اول اوده بر صو اولوب انده غرق اولدق اولر لازم  
 هماه سيل قانه غرق اولوب بر او غرق دگرزه پتان طائفه غرقى كيه دفعه قلوب هلاک  
 اولور لرك ديمكر استعاره طريقه سخي سائر لوازم غرق داخر اثبات اولمده مبالغه قتال  
 استعاره در مقصود اول حيله ايدوب غلبه ده صخر بر قوت مقتول و فخذول اول جفنه اثبات  
 اولطقه الله علم ياسين سخي قل القاف ميمهم باقاف سوف يقل الميم فاستقل  
 اي شين سخي قاف انلرك سيمون كسرا بدي و باقاف بعد نمان از اولور يا خود شين يعل  
 كد يلد ديمك اوله هر قفسه قافه نقص و زوال كلكي سن س كلك بولوب او زاده جوف اول  
 ديمك اولور سخي عبارتت بحسب الملقه بر معن و بر مكنه امكان شين لرك حال اختلاي اولوب  
 كتب لغته بولمدي بر موضع يا بر تحفه اشارت اولوب نسخي لرحيم اولور غير تقريجه اصلي جعفر  
 معنای مراد خفي اولمازه في اول القرآن سيمو الميم قافهم في آخر القرآن تعلو القاف بطول  
 يعنه ابتداء قرينه ميم انلرك قافه استون اولوب غلبه ايدر آخر قرينه قاف غالب عال اولور  
 طور ايله يعنه مكن و صبر ايله يا خود طول عمر ايله **شعر** وانت يا شاعر عافى تركهم بدعا عزت سخي  
 تمام الملك فاكتمل وانكرك تركنه اي شايع بدع اولاه كنه سن تصريح امتي كنه كه تمام ملكه  
 طلب ايد سن يعنه ملكه بونيه سن ايد سن بوي كامل ايدوب تمام ايله بدع بدعتك جمعيه  
 امر ص اولاه سنك ختكر تصريح على الشئ بر ننه نكر و زرينه اقامت اكتمل و داتيه جي  
 بر فذل او زرينه جلوب طور مده **شعر** ميم غذا ناصر الملك في عرض كنه عزم كسبي  
 السيف للعذل ميم بر جا بنه ملكه ناصر ايدوب بر عزم قوتيكه حد كنه سبق السيف العذل  
 مثلنه مشابه در حد قوتيكه بوزير عزم سيف ضارب شبيه اولمده ذكر اولناه كلام  
 امثال عربيه بر مشله كنه ردي و تلافى و تداريك مكن و مده و اوليان امور و ضرب اولور  
 اصل مورد ي بويك سحر و حيد نام ايك برادر لرك الملوك ارامن اچن بر جانيه جيعي كيدوب

سعد كلوب

سعد كلوب سعد كلوبك حالت غيبات وزاده دها لرون بابا لري صبر بر ادنام شخس بولور صور مع عادت  
 ايدوب بولور لور و ب هر قار شده كنه استعد ام سعيد ديو استقبال ايدوب صور ريم  
 بعد نمانه سعد كلوب سعيد دن ما يوس اولوي بعض ميرزه اتقان حوش بن كعبه كيدوب بولمده  
 او غرق اولور حوش بن بولمده سابقا شوصفتلو شوهيتا و بر كيت قتل ايدوب شوقلي ايله الله  
 ديوك حبس الوب نظر ايتك سعيدك ايدوب كين ليكك بوي توقف حوش بر قلع هالوب رجاست  
 اولد ريكت نخوة اخيرا نيك ديوعزل ولوم ايدو كنه سبق السيف العذل ديمش  
 بولكلام شايع اولوب مثل مشهور اولم شراي عرب بوي قيه جوق بلشدر ديوان الصبايه  
 ابن حمله جمله سراج و راينك بوقولني بكنوب سائر كوز دكلرنه ترجيح ايتمش  
**شعر** قلت اذ جرد لحظا خد يدي الاجل يا عذولي كف عني سبق السيف العذل  
 ما نحن فيه رجوع ايد لم مؤلف ايدر و يقتل السين جوعا غير مكرت و كمتوى عنه ما كويه  
 من نقل دخي سين اخلق قتل اولور سيات اولمده غير حاله و انده قهن و جمع اولور ماء  
 عنايم و هبانه جمع اولوب اخذ ايه دي نقل و الميم يقيل صبر اربعين ولم يعيا و بر ياني حال  
 ال بدل صبر ايله فرق كونه قتل اولور يا خود ميم صبر ايله فرق كنه بوي قتل ايدر دخي مالات  
 واعنا اولمده يا خود ايلمه و دخي ملكه بولمده ارتقا ايدوب مرتفع اولور يا خود نفقه و طي  
 اولوب منفى به عطف اولمده ارتقا و ارتفاع اولمازه يا ايتمزد ديمك مراد اولوب سيات  
 نفيد اولاه معنای نسب اوصن قنفسه و له و عر اهل جفر روشن **شعر** جور و عدل و ارهاق  
 و متشد في الملك يجمع بين الصاب العزل يعنه جور و عدل و ارهاق و اشد ملكه صبر ايله عليه  
 جمع ايدر جور و عدل معنای ظاهر ارهاق قان دو كنه **متشعر** قزني دري دقن ايدوب  
 زبان جاهليت عادت عبايش بر كنه نك معقد بنانه اوله عار ايدوب يا خود بيلند  
 جوب طوغد و غي كيه ديريله دقن ايدر لر ميش دافنه و ايل مدفونه مؤونه ديرلر **متشعر**  
 و ايكث افتعال ايدر كاسب و مكاسب كيه معنای كثير قصد اولوب نكائيدن زياده اولمش  
 قرآه عظيمه و اذ الموءودة سئل باني ذنب قلت آيت زاجه سي بوفله و فكله  
 منع ايتمش صباب بر آجي اغا جله صقند سيدر لذتدن عل و وارندن صاب ايله تمثيل  
 بين العرب شايع و دايع در **شعر** من السنين لميم ما ينيف عليهم خ الملك ياوي جعقل الوعل  
 محفل معني ميم اچن سمين دن ميم دن زايد لرك دار در لغتي فرق سليل ارتق معر اوله



ملکدن متمتع اولور و عمل بینه طاع کجایر جقوب کتختن استر که صارب بر کجایر کجایر  
 و بر کجایر کجایر کتختن استر که صارب بر کجایر کجایر و بر کجایر کجایر  
 طاع کجایر کجایر کتختن استر که صارب بر کجایر کجایر و بر کجایر کجایر  
 جائز کجایر کجایر کتختن استر که صارب بر کجایر کجایر و بر کجایر کجایر  
 پس با استلای یوب غلبه و استیلا ایرای بر صارب صرف ایرای بوختانک قلنده و غیره  
 با هج بر دوشنک یا خود بر ناصرک حقنه و حرمین رعایت لکن **شهر** بری له بقی  
 غاوان مصرعه فیغندر الراس منه ای **مستقل** یعنی آنکه بر قتل قریا و لکن از غولک  
 بغیر و عدوانی کجایر بغیر و عصایه کور سوز عقبی بکشی غایت ادا نیدن بریسی یوب هلاک ایرای  
 و یوبق الشین و زرج یقذفه عن ملک حین طع الدهر لم یغل دخی شینی هلاک ایرای  
 مصر اولد و غیر بر کنه و بر و زنه به مبتزایله انجلیح و زر که ای هلاک الیوب بحر ملکند  
 قذ الیوب حبس جفر غافل اولوب دهر نی هلاک ایلیز اکله و غنی لم یغ دیکدر  
 یهوی الحجاز و لیل حان دون لقا و صالحا قوما بالیض و لکن اولکته حجازی سوز  
 و محبوبه یلیغ دفر جنگ قنده قریب و لکن دخی اوزرنیه اول لیل نکت قومی قلیج لور و سوزایله  
 علم الیاندور فاما بمصر علی قاف جلت الفا و الملكت لیس بصنف الشارب النمل بوکین  
 مصره طور دیل بر قاف اوزرنیه که بر الف کشف الیدیر بعض نسخه ده حکمت الفاد و شمشه  
 بو تفقرجه الیه قاف که الف بکزدی دیکت اولور حال بوکه ملک و لطفت دایم شارب باخر  
 و نیم مست اولانک صنوی یعنی قرنی و مناسبتی دکدر احوال مملکت الیه تقید الیوب  
 عیش و نوشه یوب اچکه مشغول اولان مملکت طور خرابته الیه کیدر دیکدر و کجایر  
 الطاء اذ غانا لطاعته و یواعم المني بالکتاب و الرسل و اخر طاع فیله معبر و لا بوکین  
 آکدر لک طاعته اذغان و انقاد المملکه و دخی اکام ادا تن کور که وعدا تمک متضمن مکتوبلر و سوز  
 کوندر مملکه نظم مزوره تخذغان و یوعدان کله گزده نون تشیه دوشمدر ضرورت شعور  
 نون تشیه دوشمک جائز و الا تخذغان و یوعدان بقیه و لکن کرک ایری لوا اول  
 الراي فی عزم و بادرة لحد فی عکرم باخرم مشتمل اگر انبی محکم و قوی الیریه عز حد  
 وحدت غضبند اصالة دای و عزمی مشتمل بر عکرم ده سرعت اوزده سیر ایروب  
 جدايله

جدايله مطلبه ظفر بولور **شهر** و غادران لا یشیه صارفة غمصرالم تنج فی قلعة انجیل  
 شاه غادر اولان یا خود شامدن کجایر کیدر کتختن استر که صارب بر کجایر کجایر  
 د و ندرینز دفعن قصد ایرای مادام قلعه حیل ده سکن اولینی یعنی دفع اولور سر خدعه  
 و کجایر حصارنه تحصن ایستاده دفع اولور دیکدر نسخه قلعه الجبل اولوب طاعنه اوله قلعه  
 تحصن ایروب کر مینجه دیکت اولمقد احتمالدر لکن جری قدر لکن اذهله فحل للعکس  
 مصر حد مندهل لکن حقت قدر و قضایه جابر اولوب ای مشغول و غافل قلیج دخی مصر  
 حلول **شهر** ایستد قضیه عکس اولد و غنی متخیر حدنه و لکن اولد و غنی حاله و بغنه حل الی انباء  
 موبقهم فرغ عیش حور غیر مکتمل و ناکاه اخبار الیه اندک موبق یعنی مملکت حلول و نزول  
 الیدیر دخی فائز و لکن اولد قلیج عیش صافی و طیب دقات کامل اولوب زواله یوز طوتر  
 اعدا میم تری ایام دولتم حبسا و قتل و خلعا جاء عن جدل میم اعدای قدر زمان سن اندک  
 دولتم کور سن آنج حکس و قتل و خلع واقع اولد و غنی حاله یو عمل افعال جنک و جدل  
 ناشیه اولور بونده مراد خلفاء سابقه در که بعضی حبس و بعضی قتل و بعضی خلع و غزل اولوب  
 نی جنک و جدل و غرایب ضومت و قتال اولد و تواریخ علمه عالم اولد و نوک اشاریه  
 انبیا تنک معنایه واضح اولور **شهر** یهوی الهوی احمد اللاهی الکرک و کم اناج الهوی للنفس من اجل  
 احمد لاه هوای سوز کر که و ارچه کرک اسم قریه محصوره اوله که جبل لبنان قرینه در یا خود اسم  
 قلعه اولکه نواجر بلقاده در یا خود کرک و قلیج کجایر لغبه و مخصوصه نکت اسم اولوب ذره اچک  
 تخفیف اولمکن اوله بو تفقرجه لغبه مایل اولان احمد هوای یوز دیکدر اولور بونده صد مضار  
 ثانیع ایریکه نفس اماره اچله کتختنه و احضار اتمدر یعنی اسباب موبق کتختن موبق سبب اولد  
 دیکدر **شهر** و الشیخ یضرب فی الایوان موضحة فی الوجه کشف طاع غریزی طلل شین ایوان  
 اچینه ضرب موضحه الیه یوزنه ضرب اولور اول ضرب بر طاع الذن اولور که یزود و یزود لیاو الیوب  
 شنی محمول اولد غریزی طلل تعبیری یو معناده کنایت اولماق وار و موضعی انواع جهات  
 بر قسم و یوزنه که یازده ده کوک کورند و کجایر موضحة دیکدر و وضوح من مأخوذ در کتب  
 شنی موضحة حکم مبتدر **شهر** و لکن اچا فی عیش زده رغبه مقسم الملکین الکاس و الغزل  
 و دخی حای عیش رغبه و صافی ده التها ایرای لذاته مشغول اولور ملک کاس الیه غزل  
 مابینه تقسیم استدیکه حاله یعنی اوقات مجلس شراب و معاشرت نسا الیه کجایر احوال مملکت الیه تقید  
 مجالی اولماز دیکدر کاس الیه حور الیه قدح و کاسه دیکر کاسه و قلع بوش اوله اکاس و لکن



لما قدح عامر بوشه وطولوب قدح دیکت جائز در مغارله ناطق بفسله محبت و عشرت  
ایوب محادته و مراوده و مصاحبت اتمه در کفر فرضا بمعنای افاده قصد ایستادگی غارتها  
و غارتنه دیرین بوفعلک اسم مصدری غزله که استو بیتی مذکور اولوب اول بمعنای بقیه  
اولمندر و اکثاف والفاف و اما یقذفان به عن مصر وهو عجز ای منفصل  
و دخی کاف الیه قاف دخی قالفار مصدر بونک سبیله قذف و طرح اولوب اول  
شخصای عجزدن کمال انتقال الیه منفعل اولوب یاخودانی مصدر منفعل اولوب و غیر حال  
دیکت اوله و الله علم **اسی الی النین فی البید** و هان له عهدا فادق طاء سنی العمل  
بیداده حرف شینه اشارت ایتیر و الید و ید عهد خیانت الیدیر پس طاء حرف فیه یرافر عمل  
یلاک ایتیر یعنی هلاک سبب اولوب یاخودا و قاف اولوب مثلثه فوقانیه الیه اوله بوقدر  
و تاقون اولوب حبس و بند الیدی دیکت مراد اولوب نسخ لرحه ایکسید فظو عجز اولوب  
ترجمی اهل جف و خصوص ماده ید دایر در **و ضل باء و راء و ظل بومها باء و راء**  
صفاء غیر مکتمل با و را از دیر و دخی انارک کونلیر با و را اولوب قاف حاله  
صفاء غیر کامل اولوب اذره که یر دیکت ظاهر معنای کلام اولوب بوقدر نسخ احتلاف  
اوزره اولوب نیم معنای آخر دخی مکتمل اولوب کلام استخارج معنای مراد اهل جف محتاج  
اولوب بومرته الیه کتفا قلیدر **مکر و جع و ایرهام** تیا بعه قافان **حیه استدال کتفا**  
بالجیل مکر و جع و ایرهام بولوب بونک ایک قاف تابع ایدر **حیه قاف حیل ذلیل قلندر**  
بعض نسخه ده بالجبال دوشنده طاع معنای بوقدر جبه طاع سبیله ذلیل قلندر دیکت اولوب  
**بیت** و قام بالکام بام الفرة فذل اذک عزما منه لم یصل دخی ملک شامه باقام  
اولوب نقرته قصاید دخی ذلیل اولوب زیراجیل عزیزی قاف ایروب وصل اتمه فصل  
و قطع قلندر و یعتل القاف تمکینا بدولته و یورد الباء کاسات من الاجل  
مغایر قاف اعتلا و استیلا ایدر دولتر عکلی جهتدن و حرف بایه اجل کاسون شراب  
مویه ایچرد دیکر **شعر** و جمع التملح جمعت قسرت اقبال غسان بالقافین فی جمل  
و دخی جمع شمل ایدر بوجع برجمیدن اولوب اول مجرد و عادی اولوب یاخود غایب بوقدر  
عزق زایه منقوطه الیه اولوب جمیدن مراد جیش کلوز اولوب عکر عزم اتمه ایک قاف  
ملاب و مصاحبتله شروت و اولوب تحصیل الیه کمال حفظ و سرور اولوب قاف حاله  
یاخود

یا با

تفاوت

یا

جم تافین

مع  
اقبال غسان

یاخود بوقدر تحصیل عدل و جنگ اکنه اولوب دیکر بوقدر جبه حدک دال منقوطه اولوب  
دال اولوب اقبال فیلک جمیدر ملک طوائف و قبائله اقبال دیرلر غسان اصلند برهونک اسمی ایدر  
اکفا طایفه از ددن برقم قلوب توطن ایدوب برهونک ملکوت بنو جفته انلردن اولوب ملکوت  
غسان مشهور اولوب جمیدن مراد برهونک سردار اولوب جاز در عکر اعتبار الیه بالفظ  
حرف اولوب غت دخی اوله **اقنح حکایه اعتدال القدمه** اذا خطا فتاة فخطبة الذیل  
اول جمع شمل ایدر یاخود اول جمیم برکنه در که بونک طغیان بوزلور **انک اعتدال بامیه** فخر  
یورله قنایه خطیه یر بکر طول القاف و موزون آکره دیکر **رماع خطیه سوک قسنت**  
مقبول و معتبر **والله** یظهر فی ایام دولته **بالشرق** یفتک فیک غیر محتمل  
دخی انک دولتنه حرف تاء یاخود حرف با ظاهر اولوب مشرقه تحمل اولوب تاء قال عظیم الیه  
سک دما الیه **شعر** بیدی انتظارا و رقص الحق یسمته والله برأ منه والامام  
انتصار اظهار ایدر رقص حق عادی اولوب غیر حاله و بر مذهب ادعا ایدر که ایدر حق  
وامام علی بریدر نوده مراد برحد رافضی نک استیلا یر اولوب فهم اولوب فرضا حادش یاخود  
شاه اسمک دخی کوی الله اعلم **بیت** والقاف بحمیه قاف قویه بر تاثیر عزم غیر محتمل  
دخی حرف قانی حمایت الیه قاف قویه تاثیر عزمک تر سبیله عزم که خلل و فیادیر بوقدر  
یاخود اصیل و عریض عاریت و عاریت دیکر اوله **والجیم** یقیف فی غصن بفاک  
والله یهرب منه حشیه الاجل بوقدر دخی ایک کنه نک خصصه جنگ ایدر جنگ اشارت  
برینک غالب اولوب برینک اولم خوفدن فرار **حکایت** ایدر یعنی خصم خصصه بر جمع  
قوم الیه قذف قدیم اولوب غله و جنگ الیه دخی حرف تاء اجل خوفنده فرار دیکر  
**شعر** والمیم یایه دمشق بعد محضه فی الروم یوهم بام سطوح البطل دخی عزم دمشق کلور  
خالت محضه و ناز شدتن صفا روم با اولوب ایرهام ایدوب دلاور و مجاد طوق  
کوستر **نظم** نار و عار و سر راج متصلا و الحزم و العزم میشی غیر متصل نار و عار  
و شر متصل اولوب کیدر عزم و عزم متصل اولوب منقطع اولوب غیر حاله یور یعنی دفع لازم  
اولوب قدیم نافع اولان نار و عار و شر دایم بولوب موجود اولوب و وجودی لازم و نفی قوت  
اولان عزم و عزم متصل بولما زکاه موجود و کاه معدوم اولوب حکمی تثبیت قلما ز **شعر**  
اذاک تملق بیوت الله محرقه ماوی الطغاة و منوی غیر مبتهل اول زمانه ماجدی  
احزان اولوب بولورس یاخود اخراق اولوب ملایق اولوبس طایع از غولر مکنی و مبتهل  
اولوب الله تعالی دخی خوف اتینار ما و ایه اولوب دخی حاله **شعر** تلمنا به الف هر قون دما  
بالجرب واللب فی الامصار و التبل او چیز بکن عکر قان دو کر خراب و غارت اتمکله



**شهره دیو الهی** **شعر** ویدج القاف لایرتد عن هلع فمصلح الشام بین الریت والعجل قاف کجه الیه  
 یور یوب قطع منازل ایدر مصر دن شاه کلور جنج عظیم دن مرتد و مهنوع اولدوغی حاله  
 بین الریت والعجل تاتیه الیه مجله بایسند حاله متوسطه اوزره یورردیکدر تنکم اعشی لایسند  
 عشیقہ سیم هریم وضعند دیمشدر **نظم** کان مشیها من بیت جارتها قر التجابه لاریت للعجل  
 تمضی الجول الشبها مقبته وهما الی قتل باء غیر محتفل بالوهم یقتل اقواما لعمته  
 کانما هی بیض لخن من خلل بیت اولده ذکر اولدن قافک انلری یعنی عسکری کچر حلبه کیدر  
 غلیظ بین الیه اندلشن اولد قاری حاله بانک قتلنه توجه ایدر لر وهنندن اولور هلاک اولور  
 محتفل اولوب اوتایه الذب اخذ اولندری دیک فزهم اولنور و بیت نایده دفر فهم الیه یعنی قوی قتل  
 ایدر قتلارنه قصد و همت ایدر کیمون انلری وهم انلری سیوف صارف قتل ایدر سوله قتل ایدر  
 کویا قلفندن و صارغوسنده جفر لشن عریایه قتل ایدر وهم انلری سیوف صارف قتل ایدر کیم  
 قتل ایدر دیک مراد در **و** و یخرج الباء خذ مایط محتفلا بالملک قاف سما بالقره فی الملل  
 بعض نسخده تا و بعض نسخده بای دوشته هر قفسه ای بر شخص معهوده اشارتدر اول شخص مایطدن  
 ملکه و ملاس اولدوغی حاله مجتمعا جفر قاف قهر الیه سامی و عالی اولوب بین الملک اکا غاب اولور  
 دیک فزهم اولنور و الاغور الاقتص القار فحلب بایه شام و مصر بعد ذاک بلجی دفری اعور  
 اقتص فرار یوب حلبه شاه کلور و مصر دفر بعد تعقیب ایدر کلور برکوزی اولمایدن اقتص  
 زیای ایدندر **و** علی العیون تری کاس المنون و قد دارت قسارت جویوش القاف  
 صید و تناس فی هیل عیون کوز معانیه اولان عینک جمعی اولوق وار اتریان معانیه اولاه عینک جمعی  
 اولوق وار معنای اول مراد اولیج عیونه کاس مونک و جام اهلک دورا سید و ظاهر اولور  
 قافک عکس لر هیل سائر اولد قاری حاله دیک اولور ایرمن معانیه اولور بومعنی  
 بعض معهوده ضولر اوزرنه جنک عظیم اولمغله ار قفلر اوزرنه ظاهر اولور جنک مراد  
 اولنور هیل حیل معانیه در و عورت لکرت اولد کیم صاغو صاغارنه دفری دیر لر  
 مجعه عکس اکبر معانک بیل طرف اولسی قابلدر معنای اول اوزره اول عکس کلمه سیم  
 حیل و خدعیه مقارن اولور دیک راجعدر معنای اوزره کثرت قتلیه ملاس اولوب  
 جوق انه لر اغار دیک ایل اولور **و** یقتل اجماع علی المرح فی زهج سات بودیه التفصیل لاجل  
 جیم قتل اولنور اوع نک یوقار و سنده بر عظیم توزا جند انجلین توز که قود و غیر وادیر بر امن

انقدر

انقدر تفصیل و اجمالندن بو عبارتدن مراد غبار جو کسک عمو من افاده ایدر  
 و التاء بحکم فی قاف یقادفه عن ملکه فائده یا قاف انت تلج حرف بایا هذ حرف تا قافه  
 حکم اینه ملکه صارف بر قاذفه سبیله سن یا قاف امرک تثبت الیه یعنی غافل اولوب  
 ثابت قدم اول کس انک عقبی کلور سن **و** و یقدم القاف نخوانم من کرب فی نذر قوم  
 فر الی یاس و السفل و فی قاف شام جانبدن کلور کولکه طرفه اوباش و اکانیدن بر قوم نذر ارسند  
 نذر دیو طایفه قلیله دیرک اوباش بوش لفظک علی طریق القلب یعنی وادبا اوزرنه تقدیم و نذر  
 بونک اثنایه کلام عربی چوقدر جلدن ناکه نک جفند اینج بونک کیدر اصل انوق ایدر و اولنور  
 اوزرنه تقدیم اولوب بقدر حذف و اندن بای تعویض اولنور بوش دیو جماعت فحمله دیرک  
 در ندی طایفه معانیه سفله اسقاط ناس معانیه اسم جماعتدر جمعی سفل کلور خلقک الجاعیر  
 و ردیله اولاه جماعت معانیه در **و** محمد فر من قاف و قد فلتک و جاء مصر فالق المیم فی وهل  
 محمد قافدن فرار ایدر حال بونک اول قاف فلتک اولنمشی یعنی علی الغفله اوزرنه مغور ایدر  
 کلوب قتل اولنور و مصر کلدی دفری مصر فرعه بر ایدی **و** یا جمیع ان تجد حیا سوف تو بقها  
 بما التبت من الايام والذکر کل ظاهر معنای بیت ای جمیع کرس بر حیه نفع ویرر فایک طوقدر  
 بعد از ان ایه هلاکت ایدر بکت سن ایامدن و ذلکندن کسب الیه کت شی سبیله دیکدر بعض  
 نسخده انتجت حیا و دوشندر معنای بر جمیع اشاع الیه کت که بعد زمان ایه هلاکت ایدر کسب  
 دیک اولور **و** و حکم القاف فی المخلوع ثانیة و یفهم المیم تقصیر الامل دفر قاف مخلوع  
 ایکنج دفعه حکم ایدر و یم فزهم اولور ایه املدن بعید کلور دیکدر مخلوع خلق اولنمشی دیکدر  
 خلق خلافت کیم امارت کیم امور خلق اتفاق الیوب خلیفه دن امیددن آخر اتباع ایدر  
**و** فی سجب منه اول قبل ثانیة یثنی الکتاب صریح فر دفری غجل دفعه اوله ذل اول کت  
 ثانیه ده اندن سجب عکس صریح اولد قاری حاله دوزلر موت معجل الیه سجب عبارتیه سقا دفر  
 کجوب معنای مراد مفهوم اولوب اسم مضع الیه تفر اولنمشی صریح صریح جمعی دوشدر کسب  
 اولور دیکدر صریح اصلند طرح علی الارض معانیه در مقصود قتل اولنمغله دوشندر  
 و المیم باوی الی نون بادیة عصت علی القاف **و** کسب قلم تیل میم نونه رجوع ایدر بادیه  
 قافه کبرندن عی اولدوغی حاله قاف دفر عصیانندن مالات اتمز یا خود سن انک  
 عصیاننده مالات اتمه یعنی عصیان قایر منندن ی مفید کلدر



و اجماع مخدع نونا بن منطقه قيلم الميم غدر ا جاء من مدل دخر حيكث قولي ليت و ملايم كلامه  
نونا ادر دخی ميم منزله كل غدر دح سالم اولور بعض سخوده بخدع ميم دوشمدر بونقده  
ميم ادر ديك اولور مندل لفظ دال مهمله ايله اولور دار دال معج اولور وار اكر مهمله ايله  
اولور كس شخص خيسر ديكدر دال صفت ايله اولور مندل و منديل سري افشا ايدن و نفي ضبط  
ايد ميم كنه مضامنه در مقامه معنای ثانی مناسب و غدره يا افشاء ستر ملايمدر  
تلوم سفل الاعراب وهو كنه بفعله قد شفي الاسقام بالعلل اعراك اراذل اكلوم و شنيع  
اير بولوم همان خسته لقاره مرضار و علت ايله دوا و شفا قصد كيددر  
و تقتل الميم في الشبهاء لا قود يخش ولا ناصر للعاجز الوكل ميم جلب شبهاده قتل اولور ديتن  
خوف و نماز دخر عاجز و كل اولانه ناصر و ملازم و كل بر شخص عاجز دير كره امرني غيغ توفيق ايدر  
كند و امرني عاجز اول و بجمع القاف يمح كل قاصه عمت اعاديه خسر الى كفل قاف  
سرور و غرور و نظر و اشرا ايله يور هر طائفة قاصه يي كجرر اعاديه ييغ دوشمدر عالم اولور صدر  
كفله شامل اولور صدر ك معنای معلومدر بمقامه ابتداء يا خود اشرف ناسدن كنايتدر كفل  
دخر عجم دير ك يعنى او توراق يرنك بالك ايامنه اطلاق اولور بوجه انتباه يا خود اسافل ناسدن  
كنايتدر و بجر القاف يوم الكسر اذ الف سيمواله الملكة مع عجز و مع فتل و دخر قاف يوم كمره  
جبر اولور سول و فتد ك الف ملكه سامي و عالي اولور عجز و فتل ايله فتل ضعف مضامنه در  
و ملك قاف بضاد بعدها الف يزول عنه و ملك الرب لم يزل و دخر قاف مالك اولور ضاد ايله  
كه بعدها الف ذكر كه اذن ملك زایل اولير و ملك زایل اولما زب غدر جمل كلامه و عم عليه السلام  
نواله في نصف شوال يقضي نفسه و طرا من الحيوة فيمضي غير منحل نصف شوال حيانه  
نفس قضا و طرا ايدر دخر كجر غير منحل اولور و غي حاله يعنى آيه بر عاقب عوق امد و ك حاله  
سرهت اوزده كجر ديكدر و يعقب لقا فاء اب يامر تالي مدی شاء ما يهوى فلم ينل  
دخر قاف حرفي فاي تعقب ايدر و امر ايدر ك حاله رجوع ايدر سول غايه و سول زمانه ذكر  
اولور كه اذ سو كيه اشيا دليوب بوشمدر كك نایل اولماز اول مراده يشمز بيت  
هرج و مرج و ادهام مخيله في اخرون و السهل و الاطراف و القلل هرج و مرج و ادهام  
مخيل ظهور ايدر خون و سهل و اطراف قلل ساري و جاري اولور ظاهر اولور ديكدر  
سهيل دوز يرح و اوه لرح دير ك خون غليظ و بركت و بر دير ك قله داغ ديه سدر جمع قلل  
كلور بيت و بيتا الشرق قيس و قيس و قيس اليا و علو الملكا بهل دخر شريده اولور  
ظهور ايدر قيس قبله سند و ميند حيق و ياي ملكه اعتلا ايدر كورس پسن بوشمده اقبال

المليوب

المليوب حقه تضرع ايت بيت طال الحيا و طال الباع منه فقل في فارس كظاظ الرمح معتدل  
اول شخصدن كه يوزير اوزن اولمدر يعنى اوزن و سويي يوزلوردر و قولاي داخر اوزندر  
طويل الباع ديو قدر تن كنات اولور كلمدر معنای خفيسه مراد اولوب ذراع اوزن اوزن ديك  
مراد اولور دخر جابزدر و اول شخص براتلور زند و كره شطاط و مخ كيدر يعنى سوكينك  
اوزلور و اعتداليه كيم قدر موزده و معتدلدر بعض سخوده معتقد دوشمدر معنای سوكوسني  
ركايله اولور غي اراسته قوشدر ديكدر بيت ساه عن الملك لاه و الزمان لما اختار  
بجنج سما غير ذي بخل ملكه ساهيدر و دخر داييم لهو و طرب اوزده اولوب عاقلدر حال بوكه  
ان اكاها عد اولوب استد و كيه و اختيار ايد و كيه اشيا و اقبال ايدوب و يزرر قطعا بخل  
و اساك امد و كيه حاله ديكدر بخل و بخل فتح ايله و بخل تحريك ايله بر معنای كلور معنای بيت  
بزاد شاكيت و صفيدر كيه زله دوشمدر عيش و عشرت ايله عمر كچر و ب احوال ملك و ملت و كور لفت  
و شينون سوكيه منتظم اولوب خلل يزرر اولميد مره مراد ايدوب كروطن عيش و عشرت و انشاء  
لهو و غفلت ميسر اولم اولو بيت مظفر دون قانون نيا ل مني ان يفعل الله يا خبار يتفعل  
مظفر در قانون قسز و مقصود لرنه ايرشور و حق تعالى اختيار داراده ايد و كيه فعلی اشلاك قصد ايدر  
في الحال اول فعل اشلوب منفعل اولور محصل كلام الله تعالى استد و كيه ايشار ديكدر بولام اول  
شخص حق تعالى مراد لرنه نایل قلب كركه كنه مانع و دافع اولماز ديكرا بجز موقدر  
و اجماع بعضه باء كان اخراج بشري عبا نال ياوي النصر معسل دخر جيم سول بايه اعضاء ايدر  
ان معدم اخراج ايتش حقار مندي اكا بشارت اولسون نامل اولور و غي شئ ايله نصر اكا نازل اولور  
استيناف ايد و كيه حاله تقدير كلام ياوي النصر و هو قتل ديكدر بيت و يعقب البية جيم كف طارده  
باتت عن العجز لا يرد عن كل نخه اعتلا ايدوب كچر جيم بعض سخوده جيم دوشمدر ايله جيم كيه بر طارده  
منع و كف ايدر ايله طائفة كيه عجز اوزر بيتوت ايدوب كسدن ممنوع اولماز لريدي  
حرب و سلب و ارجاف و راجفة سارت بدي السيرة العليا في المثل حوب و سلب و ارجاف  
و راجفه موجود اولوب صفت سيرة عاليه صاحبيله سيراير راجفه زلزله معنای  
ارجاف ارجاف اخبار ك و اجبر بر قوت اخبار قسنة و شروعه دير ك و ارجاف القوم  
ديور فتح بر طائفة حوب و قتاله حاضر لنوب حركت و اضطراب ايليد مدار تركيب اضطراب  
و حركت اوزده دائر در يعنى جيم معانيند حركت و اضطراب موجوددر لا بالميف  
عليه طول و لست تری في قده قصا ايشاه من رجل اول كنه رفعت طول اوزر دكلدر  
و دخر قنده بر قصه دخر كور مزن كه اول قصر بر جالدين بر فرده قبح و شين و به فحل كلام قبح و شين

المليوب







و یجوز الملك الباغی بطاعت فلن یزیر غیر اس فی دم و حل ملک باغی کار طایفه سیله  
میل و اقبال ایدوب یورسیر در پس اول وقت قان اچینه یا چغه بولشش باشند غیر یزیر کورس  
بوعبارت کثرت قتل دن کنا تیر بومقوله کلمش کلر جوغ اولدی اذن غیر کورس دیمک  
کنندن کنا بیت اولوب معنای مقصود علی وجه المبالغه افاده اولور **تسعون الفا و خمس**  
قبلها مائة تساق قهر الراعیها مع الحمل محفل معنای بیت یوز طغان بشیک مقداری کس  
مغلنوب قلوب اسیر اولور قهر اطوار سورر کبی راعیه ایصال ایون شبانسر کزن دوده  
سور یوردیمک اولوب مقصود بلافاده عکس غن و نکت غالب اولوب یه حد اسیر سورر یورد  
**بیت** والباء یفرع بالصنعا کل رباء والمیم یهدی بوهد کل منفعل خوف بالصنعا  
بردی یه قرع ایدر و دخی یم هر الجاق حقور بر رده ذلیل اولور منخض دانه هر الجاق  
و جعفر اولان مواضع کزدیمک مقصود بانک غالب و یمک مغلوب اولسی فاده اولوق اکلور  
الله اعلم **شعر** سبعون الف ملوا دون مجهم سفک الداء و حذف الهم والقلل تنین  
سجاق موجود اولور قانردو کلمه و باش کلمه و اولو کسه لری حذف و اتصال انیمک قصد  
حتی تری الوهداضح کالنجاد بهم و عظم الماء فرجیون کار شل  
کثرت قتل شول مرتبه دارر که حقور یوری دیو کیم کورس کشته لردن شته لردور و انور  
کثرت لاشه لردن چون صوبه کثرت طرح قتل دده و نیل کیم اولور یغما و قلیل کیم اولوب اول  
حوق صوبه آزار کورر و صافی یرن بولیمز اولور **بیت** و تخرج الاغور الدجال فی شیه  
صحت لها صفة نودی و الرسل و دخی دجال اغور بوقایعه صفة بغتة جعفر انک و صاف  
و اطوار صیج اولور رسل کورس و منقول روایات ایله دیمک معلوم اولور کیم  
شرعیتمز اعتماد احادیث شریفه محمدیه در بوقایعه صفة محله مضاف مقدار اولوب عن خیر الرسل  
تقدیر نوح اولو یا خود حبیب اکرم رسول اکرم صلی الله علیه و سلم هم برنی بوقدر که اتمینی  
دجالدن انذار ایدوب شریهن استعاذه انیش اولوب سور دخی حدیث شریف حبسکه برسلک  
دخی اخبار مقور و معلوم اولوب بواعث الرسل دخی اولو بوقایعه صفة حذف  
مضاف احتیاج اولو **بیت** و یکتشف الله لا واء کفتنهم علی ایدر الدوح اذ یاتیه فی الظل  
و دخی انور کثرت قتل دده ناشه اولو لا و ایه کشف ایدوب انور ایدر صیج دخی انور ایدر  
تجن اولو و ادفعه ظلمه کله یعنی غام اچینه نازل اولور دیمک لا و اوی بلوی و زنج

۵۵۱  
۵۵۲  
۵۵۳  
۵۵۴  
۵۵۵  
۵۵۶  
۵۵۷  
۵۵۸  
۵۵۹  
۵۶۰  
۵۶۱  
۵۶۲  
۵۶۳  
۵۶۴  
۵۶۵  
۵۶۶  
۵۶۷  
۵۶۸  
۵۶۹  
۵۷۰  
۵۷۱  
۵۷۲  
۵۷۳  
۵۷۴  
۵۷۵  
۵۷۶  
۵۷۷  
۵۷۸  
۵۷۹  
۵۸۰  
۵۸۱  
۵۸۲  
۵۸۳  
۵۸۴  
۵۸۵  
۵۸۶  
۵۸۷  
۵۸۸  
۵۸۹  
۵۹۰  
۵۹۱  
۵۹۲  
۵۹۳  
۵۹۴  
۵۹۵  
۵۹۶  
۵۹۷  
۵۹۸  
۵۹۹  
۶۰۰

شدت معاندر حدیث شریفه و ارد اولور **بیت** و یفرع الباغی بطاعت فلن یزیر غیر اس فی دم و حل ملک باغی کار طایفه سیله  
ثلث نبات فصر علی لا و ایتن کز له عجا یمن النار معوم شریفه بودر که شول کسکه ایدر قنری اولو  
دخی انور کثرت قتل دده صبر و مؤنثرینه تکفل و تحمل ایدر انور کاتوم آخرت نار جهنمه بر نهار عظیم  
اولور یعنی نار جهنمه حائل و لغ اولوب دخول جهنمه سبب حائل اولور  
والله یحکم ما یخار لا زحل کلا و لاشی یعنی الجدی عن حمل دخی الله تعالی اختیار اندر کیم ننده حکم ایدر  
حکم ایدر الله در زحل دکلر یعنی زحلک و یا خود آخر کو انور کاتوم اولو الله تعالی اختیار اندر کیم ننده حکم ایدر  
حاکم و کلا که کو انور کاتوم تأثیر مستقل اولو و برشی حدیث علمه اغنا ایدر مولف ناظمک حدیث  
و عمل و زحل ذکر کر تمثیل و نظیر قبیلند در خصوص قتل دده و غیر متعلق اولو لازم دکلر مقصود  
کو انور و بر وجهک تأثیر مستقل بوقدر حق بقادر مطلق و فاعل مختار در دیکه افاده در  
هذا و قدا فاض الحق ابرن سر الجلال بتلویج عن اجمل مؤلف کتاب بوقصید بلغیه  
نور موز و اسرار کشف ایدوب حوادث آیه دده بوقایعه اشارت و ایما ایله کده صفة قصید  
تمام ایلمک و کلامه خلخال اختتام بر لب و زینت و یمک استیجاب ایدر که بوند ذکر ایدر و کم  
بوند کور و دخی مواضع آخر حق تعالی فیض ایدر کلمات نه و ارایه که بنده حصار اولور  
این سرجال اقتضا الیوب ابراز ایتد در امور محله و عمل مستفاده دخی تلویج و اشارت الیه بیا اولور  
دیوب خلاصه و کلام بوند کشف المصنوع و هاد اولور دیکه راجع  
فی سرحه سرحت فی فی و ارفها روچی فرحت و قد اقبلت عن غفلة طایر روحم بر شجر سرح  
سیر ایتد اول شجرت ظل ظلیل و سایه کاملند اولو دخی حاله پس بنوعی عاقله کتم و دخی کلام  
عالم استغراقه و شوب کند مدن و غفلة صفة دائره ذاهل و غافل اولو دخی حاله مقصود  
بواسواری کشف ایدر کز طول عقل و سمت تکلیفین خارج ایدر دیکه غفلت کیم عین غفلة  
غفلت کیم اسم غفلة که بوند امثالنه اسم مصدر دیر بر بعض نسخ غفلة و بعض نسخ عن غفلة و شوب  
یا مشکله اضافله و اضافت کور کور معنای غفلة و غفلة دیکه اولور تصویر سابق  
اوزره عن بعد معانده اولو متب کور کور عملی علی الخلق یا یخوب ذایه من مشکله  
مرقد علما مقدار کل علی شول حاله و اردم و کلام که خلقه ذاتم املا ایدر دخی جمع ایدر  
محتوی اولو دخی شئی مکنون و مخدیه که انک جمع واحدی مقدار و جمع خلقت مقدارند  
معالی اولو انک مشکله دند در مقصود دخی روع اعظم ایدر و نور پاک محمدیه که بانوار اسرار  
اندن اقیانوس ایتد دیکه مراد ایدر **بیت** علیه من صلوة شرق و علی اصحاب الغرلم تنفذ و لم تحمل  
تشریف

۱۸۸۲  
۱۸۸۳  
۱۸۸۴  
۱۸۸۵  
۱۸۸۶  
۱۸۸۷  
۱۸۸۸  
۱۸۸۹  
۱۸۹۰  
۱۸۹۱  
۱۸۹۲  
۱۸۹۳  
۱۸۹۴  
۱۸۹۵  
۱۸۹۶  
۱۸۹۷  
۱۸۹۸  
۱۸۹۹  
۱۹۰۰  
۱۹۰۱  
۱۹۰۲  
۱۹۰۳  
۱۹۰۴  
۱۹۰۵  
۱۹۰۶  
۱۹۰۷  
۱۹۰۸  
۱۹۰۹  
۱۹۱۰  
۱۹۱۱  
۱۹۱۲  
۱۹۱۳  
۱۹۱۴  
۱۹۱۵  
۱۹۱۶  
۱۹۱۷  
۱۹۱۸  
۱۹۱۹  
۱۹۲۰  
۱۹۲۱  
۱۹۲۲  
۱۹۲۳  
۱۹۲۴  
۱۹۲۵  
۱۹۲۶  
۱۹۲۷  
۱۹۲۸  
۱۹۲۹  
۱۹۳۰  
۱۹۳۱  
۱۹۳۲  
۱۹۳۳  
۱۹۳۴  
۱۹۳۵  
۱۹۳۶  
۱۹۳۷  
۱۹۳۸  
۱۹۳۹  
۱۹۴۰  
۱۹۴۱  
۱۹۴۲  
۱۹۴۳  
۱۹۴۴  
۱۹۴۵  
۱۹۴۶  
۱۹۴۷  
۱۹۴۸  
۱۹۴۹  
۱۹۵۰  
۱۹۵۱  
۱۹۵۲  
۱۹۵۳  
۱۹۵۴  
۱۹۵۵  
۱۹۵۶  
۱۹۵۷  
۱۹۵۸  
۱۹۵۹  
۱۹۶۰  
۱۹۶۱  
۱۹۶۲  
۱۹۶۳  
۱۹۶۴  
۱۹۶۵  
۱۹۶۶  
۱۹۶۷  
۱۹۶۸  
۱۹۶۹  
۱۹۷۰  
۱۹۷۱  
۱۹۷۲  
۱۹۷۳  
۱۹۷۴  
۱۹۷۵  
۱۹۷۶  
۱۹۷۷  
۱۹۷۸  
۱۹۷۹  
۱۹۸۰  
۱۹۸۱  
۱۹۸۲  
۱۹۸۳  
۱۹۸۴  
۱۹۸۵  
۱۹۸۶  
۱۹۸۷  
۱۹۸۸  
۱۹۸۹  
۱۹۹۰  
۱۹۹۱  
۱۹۹۲  
۱۹۹۳  
۱۹۹۴  
۱۹۹۵  
۱۹۹۶  
۱۹۹۷  
۱۹۹۸  
۱۹۹۹  
۲۰۰۰



انك اذ زرت تشریف و تعظیم اولم صلوة یا خودانی تشریف اید بر صلوة رب العزت اولسون  
 و دفر اصحاب عزیزی اوزرینه اولسون انجلی صلوة که ابدالدهم نفوذ و نقضه بولمز و کجاول و بیل  
 بولمز مقصود دواوم صلوة افاده در غایت جمعیت جمیع احوال و غیره ایزد بیکدر  
 اشرف و سادات اقلیة و صف ایدر رقت شایع و ذابعد کرنا بیغ الوجوه دیر  
 ما اعتقت اللیل صبح جاو یعقبه و ایدم جنوع الشمس فی الظل جناب سالت بیا ه و آل  
 کرام و اصحاب عظامه نیم بصلوة و سلام دایم اولسون لیل صبح کلوب تعقیب لیل کج و جنوع شمس  
 طلع دایم اولدقچه طفل احوال شدن خیر غروب قریب اولوب عید در صلاه اولاه و قید کر اول  
 زانده البتة شمس مغرب بایل اولد کر کدر شمس ابتدا طلوع غروب و ارجه ساعات و اوقات  
 غروب و توزیع و تقیم الیوب هر بروقتنه بر اسم الیه اشارت اتمالدور مثلا اول طلوع غروب  
 بکورد بعد شروق بعد اشراق بعد راد بعد فحی بعد متوغ بعد هاجر انده صکر  
 اصیل انده صکر عصر صکر در صکر طفل بعد غروب اطلاق ایدوب بودجه اوزره استعمال  
 اتمالدور عصر در بلاغت و فصاحتهم بی نظیر اولوب طریای دیکله مشهور اولاه و زبر رشت  
 ضمیرک لایمة العجم دیکله شهرت بدیر اولان قصید سندن بوبیت و اقع اولان راد و طفل  
 دفر بومعنایه اشارت در **ب** مجدی اخیر و مجدی اول شروع و التسمی راد الفجر کالشمس فی الظل لطف  
 بعض لغات تقیم مذکور و بعد آخر الیه تغییر ایدوب ساعات نه را سمانک اولی رودر ۱۱۹  
 انده صکر بزوغ انده صکر غزاله انده صکر هاجر انده زوال انده دیکرت انده صکر ۱۲۹  
 عصر انده اصیل اندن صوب اندن حدود انده غروب و دیکله تکرار لافاده  
 ذکر اولدیر تفصیل شروع لایمة العجم مفهوم معلوم اولوب مؤلف تاظک بوند  
 مرادی افاده و دوام و بقا اولوب صلوة و سلام الی انتها و الزامه مخلد و جاوداه و سوس  
 دیکدر بونلرک اشائی معانی دوام و بقا دن کنایت اولوب شایع و ذابعد بومعنایه غنائی  
 افاده احوه سؤق و منظوم اولاه اشعار بلاغت رسوم و مبرور شیخ شرف الدین ۱۲۹  
 البوصیر نیک قصید و برده دیکله مشهور اولاه قصید میمیه سنک احتشای غایت لطیف  
 و نظام نها شمس حسن اشجام اوزره واقع اولوب مقبول طبع اولی النخی و ذوی الارحام اولدیر  
 مالکلام و اذن لیس صلوة منک دایم علی البیت بمنهل و منجم مارخت غزبات البان ریج طبیا  
 و اطر بالعین هادی الغیل النغم بوفیر هر دفر بوموال اوزره تکبیر ایدر کم قصید و میمیه  
 احتشای بوفی و دایمی بودجه ادا اتمالدور **بیت** و اطرت سحر الرضوانه منه علی

بکورد  
 ۲۲۹  
 ۲۲۹  
 ۸۰۰  
 ۲۱۸  
 ۲۰۳۳  
 راد  
 نخی  
 دجی  
 ۱۰۳۴  
 مجدی  
 ۱۷  
 جیم  
 ۵۳  
 بومعنایه  
 ۱۰۱۵

مشاهیر

مشاهیر الال و لافحای کلیم ماهیج الشوق تغریب لجام علی غصن البان او شاد لذی النفس  
 و بر قصید دالیه مرده دفر ادا اولدیر **ب** و صلی الی الخلق **ما خط کاتب** علی سید الرسل  
 الکرام محمد جناب رب الارباب و مالک الرقاب جل ذکره و عظم بره شکر فراوان و حمد و ثناء  
 اولسون بوفیر حقیر کثیر النقضانه نعمت سلامت طبع و فصاحتهم لسان احاده ایدوب  
 رومی المولود ایدم اختلاط عربی و ابتلاف اصحاب السع فضا احوه متجاوز خطه و روم  
 اولدن و ما صنیع شیخ قیصوم اولان قصید **قودم** معالی رسوم مصاحبت و مقارنته  
 فوز و وصول بولدن انلرک منهل عذیب اشعار ایدر بلاغت شعار لرندن ذوق و افر حظ  
 کامل برله کسب صفا و لذذنه نایل ایدر کندن ماعدا قرض شعر و نظم توانی ده انار بلاغت شعاریه  
 اقتفا و اقتدایم الیوب احیاناً غایب غایبه اوزر اشعار نظم قدرت و بر دیر و بومعنایه  
 عطیه علیہ ربانیه و موهبه بهیه سحایه نکت متفرعا تندر که اشوب کاتب بلاغت فصاحت  
 انکار معانی مشکیه نقابندن شق ابهام و برقع اریایه دفع ایدوب یدتا بید کاعده ترفیق الیه  
 رومی نغمه و العارندن فی اجمله جهیم کن و برقع انذار اولوب مقدر اولدیر مواضع عید سندن  
 لغات غریبه و الفاظ مشترکه ایزاد اولوب ظاهر معانی مرادنه دست رس بولمقد سبله  
 کمال اشکال و ارایم کجانه تعالی شرع و حاشیه سز قوت عربیت وجودت قریحه و سلامت فطرت  
 حبیله روی معانی ظاهر بندن برده و عجب و ستر اشعار رفع اولون اریایه لغت افاده  
 کافل اولدیر فی الحالی ظاهر و هویر اولدیر بروجهله بوقنه طالب اولدیر مبتدی اهل حرف ظفر  
 بولر ظاهر معانی بیت ترکیب یا هر نه بونده مطلع اولوب استخراج معانی مکنده جمل بندن قوای  
 ترکیب عید صور مفعله محتاج اولوب حل اولناه معانی دن مفهوم معهود و مفهوم مقصود انتقال الیه  
 بونلرک برله که بونلرک نقاب فاکرت نسخیه بود یارده کرم باب و ایل نادرا اولوب جمع ایدر کون  
 اوج عدد نسخی کرک اکثر مواضع محترف و مصحف اولمش و نسخ نادان و کاتب جوانک قلم جان  
 خراشندن جواهر الفاظ منظوم و منثور سده خلل کله و سکت فاحش متطرق اولمش ایدر کیم  
 بعض محل اولور دیکله اوج نسخی نکت برنده دافر بونی صحت و سداد استقام اولوب قرائت  
 سباق و سیاق الیه ترکیب صحیح استخراج صحت نقل و کتابة ترک جانب عقل و درایت  
 مراجعت اولور زان بعید و امدید تامل و تدبر دن صحت قوت فراست معانی تقویم  
 و ترکیب مستقیمه ظفر بولنر دیر و بوا اوج نسخی نکت دفر بر بندن زایل و نقضه جقند  
 تفاوت غایبان اولوب محل اولور دیر که نسخی نکت برنده جوق برنده از بار لغزین نجه کز تحریر بولنر دیر  
 هر جنبه تابع فلان واجب الامتثال اهل احتمالندن اجتناب و احتراز اولوب اتمام امور  
 اهتمام کوسر بولور دیر بناء علی خزانه عامه دن چکان نسخی و مقصود دستور العمل و پیش نهاد قلم

۹۰۹  
 ۴۲۲  
 ۱۰۳۲  
 ۱۰۳۴

ترکیب

مصحف  
 ۲۱۸

منقول  
 ۱۰۳۵







نور الدين نور المصطفى  
الحمد لله سنة ١٢٣٥ هـ  
مكة ١٨٠٩ قمره العام  
عنه اخذت لعايت در  
شماله اشير

البعث المزمع  
وجب وزن القعد  
وزن الجح والحرّم

سُرُوحُ فِي الْاَلْفِ مَعْصُوفٍ  
وَسُرُ الْاَلْفِ فِي النِّقْطَةِ  
وَالْيَعْنُ الْاَلْفِ الْاَلْفِ  
الْيَقْضُ

دین و دولت و عذر طاهر  
مظفر و مصطفیٰ  
محمد سیدالشیخ و المصطفیٰ  
و قاید الف المجلدین  
محمد بن بن الطاهر  
فردینز ۱۰۳۳  
نویسندگان  
۱۵ ماه

باب

ب ت ث ج ح ذ ز س ش ص ض ط ظ  
۲ ۴ ۵ ۳ ۱ ۶ ۷ ۳ ۹ ۱ ۹ ۹  
ع خ ف ق ک ل م ن  
۷ ۱ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵

عن صفينة رضي قال سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول اخلافه يعني  
فلان سبعة ثم كرهه مكانا ثم يقول امسك خلفه  
ايكم سبعة وخلافه عمر عشرة وعنه ابيه عشر  
وعلى سبعة من عبا

۰۲	۰۲	۰۲
۱۰	۱۰	۱۰
۱۲	۱۲	۱۲
۰۶	۰۶	۰۶
<hr/>		
۳۰	۳۰	۳۰

داود و مائوس  
۹ ۱



ان عبد السهور عند الله اشئ عشر شهرا

پس اعداد کمراتی دور در اعداد بنظر ترکیب حاصل اولور

نوژدن عقل فعال براتری و نفس در هیولای براتری و هوایا در براتری و  
هر کس که در عقل مرتبه ندارد و عقل مرتبه نداشته نفس مثله ندارد و مردن که عالمه اوله موجود آمده اوله هیولای مرتبه ندارد  
اما عقل اوله که در شمار و سایر اعضا در عرض خود ظاهر کند و کند و فیه قائم اوله مقصود چیست نظایر اوله که نفس مردم ذی جوارح  
و غیره اعضا بود که قائم نیست زیرا جمیع اعداد کشید کند و تفصیل قائم در حق تعالی و اعضا خطاب انگ جایز و کله بن جمیع  
اند و در جمیع اعضا انگ دارد و هر نه که علمه اوله و جمیع شیا به محیط در کماله نه و جمیع اعداد افزه در و جمیع اعضا انگ دارد  
و جمیع محیط در نه که سیلور نه متغیر اوله و ایدی برکت خالصی ذکر اوله تا اما یکی عدد اوله مطلق در  
و اول زوج در و اوج افرادت اوله در و درت عدد ناقصت و مرتبعت و مجذورت اوله در مثلاً  
محذورت درت اوله انگ جذری ایکه اوله زیرا که ایکه ایکه ضربت درت حاصل اوله و ناقص دیده مراد  
اجز این جمع اید یکت کندون انگه اوله مثلاً هر دت ربعی بر در و نصفی ایکه در جمع اید یکت اید اوله  
و بش هر وقت به بیش کند و نفس ضرب است که البته کند و سن حفظ اید و التي عدد تا تک اوله در یعنی اجز این  
جمع اید یکت به تمام کند و قدر اوله و هرگاه که کند و نفس ضرب است که البته کند و سن حفظ اید ویدی عدد کامل در

وهم فرد مرکبت. اولی در اما فردا دل دخی دیر وادون عشرتات آتی در

$$\begin{array}{r} 9 \\ 0 \\ \hline 80 \end{array} \quad \begin{array}{r} 9 \\ \hline 80.5 \\ \hline 80 \end{array}$$
[illegible]

دوتونز ایک



الیه - واده - واده دت - واده سکنه - اما زوج الزوج و الغود اوله که بردن زینان تنصیف او نمیه  
 اده ایکه - ویکرمی - ویکرم سکنه - یکیه و فرد که دیرلر - اول دخی فرد اوله - یا خود فرد مرکب  
 فرد اول اوله که این بردن غیری صایغرلر - اوج - و بش - ویدی و لهور وادن برکیه  
 اما فرد مرکب اوله که فردی فوده ضرب ایه س **مثلا** اوچی کسه نفنه ضرب ایه س **فوقه** اوله  
 فرد مرکبک اوله در لکن بونه هم بر - و هم اوج دخی صیارلر - و اگر اوچی بشه ضرب استک اده بش اوله  
 بونه دخی هم اوج و هم بش صیارلر - ایدی بلکلر که اعدادک حصصه واقع واده کلمات بی نهایت در  
 مفید و مختصری بیایه اوله بی خارج بیاینده در ۴ نوعه در

کے گھر

[illegible]

اربعه اعداد متناسبه الیه و اوج و الیه و طوقز کبیر در واده بن واده کنز و الیه و التی کبیر در سفع  
ایکینک اوج و نسبتی اوجیک ثلثی اولغیلدر و الیه نکه دفع طوقز نسبت هاه نه طوقز ثلثی اولغیلدر  
واده بنک اوه سکره نسبت اوه سکرک نصفی و ثلثی اولغیلدر و الیه نکه دفع التی هلی ندر اما ضرب یوندر  
واقع اوله نسبت ایکینک طوقز نسبتی نیمه ایسه اوجیک دفع الیه به الیه در یعنی الیه طوقز ضرب اندک اوه سکر اولدر  
و اوجی دفع الیه به ضرب اندک نه اوه سکر اولدر و واده بنی التی ضرب اندک طوقز یوز اولدری و واده سکر الیه ضرب  
اندک نه طوقز یوز اولدری و بر دفع یوکه اوجی الیه به ضرب اندک حاصلن ایکینک تقیم اندک طوقز واقع اولدر اوه سکر  
دفع الیه ضرب ایوب حاصلن اوه به نسبت تحت اندک نه التی اولدر معلوم اولدری هر هجده بنو لک بری بر  
مناسبه و اریش وقتی که بر سوالی بنو لک اوجی معلوم و در دجسه مجهول اولدر الی اول مجهول دفع یو معلوم لک  
مناسبه سبی الیه معلوم تک طلب اولدر مستلا اوه بن ارشون حوته اوه سکر فلوری به اولی بق  
الیه ارشون حوته مقدار فیلوری بر اولدر و غن بیک دلیک الیه اوه سکره ضرب ایوب حاصلن اوه به نسبت  
اندک خارج قسمت الیه ارشون حوته نکه بهایه نه واقع اولدر که طوقز یوز فلوریدر و اگر قوق درت و قیه سکر  
بیستون الیه اجمه اولحق اوه بری و قیه سکرک بهایه مقدار اولدری مطلب اولدر نه عادت اوز برنه اول بری به یک یوز  
الیه ضرب اندک ضرب حاصل دفع قوق درده قسمت اندک خارج قسمت ایکینک سکه طوقز اجمه و اوتوز درت باقی اولدری  
ایدر به تقدیر هجده ذکر اوه سکرک بهایه ایکینک سکه طوقز اجمه الیه بول و باقی و قوق درت بخش اندک برخشه اولدر  
وقس علی ذلك دفع اربعه و اعداد متناسبه قاعده یه بود در هر چند بنو لک اوجی معلوم و بری مجهول اولدر  
انظر ایدر ز کور در که اگر اول مجهول ایک طرفه اولنک بری الیه اور کاده اولنک بری برنه ضرب ایوب حاصلن اولدر  
اول ایک طرفه اولنک بری که معلوم که قسمت ایدر ز خارج قسمت اول عدد مجهول واقع اولدر و در مجهول اوه  
اورده اولنک بری واقع اولدر ایک طرفه اولنک بری برنه ضرب ایوب حاصلن اولدر اوده اولنک بری که معلوم  
که قسمت ایدر ز خارج قسمت اول عدد مجهول واقع اولدر و بر دفع یوکه اگر مجهول طرفینک بری اولدر اوسطینک برنه  
طرفینک بری که معلوم تقیم ایدر ز خارج قسمت اوسطینک برنه دفع ضرب ایدر ز حاصل ضرب عدد مجهول واقع اولدر  
و اگر مجهول اوسطینک بری اولدر که معلوم طرفینک برنه تقیم ایدر ز خارج قسمت طرفینک برنه  
دفع ضرب ایدر ز حاصل ضرب نه اول عدد مجهول اولدر اگر بش بیک التیوز طقا طه بقا بیک عشر  
مقدار اولدر و غن مطلب اولدر بش بیک الیه یوز طقا تک آهادی ادینی طح ایوب باقی طلاه بنو التی طوقز طه ذکر  
اوله بقا بیک عشری واقع اولدر صورتیه بود در ۵۶۹۷ و اگر بر اوه درهم کومش یکین سکر اجمه بیک اولی  
در تیوز تیش بری در هجده مقدار اجمه واقع اولدر و دفع اولدری طلب اولدر یکین سکر در تیوز تیش بری به ضرب ایوب حاصلن  
اون اوج بیک اهیوز الیه الیه در آهادی خانه س طرح ایکینک که بیک اوجیوز اوتوز بن اجمه و الیه باقی قالور











١٠٠

العدد التام • والعدد الزايد • والعدد الناقص • والأعداد المتخابة • فأقل ذلك العدد التام الذي  
يكو اجزأؤه ساديه لجلته من غير زياده ولا نقصان • ١٠ ٨ ٦ ٤ ٢ ١ وغير ذلك من الامثله • وان استخرجنا  
ان ترتب اعداد يكون اولها ١ يليه ٢ ثم الذي يليه اربعة هكذا على التوالي اعداد زوج الزوج على هذه الصوره  
واحد اثنين اربعة ثمانية ستة عشر اثنى عشر • فاذا جمعت الواحد الى الاثنين كافة بجمع ثلثه  
وهو عدد اول فاذا ضربته في آخر وهو اثنين وهو عدد تام • واذا جمعت الواحد الى الاثنين الى الاربعة  
كانت سبعة • وهو عدد اول فاذا ضربت في آخر المجموع وهو الاربعة  $\frac{7}{4}$  كان الخارج ثمانية وعشرون وهو عدد تام  
فاذا جمعت الواحد الى الاثنين الى الاربعة الى الثمانية  $\frac{7}{4}$  فاذا ضربت في آخر المجموع وهو ثمانية كان  $\frac{10}{12}$  وهو اعداد تام وهو رقم  
الى آخر المفروض • **واما عدد الزايد** فهو الذي يكو اجزأؤه اكثر منه اذا جمعت مثاله اثنى عشر وعشرين وغير ذلك من الامثله  
استخرج في ذلك انة تضع اعداد زوج الزوج والواحد اولها على ما تقدم ٢١ ٢ ٨ ١٦ فاذا جمعت من الواحد الى ما ردت  
من اعداد زوج الزوج على الاول • وضربت آخرها في عدد اول اقل من المجموع المفروض المسئلة كان الخارج عدد زايد  
وقدر زياده اجزأؤه على مجموعه قدر ما زادت جلته على المقروب فيه • وبينا ان انا اذا اجتمعت من الواحد الى الاربعة  
كان المجموع سبعة فاذا ضربت الاربعة التي هي آخر المجموع في ثلثة فتخرج ١٢ او في خمسة فتخرج ٢٠ وكل واحد منها زايد  
وقدر زياده اجزأؤه على جلته قدر زياده المجموع على المقروب كان الخارج عدد زايد وقدر زياده على جلته قدر زياده المجموع  
على المقروب فيه فاذا ضربت في ٢ خرج اربعة وعشرين فاذا ضربت في ٤ خرج ٣٦ واذا ضربت في ٦ خرج ٤٢  
واذا ضربت في ٨ خرج ٦٤ واذا ضربت في ١٠ خرج ٨٠ وكل واحد من هؤلاء عدد زايد وقدر زياده اجزأؤه  
على جلته قدر زياده المجموع على المقروب فيه فاذا جمعت من الواحد الى ١٦ كافة المجموع ١٧ فاذا ضربت في ١١ وهو آخر المجموع  
في ١٨٧ فاذا ضربت في ١٢ خرج ٢٠٤ فاذا ضربت في ١٣ خرج ٢٢١ فاذا ضربت في ١٤ خرج ٢٣٨ واذا ضربت  
في ١٥ خرج ٢٥٥ واذا ضربت في ١٦ خرج ٢٧٢ وكل واحد من هذه الاعداد زايد وقدر زياده اجزأؤه على جلته قدر  
زياده المجموع على المقروب فيه

وامّا العدد الذى قصر

وهو الذي يكونه اجزائه ناقص منه اربعة. وكذلك ثمانية. وكذلك ستة عشر. وكذلك على عدد الزوج <sup>الزوج</sup> الالف زوج الزوج لا يكون نقصانه على جملة اعني نقصانه اجزائه الا واحدا خاصة وغيرها من الناقص يختلف **وقانون استخراجها** وهو انه تقطع اعداد زوج الزوج والمبدأ من الواحد هكذا ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦ ١٧ ١٨ ١٩ ٢٠ ٢١ ٢٢ ٢٣ ٢٤ ٢٥ ٢٦ ٢٧ ٢٨ ٢٩ ٣٠ ٣١ ٣٢ ٣٣ ٣٤ ٣٥ ٣٦ ٣٧ ٣٨ ٣٩ ٤٠ ٤١ ٤٢ ٤٣ ٤٤ ٤٥ ٤٦ ٤٧ ٤٨ ٤٩ ٥٠ ٥١ ٥٢ ٥٣ ٥٤ ٥٥ ٥٦ ٥٧ ٥٨ ٥٩ ٦٠ ٦١ ٦٢ ٦٣ ٦٤ ٦٥ ٦٦ ٦٧ ٦٨ ٦٩ ٧٠ ٧١ ٧٢ ٧٣ ٧٤ ٧٥ ٧٦ ٧٧ ٧٨ ٧٩ ٨٠ ٨١ ٨٢ ٨٣ ٨٤ ٨٥ ٨٦ ٨٧ ٨٨ ٨٩ ٩٠ ٩١ ٩٢ ٩٣ ٩٤ ٩٥ ٩٦ ٩٧ ٩٨ ٩٩ ١٠٠ ١٠١ ١٠٢ ١٠٣ ١٠٤ ١٠٥ ١٠٦ ١٠٧ ١٠٨ ١٠٩ ١١٠ ١١١ ١١٢ ١١٣ ١١٤ ١١٥ ١١٦ ١١٧ ١١٨ ١١٩ ١٢٠ ١٢١ ١٢٢ ١٢٣ ١٢٤ ١٢٥ ١٢٦ ١٢٧ ١٢٨ ١٢٩ ١٣٠ ١٣١ ١٣٢ ١٣٣ ١٣٤ ١٣٥ ١٣٦ ١٣٧ ١٣٨ ١٣٩ ١٤٠ ١٤١ ١٤٢ ١٤٣ ١٤٤ ١٤٥ ١٤٦ ١٤٧ ١٤٨ ١٤٩ ١٥٠ ١٥١ ١٥٢ ١٥٣ ١٥٤ ١٥٥ ١٥٦ ١٥٧ ١٥٨ ١٥٩ ١٦٠ ١٦١ ١٦٢ ١٦٣ ١٦٤ ١٦٥ ١٦٦ ١٦٧ ١٦٨ ١٦٩ ١٧٠ ١٧١ ١٧٢ ١٧٣ ١٧٤ ١٧٥ ١٧٦ ١٧٧ ١٧٨ ١٧٩ ١٨٠ ١٨١ ١٨٢ ١٨٣ ١٨٤ ١٨٥ ١٨٦ ١٨٧ ١٨٨ ١٨٩ ١٩٠ ١٩١ ١٩٢ ١٩٣ ١٩٤ ١٩٥ ١٩٦ ١٩٧ ١٩٨ ١٩٩ ٢٠٠ ٢٠١ ٢٠٢ ٢٠٣ ٢٠٤ ٢٠٥ ٢٠٦ ٢٠٧ ٢٠٨ ٢٠٩ ٢١٠ ٢١١ ٢١٢ ٢١٣ ٢١٤ ٢١٥ ٢١٦ ٢١٧ ٢١٨ ٢١٩ ٢٢٠ ٢٢١ ٢٢٢ ٢٢٣ ٢٢٤ ٢٢٥ ٢٢٦ ٢٢٧ ٢٢٨ ٢٢٩ ٢٣٠ ٢٣١ ٢٣٢ ٢٣٣ ٢٣٤ ٢٣٥ ٢٣٦ ٢٣٧ ٢٣٨ ٢٣٩ ٢٤٠ ٢٤١ ٢٤٢ ٢٤٣ ٢٤٤ ٢٤٥ ٢٤٦ ٢٤٧ ٢٤٨ ٢٤٩ ٢٥٠ ٢٥١ ٢٥٢ ٢٥٣ ٢٥٤ ٢٥٥ ٢٥٦ ٢٥٧ ٢٥٨ ٢٥٩ ٢٦٠ ٢٦١ ٢٦٢ ٢٦٣ ٢٦٤ ٢٦٥ ٢٦٦ ٢٦٧ ٢٦٨ ٢٦٩ ٢٧٠ ٢٧١ ٢٧٢ ٢٧٣ ٢٧٤ ٢٧٥ ٢٧٦ ٢٧٧ ٢٧٨ ٢٧٩ ٢٨٠ ٢٨١ ٢٨٢ ٢٨٣ ٢٨٤ ٢٨٥ ٢٨٦ ٢٨٧ ٢٨٨ ٢٨٩ ٢٩٠ ٢٩١ ٢٩٢ ٢٩٣ ٢٩٤ ٢٩٥ ٢٩٦ ٢٩٧ ٢٩٨ ٢٩٩ ٣٠٠ ٣٠١ ٣٠٢ ٣٠٣ ٣٠٤ ٣٠٥ ٣٠٦ ٣٠٧ ٣٠٨ ٣٠٩ ٣١٠ ٣١١ ٣١٢ ٣١٣ ٣١٤ ٣١٥ ٣١٦ ٣١٧ ٣١٨ ٣١٩ ٣٢٠ ٣٢١ ٣٢٢ ٣٢٣ ٣٢٤ ٣٢٥ ٣٢٦ ٣٢٧ ٣٢٨ ٣٢٩ ٣٣٠ ٣٣١ ٣٣٢ ٣٣٣ ٣٣٤ ٣٣٥ ٣٣٦ ٣٣٧ ٣٣٨ ٣٣٩ ٣٤٠ ٣٤١ ٣٤٢ ٣٤٣ ٣٤٤ ٣٤٥ ٣٤٦ ٣٤٧ ٣٤٨ ٣٤٩ ٣٥٠ ٣٥١ ٣٥٢ ٣٥٣ ٣٥٤ ٣٥٥ ٣٥٦ ٣٥٧ ٣٥٨ ٣٥٩ ٣٦٠ ٣٦١ ٣٦٢ ٣٦٣ ٣٦٤ ٣٦٥ ٣٦٦ ٣٦٧ ٣٦٨ ٣٦٩ ٣٧٠ ٣٧١ ٣٧٢ ٣٧٣ ٣٧٤ ٣٧٥ ٣٧٦ ٣٧٧ ٣٧٨ ٣٧٩ ٣٨٠ ٣٨١ ٣٨٢ ٣٨٣ ٣٨٤ ٣٨٥ ٣٨٦ ٣٨٧ ٣٨٨ ٣٨٩ ٣٩٠ ٣٩١ ٣٩٢ ٣٩٣ ٣٩٤ ٣٩٥ ٣٩٦ ٣٩٧ ٣٩٨ ٣٩٩ ٤٠٠ ٤٠١ ٤٠٢ ٤٠٣ ٤٠٤ ٤٠٥ ٤٠٦ ٤٠٧ ٤٠٨ ٤٠٩ ٤١٠ ٤١١ ٤١٢ ٤١٣ ٤١٤ ٤١٥ ٤١٦ ٤١٧ ٤١٨ ٤١٩ ٤٢٠ ٤٢١ ٤٢٢ ٤٢٣ ٤٢٤ ٤٢٥ ٤٢٦ ٤٢٧ ٤٢٨ ٤٢٩ ٤٣٠ ٤٣١ ٤٣٢ ٤٣٣ ٤٣٤ ٤٣٥ ٤٣٦ ٤٣٧ ٤٣٨ ٤٣٩ ٤٤٠ ٤٤١ ٤٤٢ ٤٤٣ ٤٤٤ ٤٤٥ ٤٤٦ ٤٤٧ ٤٤٨ ٤٤٩ ٤٥٠ ٤٥١ ٤٥٢ ٤٥٣ ٤٥٤ ٤٥٥ ٤٥٦ ٤٥٧ ٤٥٨ ٤٥٩ ٤٦٠ ٤٦١ ٤٦٢ ٤٦٣ ٤٦٤ ٤٦٥ ٤٦٦ ٤٦٧ ٤٦٨ ٤٦٩ ٤٧٠ ٤٧١ ٤٧٢ ٤٧٣ ٤٧٤ ٤٧٥ ٤٧٦ ٤٧٧ ٤٧٨ ٤٧٩ ٤٨٠ ٤٨١ ٤٨٢ ٤٨٣ ٤٨٤ ٤٨٥ ٤٨٦ ٤٨٧ ٤٨٨ ٤٨٩ ٤٩٠ ٤٩١ ٤٩٢ ٤٩٣ ٤٩٤ ٤٩٥ ٤٩٦ ٤٩٧ ٤٩٨ ٤٩٩ ٥٠٠ ٥٠١ ٥٠٢ ٥٠٣ ٥٠٤ ٥٠٥ ٥٠٦ ٥٠٧ ٥٠٨ ٥٠٩ ٥١٠ ٥١١ ٥١٢ ٥١٣ ٥١٤ ٥١٥ ٥١٦ ٥١٧ ٥١٨ ٥١٩ ٥٢٠ ٥٢١ ٥٢٢ ٥٢٣ ٥٢٤ ٥٢٥ ٥٢٦ ٥٢٧ ٥٢٨ ٥٢٩ ٥٣٠ ٥٣١ ٥٣٢ ٥٣٣ ٥٣٤ ٥٣٥ ٥٣٦ ٥٣٧ ٥٣٨ ٥٣٩ ٥٤٠ ٥٤١ ٥٤٢ ٥٤٣ ٥٤٤ ٥٤٥ ٥٤٦ ٥٤٧ ٥٤٨ ٥٤٩ ٥٥٠ ٥٥١ ٥٥٢ ٥٥٣ ٥٥٤ ٥٥٥ ٥٥٦ ٥٥٧ ٥٥٨ ٥٥٩ ٥٦٠ ٥٦١ ٥٦٢ ٥٦٣ ٥٦٤ ٥٦٥ ٥٦٦ ٥٦٧ ٥٦٨ ٥٦٩ ٥٧٠ ٥٧١ ٥٧٢ ٥٧٣ ٥٧٤ ٥٧٥ ٥٧٦ ٥٧٧ ٥٧٨ ٥٧٩ ٥٨٠ ٥٨١ ٥٨٢ ٥٨٣ ٥٨٤ ٥٨٥ ٥٨٦ ٥٨٧ ٥٨٨ ٥٨٩ ٥٩٠ ٥٩١ ٥٩٢ ٥٩٣ ٥٩٤ ٥٩٥ ٥٩٦ ٥٩٧ ٥٩٨ ٥٩٩ ٦٠٠ ٦٠١ ٦٠٢ ٦٠٣ ٦

فإذا اجتمع في الواحد إلى الأربعة كان المجموع سبعة فإذا ضربت في عدد أول الكثر في السبعة  
مثل أم يغتر بكرة أي ربع ١ وهو عدد ناقص وإذا ضربت في ١٠ كاه أي ربع ١ وهو عدد ناقص وإذا ضربت  
في ١٧ كاه أي ربع ١ وهو عدد ناقص وإذا اجتمع في الواحد إلى الثمانية في عدد أول الكثر في التمهلي المجموع  
مثل ١٧ بكرة أي ربع ١٣٦ وذلك ضرب في ١٧ وهو عدد ناقص وكذلك غيره هذا مما بعده فأنمله

وهما عدداً أحدهما زائد والآخر ناقص وقد زائدة اجزاء الزائد على نفسه كقدر نقصان  
اجزاء الناقص من نفسه فاذا جمعت اجزاء الزائد اجتمع منها مثل الزائد فاذا كان بمثل هذه  
المثابة فيها متماثلان **مثال الاول** مائتين وعشرين مائتين اربعة ومائتين

فالأول زائداً والثاني ناقصاً وزيادة أجزاء الأول على جملة أربعة وستين وبها يكون مثل الثاني وهو القدر بعينه هو نقصه الثاني عن الأول استخراجهما أنه تضع أعداد زوج الربع مبتدئاً من الواحد هكذا ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦ ١٧ ١٨ ١٩ ٢٠ ثم تجمع ما قبل آخر يعني الواحد والاثني والاربعة وهم سبعة وتحفظ ذلك المجموع يعني السبعة ويزيد عليه آخر المجموعة وهو أربعة يكون المجموع ثم تنقص

من المجموع الذي هو سبعة العدد الذي قبل آخر ما جمعت وهو اثنا عشر فيحصل عددين أحدهما  
والآخر فتقرب أحدهما في الآخر يخرج فاذا ضربت في آخر المجموع وهو كماه الخارج وهو واحد اعداد المتحابة  
وهو الزائد فيما بيناه ثم تأخذنا بعد اجزاء آخر مجموع يليه وهو في هذه المسئلة ثمانية وتأخذ الرابع  
منه على العكس وهو واحد فتجمعها يصير فتقربه في يخرج اثنين وسبعين فتسقط منه واحد ابراهيمي  
٧١ وهو عدد اول فتقرب في آخر المجموع وهو وهو العدد الثاني من الاعداد المتحابة وهو ناقص

[illegible]



من الاعداد المتخابة وهو النقص وعدد هذه الاعداد المتخابة الاول هذا ١٧٢٢٦ وهو زائد والآفر  
 ١٨٢١٦ عدد ناقص وهما متخابة كالعدد ٢٢٥ و ٢٨٢٢٦ وعلى هذا عمل الاعداد المتخابة  
 واعلم ان شرط المضروب في اجزاء المجموعة ان يعنى اولا عدد اصغر ذكر ذلك الامام الفاضل السيد الشريف  
 ابو عبد الله نفع الله بعلومه ورضي عنه وهو ما قبله متناقض لانه ضرب ٤ في ٣ فخرج احد العددين المتخابة  
 يعنى ٢٢٥ وهو المثال الاول فتأمل فاقول تبين مما ذكرناه انه اذا جمعت اعداد زوج الزوج متباينين الواحد  
 وهو معها فاما ان يضرب الجميع في آخر المجموعة او غير فان ضرب في آخر المجموعة كانه خارج عدداً تاماً واذا ضرب غير  
 فاما ان يكون المضروب فيه عدداً اولاً او غير ذلك فانه لم يكن اولاً لم ينتج وانه كانه اولاً فانه كانه اقل من مجموع  
 جملة الاعداد المفروضة وضرب فيه آخرها فالخارج عدد زائد وبلغ زيادة اجزائه على جملة قدر زيادة المجموع  
 على المضروب فيه وانه ضرب بالآخر الاعداد المفروضة في عدد اول اكثر من مجموعها فالخارج عدد ناقص وبلغ نقصه  
 اجزائه عن جملة قدر نقصه المجموع على المضروب فيه وانه ضرب بالمجموع فزيد عليه الآخر في المجموع منقوصاً منه كما قبل الآخر  
 وضرب الخابج في الآخر خرج احد العددين المتخابين وهو الزايد وانه ضرب باحد آخر المجموعة مضافاً اليه رابعة  
 المعكوس في نفسه من غير اضافة واسقط في الخارج واحد ثم ضرب بالباقي في آخر المجموعة خرج العدد الثاني من الاعداد  
 المتخابة وهو العدد الناقص واعلم انهما الواقف على هذا الكتاب انه قد ضا هذه المقدمة  
 انما لتعرف تركيب العدد وكيف تخرج الاعداد المتخابة منه حيث لا يكون عليك تقليداً وقال افلاطون  
 هذه الاعداد المتخابة اعلم ان اذ كتبت في طالع الزهرق في قلب لوزة ويكون ذلك القلب مزدوجاً فيكتب الواحد  
 العدد الزايد وهو ٢٢٥ كما ذكرنا وفي القلب الآخر العدد الناقص وهو ٢٨٢٢٦ المقدم ذكره وتعلم المط  
 العدد الناقص وتاكل الطالب العدد الزايد فيكون بينهما حباً شديداً وهذا متفق عليه وقال افلاطون  
 اذا ركب في وفق مربع ٣ في ٣ في شرف الشمس ويكون النقش في خاتم ويكونه الا بقاء في اول بيت من المربع  
 ٢٢٢ ويمشى بزياده واحد الى البيت السادس عشر فاذا اردت بتعليق احداً حبك فتطبع الخاتم الذي فيه  
 الوفق على شرف من الماكول وتاكل منه وتطعم من تريد وكذلك اذا غمست في ماء وشرب منه متباغضين تحاباً  
 حباً شديداً ولا يفترقان ابداً والله الموفق وهذا صفة الوفق الذي يتفق  
 على الخاتم فتأمل واعلم انهما الناظر في هذا الوفق اذ القطرين  
 الاولين عرضاً وهما نصف الوفق تضمنوا العدد ٢٢٥  
 والقطرين الآخرين وهما الثالث والرابع عرضاً تضمنوا العدد  
 ٢٨٢

٣١	٢٤	٣٧	٢٢
٣٦	٢٨	٣٠	٣٨
٢٦	٣٩	٣٢	٢٩
٣٣	٢٨	٢٧	٣٨

فحصل بذلك الوضع الالف من المتخابة واعلم انه اذا كان عدد اسم طالب وعدد اسم مطلوب بينهما تبين فيكونا  
 متباغضين اما في الظاهر واما في الباطن يعنى في الباطن انه يكون رجل لا يوف رجل ولا اسي اليه فقط ومع ذلك  
 اذا نظر اليه لا يحبته ويكرهه واما الذي في الظاهر فيتبين واذا كانت اعدادهما متداخلة كان بينهما حباً  
 شديداً في القلوب واذا كانت اعدادهما متوافقة كان بينهما اتفاق في الباطن والظاهر فاقول  
 فائز علم العدد ان تولف بين المتخالفين فاذا حسبت حروف المتخالفين ووجدتهما  
 متباينين فاحسب حروفهما بالجمل الصغير وانظر ما يخص كل واحد من العدد ثم انظر الغالب  
 من الغلوب فالذي يكون منهما مغلوباً اصنف عدده المحسوب بالجمل الصغير الى العدد الزايد من الاعداد  
 المتخابة والعدد الغالب ضفه الى العدد الناقص من الاعداد المتخابة ويكون ذلك في ورقتين وتلقى  
 الورقتين وجهاً الى وجه في ساعة الزهرق ولانه كانت في الطالع فهو اقوى وانتم واعلم ان احد العلماء  
 من اهل هذا الفن رصد في وقت طالع الزهرق وهي في شرفها وكتب اعداد المتخابة على فدي مقصود وضعه  
 مفتوحاً فاللقا المقصود من غير واسطة وهذا من قوة الاعداد

في خواص الاعداد المتوافقة اعلم ان عدد ٢٢٥ متفق مع ٣٥ فاقول لما كانا متفقين  
 فصار احدهما واحداً على هذه الصورة ٢٢٥ وهو عدد يدل على الحياة وحسن الخلق وهو الجاه والقبول  
 وهو من حروف الشجرة الدالة على الخلق من نقشها في صحيفة ذهب والشمس في المخرج الشريف اذ في قصدير ونحوه  
 بالكندر والكون ووضعها على رأسه خرجت كاشرة من صدره ووضع في قلبه التوبة  
 في خواص اعداد المتناكرة اذا اردت ان تفريق بين اثنين فترمي حجراً الى طيب حتى يعقده واخذه  
 ويكتب عليه الاعداد المتناكرة بآء النوم ويدفن الحجري في موضع يحتمل فيه فانهما يفترقان على الفور  
 واعلم ان هذه المأية يفوق العاكر ويخبرهم على الحال واذا كتبت هذه الاعداد ١٦٨ في  
 خرقه زرقاء وجعلت مفتولا وحرقت في مكان وقع فيه الفرة ولشتر واذا كتبت في شقة  
 نية يوم السبت آخر الشهر ويكون فارغا ويحرق ذلك بآء الحمام ويا اعداد وطير الطباع  
 ويا الصباغ ويا احرار ويا الذي يشربوا منه الدجاج ويا السفايح ودرش من قوم  
 يوقوا عن عمل فائق الله فيما تفعل ومن كتب هذه الاعداد ٢٢٠ وهي ركن في اية ومحامها وسقي  
 ذلك الماء من تريد فانه يحبه حباً شديداً ويتمكن منه محبة وهو خاصية جليلة والله اعلم



[illegible]

۱-  
تاج  
تاج  
لحم و قوام  
ه  
خس و  
ز  
موت و مال  
م  
ن

[illegible]







**الف** نسبة يوم التوحيد  
فتدبر ذلك تحفة هبوط الحجة نبوة  
والاخر حجة  
**ج** نسبة فطرة  
نسبة فطرة

چهارم سال دیگر فاضل بنا ملک بیگانه بدو آشنایند  
پنجم سال آشنایان در نزد کوهستان اهلان حکم زنند

Handwritten notes and calculations on aged paper:

- Top left:  $\frac{967}{10}$
- Top right:  $\frac{778}{10}$
- Middle left:  $\frac{210}{10}$
- Middle right:  $\frac{100}{10}$
- Bottom left:  $\frac{100}{10}$
- Bottom center:  $\frac{100}{10}$
- Bottom right:  $\frac{100}{10}$

The handwriting is in Arabic script.

۳۹۵۲۵  
۳۹۵۲۵

این اوتوزی  
درون دارد

کوران

۱۱  
۲  
۸  
۴

۱۱  
۲  
۸  
۴

*(Handwritten notes in Urdu script)*

۱۰۲	۳۸
-----	
۵۱۲	
۰۱۰۰	
۳۹	
-----	
۳۹۴۲	
۳۹۴۲	

۳۶۰۱  
۳۶۰۲

عبد  
٧٨

حليم  
٧٨

٧٨

٧٨

٧٨

[illegible][illegible]

Handwritten notes in Urdu script, including calculations and text. Visible numbers include 967, 104, and 10. The text includes "مجموعہ" (Total) and "مبلغ" (Amount).

*[Faint handwritten notes and calculations, possibly related to the preceding page's work.]*



سنگی او تو بر دوری عبادت در ۳۳  
۹۹۰  
۶۶۰



مع البروج وكل البروج يحكم بذاته بحكم متغاير الساعات  
كيف مع المرخ ومحكم في ثباته فما كان صاحب الظهور كيوته ثابتا وقايما وسيفاق  
سنة ولحمة لحوار

نسبة يوم السجود آدم  
نسبة بركت تلك الحدة هو من الجنة نسبة  
والارض نسبة

طالع ٢٣٨٠  
شمس ستم الغيب في رجب  
نوافل

نسبة فطرة

شكل ترسي  
أنت زينة  
رباعيات زينة

تبرستان اول  
۳۱  
مباط  
در عام  
والک  
لا فکا  
و  
نصف

*(Faint handwritten notes and calculations, possibly related to the preceding page's work.)*

میں دوستوں کے  
 دوستوں کے  
 کورس کے  
 دوستوں کے  
 دوستوں کے

فوق اربع مائة  
ملا فونديتو

میلاد نوروز در محفل ادب و کرامت

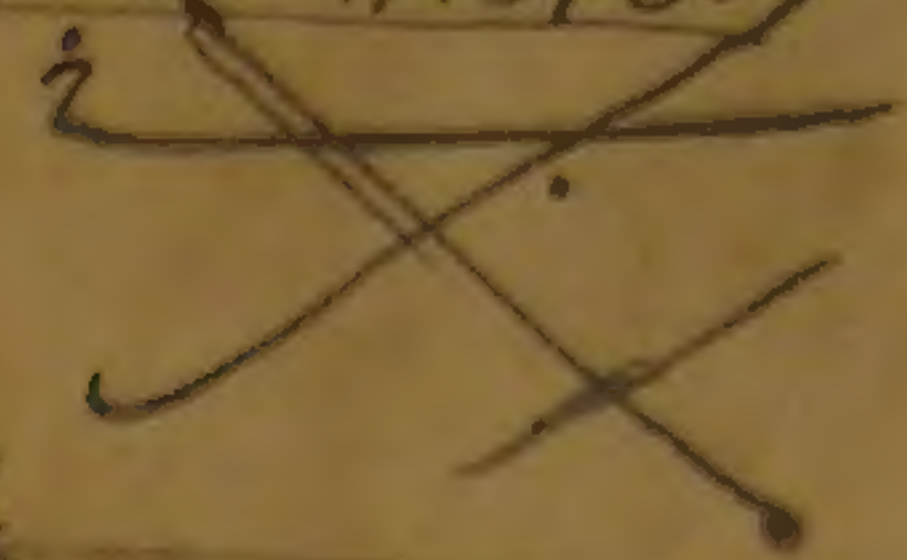
$\frac{1}{2} \sqrt{2}$   
 $\frac{1}{2} \sqrt{2}$   
 $\frac{1}{2} \sqrt{2}$

مجلس اول در روز دوشنبه ۹۹۰  
در روز دوشنبه ۹۹۰



تمام  
۶۷۰  
۲۵۹۲۰۵

اعداد الافراد  
در مقامات الاولاد



۲۵  
۱۱۷۹

باسط ۱۲ و دود